



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



پیس و جر

با موضوع

اقتصاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اقتصاد

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
اقتصاد	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
نظام اقتصادی اسلام	۱۴
آیا قوانین اقتصادی ربطی به ایدئولوژی دارد؟ فی المثل در عملیات بانکی اگر بخواهیم قوانین فقهی را اجرا کنیم، داد و ستد رونق نمی یابد، چون مثلاً شخصی مبلغی را به بانک می دهد و سود آن را دریافت می کندو با آن زندگی می کند و هیچ کار اقتصادی نمی کند.	۱۴
پرسش	۱۴
پاسخ	۱۴
آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟	۱۵
پرسش	۱۵
پاسخ	۱۵
اسلام با اقتصاد چند گونه پیوند دارد؟	۱۷
پرسش	۱۷
پاسخ	۱۷
اصول متعارفه و موضوعه اقتصاد اسلامی چیست؟	۱۸
پرسش	۱۸
پاسخ	۱۸
اسلام چه نوع درآمدهایی را ممنوع کرده است؟	۱۸
پرسش	۱۹
پاسخ	۱۹
رابطه « اخلاق » و « اقتصاد » در اسلام چگونه است؟	۲۰
پرسش	۲۰
پاسخ	۲۰
آیا احکام اقتصادی اسلام بیشتر بیانگر تجارت است و توجهی به کشاورزی ندارد؟	۲۰
پرسش	۲۰
پاسخ	۲۰
آیا در قرآن کریم در مورد ربا خوری و پول ربوی آیاتی آمده است عذاب های دنیوی و اخروی رباخوار چیست	۲۱
پرسش	۲۱
پاسخ	۲۱
فرق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری چیست و آیا برنامه های اول و دوم دولت با اقتصاد اسلامی هماهنگ است ؟	۲۳
پرسش	۲۳
پاسخ	۲۳
چرا در معارف اسلام مسائل اقتصادی کمتر مطرح شده	۲۶
پرسش	۲۶
پاسخ	۲۷
اسلام و توسعه	۲۷
میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟	۲۷
پرسش	۲۷
پاسخ	۲۷
راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟	۳۱
پرسش	۳۱

- ۳۱ - پاسخ
- ۳۴ - قرآن کریم برای جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان چه راه‌هایی معین کرده است
- ۳۴ - بررسی
- ۳۴ - پاسخ
- ۳۶ - ۱ لطفاً در خصوص فقر و تلاش برای رفع آن توصیه‌هایی عنایت فرمائید؟
- ۳۶ - بررسی
- ۳۶ - پاسخ
- ۳۷ - تأثیر علم و ثروت در پیشرفت انسان چگونه است؟
- ۳۷ - بررسی
- ۳۷ - پاسخ
- ۳۹ - دیدگاه قرآن درباره رسیدگی به مستضعفین چیست
- ۳۹ - بررسی
- ۳۹ - پاسخ
- ۴۰ - راه رسیدن به خودکفایی برای یک کشور از نظر قرآن چیست
- ۴۰ - بررسی
- ۴۰ - پاسخ
- ۴۱ - چرا مؤمنان همیشه در دنیا فقیر هستند، ولی ظالمان ثروتمند هستند؟
- ۴۱ - بررسی
- ۴۱ - پاسخ
- ۴۲ - چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.
- ۴۲ - بررسی
- ۴۲ - پاسخ
- ۴۳ - آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟
- ۴۳ - بررسی
- ۴۳ - پاسخ
- ۴۶ - علت این همه فقر و بیکاری و نابسامانی در مملکت ما چیست؟
- ۴۶ - بررسی
- ۴۶ - پاسخ
- ۵۰ - چرا کشورهای اسلامی فقیر، ضعیف و عقب مانده اند؟
- ۵۰ - بررسی
- ۵۰ - پاسخ
- ۵۴ - منظور از توسعه اقتصادی چیست؟
- ۵۴ - بررسی
- ۵۴ - پاسخ
- ۵۴ - در زمینه انباشتن ثروت از دیدگاه اسلام چه آمده است؟ آیا این امر خوب است؟
- ۵۴ - بررسی
- ۵۴ - پاسخ
- ۵۷ - از دیدگاه اسلام آیا سرمایه‌داری درست است؟ آیا حضرت علی(ع) سرمایه‌دار زمان خویش بودند؟ اگر جواب مثبت است، دلیل قناعتشان چه بوده است؟
- ۵۷ - بررسی
- ۵۷ - پاسخ
- ۵۹ - آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

- برسش ..... ۵۹
- پاسخ ..... ۵۹
- چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند..... ۶۲
- برسش ..... ۶۲
- پاسخ ..... ۶۲
- آیا اسلام پول و ثروت را محکوم کرده است؟..... ۶۴
- برسش ..... ۶۴
- پاسخ ..... ۶۴
- میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟..... ۶۵
- برسش ..... ۶۵
- پاسخ ..... ۶۵
- راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟..... ۶۸
- برسش ..... ۶۸
- پاسخ ..... ۶۸
- روشن است که انسان فقیر گرفتار است، رهنمود دین برای نجات از فقر چیست؟..... ۷۱
- برسش ..... ۷۱
- پاسخ ..... ۷۱
- آیا امیدی به پیشرفت جامعه با توجه افزایش جمعیت وجود دارد؟..... ۷۲
- برسش ..... ۷۲
- پاسخ ..... ۷۲
- چگونه می توان حس همکاری را میان مردم ایجاد کرد، تا باعث رشد و ارتقای کیفیت کالا و خدمات شود و از وابستگی به نفت خودکفا شویم ؟ ..... ۷۶
- برسش ..... ۷۶
- پاسخ ..... ۷۶
- آیا عمل به مستحبات و ترک مکروهات مانع کار و کوشش نمی شود؟ ..... ۷۷
- برسش ..... ۷۷
- پاسخ ..... ۷۷
- حد و رمز سرمایه داری در اسلام را مشخص کنید؟ آیا احادیثی در مورد تشویق سرمایه داری در اسلام یا احترام به سرمایه داران داریم؟ ..... ۷۷
- برسش ..... ۷۷
- پاسخ ..... ۷۷
- تورم ..... ۷۹
- ارزش پول یک کشور به چه عواملی بستگی دارد و چگونه می توان آن را ارتقا داد؟ ..... ۷۹
- برسش ..... ۷۹
- پاسخ ..... ۷۹
- علت تورم و گرانی در کشور ما چه می باشد؟ ..... ۷۹
- برسش ..... ۷۹
- پاسخ ..... ۷۹
- چگونه باید کمک کنیم که تورم کم شود؟ ..... ۸۱
- برسش ..... ۸۱
- پاسخ ..... ۸۱
- چرا وقتی گرفتار جنگ بودیم اجناس گران نبود؟ ..... ۸۳
- برسش ..... ۸۳

- ۸۳ ..... پاسخ
- ۸۳ ..... تورم وسوده‌های کلان فاصله طبقاتی راز یادترمی کندواعمال ماباشعارهافاصله زیادی دارد و ما امروز روی تبلیغات تکیه می کنیم و از واقعیتها دور هستیم؟ چه کنیم؟
- ۸۳ ..... پرسش
- ۸۳ ..... پاسخ
- ۸۷ ..... مهم ترین علل تورم اقتصادی در ایران چیست؟
- ۸۷ ..... پرسش
- ۸۷ ..... پاسخ
- ۸۷ ..... بانکداری اسلامی
- ۸۷ ..... آیا قانون بانکداری بدون ربا در جامعه ما اجرا می شود؟
- ۸۷ ..... پرسش
- ۸۷ ..... پاسخ
- ۸۸ ..... نظام بانکداری بدون ربا، سرکاریهایی که مردم را می گذارند .
- ۸۸ ..... پرسش
- ۸۸ ..... پاسخ
- ۹۴ ..... اصول بانک داری اسلامی چیست؟
- ۹۴ ..... پرسش
- ۹۴ ..... پاسخ
- ۹۴ ..... چرا بانک ها مردم را تشویق به سپرده گذاری می کنند؟ مگر نه این که چرخ صنعت بایستی برای کشورهای اسلامی به حرکت در آید، پس چرا دولت مردم را تشویق به سرمایه گذاری و بی حرکت بودن سرمایه مَلّی در بانک ها می کند؟
- ۹۴ ..... پرسش
- ۹۴ ..... پاسخ
- ۹۵ ..... آیا فعالیت بانکها بدون رباخواری ممکن است؟
- ۹۵ ..... پرسش
- ۹۵ ..... پاسخ
- ۹۶ ..... آیا می توان اعتقاد داشت که شیوه کنونی بانکداری مابقاً اسلامی است؟ مثلا در مورد انواع قراردادها ، قرارداد مضاربه می باشد که همانطور که می دانید دو طرف باید درسود و زیان شریک باشند درحالی که بانک در این نوع عقود فقط سود خود را ( که آنهم تعیین شده و خالی از ا- )
- ۹۶ ..... پرسش
- ۹۶ ..... پاسخ
- ۹۹ ..... به نظر جنابعالی آیا شایسته نمی باشد که حوزه علمیه در رابطه با مشکل سپرده گذاری پول در بانکها جواب شفاف و جامع بدهد؟
- ۹۹ ..... پرسش
- ۹۹ ..... پاسخ
- ۱۰۱ ..... در نظام بانکداری اسلامی دریافت و پرداخت سود بر چه مبنائی انجام می گیرد؟
- ۱۰۱ ..... پرسش
- ۱۰۱ ..... پاسخ
- ۱۰۱ ..... آیا سیستم بانکداری کشور ما، اسلامی است؟ چرا زمانی که امام خمینی (ره) قدرت و نفوذ کاملی برای اصلاح سیستم بانکی داشتند، آنرا اصلاح نکردند؟
- ۱۰۱ ..... پرسش
- ۱۰۱ ..... پاسخ
- ۱۰۸ ..... با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که کلا نظام اقتصادی کشور را به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می نماید و در ذیل مواردی که شامل دولتی می گردد صریحا ذکر می کند موارد همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، بیمه، بانکداری و... دولتی می باشند ولی هم اکنون
- ۱۰۸ ..... پرسش
- ۱۰۸ ..... پاسخ
- ۱۰۹ ..... توضیح دهید آیا طریقه عملکرد بانکها و صندوقهای قرض الحسنه در کشور صحیح است؟
- ۱۰۹ ..... پرسش
- ۱۰۹ ..... پاسخ



- ۱۱۲ ..... ربا در اسلام حرام است، سودهایی که بانکها اخذ و یا پرداخت می کنند حلال است یا حرام؟
- ۱۱۲ ..... پرسش
- ۱۱۲ ..... پاسخ
- ۱۱۳ ..... جایگاه بانک و بهره بانکی در اسلام چیست؟
- ۱۱۳ ..... پرسش
- ۱۱۳ ..... پاسخ
- ۱۱۵ ..... عدالت اقتصادی
- ۱۱۵ ..... عوامل تعدیل کننده اوضاع اقتصادی، مالی و توزیع ثروت، در نظام اسلامی چیست؟
- ۱۱۵ ..... پرسش
- ۱۱۵ ..... پاسخ
- ۱۱۸ ..... آیا حقوق واجب مالی در اسلام، از قبیل خمس و زکوة، نیاز نیازمندان را تأمین میکند؟
- ۱۱۸ ..... پرسش
- ۱۱۸ ..... پاسخ
- ۱۱۹ ..... با توجه به سفارش اسلام که از منابع طبیعی و معادن و نفت کشور اسلام باید به اندازه نیاز مردم برداشت شود
- ۱۱۹ ..... پرسش
- ۱۱۹ ..... پاسخ
- ۱۲۰ ..... مالکیت در اسلام
- ۱۲۰ ..... آیا مالکیت امری فطری است ؟
- ۱۲۰ ..... پرسش
- ۱۲۰ ..... پاسخ
- ۱۲۳ ..... آیا دیدگاه کسانی که می گویند برای رفع فساد و ایجاد قسط و برابری، باید مالکیت خصوصی لغو شود صحیح است؟
- ۱۲۳ ..... پرسش
- ۱۲۳ ..... پاسخ
- ۱۲۴ ..... لازمه مالکیت چیست؟
- ۱۲۴ ..... پرسش
- ۱۲۴ ..... پاسخ
- ۱۲۴ ..... دیدگاه اسلام در مورد مالکیت زمین چیست؟
- ۱۲۴ ..... پرسش
- ۱۲۴ ..... پاسخ
- ۱۲۷ ..... در اسلام مالکیت مشروع را با چه معیاری می سنجند؟ می بینیم که هر کس مالکیت خود را مشروع می داند؟
- ۱۲۷ ..... پرسش
- ۱۲۷ ..... پاسخ
- ۱۲۷ ..... آیا مالکیت خصوصی مورد تائید اسلام است ؟
- ۱۲۷ ..... پرسش
- ۱۲۷ ..... پاسخ
- ۱۳۰ ..... دولت و اقتصاد اسلامی
- ۱۳۰ ..... فسادهای اقتصادی که در جامعه ما وجود دارد، ناشی از چیست؟ آیا عدم رعایت امانت نقش عمده ای در فساد اقتصادی ندارد؟ لطفاً درباره عوامل شکل گیری فساد اقتصادی توضیح دهید.
- ۱۳۰ ..... پرسش
- ۱۳۰ ..... پاسخ
- ۱۳۲ ..... دیدگاه فقها در مورد مالکیت دولت چیست؟
- ۱۳۲ ..... پرسش

- ۱۳۲ ..... پاسخ
- ۱۳۳ ..... خصوصی سازی در یک جامعه اسلامی آیا اشکال شرعی دارد یا خیر و چه منفعت و ضرری برای نظام دارد؟
- ۱۳۳ ..... پرسش
- ۱۳۳ ..... پاسخ
- ۱۳۴ ..... چرا دولت تلاش قابل توجهی جهت کاهش مفاسد اقتصادی کشور، انجام نمی دهد؟
- ۱۳۴ ..... پرسش
- ۱۳۴ ..... پاسخ
- ۱۳۷ ..... وضعیت فعلی اقتصاد ایران را بیان نمایید.
- ۱۳۷ ..... پرسش
- ۱۳۷ ..... پاسخ (قسمت اول)
- ۱۴۴ ..... پاسخ (قسمت دوم)
- ۱۵۱ ..... پاسخ (قسمت سوم)
- ۱۵۹ ..... کارنامه نظام جمهوری اسلامی از منظر اقتصاد اسلامی را تبیین نمایید
- ۱۵۹ ..... پرسش
- ۱۵۹ ..... پاسخ (قسمت اول)
- ۱۶۶ ..... پاسخ (قسمت دوم)
- ۱۷۳ ..... پاسخ (قسمت سوم)
- ۱۸۰ ..... در حالیکه اسلام تنها شامل ابعاد عبادی فردی نیست و ابعاد اقتصادی را نیز دارا می باشد چرا مسئولین، اقتصاد اسلامی را اجرا نمی کنند و تنها به شعار دادن اکتفا می کنند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود نمی بخشند؟
- ۱۸۰ ..... پرسش
- ۱۸۰ ..... پاسخ
- ۱۸۳ ..... هر کس که می خواهد کاری که وظیفه اش هست انجام دهد باید اول تأمین شود وبعد از او کار بخواهند. چرا اقتصاد ما یک اقتصاد بیمار است؟ چرا جلوی این تورم گرفته نمی شود؟ چرا باید اینقدر هزینه ها سنگین باشد که مردم رو به اعمال خلاف بیاورند؟
- ۱۸۳ ..... پرسش
- ۱۸۴ ..... پاسخ
- ۱۸۹ ..... چرا در جامعه ای که خمس و زکات داده می شود مالیات گرفته می شود؟
- ۱۸۹ ..... پرسش
- ۱۸۹ ..... پاسخ
- ۱۹۴ ..... ۱ با اینکه ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد ولی هنوز اقتصاد ما الگو گرفته از غرب و بانک جهانی است لطفاً بفرمایید چرا به مسائل کاربردی پرداخته نمی شود و برنامه اقتصاد اسلامی ارائه و اجرا نمی شود؟ لطفاً توضیح دهید
- ۱۹۴ ..... پرسش
- ۱۹۵ ..... پاسخ
- ۱۹۷ ..... نوسازی صنعتی در کشور ایران، کره و ژاپن تقریباً همزمان شروع شده است ولی آنها به پیشرفت اقتصادی دست یافته اند و ما هنوز مصرف کننده ایم؟
- ۱۹۷ ..... پرسش
- ۱۹۷ ..... پاسخ
- ۱۹۹ ..... بیمه
- ۱۹۹ ..... آیا بیمه عقد لازم است یا جایز؟
- ۱۹۹ ..... پرسش
- ۱۹۹ ..... پاسخ
- ۱۹۹ ..... چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود؟
- ۲۰۰ ..... پرسش
- ۲۰۰ ..... پاسخ
- ۲۰۱ ..... چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود؟
- ۲۰۱ ..... پرسش

- ۲۰۱..... پاسخ
- ۲۰۲..... آیا بیمه نوعی قمار نیست؟
- ۲۰۲..... بررسی
- ۲۰۲..... پاسخ
- ۲۰۲..... ربا و قرض الحسنه
- ۲۰۲..... دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.
- ۲۰۲..... بررسی
- ۲۰۲..... پاسخ
- ۲۰۵..... رباخواری چه زیانها و خسارتهایی را بدنبال دارد؟
- ۲۰۵..... بررسی
- ۲۰۵..... پاسخ
- ۲۰۷..... وظایف مردم و دولت در مقابله با رباخواری چیست
- ۲۰۷..... بررسی
- ۲۰۷..... پاسخ
- ۲۰۸..... در خصوص رواج ربا که عامل اصلی آن عملکرد بسیار بد بانکها و کارمزدهای سنگین می باشد، چرا کاری صورت نمی دهید؟
- ۲۰۸..... بررسی
- ۲۰۸..... پاسخ
- ۲۰۸..... دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟
- ۲۰۸..... بررسی
- ۲۰۸..... پاسخ
- ۲۱۰..... دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟
- ۲۱۰..... بررسی
- ۲۱۰..... پاسخ
- ۲۱۱..... دیدگاه فقها در مورد ربای معاملی چیست؟
- ۲۱۱..... بررسی
- ۲۱۱..... پاسخ
- ۲۱۳..... دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.
- ۲۱۳..... بررسی
- ۲۱۳..... پاسخ
- ۲۱۵..... با توجه به آیه ۲۴۵ سوره بقره اهمیت و جایگاه قرض الحسنه و تفاوت آن با صدقه را بنویسید.
- ۲۱۵..... بررسی
- ۲۱۵..... پاسخ
- ۲۱۸..... چه راههایی برای جلوگیری از رباخواری پیشنهاد می کنید؟
- ۲۱۸..... بررسی
- ۲۱۸..... پاسخ
- ۲۱۸..... سایر مباحث اقتصاد
- ۲۱۸..... آیدر جامعه اسلامی که از افراد جامعه مالیاتهای شرعی دریافت می شود دریافت مالیاتهای دولتی ضرورتی دارد یا نه ؟
- ۲۱۸..... بررسی
- ۲۱۸..... پاسخ
- در صورتیکه قیمت نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سقف خود رسیده است و درآمد ایران از صادرات نفت و دیگر اجناس بالا رفته است این درآمدها به کجا می رود که سوب سیدها برداشته شود و قیمت مصالح ساختمان و دیگر اجناس به حدی رسیده که دیگر ساخت و ساز انجام نمی
- ۲۱۹..... بررسی

- ۲۱۹ ..... پاسخ
- ۲۲۱ ..... آیا این گرانی باعث نمی شود که فشار برطبقه مستضعف بیاید وعده ای از مردم بدبین بشوند؟
- ۲۲۱ ..... بررسی
- ۲۲۱ ..... پاسخ
- ۲۲۲ ..... آیا کاهش در معاملات بازار بورس امریکا، باعث رکود در معاملات بورس کشورهای معتبر می شود؟
- ۲۲۲ ..... بررسی
- ۲۲۲ ..... پاسخ
- ۲۲۲ ..... نقدینگی چیست ؟
- ۲۲۲ ..... بررسی
- ۲۲۲ ..... پاسخ
- ۲۲۲ ..... رابطه قیمت نفت با بازار طلا و ارز چگونه است ؟
- ۲۲۳ ..... بررسی
- ۲۲۳ ..... پاسخ
- ۲۲۳ ..... افزایش و کاهش ارزش سهام به چه بستگی دارد؟
- ۲۲۳ ..... بررسی
- ۲۲۳ ..... پاسخ
- ۲۲۳ ..... در مورد بازار بورس و سهام توضیح دهید و حکم شرعی آن را بیان کنید.
- ۲۲۳ ..... بررسی
- ۲۲۳ ..... پاسخ
- ۲۲۴ ..... آیا در صدر اسلام مسئله مالیات مثل زمان فعلی بود؟
- ۲۲۴ ..... بررسی
- ۲۲۴ ..... پاسخ
- ۲۲۶ ..... به خمس و زکات نمی توان امر ملک را تمشیت داد و در شرع اسلام وضع مالیات ناقص است
- ۲۲۶ ..... بررسی
- ۲۲۶ ..... پاسخ
- ۲۲۸ ..... مشخصات سرمایه داری چیست؟
- ۲۲۸ ..... بررسی
- ۲۲۸ ..... پاسخ
- ۲۳۰ ..... روابط اقتصادی چند نوع است؟
- ۲۳۰ ..... بررسی
- ۲۳۰ ..... پاسخ
- ۲۳۱ ..... عوامل تولید کننده ثروت چند چیز است؟
- ۲۳۱ ..... بررسی
- ۲۳۱ ..... پاسخ
- ۲۳۱ ..... آیا جزیه مالیات عادلانه ای است؟
- ۲۳۱ ..... بررسی
- ۲۳۱ ..... پاسخ
- ۲۳۴ ..... صندوق پول و بانک تجارت چیست؟
- ۲۳۴ ..... بررسی
- ۲۳۴ ..... پاسخ
- ۲۳۴ ..... راه های جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران چیست ؟

۲۳۴ ..... پرسش

۲۳۴ ..... پاسخ

۲۳۵ ..... لطفاً فرمایید هنگام ورود به محل کسب خواندن چه آیاتی مناسب است

۲۳۵ ..... پرسش

۲۳۵ ..... پاسخ

۲۳۶ ..... اهمیت و ارزش کشاورزی را از دیدگاه قرآن بیان کنید؟

۲۳۶ ..... پرسش

۲۳۶ ..... پاسخ

۲۳۸ ..... من و چند نفر از دوستان شروع به انجام تحقیقی با موضوع "تحقیق و بررسی آیات قرآنی در ارتباط با کشاورزی با استفاده از تفاسیر و کتاب های علمی مربوطه کرده ایم خوشحال می شدیم اگر شما در این رابطه ما را یاری کنید و همچنین پیشنهادی در ارتباط با چگونگی بهتر انجام

۲۳۸ ..... پرسش

۲۳۸ ..... پاسخ

۲۴۱ ..... علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و... نمی شود؟

۲۴۱ ..... پرسش

۲۴۱ ..... پاسخ

۲۴۴ ..... درباره مرکز

نویسنده: مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر: مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

### نظام اقتصادی اسلام

**آیا قوانین اقتصادی ربطی به ایدئولوژی دارد؟ فی المثل در عملیات بانکی اگر بخواهیم قوانین فقهی را اجرا کنیم، داد و ستد رونق نمی یابد، چون مثلاً شخصی مبلغی را به بانک می دهد و سود آن را دریافت می کند و با آن زندگی می کند و هیچ کار اقتصادی نمی کند.**

#### پرسش

آیا قوانین اقتصادی ربطی به ایدئولوژی دارد؟ فی المثل در عملیات بانکی اگر بخواهیم قوانین فقهی را اجرا کنیم، داد و ستد رونق نمی یابد، چون مثلاً شخصی مبلغی را به بانک می دهد و سود آن را دریافت می کند و با آن زندگی می کند و هیچ کار اقتصادی نمی کند.

#### پاسخ

قوانین اقتصادی، بخش عظیمی از فقه اسلامی و جزء دستوره‌های دینی است، مانند بیع (خرید و فروش) و اقسام آن و اجاره و مساقات و مضاربه و جعاله و شرکت و حواله و کفالت و غیره، که برای هر کدام از موضوعات فوق، در فقه اسلامی، کتابی اختصاص یافته است و بخش عظیمی از فقه را مکاسب (کسب‌ها) تشکیل می دهد.

درباره عملیات بانکی می توان به نحوی عمل کرد که صحیح باشد و مشکلی به وجود نیاید، مثلاً همان طور که در مضاربه شخصی پانصد هزار تومان پول دارد و توان کار اقتصادی ندارد، می تواند پول را به شخص مطمئنی بدهد و با هم قرار داد مضاربه ببندند که او با آن پول به کاسبی پردازد و هر چه از آن استفاده برده، نیمی، از آن صاحب پول و نیم دیگر از کاسب (عامل) باشد. این معامله و قرار داد مضاربه صحیح است. همین طور بانک می تواند طرف قرارداد اشخاص باشد، مثلاً آقای پول را به بانک به عنوان سپرده ثابت کوتاه یا بلند مدت به عنوان مضاربه بدهد و بانک با آن کارهای اقتصادی کند و از منافع آن، مقداری را طبق قرارداد به صاحب پول پرداخت نماید. اگر این طور عمل

بشود، اشکالی ندارد و باعث رونق اقتصادی شده است. بنابراین عملیات بانکداری اسلامی باعث رونق اقتصادی می شود، چون پول گذاردن در بانک به عنوان سپرده ثابت یک کار اقتصادی است، درست مانند این که شخص با پولش برنج و حبوب بخرد و در مکانی در معرض فروش بگذارد و با فروش آن ها استفاده ببرد، در حالی که شخص کاری نکرده و پول را فرستاده و برنج و حبوب برایش فرستاده اند و ایشان در مغازه نشسته و دیگری برایش می فروشد.

## آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

### پرسش

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

### پاسخ

متأسفانه یکی از آسیب های دین شناسی آن است که برخی خاستگاه چالش ها و نارسایی های مربوط به مسلمانان را دین و آموزه های آن می دانند، حال آن که عقب ماندگی و مشکلات مسلمانان مربوط به خود آنان بوده و اسلام چیزی است و مسلمان بودن چیزی دیگر. (۱)

در اسلام مسلمانان به فعالیت های اقتصادی فرا خوانده شده و از فقر و هر گونه تن پروری و بیکاری نهی شده اند تا آن جا که کار در راه تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، ارزش جهاد در راه خدا را پیدا کرده است. (۲) یکی از نویسندگان در ذیل تفسیر آیه ۲۰ مزل می نویسد: "در آیه تلاش برای زندگی در کنار "جهاد فی سبیل الله" قرار داده شده و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است. چرا چنین نباشد، در حالی که یک ملت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت؟! اصولاً "جهاد اقتصادی" بخشی از "جهاد با دشمن" است. (۳)

امام صادق (ع) در خصوص اهمیت کسب روزی فرمود: "لا- تکسلوا فی طلب معاشکم فأنّ آبائنا كانوا یرکضون فیها و یطلبونها؛ (۴) در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران ما در این راه می کوشیدند و روزی را طلب می کردند".

بر این اساس، اسلام مسلمانان را نه تنها به دوری از فقر فرا خوانده، بلکه آن را مانند جهاد دانسته است. اما فقر مسلمانان ریشه در عوامل دیگر دارد. یکی از علل مهم، سیاست هایی است که در طول تاریخ

توسط حاکمان ستمگر به کار گرفته شده و دشمنان نیز از آن حمایت می کردند. دشمنان می دانند که استقلال اقتصادی مسلمانان، با منافع آنان در تضاد است.

آنان ذلت و وابستگی جهان اسلام را می خواهند! داده های تاریخی نشان از آن دارد که یکی از وابستگی هایی که شدیداً جامعه اسلامی را آسیب پذیر نمود، وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمار گر است.

برداشت های انحرافی از دین

یکی از علل گسترش فقر در جهان اسلام برداشت های انحرافی از دین می باشد. برخی تصور می کنند که دین انسان ها را به آخرت فرا خوانده و از تلاش و فعالیت در دنیا بر حذر داشته، که غلط بودن این پندار کاملاً روشن است.

در برخی از روایات یکی از مؤلفه های جامعه آرمانی امام زمان (عج) پیشرفت های اقتصادی و علمی بیان شده است. این نشان می دهد که یکی از اهداف مهم اسلام فقر زدایی و فرا خوانی به فن آوری و پیشرفت های اقتصادی است. پیامبر اسلام و ائمه به فعالیت های اقتصادی می پرداختند و در صدد تشکیل جامعه بدون فقر بودند. امام علی (ع) یکی از وظایف حاکمان را فقر زدایی دانست. (۵)

البته در اسلام همان گونه که به فعالیت های اقتصادی سفارش شده، به تقوا و معنویت گرایی نیز سفارش شده است، زیرا همه خوشبختی ها در داشتن مال و ثروت ظهور نمی کند.

این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزگاری، غرق در ناز و نعمت هستند، اشتباه بزرگی است؛ زیرا اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم، دردهای جانکاهی (که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد) می



بینیم و قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن‌ها از بیچاره‌ترین مردم روی زمین هستند، (۶) زیرا معنویت مهم‌ترین سرمایه زندگی است.

اگر در اسلام از درآمدها و ثروت اندوزی غیر مشروع نهی شده، بدین جهت است که مردم از معنویت فاصله نگیرند و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

### خود باختگی

یکی از علل مهم فقر جوامع اسلامی خود باختگی است، بدین معنا که امروزه مسلمانان توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش را فراموش کرده و تصور می‌کنند فقط دیگران توان اقتصادی و خلاقیت‌های علمی دارند. روحیه خود باختگی موجب شده است که در جوامع اسلامی از نیروهای انسانی کشورهای بیگانه استفاده شده و این رویکرد فقر اقتصادی و وابستگی را در پی دارد.

پی نوشت‌ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳ (الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸.

## اسلام با اقتصاد چند گونه پیوند دارد؟

### پرسش

اسلام با اقتصاد چند گونه پیوند دارد؟

### پاسخ

اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیرمستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها، حجرها، ارث، هبات و صدقات، وقف، مجازاتهای مالی یا مجازاتهایی در زمینه ثروت و غیره دارد. اسلام کتاب‌البیع، کتاب‌الاجاره، کتاب‌الوکاله، کتاب‌الرهن، کتاب‌الارث، کتاب‌الهبه و کتاب

الوقف دارد.

و از طرف دیگر می دانیم اصل «تَوْءَمِنْ بِيَعُضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» همان طور که قرآن کریم می فرماید مطرود است. علیهذا یا باید اسلام را درست بپذیریم و یا باید درست رد کنیم.

پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است. در این جهت برخی مذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین می باشند. اسلام مردم را توصیه می کند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار؛ منع دزدی و خیانت و رشوه. همه اینها در زمینه ثروت است و یا قسمتی از قلمرو این مفاهیم، ثروت است. تا حدود مسائل اقتصادی روشن نشود، حدود عدالت، امانت، عفت، احسان و همچنین حدود دزدی، خیانت و رشوه روشن نمی شود.

## اصول متعارفه و موضوعه اقتصاد اسلامی چیست؟

### پرسش

اصول متعارفه و موضوعه اقتصاد اسلامی چیست؟

### پاسخ

: عبارت است از:

الف. اقتصاد باید به نحوی باشد که موجب ازدیاد ثروت عمومی بشود، راکد و ثابت نباشد، متکامل باشد، حداکثر استفاده از عامل طبیعت و عامل انسانی بشود.

ب. عدالت و مساوات رعایت گردد، به معنی اینکه تبعیضها و اولویتهای بیجا در کار نباشد.

ج. فردی فرد دیگر را استثمار نکند.

د. عدالت به معنی اینکه حقوق طبیعی افراد باید رعایت شود؛ هم به این معنی که حق طبیعی یک فرد به او داده شود، نه به فرد دیگر، یا همه افراد دیگر و دولت، و هم به معنی اینکه آزادی یک فرد محترم شمرده شود. می توانیم آزادی را اصل علیحده بشماریم.

و. احترام آزادی افراد در انتخاب کار

ز. آزادی افراد که خود یک اصل است و همچنین ازدیاد ثروت عمومی که خود اصل دیگر است، باید محدود شود به سایر مصالح بشر؛ یعنی باید منحصر به اخلاق عموم و معنویات بشر باشد.

## اسلام چه نوع درآمدهایی را ممنوع کرده است؟

اسلام چه نوع درآمدهایی را ممنوع کرده است؟

آنچه اسلام از رشته های درآمد منع کرده است چند قسم است:

- الف. درآمد از طریق اغراء به جهل و تثبیت جهالت مردم و تحکیم عقاید سخیف و خرافی نظیر بت فروشی و صلیب فروشی.
- ب. نوع دوم تحصیل درآمد، از طریق اغفال و اضلال است. بیع کتب ضلال از این قبیل است. در اسلام شکستن سکه تقلبی و از بین بردن کتاب تقلبی واجب است. البته خرید و فروش آنها برای کسانی که قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل دارند مانعی ندارد اما برای کسانی که فاقد این قدرتند صحیح نیست. (امروز به نام آزادی عقیده و فکر، نشر هر کتابی و خرید و فروش هر کتابی را صحیح می دانند، اما اسلام این راه درآمد را به روی پیروان خود بسته است. تدلیس ماشطه و نجش از این قبیل است. مدح مَنْ لَا يَسْتَحِقُّ المدح از این قبیل است. کفانت نیز از این قبیل است، بلکه تحریم ساختن و مبادله مجسمه نیز از این قبیل است و لو آنکه جنبه حریمی و مقدمی دارد).
- ج. تقویت دشمنان به هر نحوی باشد از این نوع است. بیع سلاح به اعداء دین، بلکه هرگونه خرید و فروشی که سبب شود دشمن، قوی و دوست ضعیف شود در اسلام ممنوع است. اگر خرید و فروشی سبب شود که بنیه نظامی یا اقتصادی یا فرهنگی دشمن قوی و متقابلاً بنیه نظامی، اقتصادی، فرهنگی خودی ضعیف شود ممنوع است. فروش نسخ خطی قیمتی به آنها از این قبیل است. فروش موادی از قبیل نفت به آنها از این قبیل است.
- د. تحصیل درآمد از

راه تولید یا خرید و فروش و مبادله موادی که استعمال آنها برای بشر زیان دارد و یا فایده ای ندارد و از نوع هوسهای کودکانه است. مبادله شراب، اعیان نجسه، آلات قمار و غش از این قبیل است.

ه. پای ماده مضری در کار نیست، بلکه نوع کاری که فرد در مقابل آن واقع می شود بیهوده یا مضر است، مثل لهو و غنا یا قمار قیادت یا هجو مؤمن.

و. نوع دیگر کاری است که از نظر اسلام فوق مسائل اقتصادی است، از قبیل اجرت در قضاوت، تعلیم دین و قرآن، اجرت بر اذان یا افتاء. اذان شعار است، شعار راستی و ایمانی، پیام دل است به دل؛ این زشت است که کسی پول بگیرد و بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ این کار، فروشی نیست، همچنانکه از نظر اسلام سربازی نیز مزدوری نیست، اجباری هم نیست، قصد قربت می خواهد. حتی بیع مصحف. این گونه کارها باید بلاعوض صورت گیرد، ولی بودجه عامل از بیت المال تأمین شود. (بعضی علت حرمت اجرت [در این موارد را] تضاد اجرت با قصد قربت دانسته‌اند، ولی به عقیده ما این است که این گونه کارها در اسلام فوق مبادله و خرید و فروش می داند. افتاء و ارشاد هم از این قبیل است.

ز. کارهایی که منجر به تجمل پرستی مفرط بشود، مثل ساختن یا مبادله ظروف طلا و نقره.

## رابطه « اخلاق » و « اقتصاد » در اسلام چگونه است؟

### پرسش

رابطه « اخلاق » و « اقتصاد » در اسلام چگونه است؟

### پاسخ

بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مادی، تفاوت فراوانی وجود دارد. مهمترین فرق بین این دو، این است که اقتصاد اسلامی، با اخلاق و اصول انسانی آمیخته و توأم است؛ در حالی که اقتصاد مادی، نه تنها از عاطفه و اخلاق خالی است، بلکه اصل حاکم بر آن منافع مادی است. ولی اصل حاکم بر اقتصاد اسلامی اخلاق است؛ و تحصیل منافع باید در سایه حفظ ارزشهای اخلاقی باشد؛ بر همین اساس اسلام معاملهای را که منشأ فساد باشد، حرام شمرده است؛ مثلاً اگر تأسیس مراکز فحشا در اسلام ممنوع است؛ یا اگر شراب فروشی و دایر کردن قمارخانهها در اسلام حرام اعلام شده و یا اگر تأسیس بانکهای رباخوار در اسلام جایز نیست، همه و همه بدین جهت است که این گونه کارها منشأ مفساد زیادی است و با اخلاق اسلامی سازگار نیست.

## آیا احکام اقتصادی اسلام بیشتر بیانگر تجارت است و توجهی به کشاورزی ندارد؟

### پرسش

آیا احکام اقتصادی اسلام بیشتر بیانگر تجارت است و توجهی به کشاورزی ندارد؟

### پاسخ

در احادیث اسلامی به کشاورزی اهمّیت بسیار داده شده است؛ از جمله در روایتی از امیرمؤمنان (علیه السلام) چنین آمده است: «هر کس با وجود داشتن آب و خاک، فقیر باشد از رحمت یا نعمت خدا دور است». در روایت دیگر آمده است که شخصی از امام معصوم (علیه السلام) درباره کشاورزان پرسید؛ امام فرمود: «کشاورزان گنج های خدا در زمینند».

خداوند هیچ کاری را بیشتر از زراعت دوست نمی دارد. خدا هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه زارع بوده است، جز «ادریس» که خیاط بود».

## آیا در قرآن کریم در مورد ربا خواری و پول ربوی آیاتی آمده است عذاب های دنیوی و اخروی رباخوار چیست

### پرسش

آیا در قرآن کریم در مورد ربا خواری و پول ربوی آیاتی آمده است عذاب های دنیوی و اخروی رباخوار چیست

### پاسخ

بله قرآن کریم در آیاتی رباخواری را حرام دانسته و رباخواران را وعده عذاب های شدید داده است از جمله

۱. خداوند متعال می فرماید: "الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ" (بقره ۲۷۵ و ۲۷۶) کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند [گاهی زمین می خورد، گاهی بیا می خیزد] این به خاطر آن است که گفتند بیع هم مانند ربا است [و تفاوتی میان آن دو نیست در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام] زیرا فرق میان این دو بسیار است و اگر کسی اندرز الهی به او برسد و [از رباخواری خودداری کند سودهایی که در سابق] قبل از نزول حکم تحریم به دست آورده مال او است و کار او به خدا واگذار می شود؛ ولی کسانی که باز گردند [و مجدداً مرتکب این گناه شوند] اهل آتش خواهند بود و همیشه در آن می مانند. خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنہکاری را دوست نمی دارد!"

۲. در آیه ای

دیگر می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و آن چه از [مطالبات ربا باقی مانده رها کنید، اگر ایمان دارید، اگر [چنین نمی کنید بدانید با جنگ با خدا و رسول او روبرو خواهید بود و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از آن شماست .." (بقره ۲۷۸، ۲۷۹) (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲، ص ۲۶۹ ۲۸۲، دارالکتب الاسلامیه تهران)

۳. همچنین در جایی دیگر می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید ربا [و سود پول را چند برابر نخورید از خدا پروا کنید تا رستگار شوید". (آل عمران ۱۳۰) و نیز آیات ۱۶۱، سوره نساء و... (ر.ک ربا در اسلام شهید آیت الله دکتر بهشتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

رباخواری و رباخواران در روایات اسلامی نیز به شدت مورد سرزنش قرار گرفته است چنان که حضرت امام صادق می فرماید: رباخوار از دنیا بیرون نمی رود مگر آن که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد". (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰، مؤسسه الوفا، بیروت)

پیامبر اکرم می فرماید: "هنگامی که به معراج رفتم دسته ای را دیدم به حدی شکم آنان بزرگ بود که هر چه جدید می کردند، برخیزند و راه روند، برای آنان ممکن نبود، و پی در پی به زمین می خوردند. از جبرئیل سؤال کردم این ها چه افرادی هستند؟ جرم شان چیست جواب داد این ها رباخواران هستند." (همان ص ۳۴۹ / ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲، ص ۲۷۱۲۷۳، دارالکتب الاسلامیه)

## فرق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری چیست و آیا برنامه های اول و دوم دولت با اقتصاد اسلامی هماهنگ است ؟

### پرسش

فرق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری چیست و آیا برنامه های اول و دوم دولت با اقتصاد اسلامی هماهنگ است ؟

### پاسخ

به طور معمول هر ایدئولوژی و مکتبی به بیان اصول کلی و جهت گیری های اساسی و سیاست گذاری های کلان می پردازند و آیین نامه های اجرایی بر عهده کارشناسان است. در اسلام نیز خطوط کلی اقتصاد بر محور عدالت اجتماعی و حداکثر مشارکت مردمی بنیان گذاری شده است که در این باره می توانید به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱- اقتصاد ما، شهید سید محمد باقر صدر

۲- بانکداری بدون ربا، شهید سید محمد باقر صدر

۳- بانکداری داخلی ۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی

۴- زمین در فقه اسلامی، طباطبایی

۵- طراح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مهدی بناء رضوی

۶- نظری به نظام اقتصادی اسلام، شهید مطهری

۷- نظام اقتصادی و اجتماعی، عبد الکریم عبداللہی

سیستم اقتصادی اسلام در سه محور عمده با نظام سرمایه داری تفاوت دارد که عبارتند از:

۱- مسأله مالکیت. ۲- نوع فعالیت های اقتصادی. ۳- توزیع ثروت.

مالکیت: مالکیت در اسلام با دیگر سیستم های اقتصادی تفاوت های اساسی دارد؛ زیرا:

۱- در نظام سوسیالیستی اصل نفی مالکیت خصوصی است. البته همه کشورهای اشتراکی بر خلاف این مبنا در عمل ناچار به پذیرش مالکیت خصوصی در موارد بسیار محدودی گردیده اند و هرگز قادر به اجرای این اصل نبوده اند؛ زیرا در عمل به رکود فعالیت های اقتصادی و عدم بروز خلاقیت ها می انجامد.

۲- در کاپیتالیسم اصل تکیه بر مالکیت خصوصی و آزادی مطلق آن است جز آن که در موارد نادری باز دولت ها ناچار شده

اند بر خلاف این مینا برخی از سرمایه ها را عمومی اعلام نمایند. این مینا باعث رشد بی رویه امپراتوران بزرگ اقتصادی گردیده که بدون



هیچ محدودیتی با حمایت دولت های خود به غارت سرمایه های ملت ها پرداخته اند. ضمناً در کاپیتالیسم دولت حق مداخله در فعالیت های سرمایه داران و محدودسازی آنان را ندارد و اساساً دولت در جهت منافع آنان سیاست گذاری می کند.

۳- اسلام قائل به اصل مالکیت مزدوج (مالکیت خصوصی عمومی و دولتی) است و در عین حال برای هر یک از اقسام مالکیت حدود و مقرراتی را وضع کرده که در صورت اجرای صحیح آن معایب هر یک از دو سیستم دیگر برطرف شده و اقتصاد جامعه بالندگی و شکوفایی نوینی خواهد یافت. محدودیت هایی که اسلام برای مالکیت خصوصی قائل است از قرار زیر می باشد:

الف) محدودیت روشی: بر خلاف کاپیتالیسم در اقتصاد اسلامی پیمودن هر راهی برای کسب ثروت مجاز نیست و تنها از راه های قانونی و شرعی ویژه شخص آزادی فعالیت اقتصادی دارد. برخی از راه هایی که اسلام برای ازدیاد ثروت ممنوع ساخته عبارتند از: ربا، احتکار، انحصار و تولیدات حرام و ... (ر. ک: مکاسب محرمه).

ب) محدودیت مصرفی: نوع مصرف و استفاده از ثروت نیز در اسلام از آزادی مطلق برخوردار نیست و باید در چارچوب قانونی ویژه ای قرار گیرد. از جمله اموری که اسلام در این رابطه ممنوع ساخته عبارتند از: کنز، اسراف، تبذیر، خرید آلات حرام و از بین بردن ثروت بویژه مایحتاج عمومی.

ج) محدودیت موضوعی: از نظر اسلام بر خلاف سرمایه داری همه چیز نمی تواند تحت مالکیت خصوصی درآید مانند: جنگل ها، دریاها، معادن و منابع زیر زمینی، صنایع مادر و ...

د) مشارکت اجتماعی: در اقتصاد اسلامی هر فرد پس از پیمودن راه های مشروع کسب ثروت چنان چه از او بر نیازهای عادی خود و خانواده اش در آمدی کسب کرد

مسئولیتی اجتماعی بر دوش دارد و باید مقداری از آن ثروت را برای تامین نیازمندی های جامعه صرف کند تا از رشد بی رویه ثروت او و عقب ماندگی جامعه جلوگیری شده و همراه با فعالیت های اقتصادی او جامعه نیز بالندگی یابد (مالیات های اسلامی).

ه) اختیارات دولت اسلامی: دولت اسلامی ضمن آن که باید نسبت به اجرای موارد فوق بر فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی نظارت نماید علاوه بر آن در صورتی که مشاهده کند که در گوشه ای ثروت هنگفتی تمرکز یافته و در بخش های دیگر جامعه نیازهای شدیدی وجود دارد و آن تمرکز موجب شکاف طبقاتی عمیق شده و برای جامعه زیانبار است می تواند هر مقدار که ضرورت داشته باشد مصادره نموده و در نیازهای جامعه صرف نماید.

نوع فعالیت های اقتصادی: در نظام اسلامی هر نوع کار و فعالیتی باید در جهت رفع نیازهای واقعی انسان ها و رشد و سلامت مادی و معنوی جامعه باشد. بنابراین فعالیت هایی که تأمین کننده نیازی نیست یا چه بسا موجب مفاسد و انحرافات در جامعه است مثل تولید مشروبات الکلی، تصاویر محرک و... در اسلام ممنوع می باشد برخلاف اقتصاد سرمایه داری که محدودیتی از این جهات قائل نیست.

توزیع ثروت: توزیع ثروت در اسلام براساس عدالت اجتماعی و بهره وری همه اقشار جامعه از اقسام مختلف مالکیتی است و نباید نظام توزیع به سمت بهره وری قشر خاصی بگراید. پس روشن شد که تنها وجه مشترک اقتصاد اسلامی و کاپیتالیسم اصل احترام به مالکیت خصوصی است ولی حدود و مقررات آن زمین تا آسمان فرق دارد و دو ماهیت جدا از یکدیگرند.

برای آگاهی بیشتر ر. ک: اقتصاد ما شهید آیت الله صدر.

## چرا در معارف اسلام مسائل اقتصادی کمتر مطرح شده

### پرسش

چرا در معارف اسلام مسائل اقتصادی

«اقتصاد» دارای دو بخش است: الف) نظام اقتصادی، ب) علم اقتصادی

در مقوله اول، بنیان‌هایی که بایستی نظام اقتصادی بر آن استوار گردد، در اسلام تبیین شده است؛ ولی در مقوله دوم که علم اقتصاد تا حدود زیادی به شرایط هر زمان وابسته است از این رو بایستی در هر عصری کارشناسان مسائلاقتصادی برای امور اقتصادی جامعه، برنامه ریزی کنند.

تا چند دهه پیش به دلیل آن که راهی برای پیاده کردن احکام اسلامی وجود نداشت، لذا افکار دانشمندان و متفکران به این قضیه معطوف بود که مسائل اقتصادی اسلام را از منابع آن استخراج و مدون کنند، ولی در چند دهه اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع شتاب فزاینده‌ای یافته و تحقیقات و پژوهش‌های عمیقی در این زمینه انجام گرفته است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱ اقتصاد ما شهید سید محمد باقر صدر

۲ بانکداری بدون ربا شهید سید محمد باقر صدر

۳ بانکداری داخلی ۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی

۴ زمین در فقه اسلامی طباطبایی

۵ طراح تحلیلی اقتصاد اسلامی مهدی بناء رضوی

۶ نظری به نظام اقتصادی اسلام شهید مطهری

۷ نظام اقتصادی و اجتماعی عبد‌الکریم عبداللهی

اسلام و توسعه

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

پرسش

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

پاسخ

جواب اجمالی: (۴۲)

زهد و ساده زیستی از جمله کمالات اخلاقی است و در متون دینی ما در باب دل نبستن به تمنیات دنیوی تأکیدات فراوانی شده است. اما افراط و تفریط در تفسیر زهد در طول تاریخ و نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته است. به فرموده ی امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از مانیت آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید.

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟ و لذا از لحاظ تاریخی و با استناد به روایات دینی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. مُدرنیته یعنی نو شدن و نو شدگی و در برابر هرگونه تعلق به گذشته و سنت قرار می گیرد.

نکته حائز اهمیت این است که ترقی و پیشرفتی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند.

جواب تفصیلی: (۴۲)

یکی از کمالات اخلاقی انسان زهد و ساده زیستی است و در متون دینی ما در باب مخالفت با تجملات دنیوی و دنیاگرایی تأکیدات فراوانی شده است. در قرآن کریم خدای بزرگ به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: به شکوفه هایی که در دست دیگران است و ما به آنان داده

ایم چشم مدوزر زیرا ما می خواهیم آنان را با آن شکوفه ها بیازماییم ولی رزق پروردگار تو بهتر و ماندنی تر است.

شکوفه های دنیا برای کسی میوه نخواهد داد. عالم طبیعت چنان سرد است که تا این شکوفه ها بخواهند به بار نشینند و به ثمر تبدیل شوند، سرمای زودرس طبیعت از راه می رسد و شکوفه ها می ریزند.

اما دیدگاه های مختلف در باب زهد و پارسایی در طول تاریخ موجب بروز تفاسیر گوناگون در

عرصه ی فرایندهای اجتماعی گشته است و متأسفانه برداشت های ناروا از منابع دینی و یا نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام نحله های گوناگونی را پرورانده که جمعی در مسیر افراط و گروهی در وادی تفریط، چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته اند. به گونه ای که گاهی با شنیدن واژه ی زهد انزوا، تنهایی، دوری از مردم و تمدن و پیشرفت و ترقی، و دعا و عبادت و در گوشه ای آرام و فارغ از مشغله های زندگی در ذهن انسان تداعی می گردد، در حالیکه این معنا واژگونه ساختن حقیقتی ارزشی و آلوده ساختن مفهومی ملکوتی است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زهد نه آنست که مال دنیا را تباه کنی و نه آنکه حلال آن را بر خود حرام گردانی. بلکه زهد آنست که اعتمادت به آنچه نزد حق است، بیش از آن باشد که در نزد خودت یافت می شود.

و به فرموده ی حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): زهد در یک آیه از قرآن بیان شده است، آنجا که می فرماید: تا آنکه به خاطر

از دست دادن چیزی متأسف و متأثر نشوید و بر آنچه به دستتان رسیده فرحناک نباشید.

و لذا پارسایی و زهد، دل بستن به امر باقی و نومید گشتن نسبت به امور فانی است. جدایی از تعلقات دنیوی و قرب به ملکوت است. سبک بال گشتن برای پرواز در آسمان فضایل و ملکات انسانی است.

حال آیا رشد و کمال و تعلیم و تربیت و سعادت‌مندی مانع پارسایی است یا یاور آن؟

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟

مگر نه اینست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: علم را طلب نمائید ولو اینکه در چین باشد. (۳) و فراگیری آن را بر همگان ضروری دانستند.

در روایتی مولی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تمام مواضع دنیا را جهل می نامد مگر جایگاه علم را که

روشنی و فروغ است (۱)، و این به صراحت قدر و شایستگی علم و حقارت دنیا و دلبستگی به آن را بیان می سازد.

اما در باب نسبت بین دین اسلام و پیشرفت باید گفت: از لحاظ تاریخی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. واژه مدرنیته از واژه ی لاتین (Modernus) به معنای نو و تازه گرفته شده است. مدرنیته یعنی نو شدن و نو شدگی و در برابر هر گونه تعلق به گذشته و سنت قرار می گیرد، هر چند وجوه اشتراکی نیز با آن دارد. برای نمونه می توان به علم گرایی جهان اسلام که یکی از الگوهای نو شدن غربی بود اشاره کرد.

توجه به حقوق بشر، عقل گرایی، مدارا با مخالفان و غیر هم کیشان که همگی از مظاهر نو شدن غربی به شمار آمده اند ریشه در تمدن اسلامی داشته و برگرفته از آن هستند. بحث آزاد در حوزه ی معارف دینی و گریز از جزمیت نیز از دیگر آموخته های تجدّد غربی از جهان اسلام است.

اما نکته ی حائز اهمیت این است که ترقی، پیشرفت و نو شدنی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند. به فرموده ی امام علی (علیه السلام): هر آن علمی که مورد تأیید و امضاء عقل نباشد گمراهی و ضلالت است. (۳) وقتی تساوی دو روز انسان از منظر اسلام غبن و خسران محسوب گردد این بهترین معنای رشد و بالندگی است.

برای اطلاع بیشتر روایاتی چند درباره موضوع بحث ذکر می گردد.

امام صادق (علیه السلام): کسی که از مقتضیات زمان خود آگاه است مورد هجوم اشتباهات واقع نمی شود.

امام علی (علیه السلام): سزاوار است انسان عاقل رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و دانش علما را بر دانش خویش اضافه نماید.

امام علی (علیه السلام): تجارب آدمی پایان ندارد و معلومات انسان عاقل به وسیله ی تجربه همواره در افزایش و فزونی است

امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از ما نیست آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید

## راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

### پرسش

راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

### پاسخ

یکی از راههای مشکل فقر توصیهها و راه حلهای « دین مبین اسلام » است که عمل بدانها، سبب پر شدن شکاف فقر و کم شدن فاصلههای طبقاتی مردم میشود.

همان گونه که صدر اسلام و در زمان پیامبر (ص) با عمل به فرمانهای الهی و دستورات دینی، چنان شد و برای اولین بار در تاریخ بشر، جامعهای بیطبقه یا دست کم با فاصله طبقاتی بسیار اندک، عملاً پدیدار شد.

امروزه هم، اگر بتوانیم در جامعه خود و حتی همه جوامع بشری، ابن دستورالعملها را به کار بندیم، توزیع ناعادلانه ثروت و فاصله فقیر و غنی و به طور کلی نابرابری در جوامع بشری از میان خواهد رفت.

یکی از این توصیه‌ها و دستورالعمل‌های با ارزش در اسلام، مسأله «انفاق» است. قرآن مجید بر موضوع انفاق تأکید بسیاری کرده و آیات فراوانی در این زمینه آورده است. تعداد آیاتی که کلمه «انفاق» یا مشتقاتش در آن به کار رفته است، بیش از هفتاد آیه است؛ البته اگر آیاتی که مضمون آنها، دلالت بر انفاق دارد، ولی کلمه انفاق یا مشتقاتش در آن ذکر نشده است را اضافه کنیم، مجموع آیات انفاق بیش از این تعداد خواهد شد.

خداوند متعال در قرآن مجید، انسان را به پرداخت قسمتی از آنچه نصیب او می‌گردد و در اختیارش می‌باشد، فرمان داده است. در آیه ۱۹ سوره ذاریات تعبیر زیبایی از این مطلب شده است وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ [و در اموال آنان ( پرهیزگاران) حقی برای سائل و محروم بود.]

برابر این آیه، مؤمن برای فقرا و مساکین



در اموالش حقی قائل است.

در قرآن مجید برای تشویق مردم به انفاق تعبیرهای زیبا و جذابی به کار برده شده است.

۱ - خداوند در آیه ۹۶ سوره نحل میفرماید «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» [آنچه نزد شماست فانی میشود، اما آنچه نزد خداست باقی است].

چه تعبیر زیبایی! چه عبارت کوتاه و پرمعنایی! یعنی اگر کسی میلیونها تومان پول خرج کند، تماماً از بین میرود، ولی اگر یک تومان برای رضای خداوند و در راه خدا هزینه شود، نزد خداوند و در خزانه غیب او باقی میماند؛ یعنی بر خلاف آنچه بیشتر مردم تصور میکنند، انفاق نابود نمیشود.

۲ - در آیه ۸۹ سوره نمل آمده است «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا...» [هر کس کار نیک و خوبی انجام دهد، بهتر از آن را پاداش میگیرد]. قصص/۸۴

برابر صراحت این آیه شریفه، نه تنها انفاق و صدقه از بین نمیروند و نزد خداوند باقی میماند، بلکه خداوند در عوض، چیزی بهتر به انفاق کننده میدهد.

۳ - آیه ۱۶۰ سوره انعام ارزش انفاق را فراتر برده است و خداوند در آن آیه میفرماید «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...» [هر کسی کار خوبی انجام دهد، خداوند ده برابر به او پاداش میدهد].

این آیه که به طور کلی درباره «حسنات» است، انفاق» یکی از حسنات بزرگ را هم در برمیگیرد که برابر صراحت آن، ده برابر ثواب و پاداش دارد.

و سرانجام در (آیه ۲۶۱ سوره بقره) ارزش فوق العادهای برای صدقه و انفاق بیان میشود و در این آیه آمده است «مَثَلُ كَسَانِي كَمَا أَنْفَقُوا» که انفاق میکنند و قسمتی

از اموالشان را در راه خدا به فقراء و مساكين ميدهند، همچون يك دانه است كه هر گاه در زميني حاصلخيز و مستعد كاشته شود، رشد و نمو ميكند، به هفت خوشه تبديل ميشود و در هر خوشه يكصد دانه جاي ميگيرد» يعني انفاق تا هفتصد برابر اجر و پاداش دارد و حتي بيش از اين؛ زيرا كه خداوند براي هر كس كه بخواهد آن را مضاعف، دو برابر يا بيشتر، مي كند.

## قرآن كريم براي جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان چه راه هایی معین کرده است

### پرسش

قرآن كريم براي جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان چه راه هایی معین کرده است

### پاسخ

با ذکر اين نکته كه موضع اسلام نسبت به مال و ثروت منفي نيست بلكه اسلام ثروتي را مي پسندد كه به وسيله طلب سراي ديگر شود، اسلام ثروتي را مي پسندد كه در آن "نيكي به همگان باشد و مایه فساد در زمين و فراموش كردن ارزش های انساني و گرفتار شدن در مسابقه جنون آميز "نكاثر" نگردد و انسان را به "خود برتريني و "تحقير ديگران و حتي رويارويي با پيامبر خدا ۶۱ نكشاند.

وسيله ای باشد، براي استفاده همگان براي پر کردن خلأهای موجود اقتصادی برای مرهم نهادن بر زخم های جانكاه محرومان و براي رسيدن به نيازها و مشكلات مستضعفان

قرآن كريم براي اجرای عدالت اجتماعي و مبارزه با فقر و محروميت و پر کردن فاصله های طبقاتي و پاك سازی روح و جان از حب دنيا و مال پرستي و ثروت اندوزی به عنوان يك قانون كلي با پيامبر اكرم دستور می دهد: "خزمن اموالهم صدقه .." از اموال آن ها صدقه ای [زكات بگير...".

بنابراين خداوند، حقوق واجبي مانند زكات و خمس و ساير حقوق غير واجب كه همان صدقه و انفاق به مستمندان است در اموال مردم قرار داده تا كساني كه سخاوتمندند و دچار آرزوهای دور و دراز نيستند، مراقب حلال و حرام خویش باشند و به ارحام خود كمك كنند، كه در اين صورت غالباً اموال نزد آن ها جمع نمی شود، هر چند در آمدشان زياد باشد.

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا ۷ می خوانیم كه فرمود: مال جز با پنج

خصلت در یک جا جمع نمی شود، بخل شدید، آرزوهای دور و دراز، حرص غالب قطع رحم و مقدم داشتن دنیا بر آخرت (نورالثقلین العروسی الحویزی ج ۵، ص ۶۶۸، ج ۷، نشر اسماعیلیان )، در روایت دیگر از پیامبر اکرم در همین کتاب می خوانیم "تکاثر، جمع آوری اموال از طرق نامشروع و خودداری از ادای حق آن و بستن آن ها در خزینه ها و صندوق ها است "

هم چنین در قرآن کریم در آیه شریفه: "مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشر، ۷)، آن چه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و... است تا [این اموال عظیم دست به دست میان ثروتمندان شما گردد."، به یک اصل اساسی در زمینه اقتصاد اسلامی اشاره کرده است و آن این که جهت گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به "مالکیت خصوصی برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال و ثروت ها متمرکز در دست گروهی محدود نشود که پیوسته در میان آن ها دست به دست بگردد. اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و مالیات هایی هم چون خمس زکات خراج و غیر آن و احکام بیت المال و انفال درست پیاده شود، خود به خود جامعه از دو قطبی شدن به اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر خارج می شود. (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۱۷۴؛ ج ۸، ص ۱۱۸، ج ۲۰،

## ۱ لطفاً در خصوص فقر و تلاش برای رفع آن توصیه‌هایی عنایت فرمائید؟

### پرسش

۱ لطفاً در خصوص فقر و تلاش برای رفع آن توصیه‌هایی عنایت فرمائید؟

### پاسخ

در روایاتی از پیامبر خواندم که پیامبر فرموده بودند خداوند خزائن و گنجینه‌های عالم را به من عرضه کردند و من در میان این گنجینه‌ها فقر را برگزیدم. لذا به بیان پیامبر فقر نوعی گنجینه است چرا که فقر اگر محدود باشد (و به سرحد احتیاج نرسد) انسان را از دلبستگی‌های به اموال بی‌نیاز می‌کند و رها می‌کند، انسانی که مالی برای حفظ ندارد نه تلاش برای جمع‌آوری می‌کند و نه ترس از دست دادن دارد و ربوده شدن و هزار چیز دیگر.

ولی در روایتی از آقا علی (ع) خواندم که از هر دری فقر بیاید از در دیگر ایمان می‌رود. این روایت اشاره دارد به فقری که انسان را به سرحد احتیاج به خلق خدا بکشانند. چرا که اگر انسان آنقدر فقیر باشد که برای زنده ماندن و پوشیده ماندن محتاج به غیر شود خطرناک می‌شود و ممکن است نشانه‌های عدم توکل در او دیده شود. لذا با جمع این روایات خدمت شما خواهر عزیز خواهم گفت که سعی کنید از رزق دنیا به قدر کفاف برگزینید که داخل در روایت پیامبر باشید و از آن طرف محتاج دیگران قرار نگیرید پس با توکل به خدا و با تشکر از خدا به وسیله بازوی پرتوان خودتان و با مراجعه به فهم و درک خودتان راه احتیاج به خلق خدا را ببندید، روی پای خود بایستید و به خدا توکل کنید، تمام تلاش خود را برای رزق حلال انجام دهید، فقر

را می توان با قناعت حاصل کرد با عدم اسراف، عدم وسواس با تدبیر و دقت در معیشت و نظم در کارها، هرچیزی را در جای خود صرف کردن، بی توجه به دنیا و نیازدگان بودن، و به آنچه روزی انسان می شود شاکر بودن و راضی بودن و قانع بودن.

## تأثیر علم و ثروت در پیشرفت انسان چگونه است ؟

### پرسش

تأثیر علم و ثروت در پیشرفت انسان چگونه است ؟

### پاسخ

علم و ثروت رابطه مستقیم در پیشرفت انسان دارند. در روایات در زمینه علم آمده است : . علم از کمالات محسوب می شود، لذا در روایتی امیرالمؤمنین عالم را به دو قسم تقسیم کرد و فرمود: . و می فرماید: و در معنای بی عمل می فرماید: (۹) مراد از علمی که نافع و نور است ، علمی است که از

آن معنویت و تقوا بیارد و همراه با عبودیت و بندگی خدا باشد. این گونه عالمان نورانی هستند و علمشان نور و چراغ و هدایتگر است . این گونه علم را می توان نامید و همان است که ابوذر می گوید: (۱۰)

پیامبر فرمود: (۱۱)

به جرأت می توان گفت : علم نافع در پیشرفت و کمال انسان بسیار مؤثر، بلکه لازم است .

ثروت نیز می تواند تأثیر مثبتی در کمال انسانی داشته باشد، تا بدان جا که در حدیث آمده : (۱۲)

در مضامین دیگر آمده است : . در دعای ابو حمزه از امام سجاده آمده است :

الفقر! خدایا! از فقر، به تو پناه می برم . در روایات گفته شده که عبادت هفتاد جزء است و بهترین آن ها به دنبال کسب حلال رفتن است . () و برکت ده جزء است و نه جزء آن در تجارت است . (۱۳) در روایت دیگر آمده است :

کسب و کار مشغول شوید . (۱۴) عمر بن یزید به امام صادق گفت : مردی می گوید من در خانه می نشینم و نماز می خوانم و روزه می گیرم و خدا را عبادت می کنم و رزق و روزیم را خدا می رساند.

امام صادق ۷ فرمود: (۱۵)

باید انسان دنبال کار و کوشش برود.

پیامبر ۶ فرمود:

است <.

بنابراین علم و اقتصاد تأثیر به سزایی در کمال یا نقص انسان دارد.

(پاورقی ۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۹)

(پاورقی ۲. همان، ص ۱۹)

(پاورقی ۳. همان، ص ۵۰)

(پاورقی ۴. همان، ص ۱۸)

(پاورقی ۵. همان، ص ۵۳)

(پاورقی ۶. وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۵۱)

(پاورقی ۷. علی اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص ۱۳۶)

(پاورقی ۸. وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۴۲۴)

(پاورقی ۹. بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۰۶)

(پاورقی ۱۰. بحار الانوار، ج ۲ ص ۵۱)

(پاورقی ۱۱. همان، ص ۵۲)

(پاورقی ۱۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰ ص ۲۴۶)

(پاورقی ۱۳. همان، ص ۳)

(پاورقی ۱۴. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۵)

(پاورقی ۱۵. همان، ص ۱۴)

دیدگاه قرآن درباره رسیدگی به مستضعفین چیست

۱. با توجه به تقابل مستضعف و مستکبر، می توان به این نتیجه رسید که قانون شکنی ها و سرکشی های مستکبر است که با نافرمانی از قانون و شرع و تجاوز به حدود الهی و با کسب امتیازات نامشروع حقوق مستضعف را غصب می کند. قرآن کریم در این باره می فرماید: "إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ طَآءِفًا مِنْهُمْ يُدَبِّحُونَ بُنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُمْ لَكَاانٌ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص ۴)"، فرعون در آن سرزمین برتری طلبید و اهل آن را گروه گروه گردانید؛ گروهی را زبون و پست می شمرد، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را زنده بر جای می گذاشت به راستی وی از تبه کاران بود."

۲. مستضعف در قرآن کریم به دو مفهوم استضعاف فکری و اجتماعی به کار رفته که به هم پیوسته اند. آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء، به استضعاف فکری و هم چنین آیه ۷۵ همین سوره به استضعاف اجتماعی اشاره دارند.

۳. راه کار کلی مقابله با پدیده استضعاف عبارت اند از: الف بالا بردن سطح آگاهی های مستضعفین ترسیم وظایف آنان در باز پس گیری حقوق از دست رفته خود، استوار ساختن حاکمیت مبتنی بر عدالت تعدیل ثروت و توزیع عادلانه ثروتهای جامعه و... است سفارش جدی قرآن بر انفاق به محرومین ذاریات ۱۹). و پرداخت مالیات های واجب اسلامی مانند خمس و زکات از این قبیل است ب چنان چه راه کارهای فوق نتوانست جلوی تبه کاری مستکبران را بگیرد، قرآن کریم می فرماید که باید با آنان به جهاد و پیکار برخاست

که آیه ۷۵ سوره نسا، بدین مطلب اشاره دارد.

## راه رسیدن به خودکفایی برای یک کشور از نظر قرآن چیست

### پرسش

راه رسیدن به خودکفایی برای یک کشور از نظر قرآن چیست

### پاسخ

قرآن کریم بهترین راه خودکفایی را اعتماد به نفس تکیه بر نیروهای خودی و تلاش و کوشش فراوان می داند.

خداوند متعال درباره اعتماد به نفس مؤمنان می فرماید: "وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ - إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران ۱۳۹) و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید."

همچنین قرآن کریم درباره اعتماد بر نیروی مسلمانان و مؤمنان در راستای خودکفایی اقتصادی و... می فرماید: "وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (هود، ۱۱۳) و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فراگیرد، و در آن حال هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت و یاری نمی شوید." از آیه مذکور برمی آید که در مسائل اقتصادی نظامی سیاسی و... مسلمانان نباید بر کفار و ظالمان تکیه کنند و باید از خود استقلال داشته و خودکفا باشند. (ر.ک نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۲۵۹ ۲۶۴، دارالکتب الاسلامیه تهران)

قرآن کریم درباره تلاش همت و پشت کار مسلمانان و مؤمنان می فرماید: "مَحْمَدٌ [ص فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آن ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است



همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد! [اولی کسانی از آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است " (فتح ۲۹) (ر.ک اسلام و مقتضیات زمان شهید مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۵۵، انتشارات صدرا، قم )

## چرا مؤمنان همیشه در دنیا فقیر هستند، ولی ظالمان ثروتمند هستند؟

### پرسش

چرا مؤمنان همیشه در دنیا فقیر هستند، ولی ظالمان ثروتمند هستند؟

### پاسخ

این طور نیست که تمامی مؤمنان فقیر باشند. نیز صحیح نیست بگوییم تمامی ظالمان ثروتمند هستند. این برداشت از روی استقرا و جست و جوی ناقصی است که می کنیم . ما چند نمونه انسان های خوب و متدین رامی بینیم که وضعشان خوب نیست . آن وقت به طور کلی می گوییم همهء مؤمنان فقیرند! مؤمنان نیز بیشماری در بین طرفداران ادیان هستند که ثروتمند می باشند. مؤمنان مانند حضرت داوود و حضرت سلیمان و حضرت خدیجه و نیز عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و غیر اینان در تاریخ فراوانند.

البته فقر و ثروت درجاتی دارد. بعضی از مؤمنان خیلی ثروت دارند، بعضی کمتر و بعضی فقیرند و بعضی خیلی فقیرند، همین طر ظالمان .

نکته مهم در بحث این است که در اسلام فقر و غنا، زیبایی و زشتی ، سلامتی و بیماری ، هم زمینه های امتحان الهی است . چه بسا ثروتمندی به وظائف خود خوب عمل کند، ولی فقیری به وظائفش عمل نکند. در این صورت آن ثروتمند مؤمن و متعهد، بهتر از آن فقیر است . چه بسا فقیری به وظائف خود عمل نماید و ناسپاسی نکند، ولی ثروتمندی این طور نباشد. در این صورت آن فقیر بهتر از ثروتمند است .

البته وظیفه فقیر از غنی سبک تر و کمتر است .

پیامبر ۶ فرمود: (۱)

قال رسول الله ۶

است <.

پیامبر ۶ فرمود: (۲)

باز پیامبر ۶ فرمود: (۳)

(پاورقی ۱. آثار الصادقین، ج ۱۶ ص ۵۴ به نقل از کنز العمال، ج ۶ ص ۴۷۷

(پاورقی ۲. همان، ص ۵۹

(پاورقی ۳. همان .

## چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

### پرسش

چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

### پاسخ

آیات و روایات فراوانی مسلمانان را به کار و تلاش و تجارت و کسب مال حلال سفارش کرده و جامعه را از فقر و تنگدستی بر حذر داشته، فقر را خطرناک ترین دشمن تکامل انسانی و موجب عقب ماندگی فکری و انحطاط عقلی و اخلاقی و باعث از دست رفتن سلامت جسمی معرفی کرده است، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "از فقر به خداوند پناه ببرید که باعث عقب ماندگی و نارسایی در امور دینی و موجب پریشانی عقل و نارسایی فکر است". (۱)

نیز فرمود: "فقر و تنگدستی، زبان افراد زیرک و باهوش را می بندد و آنان را از بیان دلیل، گنگ و لال می گرداند، شخص فقیر در شهر خود نیز غریب است". (۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده کالا و ثروت، موجب حفظ کمال و عزت و تقوا است. (۳)

مسئله اقتصاد و فقر زدایی به قدری دارای اهمیت است که از آن حضرت نقل شده: "فلولا الخبز ما صلینا و لا صُمننا و لا أدینا فرائض ربنا؛ (۴) اگر نان نبود - و شکم ها گرسنه بود - از نماز و روزه و انجام سایر فرائض و واجبات خبری نبود". با وجود این که اقتصاد و حل مشکل فقر و بیکاری اهمیت فراوانی دارد، ولی بدتر از فقر و نداشتن برنامه صحیح اقتصادی و جدولی متناسب با درآمدها برای مخارج و هزینه های زندگی است، خطری که اسراف و ریخت و پاش ها، زندگی فرد و جامعه را تهدید می کند، به مراتب زیاده تر از فقر است، کشورهای اسلامی همانند ایران به صورت طبیعی فقیر نیستند، اما سوء تدبیر و نداشتن برنامه ریزی

صحیح اقتصادی، وابستگی های همه جانبه را برای آنان فراهم ساخته است.

بنابراین گفتن این جمله که مسلمانان فقیر هستند، صحیح نمی باشد، چون بیشترین منابع و ثروت طبیعی میان مسلمانان به خصوص در خاورمیانه وجود دارد، عدم برنامه ریزی صحیح و وابستگی اقتصادی و تنبلی و تن پروری عامل عدم استفاده صحیح از این منابع است که از آن به سوء تدبیر تعبیر می شود، عامل عقب ماندگی اقتصادی را باید در عوامل عقب ماندگی در امور دیگر مانند علمی و فرهنگی و تمدنی جستجو کرد.

پاورقی:

۱ - حسین نوری، اقتصاد اسلامی، ص ۹۶، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶،

۲ - همان،

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶.

۴ - همان، ص ۱۷.

### آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

#### پرسش

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

#### پاسخ

متأسفانه یکی از آسیب های دین شناسی آن است که برخی خاستگاه چالش ها و نارسایی های مربوط به مسلمانان را دین و آموزه های آن می دانند، حال آن که عقب ماندگی و مشکلات مسلمانان مربوط به خود آنان بوده و اسلام چیزی است و مسلمان بودن چیزی دیگر. (۱)

در اسلام مسلمانان به فعالیت های اقتصادی فرا خوانده شده و از فقر و هر گونه تن پروری و بیکاری نهی شده اند تا آن جا که کار در راه تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، ارزش جهاد در راه خدا را پیدا کرده است. (۲) یکی از نویسندگان در ذیل تفسیر آیه ۲۰ مزل می نویسد: "در آیه تلاش برای زندگی در کنار "جهاد فی سبیل الله" قرار داده شده و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است. چرا چنین نباشد، در حالی که یک ملت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت؟! اصولاً "جهاد اقتصادی" بخشی از "جهاد با دشمن" است. (۳)

امام صادق (ع) در خصوص اهمیت کسب روزی فرمود: "لا- تکسلوا فی طلب معاشکم فانّ آبائنا كانوا یرکضون فیها و یطلبونها؛ (۴) در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران ما در این راه می کوشیدند و روزی را طلب می کردند."

بر این اساس، اسلام مسلمانان را نه تنها به دوری از فقر فرا خوانده، بلکه آن را مانند جهاد دانسته است. اما فقر مسلمانان ریشه در عوامل دیگر دارد. یکی از علل مهم، سیاست هایی است که در طول تاریخ

توسط حاکمان ستمگر به کار گرفته شده و دشمنان نیز از آن حمایت می کردند. دشمنان می دانند که استقلال اقتصادی مسلمانان، با منافع آنان در تضاد است.

آنان ذلت و وابستگی جهان اسلام را می خواهند! داده های تاریخی نشان از آن دارد که یکی از وابستگی هایی که شدیداً جامعه اسلامی را آسیب پذیر نمود، وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمار گر است.

برداشت های انحرافی از دین

یکی از علل گسترش فقر در جهان اسلام برداشت های انحرافی از دین می باشد. برخی تصور می کنند که دین انسان ها را به آخرت فرا خوانده و از تلاش و فعالیت در دنیا بر حذر داشته، که غلط بودن این پندار کاملاً روشن است.

در برخی از روایات یکی از مؤلفه های جامعه آرمانی امام زمان (عج) پیشرفت های اقتصادی و علمی بیان شده است. این نشان می دهد که یکی از اهداف مهم اسلام فقر زدایی و فرا خوانی به فن آوری و پیشرفت های اقتصادی است. پیامبر اسلام و ائمه به فعالیت های اقتصادی می پرداختند و در صدد تشکیل جامعه بدون فقر بودند. امام علی (ع) یکی از وظایف حاکمان را فقر زدایی دانست. (۵)

البته در اسلام همان گونه که به فعالیت های اقتصادی سفارش شده، به تقوا و معنویت گرایی نیز سفارش شده است، زیرا همه خوشبختی ها در داشتن مال و ثروت ظهور نمی کند.

این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزگاری، غرق در ناز و نعمت هستند، اشتباه بزرگی است؛ زیرا اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم، دردهای جانکاهی (که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد) می

بینیم و قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن‌ها از بیچاره‌ترین مردم روی زمین هستند، (۶) زیرا معنویت مهم‌ترین سرمایه زندگی است.

اگر در اسلام از درآمدها و ثروت اندوزی غیر مشروع نهی شده، بدین جهت است که مردم از معنویت فاصله نگیرند و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

### خود باختگی

یکی از علل مهم فقر جوامع اسلامی خود باختگی است، بدین معنا که امروزه مسلمانان توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش را فراموش کرده و تصور می‌کنند فقط دیگران توان اقتصادی و خلاقیت‌های علمی دارند. روحیه خود باختگی موجب شده است که در جوامع اسلامی از نیروهای انسانی کشورهای بیگانه استفاده شده و این رویکرد فقر اقتصادی و وابستگی را در پی دارد.

پی نوشت‌ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳ (الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸.

### علت این همه فقر و بیکاری و نابسامانی در مملکت ما چیست ؟

#### پرسش

علت این همه فقر و بیکاری و نابسامانی در مملکت ما چیست ؟

#### پاسخ

مشکلات اقتصادی مملکت و بیکاری پنهان و آشکار در آن موضوعی نیست که کسی در آن تردید داشته باشد و در این که فقر ریشه بسیاری از بدبختی‌هاست نیز تردیدی نیست. ولی باید مقصداری ریشه‌های آن را بررسی کرد تا بتوانیم قضاوتی صحیح داشته باشیم. در آغاز به مسأله نفت می‌پردازیم.

ایران هم اکنون حدود ۵/۲ میلیون بشکه نفت در روز صادر می کند با جمعیتی فراتر از ۶۰ میلیون نفر و کشوری وسیع، حال آن که کویت با داشتن جمعیتی کمتر از یکی از استان های کوچک و مساحتی به اندازه یکی از شهرهای ایران بیش از این مقدار نفت صادر می کند.

البته آنها از سرمایه نسل های بعدی می خورند و روشن است که در آینده ای نه چندان دور، نفت و فرآورده های آن کالایی بسیار گرانبه خواهد بود و یا عربستان با حدود «یک چهارم» جمعیت ایران حدود ۷ میلیون بشکه نفت صادر می کند. علاوه بر درآمد فراوانی که از راه های دیگر دارد.

درآمد نفت در ایران، عمدتاً صرف سرمایه گذاری های زیربنایی و نیز تحصیل ارز برای تأمین مایحتاج عمومی همانند نان، برنج و دیگر اقلام ضروری می گردد.

اما علل کاهش درآمدها و بروز تنگناهای اقتصادی. مشکلات اقتصادی کشور ما عوامل متعددی دارد از جمله:

- تورم و رکود اقتصاد جهانی و تأثیر آن بر اقتصاد داخلی (که خود از عوامل کاهش تقاضا برای خرید نفت و پایین آمدن قیمت آن شده است).

- کاهش شدید قیمت نفت

- سرمایه گذاری برای توسعه که خود از عوامل تورم است

- تحریم های اقتصادی و آزارهای قدرت های جهانی

- مخارج سنگین جنگ تحمیلی و پی آمدهای آن در عرصه های مختلف

- هزینه سنگین بازسازی

-

الگوی نامناسب مصرف در جامعه و گرایش شدید به اسراف و تبذیر در برخی طبقات

- روند بی رویه رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای کار و کالا بدون فراهم بودن زمینه های دیگر

- نبودن اخلاق کار و جدیت در تولید

اینها تنها بخشی از عواملی است که دولت و ملت با آن درگیر بوده و هست. هر کدام از این عوامل می توانستهای اساسی جامعه را متلاشی سازد ولی به فضل الهی و حمایت مردم و تحمل آنها دولت توانسته است بر بسیاری از این مشکلات تا حدودی فایق آمده و چرخه اقتصاد را به حرکت درآورد.

با وجود همه این مشکلات، پس از انقلاب پیشرفت عمده ای در خدمات رسانی به مناطق محروم صورت گرفته است. نگارنده این سطور که خود پیش از انقلاب به بسیاری از مناطق محروم سفر کرده است و اکثر قریب به اتفاق روستاها را فاقد آب، برق، راه مناسب و بسیاری از خدمات دیگر دیده است اکنون به دور افتاده ترین نقاط که گاه گذر می افتد مشاهده می کنم که بسیاری از خدمات به دور افتاده ترین نقاط نیز راه یافته است و تا آنجا که ما اطلاع داریم همت دولت، مجلس و مجموعه نظام رسیدگی بیشتر به مناطق محروم بوده است.

البته این بدان معنا نیست که هیچ مشکلی در هیچ نقطه ای وجود ندارد. مسلما در مملکتی با این وسعت و پراکندگی جمعیت، مشکلات فراوانی برای برخی وجود داشته و دارد و بایستی برای رفع آن تلاش کرد.

از جمله همین کار مقدس شماست که از سر دلسوزی برای ما که البته هیچ کاره هستیم نامه نوشته اید، شما همین مشکلات را در نامه ای دیگر نوشته و با امضای عده ای از اهالی برای مسئولین



استان، نماینده مجلس، دفتر ریاست جمهوری و بالاخره دفتر مقام معظم رهبری ارسال نمایند و پی گیری لازم را نیز انجام دهید که صد البته عبادتی بزرگ و خدمتی اساسی است.

مشکل بیکاری نیز در مملکت ما از تبعات همان عواملی است که ذکر شد. در همین شرایط فعلی صدها واحد تولیدی به خاطر مسائل ارزی و کمبود آن خوابیده و بسیاری بیکار شده اند. مسأله بیکاری، پی آمدها و مفسد متعددی به دنبال دارد که خود برخی از آنها را نوشته اید.

ولی یک نکته مهم دیگر نیز وجود دارد که بسیاری از جوانان ما بخصوص تحصیل کرده ها توقع داریم که پس از تحصیل، شغلی اداری پیدا کرده و درآمد مکفی نیز از این طریق داشته باشیم.

این روحیه گریز از کار واقعی، از معضلات اجتماعی ماست. چرا باید یک جوان، کار در مزرعه و یا کارگاه و... را برای خود کسر شأن بدانند؟ آیا کشورهایی مانند ژاپن و چین که توانسته اند در زمینه اقتصادی رشد چشمگیری داشته باشند همین گونه اند؟

آنها شبانه روز کار می کنند. بیش از مردم دیگر کشورها و دارای توقعی بسیار پایین ولی در کشور ما تقریباً کار بر عکس است و بسیاری به دنبال نازکی کار و کلفتی نان هستند؟!

امید است که عنایات الهی باز هم شامل مردم ما گردد و با درایت مسئولین مشکلات به تدریج حل گردد تا جوانانی همانند شما دغدغه کار و درآمد نداشته باشند و بتوانند با آسودگی خیال به سازندگی مملکت خود پردازند.

اما درباره مسئولین؛ ما نیز از مسئولینی که تنها به فکر خود و منافع خود باشند و با استفاده از امکانات عمومی به نشخوار اموال مردم پردازند و از این طریق خود را

فربه کنند بیزاریم شما نیز بیزار باشید. البته نباید حساب چند نفر را بابت همه نوشت. وقتی رهبر انقلاب در کمال سادگی زندگی کرده و همواره مسئولین را توصیه به دوری از تجملات می کنند ما نیز بایستی چنین روحیه ای داشته باشیم و این باور را در همه ایجاد کنیم که مسئول باید همانند ساده ترین مردم زندگی کنند.

برای این که بتوانید مشکلات خود را با مقام معظم رهبری و نیز ریاست جمهوری مطرح سازید با آدرس زیر مکاتبه فرمایید:

تهران - خیابان پاستور - دفتر مقام معظم رهبری.

تهران - خیابان پاستور - دفتر ریاست جمهوری.

## چرا کشورهای اسلامی فقیر، ضعیف و عقب مانده اند؟

### پرسش

چرا کشورهای اسلامی فقیر، ضعیف و عقب مانده اند؟

### پاسخ

با تابش آفتاب اسلامی در سرزمین عربستان و آغاز تمدن اسلامی، اندک اندک مملکتی به وجود آمد که شکوه و جلال آن هنوز هم در میان ملل مختلف مثال زدنی است. در آغاز و سده های نخستین تاریخ اسلام کشورهای اسلامی جزو پیشروترین سرزمینهای آن روزگاران به حساب می آمدند و در هنگامه ای که در قرون وسطی جهان غرب در تباهی و سیاهی غوطه ور بود تمدن درخشان اسلامی جهان را از تابش خویش خیره ساخته بود اما متأسفانه رفته رفته، عوامل متعددی باعث شد تا آن شکوه و جلال از دست برود و کشورهای اسلامی تبدیل به سرزمینهای فقیر و وابسته گردد. این عوامل را می توان از زوایای مختلفی بررسی کرد و نیز شایسته است برای رهایی از وضعیت موجود این عوامل به دقت بررسی و معضلات ناشی از آنها برطرف شود. بنابراین و در پاسخ به پرسش مطرح شده این عوامل به صورت مختصر مورد بررسی قرار می گیرد.

این عوامل را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) - عامل اقتصادی و انحراف از مسیر واقعی اسلام

۱ - عوامل اعتقادی فردی

تا مدتی پس از ظهور اسلام کم و بیش اسلام واقعی و دستورات آن در بین مسلمانان به شکل ناب و واقعی آن وجود داشت ولی اندک اندک انحراف از مسیر اصلی اسلام در میان مسلمانان پدید آمد. و بخشی از عقاید راستین تبدیل به انحرافها، خرافه گریها و توجیها نادرست گردید و این تحول، تمدن اسلامی را تحت تأثیر قرار داد. در این مرحله بسیاری از برنامه های زندگی ساز اسلام نادیده گرفته شد و توجیها نادرست مردم

را از مسیر پیشرفت و ترقی باز داشت.

برخی از این توجیحات نابجا ارتباط تنگاتنگی با عوامل عقب ماندگی رفته کشورهای اسلامی دارد چنان که عقیده به سرنوشت و ملازم دانستن آن با چیره گرایی باعث شده و می شود که عده ای گمان کنند، وضعیت آنان غیر قابل تبدیل و بهبود یافتن است و آنچه نصیب آنان شده تغییرناپذیر است و بنابراین تلاش برای پیشرفت و ترقی بی فایده می باشد.

عده ای دیگر اعتقاد به آخرت را به معنای محرومیت از زندگی دنیا و زهد را به معنای پلید دانستن تمامی زندگی مادی انگاشته و با این توجیحات مسیر زندگی خود را از جامعه جدا می نمودند.

عده ای دیگر نیز صبر را به معنای تحمل مشکلات و عدم انجام هرگونه تلاشی برای رفع آنها و انتظار فرج را به معنای تحمل انواع بی عدالتیها و ستمها دانسته و اینها همگی از عوامل اعتقادی انحطاط تمدن اسلامی و کشورهای اسلامی بوده و هست {۱}.

## ۲ - عوامل اعتقادی جمعی

خوش گذرانی و توجه بیش از حد به لذایذ دنیا در میان عده ای و بی توجهی به پیشرفتهای علمی و مسؤولیت افراد در قبال اجتماع از عوامل دیگری است که تمدن اسلامی را به انحطاط کشانده است {۲}.

مرحوم سید جمال الدین اسد آبادی معتقد است که اساساً روح و روان انسانها و جوامع و افکار و عقاید آنان، بسته به نوع در کیفیت آن در زمان و بقای و یا انحطاط و ترقی فرد و جامعه نقش حساس و تعیین کننده ای دارد و مفسد اخلاقی اجتماعی با بقای هر جامعه رابطه داشته و ظهور و رواج آن جامعه را به انحطاط خواهد کشانید {۳}.

ب) عوامل سیاسی

عوامل

سیاسی انحطاط تمدن اسلامی و به تبع آن فقر و عقب ماندگی کشورهای اسلامی را می توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد.

## ۱ - عوامل سیاسی داخلی

یکی از اساسی ترین عوامل افول تمدن اسلامی زمامداران نالایق و رهبران گمراهی بوده اند که در طول تاریخ بر جامعه اسلامی حکم رانده و رهبریهای نادرست آنان و کارگزارانشان جامعه را از ترقی بازداشته است {۴}.

بارزترین نمونه این حکمرانان را می توان در حکومت امویان جستجو کرد چنان که مشخصات این دوران چیزی جز رواج عیاشی و فساد، رواج عقاید نادرست و انحطاط عقیدتی و ایجاد جو خفقان و سرکوب چیز دیگری نیست {۵}.

## ۲ - عوامل سیاسی و خارجی

تمرد استعمار غرب و استیلای کشورهای غربی بر سرزمینهای اسلامی از دیگر عواملی است که باعث شده ثروت کشورهای اسلامی به یغما رفته و زمینه های خود باوری در میان مسلمانان از میان برود چنان که توجه به غرب و دنباله روی آن یکی از پیامدهایی است که همچنان گریبان کشورهای اسلامی را رها نساخته است و تمدن اسلامی را از حرکت بازداشته و مسیر حرکت آن را ناهموار و پویایی اش را کند کرده است.

## ج) عوامل اجتماعی

با توجه به عوامل اعتقادی و سیاسی، رواج روحیه بی توجهی به پیشرفت و علم و دانش از عوامل اجتماعی عقب ماندگی و ضعف کشورهای اسلامی است.

جدایی دین از سیاست و در مقوله دانستن آن بی توجهی در دست داشتن زمام امور و نیز دو مقوله بودن علم و دین باعث بی توجهی به دانش شده و اینها همگی چرخ تمدن را از گردش بازداشته است. جهان بینی های نادرست از اقتصاد، ماده و علم تصویری شیطانی ساخته

و گروهی را از گرایش به آن بازداشته است. طرد و نفی ارتباط بین دین و دنیا، ماده و معنا، معاش و معاد، عقل و دین، عقیده و عمل و نیز دین و سیاست بر فرهنگ، اعتقادات، سنتها و آداب و رسوم ملل اسلامی سایه افکنده و در عقب ماندگی آنها نقش اساسی داشته است {۶}.

نتیجه - با بررسی عوامل مختلف انحطاط تمدن اسلامی و فقیر و عقب مانده شدن کشورهای اسلامی به راحتی می توان دریافت که دوری از اسلام راستین و تفسیرهای نادرست از آن، زمامداران نالایق، استعمار خارجی، رواج سنتها و آداب و رسوم و باورهای ناصحیح از ارتباط دنیا و مسایل اقتصادی با آخرت و دین مردم از اصلی ترین عوامل است که باعث شده کشورهای اسلامی در وضعیتی نا مساعد قرار گرفته، در فقر و ضعف به سر برده و همچنان عقب مانده، باقی بمانند و این در حالی است که در روزگاری تمدن اسلامی درخشان ترین تمدن زمان خویش بوده است و هیچ منعی در میان نیست که آن جلال و عظمت گذشته دوباره تکرار شود و این به دست نخواهد آمد جز با توجه ژرف و عمیق به علل و عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان و رفع آنها و نیز توجه به علل و عوامل پیشرفت دیگر کشورها و استفاده از آن عوامل در دل اصول و چهار چوبهای فرهنگ و تمدن اسلامی.

[۱]. علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، ص ۲۷۱، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۱.

[۲]. همان.

[۳]. علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه های سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی، سید احمد موثقی،

[۴]. علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، ص ۳۴۵.

[۵]. همان، ص ۳۵۸.

[۶]. علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه های سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی، سید احمد موثقی تا ص ۵۴.

### منظور از توسعه اقتصادی چیست؟

#### پرسش

منظور از توسعه اقتصادی چیست؟

#### پاسخ

توسعه اقتصادی عبارت است از به کارگیری عوامل اقتصادی گوناگون به منظور افزایش درآمد سرانه و ارتقای سطح زندگی و بهبود شرایط زیست و برای رسیدن به توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته نظریه و راه های متفاوتی وجود دارد. (۱)

(پاورقی ۱. روزنامه ابرار، مورخه ۱۳۰۱۳۰۷۴۱ ص ۸)

### در زمینه انباشتن ثروت از دیدگاه اسلام چه آمده است؟ آیا این امر خوب است؟

#### پرسش

در زمینه انباشتن ثروت از دیدگاه اسلام چه آمده است؟ آیا این امر خوب است؟

#### پاسخ

نمی توان گفت اسلام در برابر مال و ثروت موضع منفی دارد و با آن صد در صد مخالف است. از طرفی اسلامفقر را هم نمی پسندد و در آیه ۱۸۰ سوره بقره از "مال" به "خیر" تعبیر شده است.

در حدیثی از امام باقر(ع) می خوانیم: " نعم العون الدنيا علی طلب الآخرة؛ [۱۷] دنیا (مال) کمک خوبی برای رسیدن به آخرت است."

و در روایت دیگر از امام صادق(ع) آمده است: "غنی عجزک عن الظلم خیر من فقر یحملك علی الاثم؛ [۱۸] بی نیازی که انسان را از تجاوز به حق دیگران باز دارد، از فقری که انسان را به گناه وادار نماید، بهتر است."

جوامع اسلامی باید بکوشند هر چه بیشتر غنی و بیناز گردند و به مرحله خود کفایی برسند و روی پای خود بایستند و شرف و عزت و استقلال خود را بر اثر فقر، فدای وابستگی به دیگران نکنند. یک ملت فقیر نمی تواند آزاد و سربلند زندگی کند. فقر انسان ضعیف الایمان را می لغزاند و ممکن است او را به کفر و بی دینی بکشاند (کاد الفقر ان یكون کفراً). [۱۹]

همان طور که فقر خوب نیست و موجب لغزش می شود، ثروت اندوزی نیز ممکن است باعث طغیان و سرکشی گردد. در بعضی از متون اسلامی از ثروت و از برخی از ثروتمندان مذمت شده است. مذمت از قارون ثروتمند مغرور شاهد گویایی بر این موضوع است، منتهی اسلام ثروتی را می پسندد که به وسیله آن مسیر بهشت هموار گردد، چنان که دانشمندان و بزرگان بنی

اسرائیل به قارون گفتند: "وابتغ فیما اتاک الله الدار الآخرة؛ [۲۰] از این ثروت برای خانه آخرت کاری بکن".

اسلام ثروتی را می پسندد که در آن نیکی به همگان باشد (احسن کما احسن الله إليك). [۲۱]

اسلام ثروتی را مدح می کند که در آن "لا تنس نصیبک من الدنيا؛ [۲۲] فراموش نکردن بهره دنیوی" تحقق یابد. بالاخره اسلام ثروتی را می پسندد که مایه فساد در زمین و فراموش کردن ارزش های انسانی و گرفتار شدن در سابقه جنون آمیز "تکاثر" (زیاده خواهی) نگردد و انسان را به "خود برترینی" و "تحقیر دیگران" و حتی رویارویی با پیامبر و بزرگان دین نکشاند.

ثروت باید وسیله ای باشد برای استفاده همگان، پر کردن خلاء های اقتصادی؛ مرهم نهادن بر زخم های جانگاہ محرومان و برای رسیدگی به نیازها و مشکلات مستضعفان. علاقه به چنین ثروتی با چنین هدفی، علاقه به دنیا نیست، بلکه علاقه به آخرت است.

یکی از یاران امام صادق (ع) به آن حضرت گفت: چکار کنم من دنیا را دوست دارم و به آن علاقه مندم! می ترسم دنیا پرست باشم. امام (ع) فرمود: "با ثروت دنیا چه می خواهی انجام دهی؟" گفت: هزینه خود و خانواده ام را تهیه کنم و به خویشاوندان کمک کنم. در راه خدا انفاق کنم و حج و عمره به جا آورم. امام (ع) فرمود: "لیس هذا طلب الدنيا هذا طلب الآخرة؛ این دنیا طلبی نیست، بلکه طلب آخرت است". [۲۳]

۲ [۱۷] تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷۴، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲ [۱۸] همان، ص ۱۷۶، به نقل از وسائل، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲ [۱۹]



میزان الحکمه، عنوان ۳۲۲۰.

۲ [۲۰] قصص (۲۸) آیه ۷۷.

۳ [۲۱] همان.

۳ [۲۲] همان.

۳ [۲۳] تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷۵، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹.

## از دیدگاه اسلام آیا سرمایه داری درست است؟ آیا حضرت علی (ع) سرمایه دار زمان خویش بودند؟ اگر جواب مثبت است، دلیل قناعتشان چه بوده است؟

### پرسش

از دیدگاه اسلام آیا سرمایه داری درست است؟ آیا حضرت علی (ع) سرمایه دار زمان خویش بودند؟ اگر جواب مثبت است، دلیل قناعتشان چه بوده است؟

### پاسخ

سرمایه داری یعنی مالداري و توانگري. این صفت در اصل امری خوب و ستودنی است، همچنان که فقر و تهیدستی، نکوهیده و مذموم است.

ثروت و سرمایه ذاتاً در اسلام پسندیده است. آن چه مذمت شده، دل بستگی به ثروت و دنیا، هدف دانستن و تفاخر به آن، کسب نامشروع و ادا نکردن حقوق واجب است. اگر شخصی ثروت فراوانی داشته باشد، اما از راه حلال کسب نموده باشد و حقوق شرعی (خمس و زکات) را پرداخته و به نیازمندان توجه کرده و از آن ها دستگیری نماید، چنین ثروتی پسندیده است. در قرآن کریم از دو ثروتمند یاد شده است: حضرت سلیمان (ع) و قارون. یکی ثروت را وسیله ای برای رفع نیازمندان می دانست و همواره در راه خدا انفاق می نمود اما دیگری آن قدر ثروت او را مست نمود و مغرور که حاضر نبود هیچ تکلیف و مسئولیت دینی را در قبال سرمایه و ثروت خود بپذیرد و سرانجام با عذاب الهی با تمام ثروتش در زمین مدفون شد.

پیشوایان دین اسلام و از جمله حضرت علی (ع) با کار و کوشش، دارای سرمایه و ثروت بودند. املاک و باغ های امیرالمؤمنین (ع) در مدینه و یمن مشهور است. روزی شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: مردم شما را مردی ثروتمند می دانند، حضرت فرمود: "مالدار بودن عیب نیست". (۱)

امیرمؤمنان فرمود: "بدانید از جمله نعمت های خدا که به بندگان ارزانی داشته، فراوانی مال و ثروت است". (۲) ثروت داشتن عیب نیست، بلکه نعمتی است که انسان

می تواند آن را توشه ای برای آخرت قرار داده و با کمک به بندگان، رضایت الهی را جلب نموده و موجب تقرب به خدا شود.

اما در تاریخ غالباً سرمایه داری بار منفی داشته و این بدان خاطر است که غالباً سرمایه داران یا از راه حرام آن را به دست آورده و یا دلبستگی به آن داشته و استفاده نامطلوب می کردند.

این لفظ غالباً یاد آور کسانی است که شکمشان سیر است و بهترین امکانات را دارند اما به فکر فقیر و محرومی نیستند. اینان در موارد گوناگونی، مورد سرزنش حضرت علی قرار گرفته اند و حتی نشست و برخاست با آنان را مذمت کرده (۳) و عاقبت بدی را برای آنان پیش بینی نموده است. (۴)

منافاتی ندارد که انسان در عین داشتن ثروت، در زندگی ساده زیست باشد. حضرت در عین کار و کوشش فراوان برای آبادانی نخلستان ها، حفر چاه و قنوات، و به دست آوردن دارایی فراوان، در راه خدا انفاق بسیار می نمود. در این باره داستان های فراوانی نقل شده است، ولی خود به نان جو بسنده می نمود و لباس مندرس می پوشید و می فرمود: حاکم اسلامی باید در سطح مردم جامعه زندگی کند.

حضرت علی (ع) سرمایه و مال دنیا را وسیله ای برای خوشبختی در جهان آخرت قرار داده بود، نه برای زندگی مرفه در دنیا.

یکی از بزرگ ترین صفات انسانی این است که بشر در عین توانگری، قناعت پیشه نماید و در حالی که می تواند مرفه ترین زندگی و بهترین وسائل عیش و نوش را برای خویشتن و خانواده اش فراهم نماید، زندگی ساده ای داشته باشد. این کارها از انسان های بزرگ ساخته است.

عامه مردم که معمولاً وضع خوبی نداشته اند،

اگر مشاهده می کردند که امامشان در خانه ای اشرافی زندگی می کند و با لباس های فاخر و بهترین غذاها، زندگی را می گذرانند، زندگی بر آن ها بسیار سخت می گذشت و ایمان و باورشان به دین اسلام و امام معصوم (ع) می گشت و چه بسا منجر به کفر و بی دینی می شد، این نکته ای

است که همه حاکمان و زمامداران اسلامی باید بدان توجه داشته باشند.

پی نوشت ها:

۱. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۲۵.

۲. نهج البلاغه دشتی، حکمت ۳۸۱.

۳. همان، نامه ۴۵، ص ۵۵۳.

۴. همان، ص ۲۴۹.

## آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

### پرسش

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

### پاسخ

متأسفانه یکی از آسیب های دین شناسی آن است که برخی خاستگاه چالش ها و نارسایی های مربوط به مسلمانان را دین و آموزه های آن می دانند، حال آن که عقب ماندگی و مشکلات مسلمانان مربوط به خود آنان بوده و اسلام چیزی است و مسلمان بودن چیز دیگر. (۱)

در اسلام مسلمانان به فعالیت های اقتصادی فرا خوانده شده و از فقر و هر گونه تن پروری و بیکاری نهی شده اند تا آن جا که کار در راه تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، ارزش جهاد در راه خدا را پیدا کرده است. (۲) یکی از نویسندگان در ذیل تغییر آیه ۲۰ مزمّل می نویسد: "در این آیه تلاش برای زندگی در کنار "جهاد فی سبیل الله" قرار داده شده و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است. چرا چنین نباشد، در حالی که یک ملت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت؟! اصولاً "جهاد اقتصادی" بخشی از "جهاد با دشمن" است. (۳)

امام صادق (ع) در خصوص اهمیت کسب روزی فرمود: "لا- تکسلوا فی طلب معاشکم فانّ آبائنا كانوا یرکضون فیها و یطلبونها؛ (۴) در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران و مادران این راه می کوشیدند و روزی را طلب می کردند".

بر این اساس، اسلام مسلمانان را نه تنها به دوری از فقر فرا خوانده، بلکه آن را مانند جهاد دانسته است. اما فقر مسلمانان ریشه

در عوامل دیگر دارد. یکی از علل مهم، سیاست هایی است که در طول

تاریخ توسط حاکمان ستمگر به کار گرفته شده و دشمنان نیز از آن حمایت می کردند. دشمنان می دانستند که استقلال اقتصادی مسلمانان، با منافع آنان در تضاد است.

آنان ذلت و وابستگی جهان اسلام را می خواهند! داده های تاریخی نشان از آن دارد که یکی از وابستگی هایی که شدیداً جامعه اسلامی را آسیب پذیر نمود، وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمار گر است.

برداشت های انحرافی از دین

یکی از علل گسترش فقر در جهان اسلام برداشت های انحرافی از دین می باشد. برخی تصور می کنند که دین انسان ها را به آخرت فرا خوانده و از تلاش و فعالیت در دنیا بر حذر داشته، که غلط بودن این پندار کاملاً روشن است.

در برخی از روایات یکی از مؤلفه های جامعه آرمانی امام زمان (عج) پیشرفت های اقتصادی و علمی بیان شده است. این نشان می دهد که یکی از اهداف مهم اسلام فقر زدایی و فرا خوانی به فن آوری و پیشرفت های اقتصادی است. پیامبر اسلام و ائمه به فعالیت های اقتصادی می پرداختند و در صدد تشکیل جامعه بدون فقر بودند. امام علی (ع) یکی از وظایف حاکمان را فقر زدایی دانست. (۵)

البته در اسلام همان گونه که به فعالیت های اقتصادی سفارش شده، به تقوا و معنویت گرایی نیز سفارش شده است، زیرا همه خوشبختی ها در داشتن مال و ثروت ظهور نمی کند.

این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزگاری، غرق در ناز و نعمت هستند، اشتباه بزرگی است؛ زیرا اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم، دردهای جانگاهی (که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد)

می بینیم و قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن ها از بیچاره ترین مردم روی زمین هستند،(۶) زیرا معنویت مهم ترین سرمایه زندگی است.

اگر در اسلام از درآمدها و ثروت اندوزی غیر مشروع نهی شده، بدین جهت است که مردم از معنویت فاصله نگیرند و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

### خود باختگی

یکی از علل مهم فقر جوامع اسلامی خود باختگی است، بدین معنا که امروزه مسلمانان توانایی ها و قابلیت های خویش را فراموش کرده و تصور می کنند فقط دیگران توان اقتصادی و خلاقیت های علمی دارند. روحیه خود باختگی موجب شده است که در جوامع اسلامی از نیروهای انسانی کشورهای بیگانه استفاده شده و این رویکرد فقر اقتصادی و وابستگی را در پی دارد.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳ (الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸.

**چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.**

### پرسش

چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

### پاسخ

آیات و روایات فراوانی مسلمانان را به کار و تلاش و تجارت و کسب مال حلال سفارش کرده و جامعه را از فقر و تنگدستی بر حذر داشته، فقر را خطرناک ترین دشمن تکامل انسانی و موجب عقب ماندگی فکری و انحطاط عقلی و اخلاقی و باعث از دست رفتن سلامت جسمی معرفی کرده است، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "از فقر به خداوند پناه ببرید که باعث عقب ماندگی و

نارسایی در امور دینی و موجب پریشانی عقل و نارسایی فکر است". (۱)

نیز فرمود: "فقر و تنگدستی، زبان افراد زیرک و باهوش را می بندد و آنان را از بیان دلیل، گنگ و لال می گرداند، شخص فقیر در شهر خود نیز غریب است". (۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده کالا و ثروت، موجب حفظ کمال و عزت و تقوا است. (۳)

مسئله اقتصاد و فقر زدایی به قدری دارای اهمیت است که از آن حضرت نقل شده: "فلولا الخبز ما صلینا و لا صُمننا و لا أدینا فرائض ربنا؛ (۴) اگر نان نبود - و شکم ها گرسنه بود - از نماز و روزه و انجام سایر فرائض و واجبات خبری نبود". با وجود این که اقتصاد و حل مشکل فقر و بیکاری اهمیت فراوانی دارد، ولی بدتر از فقر و نداشتن برنامه صحیح اقتصادی و جدولی متناسب با درآمدها برای مخارج و هزینه های زندگی است، خطری که اسراف و ریخت و پاش ها، زندگی فرد و جامعه را تهدید می کند، به مراتب زیادتراز فقر است، کشورهای اسلامی همانند ایران به صورت طبیعی فقیر نیستند، اما سوء تدبیر و نداشتن برنامه ریزی

صحیح اقتصادی، وابستگی های همه جانبه را برای آنان فراهم ساخته است.

بنابراین گفتن این جمله که مسلمانان فقیر هستند، صحیح نمی باشد، چون بیشترین منابع و ثروت طبیعی میان مسلمانان به خصوص در خاورمیانه وجود دارد، عدم برنامه ریزی صحیح و وابستگی اقتصادی و تنبلی و تن پروری عامل عدم استفاده صحیح از این منابع است که از آن به سوء تدبیر تعبیر می شود، عامل عقب ماندگی اقتصادی را باید در عوامل عقب ماندگی در امور دیگر مانند علمی و فرهنگی و تمدنی جستجو کرد.

پاورقی:

۱ - حسین نوری، اقتصاد اسلامی، ص ۹۶، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶،

۲ - همان،

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶.

۴ - همان، ص ۱۷.

## آیا اسلام پول و ثروت را محکوم کرده است؟

### پرسش

آیا اسلام پول و ثروت را محکوم کرده است؟

### پاسخ

اسلام پول پرستی را محکوم کرده است اما پول و ثروت را محکوم نکرده است، زیرا: به

الف. تولید ثروت (کشاورزی، دامداری، صنعت و غیره) توصیه شده است.

ب. مبادله ثروت یعنی تجارت و دادوستد توصیه شده است.

ج. مصرف رساندن از نظر شخصی در حدود احتیاجات فردی خالی از هر نوع تجمل و اسراف که مفسد انسان است توصیه

شده است. د. تبذیر و اسراف و تضييع آن ممنوع است.

ه. مقررات سخت قضایی و جزایی در مورد حیف و میلها و سرقتها و خیانتها وضع شده است.

و. دفاع از مال در حکم جهاد و کشته در این راه « شهید » تلقی شده است: **الْمَقْتُولُ دُونَ أَهْلِهِ وَمَالِهِ...**

ز. برای مال، بر انسان حقوقی قائل شده است.



ح. خود ثروت در کمال صراحت در قرآن کریم به عنوان «خیر» نامیده شده است:

«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» بقره/۱۸۰

## میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

### پرسش

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

### پاسخ

جواب اجمالی: (۴۲)

زهد و ساده زیستی از جمله کمالات اخلاقی است و در متون دینی ما در باب دل نبستن به تمنیات دنیوی تأکیدات فراوانی شده است. اما افراط و تفریط در تفسیر زهد در طول تاریخ و نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته است. به فرموده ی امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از مانیت آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید.

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟ و لذا از لحاظ تاریخی و با استناد به روایات دینی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. مُدرنیته یعنی نو شدن و نو شدگی و در برابر هرگونه تعلق به گذشته و سنت قرار می گیرد.

نکته حائز اهمیت این است که ترقی و پیشرفتی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند.

جواب تفصیلی: (۴۲)

یکی از کمالات اخلاقی انسان زهد و ساده زیستی است و در متون دینی ما در باب مخالفت با تجملات دنیوی و دنیاگرایی تأکیدات فراوانی شده است. در قرآن کریم خدای بزرگ به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: به شکوفه هایی که در دست دیگران است و ما به آنان داده

ایم چشم مدوزر زیرا ما می خواهیم آنان را با آن شکوفه ها بیازماییم ولی رزق پروردگار تو بهتر و ماندنی تر است.

شکوفه های دنیا برای کسی میوه نخواهد داد. عالم طبیعت چنان سرد است که تا این شکوفه ها بخواهند به بار نشینند و به ثمر تبدیل شوند، سرمای زودرس طبیعت از راه می رسد و شکوفه ها می ریزند.

اما دیدگاه های مختلف در باب زهد و پارسایی در طول تاریخ موجب بروز تفاسیر گوناگون در

عرصه ی فرایندهای اجتماعی گشته است و متأسفانه برداشت های ناروا از منابع دینی و یا نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام نحله های گوناگونی را پرورانده که جمعی در مسیر افراط و گروهی در وادی تفریط، چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته اند. به گونه ای که گاهی با شنیدن واژه ی زهد انزوا، تنهایی، دوری از مردم و تمدن و پیشرفت و ترقی، و دعا و عبادت و در گوشه ای آرام و فارغ از مشغله های زندگی در ذهن انسان تداعی می گردد، در حالیکه این معنا واژگونه ساختن حقیقتی ارزشی و آلوده ساختن مفهومی ملکوتی است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زهد نه آنست که مال دنیا را تباه کنی و نه آنکه حلال آن را بر خود حرام گردانی. بلکه زهد آنست که اعتمادت به آنچه نزد حق است، بیش از آن باشد که در نزد خودت یافت می شود.

و به فرموده ی حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): زهد در یک آیه از قرآن بیان شده است، آنجا که می فرماید: تا آنکه به خاطر

از دست دادن چیزی متأسف و متأثر نشوید و بر آنچه به دستتان رسیده فرحناک نباشید.

و لذا پارسایی و زهد، دل بستن به امر باقی و نومید گشتن نسبت به امور فانی است. جدایی از تعلقات دنیوی و قرب به ملکوت است. سبک بال گشتن برای پرواز در آسمان فضایل و ملکات انسانی است.

حال آیا رشد و کمال و تعلیم و تربیت و سعادت‌مندی مانع پارسایی است یا یاور آن؟

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟

مگر نه اینست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: علم را طلب نمائید ولو اینکه در چین باشد. (۳) و فراگیری آن را بر همگان ضروری دانستند.

در روایتی مولی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تمام مواضع دنیا را جهل می نامد مگر جایگاه علم را که

روشنی و فروغ است (۱)، و این به صراحت قدر و شایستگی علم و حقارت دنیا و دلبستگی به آن را بیان می سازد.

اما در باب نسبت بین دین اسلام و پیشرفت باید گفت: از لحاظ تاریخی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. واژه مدرنیته از واژه ی لاتین (Modernus) به معنای نو و تازه گرفته شده است. مدرنیته یعنی نو شدن و نو شدگی و در برابر هر گونه تعلّق به گذشته و سنت قرار می گیرد، هر چند وجوه اشتراکی نیز با آن دارد. برای نمونه می توان به علم گرایی جهان اسلام که یکی از الگوهای نو شدن غربی بود اشاره کرد.

توجه به حقوق بشر، عقل گرایی، مدارا با مخالفان و غیر هم کیشان که همگی از مظاهر نو شدن غربی به شمار آمده اند ریشه در تمدن اسلامی داشته و برگرفته از آن هستند. بحث آزاد در حوزه ی معارف دینی و گریز از جزمیت نیز از دیگر آموخته های تجدّد غربی از جهان اسلام است.

اما نکته ی حائز اهمیت این است که ترقّی، پیشرفت و نو شدنی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند. به فرموده ی امام علی (علیه السلام): هر آن علمی که مورد تأیید و امضاء عقل نباشد گمراهی و ضلالت است. (۳) وقتی تساوی دو روز انسان از منظر اسلام غبن و خسران محسوب گردد این بهترین معنای رشد و بالندگی است.

برای اطلاع بیشتر روایاتی چند درباره موضوع بحث ذکر می گردد.

امام صادق (علیه السلام): کسی که از مقتضیات زمان خود آگاه است مورد هجوم اشتباهات واقع نمی شود.

امام علی (علیه السلام): سزاوار است انسان عاقل رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و دانش علما را بر دانش خویش اضافه نماید.

امام علی (علیه السلام): تجارب آدمی پایان ندارد و معلومات انسان عاقل به وسیله ی تجربه همواره در افزایش و فزونی است

امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از ما نیست آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید

## راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

### پرسش

راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

### پاسخ

یکی از راههای مشکل فقر توصیهها و راه حلهای « دین مبین اسلام » است که عمل بدانها، سبب پر شدن شکاف فقر و کم شدن فاصلههای طبقاتی مردم میشود.

همان گونه که صدر اسلام و در زمان پیامبر (ص) با عمل به فرمانهای الهی و دستورات دینی، چنان شد و برای اولین بار در تاریخ بشر، جامعهای بیطبقه یا دست کم با فاصله طبقاتی بسیار اندک، عملاً پدیدار شد.

امروزه هم، اگر بتوانیم در جامعه خود و حتی همه جوامع بشری، ابن دستورالعملها را به کار بندیم، توزیع ناعادلانه ثروت و فاصله فقیر و غنی و به طور کلی نابرابری در جوامع بشری از میان خواهد رفت.

یکی از این توصیه‌ها و دستورالعمل‌های با ارزش در اسلام، مسأله «انفاق» است. قرآن مجید بر موضوع انفاق تأکید بسیاری کرده و آیات فراوانی در این زمینه آورده است. تعداد آیاتی که کلمه «انفاق» یا مشتقاتش در آن به کار رفته است، بیش از هفتاد آیه است؛ البته اگر آیاتی که مضمون آنها، دلالت بر انفاق دارد، ولی کلمه انفاق یا مشتقاتش در آن ذکر نشده است را اضافه کنیم، مجموع آیات انفاق بیش از این تعداد خواهد شد.

خداوند متعال در قرآن مجید، انسان را به پرداخت قسمتی از آنچه نصیب او می‌گردد و در اختیارش می‌باشد، فرمان داده است. در آیه ۱۹ سوره ذاریات تعبیر زیبایی از این مطلب شده است وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ [و در اموال آنان (پرهیزگاران) حقی برای سائل و محروم بود].

برابر این آیه، مؤمن برای فقرا و مساکین

در اموالش حقی قائل است.

در قرآن مجید برای تشویق مردم به انفاق تعبیرهای زیبا و جذابی به کار برده شده است.

۱ - خداوند در آیه ۹۶ سوره نحل میفرماید «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» [آنچه نزد شماست فانی میشود، اما آنچه نزد خداست باقی است].

چه تعبیر زیبایی! چه عبارت کوتاه و پرمعنایی! یعنی اگر کسی میلیونها تومان پول خرج کند، تماماً از بین میرود، ولی اگر یک تومان برای رضای خداوند و در راه خدا هزینه شود، نزد خداوند و در خزانه غیب او باقی میماند؛ یعنی بر خلاف آنچه بیشتر مردم تصور میکنند، انفاق نابود نمیشود.

۲ - در آیه ۸۹ سوره نمل آمده است «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا...» [هر کس کار نیک و خوبی انجام دهد، بهتر از آن را پاداش میگیرد]. قصص/۸۴

برابر صراحت این آیه شریفه، نه تنها انفاق و صدقه از بین نمیروند و نزد خداوند باقی میماند، بلکه خداوند در عوض، چیزی بهتر به انفاق کننده میدهد.

۳ - آیه ۱۶۰ سوره انعام ارزش انفاق را فراتر برده است و خداوند در آن آیه میفرماید «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا...» [هر کسی کار خوبی انجام دهد، خداوند ده برابر به او پاداش میدهد].

این آیه که به طور کلی درباره «حسنات» است، انفاق» یکی از حسنات بزرگ را هم در برمیگیرد که برابر صراحت آن، ده برابر ثواب و پاداش دارد.

و سرانجام در (آیه ۲۶۱ سوره بقره) ارزش فوق العادهای برای صدقه و انفاق بیان میشود و در این آیه آمده است «مَثَلُ كَسَانِي كِه انفاق میکنند و قسمتی

از اموالشان را در راه خدا به فقراء و مساکین میدهند، همچون یک دانه است که هر گاه در زمینی حاصلخیز و مستعد کاشته شود، رشد و نمو میکند، به هفت خوشه تبدیل میشود و در هر خوشه یکصد دانه جای میگیرد» یعنی انفاق تا هفتصد برابر اجر و پاداش دارد و حتی بیش از این؛ زیرا که خداوند برای هر کس که بخواهد آن را مضاعف، دو برابر یا بیشتر، می کند.

## روشن است که انسان فقیر گرفتار است، رهنمود دین برای نجات از فقر چیست؟

### پرسش

روشن است که انسان فقیر گرفتار است، رهنمود دین برای نجات از فقر چیست؟

### پاسخ

فقر مساوی با نیازمندی است و نیاز وقتی برطرف نگردد ممکن است انسان را از راه صحیح بیرون کند. اما فقر دو نوع است:

فقر اجباری.

فقر اختیاری.

فقر اختیاری همانست که اولیاء دین و انسان های وارسته با بخشش و ایثار مال خویش خود را در سطح فقراء نگه می دارند.

اما فقر اجباری علل متفاوتی دارند ممکن است استعمار و سلطه طلبی... ای را استثمار کنند و منابع آنان را غارت نمایند که دچار فقر شوند و ممکن است گاهی به خاطر عدم تلاش باشد. تلاش برای زندگی آن چیزی است که در دین عزت است حتی اگر انسان دارا باشد در حدیثی آمده است وقتی یکی از یاران امام صادق ((علیه السلام)) به خاطر بی نیازی از کار دست کشیده و فقط به عبادت پرداخته بود فرمود به عزت خویش باز گرد و نیازی را از دیگری برآورده کن.

اما بعد از تلاش، البته رهنمودهایی در دین برای گسترش روزی آمده است که از جمله، دوام وضو - قرائت سوره واقعه بعد از نماز عشاء و بعضی دعاها دیگر که البته اینها هرگز با اصل تلاش منافاتی ندارند.

صورت دیگری نیز ممکن است تصور شود و آن امتحانی است که سنت لازم زندگی انسان مؤمن است هر چند فقیر با صبر و شکیبایی امتحان می شود. اما امتحان انبیاء نیز هست که شکر انبیاء برطرف کردن نیاز فقر است. و نردبانی برای کمال هر دو حساب

می شود. در قرآن از این سنت با عنوان بلاء در سوره بقره و سوره دیگر یاد شده

است.

( بخش پاسخ به سؤالات )

## آیا امیدی به پیشرفت جامعه با توجه افزایش جمعیت وجود دارد؟

### پرسش

آیا امیدی به پیشرفت جامعه با توجه افزایش جمعیت وجود دارد؟

### پاسخ

مسئله جامعه ما جامعه ای رو به پیشرفت، ترقی و توسعه در تمامی ابعاد معنوی و مادی بوده و این واقعیت با بررسی کارنامه عملکردها و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ارتقاء سطح علمی، صنعتی، تکنولوژیکی و نظامی و.. و پشت سر گذاشتن مشکلات و موانع بسیار، امری کاملاً آشکار می باشد که مراجعه به آمارهای منتشر شده از سوی سازمان های داخلی و بین المللی گویای همین واقعیت می باشد. البته در این روند پیشرفت مشکلات و موانع متعددی وجود دارد که یکی از آن ها افزایش جمعیت می باشد که این موضوع به خودی خود نمی تواند مشکل عمده ای در ادامه این روند محسوب شود بلکه چه بسا استفاده صحیح و سازنده از این منابع انسانی و هدایت آن به سوی اشتغال مولد یکی از نیازهای اساسی جامعه برای دستیابی به توسعه همه جانبه و استقلال اقتصادیو قطع وابستگی به نفت و... محسوب شده. چنانچه در بسیاری از کشورهایی که درصد جمعیت آنان نسبت به امکانات و منابع طبیعی و... بسیار بالاتر از کشور ما بوده مانند چین و... ولی به کارگیری صحیح این نیروها و اتخاذ سیاست های اصولی در این موضوع نه تنها جمعیت بالا، مشکلات چندانی را برای آنها ایجاد نکرده بلکه خود به عنوان یکی از عوامل پیشرفت و ترقی آنان محسوب شده و موفقیت ها و پیشرفت های چشمگیری را در صحنه های داخلی و بین المللی به همراه داشته است.

بله، همین جمعیت زیاد در صورتی که در سه مقوله ایدئولوژی و فرهنگ، اقتصاد و سیاست، پاسخ های مطلوب و منطقی از انقلاب اسلامی دریافت نکنند و نظام حاکم



نتواند خواسته‌ها و نیازهای مادی و معنوی آنان را از قبیل: اشتغال مولد، مسکن، ازدواج، رفاه عمومی، مشارکت سیاسی و... تأمین نماید، نه تنها در روند پیشرفت اخلال و توقف ایجاد می‌شود بلکه بسیاری از دستاوردهای بسیار با ارزشی را نیز از دست خواهیم داد.

در هر صورت پیشرفت ایران اسلامی بستگی به این دارد که آیا نظام اسلامی با همکاری مردم می‌تواند آسیب‌های متعددی که این انقلاب نوپا را تهدید می‌کند پشت سر گذاشته و با موفقیت از آنها بیرون آیند یا نه: این آسیبها را می‌توان در چند دسته خلاصه نمود:

الف آسیبهای فرهنگی اجتماعی عبارتند از:

۱ نفوذ اندیشه‌های بیگانه.

۲ تغییر جهت دادن اندیشه‌ها از اهداف و نیت‌های خدایی به اهداف و نیت‌های غیر خدایی.

۳ جدا کردن دین از علم و سیاست و تفرقه بین حوزه و دانشگاه.

۴ بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی.

۵ دنیاطلبی و اشتغال به زینتهای دنیوی.

۶ اشائه فحشاء و مراکز فساد و تأثیر پذیری از جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن.

۷ تغییر ارزشهای انقلاب.

ب آسیب‌های سیاسی عبارتند از:

۱ ناتمام گذاشتن تحقق آرمانهای نهضت از قبیل، آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی، مبارزه با ظلم و اقامه قسط و عدل در سراسر جهان و اتحاد امت اسلامی.

۲ رخنه فرصت‌طلبان: استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «... هر چه از دشواریها کاسته می‌شود و موعد چیدن ثمر نزدیکتر می‌گردد، فرصت‌طلبان محکمتر و پرشورتر پای علم نهضت سینه می‌زنند، تا آنجا که تدریجا انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به درمی‌کنند...»، (مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲).

۳ تفرقه و درگیر شدن در گرداب اختلافات داخلی

و استفاده نکردن از نیروهای بالقوه مردمی.

۴ بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت اجتماعی خویش و غیر سیاسی شدن دانشگاهها.

۵ ایجاد تردید نسبت به آرمانهای انقلاب.

۶ جاه طلبی های غلط و نامشروع.

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن استقلال و آزادی.

۸ بازگشت استعمار به طریق آشکار و نهان و وابستگی نظامی و سیاسی به ابر قدرتها و...

ج آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی:

امام علی (ع) علل سقوط اقتصادی سیاسی حکومتها را چنین بیان می کند: یستدل الادبار باریع: سوء التدبیر، و قبح التبذیر و قله الاعتبار و کثره الاعتذار؛ می توان چهار علت برای زوال دول برشمرد: سوء تدبیر و ضعف مدیریت تبذیر ناروا و هزینه های زیانبار اقتصادی عبرت نگرفتن از تجارب سودمند عذرخواهی مکرر به جای جبران خطاهای گذشته. {M}، (غرر و درر، ص ۳۵۴). مهمترین آسیبهای اقتصادی انقلاب اسلامی را می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱ وابستگی اقتصادی به ابر قدرتها، بالاخص آمریکا

۲ تحت الشعاع قرار گرفتن توسعه اقتصادی یا عدم توجه به بحرانهای ناشی از توسعه اقتصادی

۳ وابستگی به نفت به عنوان مهمترین اقلام صادرات و منبع ارزی کشور.

۴ عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی

۵ جدا شدن مردم از برنامه های دولت در طرح های سازندگی

۶ مال اندوزی و تکاثر ثروت اندوزان

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن عدالت اجتماعی و زیاد شدن فاصله فقیر و غنی.

۸ بی توجهی به مستضعفین و ولی نعمتان انقلاب و عنایت علیحده به اغنیاء؛

۹ بی توجهی به خواسته های مشروع نسل جوان (از قبیل اشتغال مسکن، ازدواج و...) که آینده سازان انقلاب و ایران اسلامی بوده، و عدم شکل گیری روند کامل و صحیح جامعه پذیری در انتقال ارزش های انقلاب و اسلام به نسل جوان در جهت تقویت هویت اسلامی و

ملیانان و جلوگیری از آفات مخرب تهاجم فرهنگی و...

اما علیرغم آسیبهای فوق که انقلاب اسلامی را تهدید می نماید و آینده ای تاریک و مبهم را برای ما ترسیم می نماید نگاهی به موفقیتها و دستاوردهای مثبت و ارزنده انقلاب اسلامی در حل مشکلات و بحرانهای متعدد، وجود مردمی با ایمان و پایبند به ارزشهای اسلامی، خط امامو رهبری، وجود مسئولان آگاه، دلسوز، و متعهد و عزم جدی آنها برای حل مشکلات و تلاش در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه و ارتقاء سطح علمی، فرهنگی، صنعتی، تکنولوژیکی و... می توان به آینده ای کاملاً درخشان برای ایران اسلامی امیدوار بود. زیرا جامعه ما پتانسیل بسیار قوی برای دستیابی به پیشرفت دارد؛ از آن جمله:

یکم. ما به معنی واقعی، کشوری مستقیم که در همه زمینه ها سیاست خود را مانند کشورها مستقل دیگر، خود تعیین می کنیم.

دوم. ما دارای نیروی نظامی بسیار قوی، کارآمد و با تجربه بسیار ارزشمندیم که جنگی طولانی را اداره کرده است. فرماندهان تکنیک های نظامی ما در محدوده شرایط خودمان، با مهم ترین فرماندهان غربی رقابت می کنند. اینک برای نیروهای مهاجم، درگیری با ما بسیار هزینه دارد.

سوم. کشور ما، به برکت الهی، دارای ذخایر طبیعی زیادی است که امکان رشد اقتصادی را از هر نظر برای ما فراهم می سازد.

چهارم. مردم ما دارای پتانسیلی قوی و مؤثرند. آن ها حاضرند در سخت ترین شرایط همه چیز حتی جان و فرزندان خود را در راه خدا و میهن اسلامی خود نثار کنند.

پنجم. ما دارای مذهبی مترقی می باشیم که تأثیرات آن در عمق شخصیت افراد جامعه، ریشه دوانده است. برای فعال کردن این همه نیروی نهفته باید به نیازهای واقعی و خواسته های به حق

آن‌ها توجه کنیم و نقاط ضعف روش‌هایی را که تاکنون به کار برده ایم، اصلاح کنیم.

ششم. ما شرایط دستیابی به همه اهداف عالی را داریم؛ زیرا منابع خدادادی به مردم با هوش و ایثارگر و رهبرانی با هوش، متفکر، با تقوا، شجاع داریم. آن‌ها هشیارند و در مواقع لازم اقدام می‌کنند. مردم و مسئولین نیز با جان و دل از فرامین ولایت فقیه اطاعت می‌نمایند. با توجه به مطالب فوق، می‌توان به آینده‌ای درخشان و امیدبخش، همراه با پیشرفت و تکامل برای جامعه اسلامی و حل تمامی مشکلات امیدوار بود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: فرامرز رفیع پور: «توسعه و تضاد»، ص ۵۵۳.

آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، ص ۴۱۸.}}]

## **چگونه می‌توان حس همکاری را میان مردم ایجاد کرد، تا باعث رشد و ارتقای کیفیت کالا و خدمات شود و از وابستگی به نفت خودکفا شویم؟**

### **پرسش**

چگونه می‌توان حس همکاری را میان مردم ایجاد کرد، تا باعث رشد و ارتقای کیفیت کالا و خدمات شود و از وابستگی به نفت خودکفا شویم؟

### **پاسخ**

بررسی روند توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، صنعتی، سیاسی و... در جوامع پیشرفته مانند جوامع غربی و ژاپن ما را به این نکته مهم رهنمون می‌سازد که یکی از عمده‌ترین عوامل پیشرفت فرهنگ و ارزش‌هایی است که به انگیزه‌های رفتاری و حرکت‌های جمعی مردم در این کشورها شکل بخشیده است. امروزه به عنوان مزیت نسبی برای ژاپنی‌ها در صفحه رقابت‌های تکنولوژیک محسوب می‌شود اصول و ارزش‌هایی است که ریشه در فرهنگ آن‌ها دارد و برآمده از تعالیمی است که طی قرن‌ها توسط مکاتب فکری مهمی چون «شینتویسم» «بودیسم» و «کنفوسیوسم» تبلیغ شده است ارزش‌های اجتماعی مانند مفهوم خیرخواهی سازگاری و توافق که از اصول اساسی آیین کنفوسیوس اخذ شده از کشمکش‌های طبقاتی مختلف کاست و سبب تشکیل پیکره عظیم و واحد ملت ژاپن و تبدیل به یک خانواده بزرگ شده که نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه همه جانبه ژاپن ایفا نمود. در کشور اسلامی ایران نیز اگر بخواهیم در زمینه‌های گوناگون پیشرفت کنیم و بر بسیاری از مشکلات از جمله وابستگی به نفت فائق آییم باید انرژی احساسی جامعه را بر مذهب، ارزش‌های متعالی و مترقی اسلام، رهبری و محوریت ولایت فقیه متمرکز کنیم؛ چنان‌که گذشته‌های تاریخی نیز بیانگر این مطلب است که رشد و پیشرفت علمی و

عملی مسلمانان در صدر اسلام و دوره های دیگر، پیروزی انقلاب شکوهمند ایران پیروزی در جنگ و فایق آمدن بر بسیاری از مشکلات بر اثر وحدت و همدلی همه افراد جامعه پرهیز از تفرقه و اختلاف و عمل به تعالیم و ارزش های حیات بخش اسلامی می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۴۲۳

۲- محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۸۲

### **آیا عمل به مستحبات و ترک مکروهات مانع کار و کوشش نمی شود؟**

#### **پرسش**

آیا عمل به مستحبات و ترک مکروهات مانع کار و کوشش نمی شود؟

#### **پاسخ**

عمل به مستحبات و ترک مکروهات به امید ثواب، شایسته است. دعاها از آثار شگفت انگیزی برخوردارند که اگر کسی با دقت، تحقیق و اخلاص به آنها عمل کند، به نتایج چشمگیری دست خواهد یافت.

دعا نباید جانشین فعالیت اجتماعی و اقتصادی شود. در کنار تلاش اجتماعی اگر به دعا و ارتباط با خدا نیز توجه شود، مشکلات به گونه قابل توجه برطرف خواهد شد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### **حد و مرز سرمایه داری در اسلام را مشخص کنید؟ آیا احادیثی در مورد تشویق سرمایه داری در اسلام یا احترام به سرمایه داران داریم؟**

#### **پرسش**

حد و مرز سرمایه داری در اسلام را مشخص کنید؟ آیا احادیثی در مورد تشویق سرمایه داری در اسلام یا احترام به سرمایه داران داریم؟

#### **پاسخ**

پرسشگر عزیز، اگر منظور از سرمایه داری جمع مال و ثروت به عنوان هدف نهائی و به عنوان سلطه جوئی و استثمار و انحصار گرائی باشد، به هر صورتی که باشد با ماهیت اسلام سازگاری ندارد، و اسلام به شدت انسانها را از آن نهی می کند.

زیرا باعث فساد جامعه و ظلم به انسانها می گردد، و حقوق افراد اجتماع توسط یک عده سرمایه دارغارت می شود، همانطور که الان درنظام لیبرال، سرمایه داری غرب شاهد چنین غارتهای بزرگ و ظلمهای ناروا هستیم. و اما منظور از سرمایه داری و اهداف اقتصادی، رسیدن به استقلال، خودکفائی، اقتدار، رشد و توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و تحکیم ارزشهای معنوی و اخلاقی در جامعه باشد این بسیار مطلوب بوده و اسلام نه تنها از آن نهی نمی کند بلکه به آن عنایت و توجه هم داشته است که به یک آیه و یک روایت در این زمینه اشاره می نمایم :

الف آیه ای که بیانگر استقلال و عدم وابستگی اقتصادی است "ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً"<sup>۱</sup>

(هرگز خدا راهی برای کافران علیه مؤمنان قرار نمی دهد)

ب روایتی که بیانگر توسعه اقتصادی است : امام باقر "ع" می فرماید : "من طلب الرزق من الدنيا استعفاً عن الناس وتوسيعاً على أهله وتعطفاً على جاره لقي الله عزوجل يوم القيامة ووجهه مثل القمر ليلة البدر"<sup>۲</sup>

(کسی که دنیا را برای بی نیازی خود از مردم و گشایش بر خانواده اش و ابراز محبت به همسایه اش طلب کند خداوند عزوجل را در روز قیامت ملاقات می کند درحالی که چهره او همچون قرص کامل ماه نورانی است.)<sup>۳</sup>

(۱) سوره نساء/ ۱۴۱

(۲) فروغ کافی، ج ۵، ص ۷۸

(۳) کلام جدید، عبدالحسین خسروپناه، چاپ دوم، ص ۲۳۶ به

## تورم

### ارزش پول یک کشور به چه عواملی بستگی دارد و چگونه می توان آن را ارتقا داد؟

#### پرسش

ارزش پول یک کشور به چه عواملی بستگی دارد و چگونه می توان آن را ارتقا داد؟

#### پاسخ

معیارهای ارزش پول هر کشور به عوامل زیر بستگی دارد:

۱ سرمایه های ملی هر کشور.

۲ وفاداری نسبت به تعهدات بین المللی .

۳ قدرت و توانایی سیاسی .

۴ پیشرفت در صنعت و توانایی های علمی و تکنیکی .

۵ ثبات و امنیت کشور.

البته هر چه درصد این عوامل بیش تر باشد، کشور از ارزش پولی بیش تری برخوردار خواهد شد.

بنابراین اگر این عوامل را ایجاد کنیم یا ارتقا بدهیم ، ارزش پول در سطح بین المللی ارزش بیش تری خواهد پیدا کرد.(۱)

(پاورقی ۱. دکتر باقر قدیری ، کلیات علم اقتصاد، ص ۱۹۲)

### علت تورم و گرانی در کشور ما چه می باشد؟

#### پرسش

علت تورم و گرانی در کشور ما چه می باشد؟

#### پاسخ

برای روشن شدن پاسخ لازم است با معنای تورم آشنایی اجمالی پیدا کنیم.

تورم (tavarrom) افزایش بی تناسب مقدار پول رایج در یک کشور (خصوصاً از طریق انتشار پول کاغذی غیر قابل تبدیل

به مسکوک) یا افزایش بی تناسب اعتبارات، نسبت به احتیاجات اقتصادی است. نتیجه این افزایش آن است که ارزش پول پایین می آید و مردم می کوشند پول خود را به کالا تبدیل کنند، و این اقدام قیمت ها را بالا می برد. [۱۰]

تورم و گرانی عوامل متعددی دارد. مهم ترین آن ها بدین گونه است:

۱ تأثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی کشورها.

۲ توسعه؛ از نظر اقتصادی توسعه یکی از عوامل مهم تورم است، زیرا این کار سرمایه گذاری های کلانی را می طلبد، ولی در عین حال گریزی از آن نیست و بدیهی است بدون آن آینده شکوفایی نمی توان داشت.

۳ تحریم اقتصادی و موانع متعددی که استکبار جهانی فرا راه رشد اقتصادی کشورمان ایجاد می کند.

۴ کاهش تولید نفت و کاهش بسیار قیمت آن در برخی از سال ها که منبع اصلی ارزی و اقتصادی کشور است.

۵ مخارج سنگین بازسازی بر اثر خسارت های ناشی از جنگ تحمیلی.

۶ کاهش ارزش ریال در برابر دلار.

۷ رشد جمعیت و افزایش شدید "تقاضا" در حالی که سطح "عرضه مناسب" با آن نتوانسته رشد کند.

۸ افزایش نقدینگی در بین مردم و عوامل دیگر.

این ها همه عواملی است که روی هم رفته می تواند اقتصاد یک جامعه را متأثر کند و تورم زا باشد. در برابر این مشکلات دولت فعالیت بسیاری نموده و بیش از هر چیز بر



گسترش تولید داخلی تکیه کرده که نقش مهمی در شکوفایی آینده اقتصاد و مهار تورم ایفا می کند.

[۱۰] غلامحسین مصاحب، دایره المعارف، ج ۱، ص ۶۸۴، چاپ ۱۳۴۵.

## چگونه باید کمک کنیم که تورم کم شود؟

### پرسش

چگونه باید کمک کنیم که تورم کم شود؟

### پاسخ

تورم و گرانی یکی از معضلات و گرفتاریهای اجتماعی جامعه امروزی است که بسیاری از جوامع انسانی با آن دست به گریبان هستند و بر اثر فشار تورم شانه های بسیاری از مردم خم شده است. گرانی علل و عوامل گوناگونی دارد که برخی از آنها از حیثه قدرت داخلی، خارج است و بخشی از تورم کشور ما ناشی از تورم جهانی و نوسانات قیمت ها در سطح جهان است. اگر گفته می شود جهان امروز دهکده جهانی است یعنی آنقدر ارتباطات و وابستگی ها زیاد شده است که هرگونه تغییر و تحول در بخشی از کره خاک می تواند سایر بلاد و نقاط را تحت تأثیر قرار دهد. نوسانات قیمت ها، افزایش درآمدها، کاهش درآمدها و قیمت ها در برخی کالاها و خدمات به دلیل وابستگی های جهانی در هر منطقه ای از جهان بوقوع پیوندد سایر مناطق را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال وقتی در عراق بحران بوجود می آید و احتمال کاهش یا قطع نفت صادراتی این کشور مطرح می شود قیمت نفت افزایش می یابد طبیعتاً افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده افزایش درآمد را در پی دارد ولی برای کشورهای مصرف کننده افزایش هزینه ها را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است که اگر این افزایش استمرار یابد موجب افزایش کالاها و خدمات در کشورهای مصرف کننده خواهد شد لذا تمامی کسانی که مصرف کننده کالاها و خدمات آن کشورها هستند با افزایش قیمت کالاها و خدمات مواجه خواهند شد.

بنابراین برخی از افزایش یا کاهش قیمت ها متأثر از شرایط جهانی و تورم جهانی است که چاره ای جز تحمل آنرا نداریم و

نمی توان مانع افزایش قیمت ها شد بلکه می توان برای مقابله با آثار و عواقب آن تدبیر و اندیشه کرد زیرا مهار آن از قدرت ما خارج است. بنابراین اگر تورم ناشی از شرایط جهانی باشد باید تدبیرهای خاصی برای کاهش اثرات آن توسط مسئولان عالی رتبه دولتی اتخاذ گردد.

بخشی دیگری از عوامل تورم داخلی است که مهم ترین آن کاهش تولید یا ممکن است ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات باشد در این صورت تولید کننده ناگزیر است کالای تولیدی خودش را با قیمت بیشتری ارایه نماید. در این صورت نیز مسئولان باید با تدابیر خاص و ویژه به حمایت از تولیدات داخلی بپردازند و بطور غیر مستقیم از مصرف کننده حمایت نمایند.

عامل دیگری که موجب افزایش قیمت ها می گردد افزایش نقدینگی موجود در جامعه است وقتی نقدینگی در میان مردم افزایش می یابد افراد برای خرید به بازار هجوم می برند و طبعاً وقتی تقاضا برای خرید یک یا چند کالا افزایش پیدا کند ولی تولید و عرضه با تقاضا تناسب نداشته باشد قیمت ها افزایش خواهد یافت و کمبود کالا، احتکار و گران فروشی گسترش خواهد یافت. در این صورت مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران دولتی می توانند با اعمال سیاستهای پولی نقدینگی موجود در جامعه را کاهش دهند و برای تثبیت، کاهش و یا متعادل ساختن قیمت ها اقدام کنند.

عامل دیگری که به افزایش قیمت ها و تورم کمک می کند عامل روانی است. شایعه در ایجاد نیاز کاذب در جامعه و هجوم افراد جامعه برای خرید کالا یا کالاهایی خاص نقش مهمی دارد. افراد سودجو با استفاده از این حربه در مدت

زمان کوتاهی موفق می شوند تعداد زیادی کالهای خود را با قیمت های گزاف و چند برابر به جامعه عرضه کنند و از قبل به ثروت های باد آورده ای دست یابند. علل و عوامل دیگری نیز می توان بر شمرد که مجال بحث آن نیست.

## چرا وقتی گرفتار جنگ بودیم اجناس گران نبود؟

### پرسش

چرا وقتی گرفتار جنگ بودیم اجناس گران نبود؟

### پاسخ

معمولاً- سیاست اقتصادی پس از جنگ با سیاست حاکم بر زمان جنگ متفاوت است. در زمان جنگ دولت ها برای کاستن فشار از دوش مردم سوبسیدهای زیادی پرداخت می کنند. زیرا دو فشار برای مردم قابل تحمل نیست: یکی فشار جنگ - که خود تورم زاست - و دیگری فشار تورم ناشی از توسعه و حذف سوبسید. به علاوه قادر به توسعه صنعتی و ... نیستند. زیرا هر تلاشی در این زمینه امکان هدر دادن سرمایه ها را دارد. ولی پس از جنگ به ناچار باید به بازسازی و توسعه پردازند از این رو ناچار به حذف یا کاهش شدید سوبسیدها می شوند. از طرف دیگر برای انجام خدمات خود نیازمندی های مادی وسیعی دارند که از طریق مالیات و ... تأمین می شود و تا رسیدن به مرحله خودکفایی و توسعه گردونه های اقتصادی عظیمی را طی می کنند و در این فرایند تورم فزاینده اولین مشکل آنان است و رهایی از آن کار بسیار دشواری است. سیاست دولت ما پس از جنگ ایجاد نوعی موازنه بین رشد و توسعه اقتصادی و از طرف دیگر حفظ رفاه عمومی است. لذا هنوز سیاست سوبسیددهی را ادامه می دهد ولی تاحدی به کاهش آن پرداخته تا از طرفی روند توسعه به سمت جلو حرکت کند و از طرف دیگر فشار اقتصادی در حد قابل تحملی حفظ شود.

**تورم و سودهای کلان فاصله طبقاتی را زیادتر می کند و اعمال ماباشعارها فاصله زیادی دارد و ما امروز روی تبلیغات تکیه می کنیم و از واقعیتها دور هستیم؟ چه کنیم؟**

### پرسش

تورم و سودهای کلان فاصله طبقاتی را زیادتر می کند و اعمال ماباشعارها فاصله زیادی دارد و ما امروز روی تبلیغات تکیه می کنیم و از واقعیتها دور هستیم؟ چه کنیم؟

### پاسخ

آنچه در این مکتوب آمده مشتمل بر چند مطلب است:

۱- برخی از آنها واقعیات تلخی است که لازم است با ارائه راهکارهای مفید و سازنده در پی اصلاح آن برآمد و دانشجویان عزیز ضمن بررسی دقیق آنها بدون دخالت احساسات خام باید بیشترین اندیشه را در جهت بهبود و اصلاح آنها به کار اندازند و با عرضه کردن آنها در ساختن جامعه سالم سهیم شوند.

۲- برخی نیز واقعیات نامطلوبی است که چندان گریزی از آنها نیست و به تبع یکسری شرایط اجتماعی - بویژه در مراحل بحرانی پرتحول و دگرگون پذیر - رخ می نماید. بعضی از آنها دیرمان و ماندگار و بعضی گذرا و ناپایدارند.

۳- بعضی از نکات نیز ناشی از تحلیل نادرست مبانی اسلامی و یک سری واقعیات گریز ناپذیر انسان شناختی و جامعه شناختی است. در این قسمت لازم است به مسأله طبقات در جامعه و تضادهای طبقاتی بادقت بیشتری نگریسته شود. ابتدا باید دید مقصود از طبقه چیست؟ در مباحث اجتماعی واژه طبقه دو گونه کاربرد دارد:

الف) گاه منظور از طبقه گروه ها و رده هایی بسته در یک جامعه اند. این گونه طبقات در جوامع خاصی وجود دارند. مانند نظام شاهنشاهی حاکم بر ایران قبل از انقلاب که جامعه به چند طبقه تقسیم می شد. در چنین جوامعی اولاً طبقات فروتر از نظر حقوق اجتماعی با طبقات برتر مساوی قلمداد نمی شدند و قانون به یکسان بر آنان حکم نمی راند و ثانياً هیچ یک از طبقات پایین نمی توانست به طبقه برتر راه یابد. هم چنان که در قضیه کفشگر و نوشیروان سیمای این

نظام طبقاتی به خوبی نمایان است. تصویری نیز که مارکسیسم از جوامع برده داری فئودالی و سرمایه داری دارد چنین است. این گونه نظام طبقاتی از نظر اسلام به کلی مطرود است و در جمهوری اسلامی ایران نیز به هیچ روی وجود ندارد و به سمت آن نیز سوگیری نکرده است.

ب) گاه منظور از طبقه «اقشار مختلف اجتماعی» است بدون آن که دارای سیستمی بسته باشد یا گروهی از امتیازات قانونی بیشتری برخوردار بوده و یا تضادی ذاتی بین آنها برقرار باشد. چنین چیزی امری کاملاً طبیعی و لازمه زیست اجتماعی بشر می باشد و در اسلام نیز مورد تأیید است. این مسأله تا حدودی موجب می شود که برخی در جامعه از توان و امکانات بیشتر و موقعیت ممتازتری بهره مند گردند و بعضی دیگر در وضعیت پایین تری قرار گیرند. چنان که قرآن مجید می فرماید: « و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیلوکم فی ما آتاکم » (نساء آیه ۶۵) و « والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق » (نحل آیه ۷۱) و « ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا » (زخرف آیه ۳۲). لیکن چشم انداز اسلامی آن است که اولاً ضمن پذیرش وجود این گونه طبقات - چنان که در اولین آیه فوق بیان شده - همه را از عوامل آزمایش الهی قلمداد می کند آن هم نه تنها برای طبقات برتر بلکه برای همه آنها. ثانیاً آنچه از نظر اسلام مطلوب است این است که با وجود این تفاوت های طبیعی و گریز ناپذیر شکاف ها به حداقل ممکن برسد و قسط و عدل به یکسان بر همگان حکم فرما باشد و چنان نباشد که یکی آلاف الوف اندوزد و برای سگش هم اتومبیل مخصوص تهیه کند و یکی برای گرده نانی

دست روی دست گذارد و راه به جایی نبرد. برای رسیدن به این مهم اسلام قوانینی وضع نموده که تا حدود زیادی آن را تأمین می‌کند و اختیاراتی نیز به دولت اسلامی می‌دهد تا از شکاف‌های شکننده طبقات اجتماعی جلوگیری کند. لیکن وضعیت موجود جامعه هرچند به شدت تصویر در فوق‌نیست لیکن چندان هم در حد مطلوبی نیست و چنان که گفته شد مقداری از آن معلول یک سری شرایط خاص اجتماعی بویژه گذر از مرحله عقب ماندگی به مرحله توسعه است.

از طرف دیگر زایش یک سری نیازهای نو به نو در سطح جامعه به گونه‌ای است که سطح درآمد اقشار آسیب پذیر با تنوع نیازهای جدید و تورم حاصله از توسعه و دیگر شرایط اجتماعی چندان سازگاری ندارد. این وضعیت مسلماً در مرحله گذار موجود فشار شدیدی را به این طبقات وارد خواهد ساخت ولی به یاری خداوند به تدریج از سطح اقشار کم درآمد می‌کاهد و به رفاه نسبی در سطح اقشار مختلف خواهد انجامید. نیز اینکه وضعیت زندگی ائمه اطهار(ع) کهالگوی راستین همه ما هستند و تأسی به آنها در عمل بهترین راه سعادت ماست قابل انکار نیست لکن آن گونه زیستن نوعی عملی انتخابی است که تنها افراد بسیار برجسته از نظر معنوی قادر به پیمودن آن راه هستند و حتی بسیاری از عناصر انقلابی و با ایمان همین که به امکاناتی برسند توان آن سان زیستن را ندارند. چنان که در سخنان حضرت امام(ره) و بیانات مقام معظم رهبری بسیار تذکر بر این گونه امور داده شده است. ولی جز خود آنها و تعداد قلیل دیگری کسی پوینده این راه نیست و از طریق فشار و قانون نیز نمی‌توان چنان چیزی را به

اجرا گذارد لیکن می توان گذراز حد معینی را که به شیوه های طاغوتی می ماند جلوگیری کرد. در رابطه با مسائل فرهنگی و غیره نیز گرچه مسائل و مشکلات فراوانی هست لیکن این به معنای آن نیست که هیچ فرقی نکرده است. مثلا- با سخن یک استاد معارف نسبتبه دیگر اساتید و بالعکس نمی توان قضاوت کرد که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. بلکه مسائل متعددی وجود داشته که در حل برخی از آنها پیشرفت هایی حاصل شده و برخی نیز در مسیر بهبود قرار دارند ولی برخی همچنان لاینحل مانده و چه بسا برخی از آنها همیشه پابرجا باشند. به هر روی در تمام این موارد ما باید وظیفه خود را درست بشناسیم. یعنی با مطالعه و ارزیابی دقیق مسائل و مشورت و هم فکری با دیگران درصدد ارائه راه حل هایی مفید و سازنده خود نیز در حد توان در جهت اجرای راه کارهای معقول و پذیرفته شده گام برداریم. }]

## مهم ترین علل تورم اقتصادی در ایران چیست ؟

### پرسش

مهم ترین علل تورم اقتصادی در ایران چیست ؟

### پاسخ

علل تورم در ایران: ۱- توسعه، ۲- محاصره اقتصادی، ۳- بازسازی، ۴- خسارت های ناشی از جنگ تحمیلی، ۵- کاهش فاحش قیمت نفت پس از پیروزی انقلاب آن هم با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد ایران که از سیاست های استعماری حاکم بر ایران بوده است، ۶- تاثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی، ۷- رشد جمعیت، ۸- تغییر الگو مصرف در جامعه و پدیدار شدن یک سری نیازها که در گذشته وجود نداشته است، تورم فرآیند مجموعه عوامل فوقاست اگر امکان تغییر آن عوامل باشد به همان اندازه اشکال مهار نیز وجود خواهد داشت. }

## بانکداری اسلامی

### آیا قانون بانکداری بدون ربا در جامعه ما اجرا می شود؟

### پرسش

آیا قانون بانکداری بدون ربا در جامعه ما اجرا می شود؟

### پاسخ

قانون بانکداری مصوب مجلس شورای اسلامی که مورد تأیید شورای نگهبان نیز می باشد اشکال شرعی نداشته و عمل به آن شبهه معاملات ربوی را ندارد ولی گاهی مشاهده گردیده بنام قانون، افراد تخلفاتی را مرتکب می شوند که در این صورت قانون مذکور تصحیح کننده عملکرد متخلفین نخواهد بود.

"حضرت آبت الله العظمی خامنه ای در این خصوص می فرمایند: بطور کلی معاملات بانکی که بانکها بر اساس قوانین

مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تایید شورای محترم نگهبان انجام می دهند اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از بکارگیری سرمایه بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است." (۱)

"اگر فرض کنیم، مکلف علم پیدا کند که کارمندان بانک، پول او را در معامله باطلی بکار گرفته اند، دریافت و استفاده از سود آن برای او جایز نیست ولی با توجه به حجم سرمایه هایی که توسط صاحبان آنها به بانک سپرده می شود و انواع معاملاتی که توسط بانک صورت می گیرد و می دانیم که بسیاری از آنها از نظر شرعی صحیح هستند، تحقق چنین علمی برای مکلف بسیار بعید است." (۲)

۱ رساله اوجوبه الاستفتاءات، ج ۲، ص ۳۳۰، س ۸۳۶

۲ همان منبع، ص ۳۳۷، ۳۳۸، س ۸۵۵

واحد پژوهش و تحقیق

## نظام بانکداری بدون ربا، سرکاریهایی که مردم را می گذارند.

### پرسش

نظام بانکداری بدون ربا، سرکاریهایی که مردم را می گذارند.

### پاسخ

آشنایی با شیوه بانکداری ربوی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پاسخی جامع و کامل به پرسش های بسیاری درباره تفاوت نظام مالی آلوده به ربا در رژیم گذشته با روش بانکداری بدون ربا در زمان کنونی است تا افزون بر آگاهی از "حقیقت" مفاهیم ناب دینی فقهاتی، با "واقعیت" پدید آمده آشنا شویم و میزان تأثیر آموزه های آسمانی اسلام را در اداره برتر جوامع در هر عصری و با هر نسلی به دست آوریم.

در یک نگاه عملیات بانکی ربوی در گذشته بر محورهایی این چنین استوار بود:

۱- نیاز به پول، مراجعه، دریافت

در نظام بانکی آلوده به ربا، هیچ توجهی به نوع مصرف وام دریافتی نمی شد، و معیار دریافت پول، "نیاز وام گیرنده" بود تا در پی آن به بانک مراجعه کند و در برابر وثیقه ای معتبر ملکی یا سفته وام را دریافت نماید!! گرچه این پول در مسیری سالم و مشروع یا راهی ویرانگر و خانمان برانداز همچون قمار و فحشا و یا تأسیس مراکز فساد به کار گرفته شود.

۲- یک یا دو ابزار پرداخت وام

شیوه ربوی بانک ها در گذشته بر اساس یک یا دو روش برای پرداخت وام به مشتری انجام می شد که راه نخست دریافت



تقاضا و وثیقه و پرداخت پول بود و دیگری اعتبار در حساب جاری نام داشت . بدین بیان که بانک سقف اعتباری برای مشتری تعیین می کرد تا پس از فعالیت پولی مشتری به بانک به صورت دریافت و واریز به حساب خود، در قبال دریافت وثیقه، هرگاه مشتری نیاز به پول داشت، مدتی از آن اعتبار استفاده می کرد و حتی چک هایی صادر می نمود و بانک بدون آن که پولی

در حساب جاری او باشد، پول چک را به آورنده آن پرداخت و پس از فرارسیدن زمان اعتبار، سود و مبلغ پرداختی چک، از صاحب حساب دریافت می‌شد، بدون آنکه بین بانک و مشتری معامله یا عقدی انجام گرفته باشد.

این درحالی است که سیستم بانکداری بدون ربا از حدود ۱۲ نوع عقداسلامی و شرعی مطابق با فتاوی مراجع بزرگوار تقلید استفاده می‌شود و تمامی دریافت‌ها و پرداخت براساس شیوه‌ای شرعی انجام می‌پذیرد.

### ۳- سود براساس میزان دریافت وام

در نظام بانکداری ربوی اضافه دریافتی بانک تنها براساس میزان پرداخت پول به مشتری، به دوراز هر گونه داد و ستد شرعی یا قبض و اقباض سالمی بود، اما در نظام بانکی کنونی انجام معامله، عقد شرعی و تعهدات قانونی وام گیرنده که براساس هر یک خود را متعهد می‌داند و با امضای خویش آنان را قبول می‌کند، انجام می‌پذیرد.

### ۴- تسهیلات بانکی بدون هدف مشخص و مقدس

در گذشته وام‌های پرداختی و تسهیلات بانکی به دور از هر گونه آرمان ملی یا اهداف مقدس چون رسیدن به خودکفایی، راه اندازی واحدهای تولیدی، انجام پروژه‌های راهسازی، کشاورزی، صنعتی، دامداری و یا فعالیتهای آموزشی جهت حفظ باورهای دینی و فعالیتهای فرهنگی بود و در بسیاری از موارد موجب واردات افزون بر نیاز کالاهای خارجی، وابستگی بیش تر به بیگانگان، فلج کردن فعالیت‌های ملی جهت دستیابی به استقلال اقتصادی و فرهنگی، رفاه زدگی بدون مرز و یا فسادافسارگسیخته‌ای در کشور می‌گردید.

### ۵- عدم نظارت بر مصرف پول

در نظام بانکداری ربوی، بانک یک جا تمامی وام درخواستی را به مشتری پرداخت می‌کرد و هیچ نظارتی به صورت مرحله‌ای و درصدی برچگونگی مصرف نداشت؛ درحالی که در شیوه

کنونی، بانک ها نظارت عمده ای بر پیشرفت طرح ها، انجام مراحل مختلف نگاشته شده در قراردادها دارند و این خود عامل بسیار مهمی در هدر رفتن و یا بیراهه رفتن وام های پرداختی خواهد بود .

#### ۶- بیگانگی با قرض الحسنه

در شیوه بانکداری ربوی هیچ جایگاهی برای پرداخت وام های قرض الحسنه وجود نداشت، آن چه هدف بود، دریافت ربا و نزول بود، درحالی که درنظام بانکداری بدون ربا بانک ها از محل قرض الحسنه های پس انداز شده مردم، میلیاردها ریال تسهیلات قرض الحسنه در اختیار متقاضیان مستضعف قرار می دهند .

#### ۷- خصوصی بودن بسیاری از بانک ها

درنظام گذشته، بسیاری از بانک ها در اختیار سرمایه داران زالوصفت بود که سودهای کلان دریافتی را بین خود و در راه ترویج فساد و فحشا به کار می گرفتند، درحالیکه درنظام بدون ربا بسیاری از بانک ها دولتی است و اگر سودی حاصل می شود، به خزانه کشور با بیت المال اختصاص دارد .

#### ۸- بیگانگی با فعالیت های دیگر

در بانکداری گذشته، تنها وظیفه بانک ها دریافت و پرداخت پول و سود دهی بیش تر بود، درحالی که درنظام بانکداری بدون ربا سرمایه گذاری های مستقیم و چشمگیر گوناگونی همچون احداث مترو در کلان شهرهای کشور، راه اندازی طرح های تولیدی، کشاورزی، صنعتی، دامداری، معدنی و ... به طور قابل توجهی وجود دارد .

برکاتی بی شمار و آثاری بسیار در شیوه بانکداری سالم و بدون ربا موجب گردیده که اعتماد مردم روز به روز افزایش یافته و طرح های بزرگ ملی با تضمین بانک ها در حال گسترش باشد. تجهیز منابع و کمک به توسعه اقتصادی کشور پس از ویرانی ایران عزیز در جنگ هشت ساله سرعت بسیاری یابد و آثار

سرشار این روش، نگاه دیگران را به آیین اسلام جلب کند و بسیاری از مسئولان بانک های غربی و شرقی مشغول بررسی بانکداری بدون ربا شده و کارشناسان خود را مأمور تحقیق و پژوهش در سیستم بانکداری ایران نمایند!

افزون بر آن ۲۵ کارشناس از ۱۲ کشور طی یک دوره ۱۵ روزه با آخرین شیوه های بانکداری اسلامی در ایران آشنا شدند تا ضمن آگاهی از مبانی اقتصاد اسلامی به تأسیس بانک های اسلامی در کشورهای خود اقدام کنند. "۱"

اجازه دهید پیش از شروع سخن درباره بانکداری اسلامی و بدون ربا، تعریفی کوتاه و گویا نسبت به این شیوه ارایه دهیم و بیم ها و امیدهای این طرح را گوشزد کنیم.

در یک نگاه، بانکداری بدون ربا [مجموعه عملیات بانکی است که در قالب یکی از عقود شرعی انجام می گیرد و دو طرف (بانک و مشتری) ملزم به رعایت اصول و فروع قرارداد امضا شده هستند]. [بدیهی است این "الزام" آنگاه به خوبی انجام می پذیرد که:

اولاً) مسئولان بانک یا شعبه از یک سو و مشتری از سوی دیگر "اعتقاد" به بدون ربا بودن قرارداد داشته باشند.

ثانیاً) طرفین "آگاه" از قانون مورد نظریا نوع عقد شرعی نگاشته شده دربرگه درخواست باشند، تا آن اعتقاد و این اطلاع گرچه به طور اجمالی و سربسته روشنگر استفاده صحیح، به جا و شایسته از عقد شرعی باشد.

با تأسف بسیار باید بگوییم در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از تصویب قانون بانکداری اسلامی، آن چه موفقیت آمیز نبوده است، در حوزه قانون گذاری و یا گستره تئوری و نظر نیست بلکه در حوزه شناخت و اجراست زیرا عموم مشتریان تنها به دنبال دریافت مبلغی از بانک هستند تا مشکل خود را حل کنند و حتی نگاهی گذرا

به قوانین قرارداد نمی کنند. مسؤلان بانک نیز برای رفع مشکل مشتری و جذب بیش تر افراد به شعبه خود، پیشنهاد یکی از عقود شرعی اقتصادی را می دهند، مشتری نیز با عجله و شتاب مدارک لازم را تهیه می کند و به طور مثال پولی در قالب مضاربه دریافت می کند درحالی که مسؤل بانک و مشتری هر دو به خوبی می دانند مضاربه ای در کار نیست؛ مضاربه گیرنده نه جنسی خریداری می کند و نه می فروشد و نه از سود، سهم بانک را پرداخت می کند! بلکه پس از گره گشایی از مشکل خود پول و سود آن را از جای دیگری به بانک می پردازد.

و این ربای خالص و بدون هرگونه تردیدی است که دامان زندگانی بسیاری را آلوده به گناهی بزرگ کرده است. تأسف بارترا این که جمع بیشماری از دریافت کنندگان وام های این چنین، آنرا به حساب سرشناسی خود یا آشنایی با مسؤل شعبه و یا زیرکی و زرنگی خویش برای رفع و رجوع کارهای درآمدزا و پول آور می گذارند!!

بی اعتقادی و نا آگاهی طرفین قراردادها موجب گردیده است که بارها و بارها به هنگام گفتگواز بانکداری اسلامی این سخن را از مردم کوچک و بازار بشنویم که: "چه فرقی کرد؟! این همان رباست، اسمش را عوض کرده اند!"

و در پی آن ایرادهای مختلف مطرح کرده و سودهای کلان و یک سویی بانک ها را بیان کنند و در پایان، اسلامی بودن بانک ها در نظر آنها امری بیهوده دانسته شود!

درد آلودتر از آن، سخن بعضی از مسؤلان و کارکنان بانک هاست که ابتدا پیشنهادهایی برای گره گشایی از کار مشتری مطرح می کنند و چون با اعتراض برخی از مراجعه کنندگان متدین روبه رو می شوند می

گویند :

" ای آقا! چه فرقی می کند، شما با این پول می خواهید مشکلاتان را حل کنید والان هم نیاز به چنین پولی دارید. درخواست کنید ما هم موافقت می کنیم!"

بدون شک چنین شیوه نادرستی موجب می شود که خواست دشمن یعنی ناکارآمدی نظام اسلامی از اداره بهینه امور هر روز بیش از گذشته در دل و دیده غافلان یا مغرضان پدیدار شود و آثار سوء، زشت و زیانبار ربا که در پاره ای از موارد دقیق و عمیق است و از نظر معنوی ماندگار خواهد بود در خانواده ها افزایش و گسترش یابد.

با توجه به آشنایی دیرین و تجربه های بسیار در این زمینه، به نظر می رسد گام هایی چند درنوسازی شیوه ها باید برداشته شود

مجله تازه های اقتصاد، ش ۳۱، خرداد ۷۲؛ روزنامه کیهان، ۵ دیماه ۱۳۷۳، ش ۱۵۲۴۳ و ۲۷ مرداد ماه ۱۳۷۵ شهر یورماه ۱۳۷۲؛ پیام بانک، ش ۸۳

## اصول بانک داری اسلامی چیست؟

پرسش

اصول بانک داری اسلامی چیست؟

پاسخ

اصول بانک داری و اقتصاد اسلامی بر این است که باید تمام فعالیت ها و داد و ستد ها و معاملاتی که از طرف بانک انجام می گیرد، منطبق با یکی از عقود شرعیه مانند، بیع، مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، جعاله و سایر عناوین شرعیه باشد.

چنان چه مبنای بانک ها در جمهوری اسلامی ایران بر این است که عملیات بانکی خود را منطبق با یکی از عقود شرعیه انجام بدهند. وقتی معاملات بانک ها مطابق با موازین شرعی باشد، کسی با آن مخالفت ندارد.

**چرا بانک ها مردم را تشویق به سپرده گذاری می کنند؟ مگر نه این که چرخ صنعت بایستی برای کشورهای اسلامی به حرکت در آید، پس چرا دولت مردم را تشویق به سرمایه گذاری و بی حرکت بودن سرمایه ملی در بانک ها می کند؟**

پرسش

چرا بانک ها مردم را تشویق به سپرده گذاری می کنند؟ مگر نه این که چرخ صنعت بایستی برای کشورهای اسلامی به حرکت در آید، پس چرا دولت مردم را تشویق به سرمایه گذاری و بی حرکت بودن سرمایه ملی در بانک ها می کند؟

پاسخ

سرمایه‌هایی که در بانک‌ها جمع می‌شود، بی‌حرکت و بی‌ثمر نمی‌ماند، بلکه در اکثر موارد برای اهدافی است که ذکر کرده‌اید و بانک‌ها با جمع‌آوری سرمایه‌های مردم باعث راحت شدن زمینه سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، تولیدی، کشاورزی و صنعتی می‌شوند. در ضمن قسمتی از سود آن را به سپرده‌گذاران می‌پردازند و خدمات فراوان دیگری نیز ارائه می‌دهند.

## آیا فعالیت بانکها بدون رباخواری ممکن است؟

### پرسش

آیا فعالیت بانکها بدون رباخواری ممکن است؟

### پاسخ

برخی بر این عقیده‌اند که در این عصر اقتصاد بدون ربا، قادر به فعالیت نیست. از این رو، منع از رباخواری توقف فعالیت بانکها را در پی خواهد داشت و نتیجه این توقف رکود اقتصادی است. به عبارت دیگر، مسئله ربا آنچنان با اقتصاد آمیخته گشته که تفکیک ناپذیر است.

این نوع تفکر و باور غلط از ناحیه افرادی القاء می‌شود که خود باخته و غرب زده هستند. البته جا دارد که کشورهای ثروتمند، چنین تبلیغاتی را از طریق ایادی خود داشته باشند؛ زیرا این تفکر مطابق با منافع آنهاست و آنها مطالب را مطابق منافع خود به دیگران القاء می‌کنند. در حالی که این تفکر نادرست است. بانکهای اسلامی اگر بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب عمل کنند و مردم هم از متن قرارداد مطلع گردند و بر آن وفادار بمانند، مشکل ربا پیش نخواهد آمد. هم سپرده‌گذاران بهرهمند خواهند داشت و هم بانکها استفاده سرشاری خواهند برد و هم چرخ اقتصاد کشور به حرکت در خواهد آمد.

یکی از عقود اسلامی عقد «مضاربه» است، که تنها به تجارت اختصاص ندارد، بلکه سرمایه‌گذاری در امر تولید، صنعت، دامداری، کشاورزی، خدماتی... را نیز شامل می‌شود.

در عقد مضاربه، مشتری سرمایه خود را در اختیار بانک قرار می‌دهد و بانک با قرارداد مضاربه سود هر یک را مشخص می‌کند. البته تعیین سود باید درصدی از منفعت کار باشد نه درصدی از اصل سرمایه. مشتری میتواند به بانک وکالت دهد تا سهم او را از سود به مبلغ معینی مصالحه کند و هر ماه آن را دریافت نماید؛ لکن

در پایان قرارداد، سود پرداخت شده محاسبه گردد. آنگاه به بانک وکالت مطلق می‌دهد تا در هر یک از امور مذکور که مایل بود سرمایه‌گذاری صورت گیرد و بانک هم باید به آن عمل نماید. در این صورت بدون آن که مشکل ربا ایجاد شود هم صاحب پول بهرهمند می‌گردد و هم بانک نصیب خود را از سرمایه‌گذاری به دست می‌آورد و هم برای این که چرخ اقتصاد جامعه را کد نماند، تجارت سالمی صورت می‌پذیرد.

باید توجه داشت در این گونه موارد عقود شرعی باید تحقق پذیرد و گرنه به مجرد روی کاغذ آوردن، این عقود شرعی، چیزی را عوض نمی‌کند و مشکل ربا به قوت خود باقی می‌ماند. بنابراین، قطعاً حذف ربا از بانکها امکان پذیر است. چنان که در صدر اسلام و در عصر ظهور پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه رباخواری رواج داشت و جزء اقتصاد آن زمان محسوب میشد، ولی با ظهور اسلام و حکم حرمت ربا، این پدیده شوم به دست فراموشی سپرده شد و در اقتصاد آنها هیچ وقفه‌ای ایجاد نشد.

**آیا می‌توان اعتقاد داشت که شیوه کنونی بانکداری م واقعاً اسلامی است؟ مثلاً در مورد انواع قراردادهای ربا، قرارداد مضاربه می‌باشد که همانطور که می‌دانید دو طرف باید در سود و زیان شریک باشند در حالی که بانک در این نوع عقود فقط سود خود را (که آنهم تعیین شده و خالی از ا)**

**پرسش**

آیا می‌توان اعتقاد داشت که شیوه کنونی بانکداری م واقعاً اسلامی است؟ مثلاً در مورد انواع قراردادهای ربا، قرارداد مضاربه می‌باشد که همانطور که می‌دانید دو طرف باید در سود و زیان شریک باشند در حالی که بانک در این نوع عقود فقط سود خود را (که آنهم تعیین شده و خالی از اشکال است) دریافت می‌دارد خواه طرف دیگر سود کند خواه زیان؟

**پاسخ**

اصل قانون بانکداری مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تایید شورای محترم نگهبان و انجام عملیات بانکی براساس آن صحیح و سود حاصله از آن حلال می‌باشد ولی توجه به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- در خصوص معین شدن سود و نداشتن ضرر برای سپرده‌گذار در قانون بانکداری تدابیری اندیشیده شده از جمله اینکه سود مورد نظر بعنوان علی الحساب پرداخت گردد و در مورد ضرر شخص ثالث دولت و یا منابع اعتباری دیگر عهده دار زیان آن باشد و اشکال دیگری که در مجلس تصویب گشته و به تایید شورای نگهبان رسیده است که می‌توانید به مصوبات و بحث‌های مربوط به آن مراجعه نمایید.

۲- سلامت قانون، عملکرد ناروا و خلاف مسئولان بانکها و مشتریان مختلف را تصحیح خواهد نمود.

۳- انجام آن مصوبات در خارج از مجموعه بانکهای جمهوری اسلامی نیز جایز و شرعی می‌باشد به شرط شناخت دقیق مقررات و مصوبات و تنظیم عملکرد بر آن اساس.



حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظلّه العالی در ضمن پاسخ به سوالی در این باره فرموده اند :

(( س ۸۳۶ )) : آیا معاملات بانکهای اسلامی ایران محکوم به صحت هستند ؟ خرید مسکن و غیره با پولی که از بانکها گرفته می شود چه حکمی دارد ؟

عسل کردن و نماز خواندن در خانه ای که با این قبیل پولها خریداری شده چه حکمی دارد؟ و آیا گرفتن سود در برابر سپرده هایی که مردم در بانک می گذازند، حلال است؟

بطور کلی معاملات بانکی که بانکها براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تایید شورای نگهبان انجام می دهند، اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از بکارگیری سرمایه براساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است، لذا در صورتی که گرفتن پول از بانک برای خرید مسکن و مانند آن تحت عنوان یکی از عقود باشد، بدون اشکال است ولی اگر به صورت قرض ربوی باشد، هر چند گرفتن آن از نظر حکم تکلیفی حرام است، ولی اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح است و آن مالک، ملک قرض گیرنده می شود و جایز است در آن و در هر چیزی که با آن می خرد تصرف نماید. (۱)

شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی در سلسله مباحث مربوط به ربا که قبل از انقلاب اسلامی صورت گرفته است دو شرط برای پرداخت سود به سپرده گذار معین کرده است:

۱- وجود حکومت صالحه (که این شرط در شرایط فعلی محقق شده است)

۲- پرداخت سود به میزان تورم.

بنابراین در شرایط کنونی که از نعمت حکومت صالحی برخوردار هستیم معادل نرخ تورم در هر سال پرداخت سود براساس نظریه ایشان جایز است و هیچگونه منعی وجود ندارد زیرا سودی که سپرده گذار دریافت می کند چیزی اضافه بر سپرده خودش نیست بلکه کاهشی ارزش سپرده خودش را دریافت کرده است. (۲) ۲۸/۲

(۱) اجوبه الاستفتاءات، مقام معظم رهبری، جلد

برای آگاهی بیشتر در این خصوص به کتاب

**به نظر جنابعالی آیا شایسته نمی باشد که حوزه علمیه در رابطه با مشکل سپرده گذاری پول در بانکها جواب شفاف و جامع بدهد؟**

**پرسش**

به نظر جنابعالی آیا شایسته نمی باشد که حوزه علمیه در رابطه با مشکل سپرده گذاری پول در بانکها جواب شفاف و جامع بدهد؟

**پاسخ**

توضیح اینکه: فقها مبانی فقهی مسلمی دارند که باید از آن تبعیت کنند. نهاد بانک را به عنوان مؤسسه جمع آوری پول ها و تخصیص اعتبارات می پذیرند؛ اما ساز و کار این بانک ها باید تغییر یابد و طبعاً این تغییرات باید با قوانین و احکام اسلامی متناسب باشد، نه با قوانین غرب؛ به علاوه مطالعات اقتصاددانان نشان می دهد که نرخ بهره باعث بیماری های اقتصادی در غرب و موجب شکاف بین بازار کالا- و بازار پول و بین طبقات اقتصادی و ایجاد طبقات فقیر و غنی و نیز عامل مهم تورم و عامل عدم تخصیص بهینه امکانات شده است؛ اکنون باید پرسید چرا ما باید آن چه را که در غرب تجربه کرده اند و به مشکلاتش واقف شده اند، به عنوان اصل مسلم و ضروری بپذیریم و بگوییم که فقه باید با آن سازگار شود؟

در قانون بانک داری بدون ریا، اهرم ها و ابزارهایی که برای جذب نقدینگی و دادن تسهیلات و تخصیص منابع پولی استفاده می شود، دو گونه اند: یکی مرابحه، دیگری مشارکت. در سیستم مرابحه، بانک، به عنوان قرض پول به متقاضی تسهیلات نمی دهد، بلکه فرض بر این است که آن چه را متقاضی به آن نیاز دارد، به صورت نقد برای او خریداری می کند و پس از افزودن سود معین، به صورت اقساط به او می فروشد؛ یعنی درصدی از پیش تعیین شده بر قیمت خرید می افزاید؛ مثلاً یک کارخانه دار به بانک

مراجعه می کند و می گوید: من قصد خرید مواد خام را دارم. بانک مواد خام را مطابق با تقاضای او خریداری می کند (مثلاً صد میلیون تومان) و با افزودن سود مورد نظر برای فروش، به صورت قسطی به او می فروشد (مثلاً صد و بیست میلیون تومان). ساز و کار دیگر به صورت مشارکت است. بدین صورت که بانک، سرمایه های سپرده گذاران خود را به نحو شرکت در اختیار متقاضیان قرار می دهد و با سرمایه های کارفرمایان اقتصادی شریک می شود؛ یعنی کارفرمای اقتصادی، منابع مالی اختصاصی دارد که متعلق به خود اوست. منابع مالی مشارکتی را هم از بانک دریافت می کند و مجموع منابع را به صورت مشارکت، سرمایه گذاری می کند و هزینه های آن را کسر می کند و سود خالص باقی مانده را به بانک اعلام می کند. بر اساس توافقی که قبلاً بین بانک و بنگاه اقتصادی شریک صورت گرفته است، این سود تقسیم می شود. اگر تقسیم سود بر اساس مقدار سرمایه باشد، مثلاً اگر پنجاه درصد سرمایه خاص شرکت بوده و پنجاه درصد سرمایه از ناحیه بانک تأمین شده باشد، سود هم بین بانک و کارفرمای اقتصادی به همین نسبت تقسیم می شود. بانک بخشی از سود به دست آمده را به عنوان حق وکالت برمی دارد، و باقی مانده سود را بین سپرده هایی که مردم در بانک گذارده اند تقسیم می کند. این دو ساز و کار (مراجه و مشارکت) طبعاً با ساز و کار بانک های ربوی متفاوت است.

ظاهراً هر گونه نیاز مردم به منافع مالی بانک با استفاده از ابزارهای یاد شده

قابل تأمین است.

منابع و مأخذ:

برگرفته از کتاب: دین و اقتصاد، تألیف: حجه الاسلام دکتر مصباحی، تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ص ۵۹ و ۶۰ و ۶۴ و ۶۵

## در نظام بانکداری اسلامی دریافت و پرداخت سود بر چه مبنائی انجام می گیرد؟

پرسش

در نظام بانکداری اسلامی دریافت و پرداخت سود بر چه مبنائی انجام می گیرد؟

پاسخ

مکانیسم تعیین شده برای بانک های جمهوری اسلامی مبتنی بر عقود اسلامی و مورد تایید شورای نگهبان است و سود حاصله از آنها ربا نمی باشد. عقود بانکی فعلی از این قرارند: ۱- قرض الحسنه اعطایی (بدون سود)، ۲- مضاربه، ۳- مشارکت مدنی، ۴- مشارکت حقوقی، ۵- سرمایه گذاری مستقیم، ۶- فروش اقساطی بانک ها، ۷- اجاره به شرط تملیک ۸- جعاله، ۹- مزارعه، ۱۰- مساقات، ۱۱- خرید دین، به عنوان وکیل از ناحیه سپرده گذاران طبق هر یک از عقود فوق می توانند به تناسب نوع نیاز تسهیلاتی درخواست کنندگان وارد معامله شوند و طبق اصول شرعی - به جز در مورد اول - سود دریافت دارند.

از طرف دیگر بانک سود مقرری را به سپرده گذار می دهد؛ زیرا سپرده گذار با توکیل بانک طرف معامله اصلی با تسهیلات گیرندگان است. سپس بانک مازاد آن سود را به عنوان حق الوکاله برای خود بر می دارد.

برای آگاهی بیشتر ر. ک :

۱- بانکداری بدون ربا، ترجمه: البنك الاربوی فی الاسلام، سید محمد باقر صدر

۲- عملیات بانکی داخلی، چاپ موسسه بانکداری ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران {J}

## آیا سیستم بانکداری کشور ما، اسلامی است ؟ چرا زمانی که امام خمینی (ره) قدرت و نفوذ کاملی برای اصلاح سیستم بانکی داشتند، آنرا اصلاح نکردند؟

پرسش

آیا سیستم بانکداری کشور ما، اسلامی است ؟ چرا زمانی که امام خمینی (ره) قدرت و نفوذ کاملی برای اصلاح سیستم بانکی داشتند، آنرا اصلاح نکردند؟

پاسخ

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحولات مهمی در نظام بانکی کشور پدید آمد که نقش قابل توجهی در تغییر انون عملیات بانکی از بانکداری ربوی به بانکداری بدون ربا داشت؛ از جمله:

۱. ملی شدن بانک ها؛ بر اساس مصوبه ۱۷/۳/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی.

۲. ادغام بانک ها؛

۳. برقراری سیستم سود تضمین شده و کارمزد. در جلسه ۳/۱۰/۱۳۵۸ شورای پول و اعتبار بهره را از نظام بانکی حذف و سیستم سود تضمین شده و کارمزد را جایگزین آن کرد.

۴. تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا؛ عدم تطابق سیستم تضمین شده و کارمزد با شرع مقدس اسلام موجب شد مجلس شورای اسلامی قانون عملیات بانکی بدون ربا را در هشتم شهریور ۱۳۶۳ به تصویب نهایی برساند. این قانون در تاریخ دهم شهریور مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفت. از تحولات بعد از انقلاب اسلامی مکانیسم بانک های جمهوری اسلامی مبتنی بر عقود اسلامی است و مورد تأیید شورای نگهبان است سود حاصله از آن ربا نمی باشد. عقود بانکی فعلی از این قرارند:

۱- قرض الحسنه اعطایی (بدون سود) ۲- مضاربه ۳- مشارکت مدنی ۴- مشارکت حقوقی ۵- سرمایه گذاری مستقیم ۶- فروش اقساطی ۷- اجاره به شرط تملیک ۸- سلف ۹- جعاله ۱۰- مزارعه ۱۱- مساقات ۱۲- خرید دین ۱۳- ضمان.

بانک ها به عنوان وکیل سپرده گذاران طبق هر یک از عقود فوق می توانند به تناسب نوع نیاز تسهیلاتی درخواست کنندگان وارد معامله شوند و طبق اصول شرعی - جز در مورد اول - سود دریافت دارند.

از طرف دیگر بانک سود مقرری را به سپرده گذار می دهد؛ زیرا در واقع سپرده گذار با توکیل بانک طرف معامله اصلی با تسهیلات گیرندگان است. سپس بانک مازاد آن سود را به عنوان حق الوکاله برای خود برمی دارد. به عنوان مثال در عقد مضاربه به طور معمول یک طرف عهده دار سرمایه می شود که او را «مالک» می گویند و طرف دیگر که تجارت با سرمایه را به عهده می گیرد «عامل مضاربه» نامیده می شود. بر طبق مقتضای اولیه این قرارداد عامل امین محسوب شده و در صورتی که از شرایط مندرج در قرارداد تخطی نکند زیان احتمالی شامل حال او نخواهد شد و فقط بر طبق قرارداد در نسبتی از سودی که به دست می آید سهم می باشد. قرارداد ممکن است بین سپرده گذار به عنوان الک و بانک به عنوان «عامل» و یا بین بانک به عنوان «مالک» و متقاضی تسهیلات به عنوان «عامل» منعقد شود و این احتمال نیز وجود دارد که بین ده گذار به عنوان «مالک» و متقاضی به عنوان «عامل» منعقد شود. نقش بانک در ن میان فقط وساطت یا وکالت بین آنها باشد. در این صورت بانک فقط حق وکالت خود را دریافت می کند. در قانون تصریح شده است که بانک در به کار گرفتن سپرده های سرمایه گذاری مدت دار وکیل می باشد (عملیات بانکی داخلی ج ۲ ص ۲۳۱). نحوه دیگری نیز ممکن است تحقق یابد که به آن مضاربه سه جانبه گفته می شود. در این الگو سپرده گذاران با بانک قرارداد می بندند که در سود و زیان متعلق به بانک سهم شوند. بانک نیز طی قراردادی با استفاده کننده از تسهیلات توافق می کند که وینسبت معینی از سود

حاصل از فعالیت های خود را به بانک رداند بانک بخشی از این سود را به سپرده گذاران انتقال می دهد. این الگو بر این اس استوار است که عامل بتواند تمام یا بعضی از قراردادی که مالک منعقد کرده دیگران واگذار کند. البته باید به این نکته توجه داشت که کاربرد این قرارداد است و نظایر آن در روابط بانکی از صورت فردی خارج است. پس هم در جانب سرمایه گذاران (مالک ها) و هم در جانب مجریان قرارداد (عاملین مضاربه) یک یا چند گروه یا موءسسسه می توانند نقش داشته باشند و در بعضی از صورت ها ترکیبی حاصل از شرکت و مضاربه بهوجود خواهد آمد. مسأله دیگر درباره محدوده این عقد می باشد که به نظر فقهای امامیه منحصر در امور بازرگانی است؛ اما برخی از فقها فرموده اند: هرگاه همین عمل در امور دیگر مانند صنعت دامداری و... انجام گیرد - هر چند عنوان مضاربه ندارد - اما با توجه به «وفای به عقد» و «صحت معاملات» بعید نیست حکم به صحت آن شود و هم چنین بعید نیست بگوییم داخل در عنوان مضاربه هم می شود (عروه الوثقی ج ۱ ص ۶۴۱). از آنچه که گفته شد روشن می شود پول هایی که مردم به عنوان سپرده های کوتاه مدت و درازمدت در بانک ها می گذارند و سود دریافتی دارند براساس عقد مضاربه است که بانک نقش عامل و سپرده گذار نقش مالک را دارا می باشد و در عقد لازم دیگری (غیر از این مضاربه مثل بیع و شرأ یک خودکار) مالک پول شرط می کند که من در ضرر شریک نباشم (به فتوای برخی از فقها مالک می تواند حتی در خود عقد مضاربه هم چنین شرطی نماید). گاهی هم بانک به



عنوان مالک در اختیار اشخاص سرمایه قرار می دهد و در سود حاصل از بازرگانی آن اشخاص سهیم می گردد در نتیجه مقدار بیشتری نسبت به آنچه که به اشخاص پرداخته دریافت می کند و نام این عقد قرض نیست تا عنوان ربا پیدا کند. بنابراین یکی از متداول ترین راه هایی که بانک ها براساس آن سپرده های مردم را دریافت کرده و در اختیار بخش دیگری تسهیلات قرار می دهند عقد مضاربه است. در این عقد بانک معمولاً به وکالت از جانب سپرده گذاران با متقاضیان تسهیلات عقد مضاربه منعقد می نماید. سود به دست آمده پس از کسر مخارج بانک بین متقاضی تسهیلات و سپرده گذار تقسیم می شود. بانک ممکن است از منابع خود تسهیلاتی را در اختیار تقاضیان قرار دهد که در این صورت خود مستقیماً نقش مالک را در مضاربه دارد. این امکان نیز وجود دارد که قبل از تقسیم سود قطعی بانک بهطور علی الحساب سودی در اختیار سپرده گذاران قرار دهد. از آنچه گفته شد معلوم می شود که چنین عمل از نظر ظاهر شرع محکوم به صحت است و حکم به ربوی بودن نمی توان کرد. فروش اقساطی؛ همان گونه که اشاره شد یکی از انواع معاملات معامله نسبه می باشد. بدین جهت بانکمی تواند بنا بر تقاضای متقاضیان ابزار وسایل و... مورد نیاز آنها را خریداری کرده و به طور نسبه به قیمتی بالاتر به آنها تجهیزات بفروشد. عقد شرکت؛ شرکت عقدی است که براساس آن دو یا چند نفر با هم رداد می بندند که با مال مشترک بین آنها تجارت تولید و... انجام شود و در سود و زیان حاصل از آن - متناسب با سرمایه خود - شریک باشند. در اصطلاح این نوع رکت را

«شرکت عقدی» می گویند که احتیاج به ایجاب و قبول دارد و سایر شرایط عقود مالی از جمله بلوغ عقل قصد و... در آن معتبر است. متعلق چنین عقدی فقط اموال می تواند باشد - اعم از پول یا کالا - اما شرکت در اعمال صحیح نیست رکت ابدان؛ یعنی این که درست نیست که دو یا چند نفر قرارداد ببندند که هر چه در آوردند و هر چقدر اجرت گرفتند بین آنان مشترک باشد (تحریرالوسیله ج ۱ ص ۶۲۳ و ۶۲۴ مسأله های ۲۳ و ۵). بر طبق نظر برخی از فقها همچون امام خمینی (ره) می توان در قرارداد شرط کرد که بیشتر ضرر یا تمام آن به عهده یک یا چند نفر باشد. اما اگر در عقد شرط شود که تمام سود برای یک طرف باشد صحیح نیست (رساله مراجع ج ۲ ص ۲۵۷ مسأله ۲۱۴۷). عقد شرکت در قانون مصوب بانکداری بدون ربا در ایران در دوشکل مشارکت حقوقی و مشارکت مدنی مطرح شده است. مشارکت حقوقی؛ بر طبق آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا مشارکت حقوقی عبارت است از: تأمین قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود. از تعریف فوق نکات زیر استنباط می شود: الف) مشارکت حقوقی فقط با اشخاص حقوقی که به صورت شرکت های سهامی عام یا خاص تأسیس شده اند یا تأسیس می شوند امکان پذیر است و ارتباطی با اشخاص حقیقی ندارد. ب) بانک ها میتوانند فقط قسمتی از سرمایه شرکت ها را تأمین کنند و نه تمام آن را. ج) در صورتی که وجوه سهام بانک در این شرکت ها از محل سپرده های سرمایه گذاران تأمین شده باشد

بانک به وکالت از آنان مبادرت به تشکیل شرکت می کند. در این صورت شرکت از جمله شرکت های دولتی محسوب نمی شود؛ اما اگر بیش از ۵۱ درصد سهام شرکت متعلق به وزارتخانه ها و سایر موءسسات دولتی باشد و یا وجوه سهام بانک از محل منابع خود بانک (سرمایه و حساب های قرض الحسنه) تأمین شده باشد شرکت دولتی محسوب می شود. توجه به این نکته ضروری است که بانک ها واسطه گردش وجوه هستند و نباید منابع خود را حبس و معطل کنند؛ از تأمین نیاز مالی متقاضیان (از طریق مشارکت با آنان) و تأمین هدف مورد بلکه نظر بایستی وجوه را (با فروش سهام) جمع آوری نمایند و مجدداً به مصرف برسانند (حقوق بانکی خاوری رضا ص ۲۳۲ - ۲۳۶). مشارکت مدنی؛ در ماده ۱۸ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا شرکت مدنی چنین تعریف شده است: «در آمیختن سهم شرکت مدنی و یا غیر نقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد». ویژگی های مشارکت مدنی عبارت است از: ۱- این عقد از لحاظ ماهیت عقدی جایز بوده و هر یک از طرفین می تواند نسبت به گرفتن سهم خود اقدام نماید مگر این که ضمن عقد لازمی اختیار فسخ از طرفین قرارداد گرفته شود. ۲- سهم شرکت مدنی می تواند وجه نقد باشد یا کالا و هم چنین ممکن است سهم یا شریک نقد و سهم دیگری کالا باشد. ۳- در مشارکت مدنی هم اشخاص حقیقی می توانند حضور داشته باشند و هم اشخاص حقوقی. ۴- سهم شرکت بانکی و شرکا باید به هم آمیخته شده و به صورت مشاع در آید. ۵- میزان سهم شرکت بانکی نمی تواند بیش از ۸۰ درصد کل سرمایه شرکت

مدنی باشد. ۶- سود حاصل از شرکت به نسبت سرمایه تقسیم می شود و به همین ترتیب در صورتی که زیانی بدون ارتکاب تقصیر و یا تعدی و تفریط از ناحیه شریک متوجه شرکت مدنی شود به طور طبیعی این زیان هم بایستی مطابق سهم الشرکه بین شرکا تقسیم شود؛ اما بانک معمولاً در قراردادهای خود شرط می کند که در صورت ورود هرگونه زیان و ضرری به سرم

**با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که کلاً نظام اقتصادی کشور را به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می نماید و در ذیل مواردی که شامل دولتی می گردد صریحاً ذکر می کند موارد همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، بیمه، بانکداری و... دولتی می باشند ولی هم اکنون و**

### پرسش

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که کلاً نظام اقتصادی کشور را به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می نماید و در ذیل مواردی که شامل دولتی می گردد صریحاً ذکر می کند موارد همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، بیمه، بانکداری و... دولتی می باشند ولی هم اکنون و از چند ماه پیش بحث به وجود آمدن بانک های خصوصی مطرح شده حتی به مرحله اجرا نیز آمده آیا این مورد نقض قانون نیست؟ و اگر مورد قانونی و یا اصلاحیه دارد چیست؟

### پاسخ

روح کلی مستفاد از این اصل، تمرکز و قدرت غالب در این امور منظور است یعنی بانکداری، بیمه، بازرگانی، صنایع باید به گونه ای باشد که با رعایت حرمت نهادن به فعالیت های بخش خصوصی و یا تعاونی، دولت خلع سلاح و مقهور و تحت سلطه آن بخش ها واقع نشود چون در این صورت به حاکمیت آسیب می رسد زیرا اگر شریان اقتصادی کشور در قبضه قدرت دیگران باشد، به راحتی دولت را با چالش های بزرگی مواجه ساخته، در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها در جهت منافع خود نقش آفرینی می کنند و نظام اسلامی به جای این که براساس موازین عدالت اجتماعی و ارزش های اسلامی و کم کردن شکاف طبقاتی حرکت کند ناچار خواهد بود که در جهت خواست های قدرت های مسلط اقتصادی حرکت کند.

نتیجه سخن آن که فعالیت های اقتصادی دولت در بخش های مذکور انحصاری نیست، لیکن باید به گونه ای باشد که دولت تصمیم سازد و تصمیم گیر اصلی باشد و قدرت های مسلط اقتصادی نتوانند بدین

وسیله در نظام اجتماعی اخلاص ایجاد کنند.

## توضیح دهید آیا طریقه عملکرد بانکها و صندوقهای قرض الحسنه در کشور صحیح است؟

### پرسش

توضیح دهید آیا طریقه عملکرد بانکها و صندوقهای قرض الحسنه در کشور صحیح است؟

### پاسخ

اصل قانون بانکداری مصوب مجلس شورای اسلامی مورد تأیید شورای محترم نگهبان وانجام عملیات بانکی براساس آن صحیح و سود حاصله از آن حلال می باشد ولی توجه به نکات زیر ضروری به نظر می رسد:

۱ درخصوص معین شدن سود و نداشتن ضرر برای سپرده گذار در قانون بانکداری تدابیری اندیشیده شده از جمله اینکه سود مورد نظر بعنوان علی الحساب پرداخت گردد و درمورد ضرر شخص ثالث دولت و یا منابع اعتباری دیگر عهده دار زیان آن باشد و اشکال دیگری که درمجلس تصویب گشته و به تأیید شورای نگهبان رسیده است که می توانید به مصوبات و بحث های مربوط به آن مراجعه نمایید .

۲ سلامت قانون، عملکرد ناروا و خلاف مسؤولان بانکها و مشتریان متخلف را تصحیح خواهد نمود.

۳ انجام آن مصوبات درخارج از مجموعه بانکهای جمهوری اسلامی نیز جایز و شرعی می باشد به شرط شناخت دقیق مقررات و مصوبات و تنظیم عملکرد بر آن اساس .

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در ضمن پاسخ به سؤالی دراین باره فرموده اند:

" س ۸۳۶: آیا معاملات بانکهای جمهوری اسلامی ایران محکوم به صحت هستند؟ خرید مسکن و غیره با پولی که از بانکها گرفته می شود چه حکمی دارد؟ غسل کردن و نماز خواندن درخانه ای که بااین قبیل پولها خریداری شده چه حکمی دارد؟ و آیا گرفتن سود دربرابر سپرده هایی که مردم دربانک می گذارند، حلال است؟

بطور کلی معاملات بانکی که بانکها براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام می دهند، اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود

حاصل از بکارگیری سرمایه بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است، لذا در صورتی که گرفتن پول از بانک برای خرید مسکن و مانند آن تحت عنوان یکی از عقود باشد، بدون اشکال است ولی اگر به صورت قرض ربوی باشد، هر چند گرفتن آن از نظر حکم تکلیفی حرام است، ولی اصل قرض از نظر

حکم وضعی صحیح است و آن مالک، ملک قرض گیرنده می شود و جایز است در آن و در هر چیزی که با آن می خرد تصرف نماید." (۱)

فلذا اگر خواسته باشیم در یک نگاه، بانکداری اسلامی بدون ربا را تعریف نمائیم خواهیم گفت:

[مجموعه عملیات بانکی است که در قالب یکی از عقود شرعی انجام می گیرد و دو طرف (بانک و مشتری) ملزم به رعایت اصول

و فروع قرارداد امضا شده هستند. [بدیهی است این "الزام" آنگاه به خوبی انجام می پذیرد که:

اولاً) مسؤلان بانک یا شعبه از یک سو و مشتری از سوی دیگر "اعتقاد" به بدون ربا بودن قرارداد داشته باشند.

ثانیاً) طرفین "آگاه" از قانون مورد نظریا نوع عقد شرعی نگاشته شده در برگه درخواست باشند، تا آن اعتقاد و این اطلاع گرچه به طور اجمالی و سربسته روشنگر استفاده صحیح، به جا و شایسته از عقد شرعی باشد.

با تأسف بسیار باید بگوییم در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از تصویب قانون بانکداری اسلامی، آن چه موفقیت آمیز نبوده است، در حوزه قانون گذاری و یا گستره تئوری و نظر نیست بلکه در حوزه شناخت و اجراست زیرا عموم مشتریان تنها به دنبال دریافت مبلغی از بانک هستند تا مشکل خود را حل کنند و حتی نگاهی گذرا به قوانین قرارداد نمی کنند. مسؤلان بانک نیز برای رفع مشکل مشتری و جذب بیش تر

افراد به شعبه خود، پیشنهاد یکی از عقود شرعی اقتصادی را می دهند، مشتری نیز با عجله و شتاب مدارک لازم را تهیه می کند و به طور مثال پولی در قالب مضاربه دریافت می کند در حالی که مسئول بانک و مشتری هر دو به خوبی می دانند مضاربه ای در کار نیست؛ مضاربه گیرنده نه جنسی خریداری می کند و نه می فروشد و نه از سود، سهم بانک را پرداخت می کند! بلکه پس از گره گشایی از مشکل خود پول و سود آن را از جای دیگری به بانک می پردازد.

و این ربای خالص و بدون هر گونه تردیدی است که دامان زندگانی بسیاری را آلوده به گناهی بزرگ کرده است. تأسف بارتر این که جمع بیشماری از دریافت کنندگان وام های این چنین، آنرا به حساب سرشناسی خود یا آشنایی با مسئول شعبه و یا زیرکی و زرنگی خویش برای رفع و رجوع کارهای درآمدزا و پول آور می گذارند!!

بی اعتقادی و نا آگاهی طرفین قراردادها موجب گردیده است که بارها و بارها به هنگام گفتگواز بانکداری اسلامی این سخن را از مردم کوچه و بازار بشنویم که: "چه فرقی کرد؟! این همان رباست، اسمش را عوض کرده اند!"

و در پی آن ایرادهای مختلف مطرح کرده و سودهای کلان و یک سویه بانک ها را بیان کنند و در پایان، اسلامی بودن بانک ها در نظر آنها امری بیهوده دانسته شود!

درد آلودتر از آن، سخن بعضی از مسئولان و کارکنان بانک هاست که ابتدا پیشنهادهایی برای گره گشایی از کار مشتری مطرح می کنند و چون با اعتراض برخی از مراجعه کنندگان متدین روبه رو می شوند می گویند:

"ای آقا! چه فرقی می کند، شما با این پول می خواهید مشکلاتان را

حل کنید والان هم نیاز به چنین پولی دارید. درخواست کنید ما هم موافقت می کنیم!"

بدون شک چنین شیوه نادرستی موجب می شود که خواست دشمن یعنی ناکارآمدی نظام اسلامی از اداره بهینه امور هر روز بیش از گذشته در دل و دیده غافلان یا مغرضان پدیدار شود و آثار سوء، زشت و زیانبار ربا که در پاره ای از موارد دقیق و عمیق است و از نظر معنوی ماندگار خواهد بود در خانواده ها افزایش و گسترش یابد.

با توجه به آشنایی دیرین و تجربه های بسیار در این زمینه، به نظر می رسد گام هایی چند درنوسازی شیوه ها باید برداشته شود. اجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، جلد دوم، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

## ربا در اسلام حرام است، سودهایی که بانکها اخذ و یا پرداخت می کنند حلال است یا حرام؟

### پرسش

ربا در اسلام حرام است، سودهایی که بانکها اخذ و یا پرداخت می کنند حلال است یا حرام؟

### پاسخ

اصل قانون بانکداری، مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای نگهبان و انجام عملیات بانکی بر اساس آن صحیح و سود حاصله از آن حلال می باشد، ولی توجه به دو نکته ضروری به نظر می رسد:

۱- در خصوص معین شدن سود و نداشتن ضرر برای سپرده گذار، در قانون بانکداری تدابیری اندیشیده شده، از جمله اینکه سود مورد نظر بعنوان علی الحساب پرداخت گردد و در مورد ضرر شخص ثالث دولت و یا منابع اعتباری دیگر، عهده دار زیان آن باشد و اشکال دیگری نیز در مجلس تصویب گشته و به تأیید شورای نگهبان رسیده است، که می توانید به مصوبات و بحثهای مربوط به آن، مراجعه نمایید.

۲- سلامت قانون، عملکرد ناروا و خلاف مسؤولان بانکها و مشتریان مختلف را تصحیح خواهد نمود.

۳- انجام آن مصوبات، در خارج از مجموعه بانکهای جمهوری اسلامی نیز جایز و شرعی می باشد، به شرط شناخت دقیق مقررات و مصوبات و تنظیم عملکرد بر آن اساس.

حضرت آیت ا... خامنه ای در ضمن پاسخ به سؤالی در این باره فرموده اند: "بطور کلی معاملات بانکی که بانکها بر اساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای نگهبان، انجام می دهند، اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از بکارگیری سرمایه، بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است." (۱)

و ایشان در جای دیگری، در مورد کار مزدی که بانکها می گیرند، می فرمایند: "اگر مراد از گرفتن کارمزد، در جهت تأمین



مختلف صندوق قرض الحسنه یا بانک، مثل حقوق کارمندان، اجاره ساختمان، هزینه آب و برق و تلفن و ... باشد در این صورت حلال است و اشکالی ندارد" (۲) و اگر مراد از کارمزد، همان سود قرض است، در این صورت ربا و حرام است." (۳)

شهید مظلوم، آیت ا... دکتر بهشتی، در سلسله مباحث مربوط به ربا، که قبل از انقلاب اسلامی صورت گرفته است، دو شرط برای پرداخت سود به سپرده گذار، معین کرده است :

۱. وجود حکومت صالحه

۲. پرداخت سود به میزان تورم

بنابراین در شرایط کنونی، که از نعمت حکومت صالحی برخوردار هستیم، معادل نرخ تورم در هر سال، پرداخت سود بر اساس نظریه ایشان، جایز است و هیچگونه منعی وجود ندارد. زیرا سودی که سپرده گذار دریافت می کند، چیزی اضافه بر سپرده خودش نیست، بلکه کاهش ارزش سپرده خودش را دریافت کرده است. (۴)

منابع و مأخذ :

۱. اجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۳۲۰ و ۳۳۱

۲. همان، ص ۴۲۲، سؤال ۱۷۸۶

۳. جامع المسائل، ص ۳۱۷؛ رساله امام خمینی (عج)، بخش استفتائات، ص ۴۳۰

۳. کتاب "ربا"، شهید بهشتی

## جایگاه بانک و بهره بانکی در اسلام چیست؟

### پرسش

جایگاه بانک و بهره بانکی در اسلام چیست؟

### پاسخ

هدف اسلام از طرح مسائل اقتصادی بالابردن توان اقتصادی جامعه است، هدف اقتصاد اسلامی برطرف کردن نیازهای مادی جامعه برای رسیدن به رفاه، استقلال اقتصادی و رهایی از وابستگی است؛ به همین دلیل براساس تعلیمات اسلام، سرمایه ها باید به کار بیفتد و متمرکز نشود. طرح مسائلی از قبیل: مشارکت، مزارعه، تجارت و... در اقتصاد اسلامی به همین دلیل است. براساس تعلیم اسلام اگر عده ای نیروی کار ندارند ولی پول و ثروت مشروع دارند و عده ای دیگر نیروی کار دارند ولی سرمایه ندارند، باید سرمایه ها و نیروها در هم ادغام شود تا هم سرمایه ها را کد نماند و هم بی کارها مشغول شوند. سود این فعالیت دو جانبه نیز باید عادلانه تقسیم شود. اسلام بین سود و پول رابطه ای برقرار نمی کند، مگر آنکه میان این دو، چیز

دیگری از قبیل فعالیت جسمی و فکری واسطه شود؛ در این صورت پول هم سهمی از سود می برد. ولی اگر صاحب سرمایه با در اختیار گذاشتن سرمایه خود در پس کسب سود باشد، رکود اقتصادی پیش می آید و نظام استشار و بهره کشی رواج پیدا می کند و نتیجه آن اقلیتی برخوردار و اکثریت محروم از همه چیز خواهد بود.

اسلام پدیده بانک را نیز براساس همین ضابطه تأیید می کند: اگر بانک ها بدون داشتن تولید به صاحب پول مثلاً ۸٪ بهره بدهند و از وام گیرنده ۱۲٪ بهره بگیرند، تولید از میان خواهد رفت، ناتوانی اقتصادی، بی کاری فقر بیداد خواهد کرد. ولی اگر بانک ها قسمتی از سرمایه خود را صرف تولید و سود به دست آمده را میان صاحبان سرمایه عادلانه تقسیم کنند از وام

گیرندگان جز به اندازه کار مزد، سودی دریافت نکنند، آن گاه تولید افزایش خواهد یافت، بی کاری از میان برخواهد رفت و وام گیرندگان نیز ناتوانی اقتصادی خویش را برطرف خواهند کرد. ممکن است گفته شود که اگر بهره حذف شود، مردم سرمایه خود را به بانک ها نمی سپارند و تولید از میان برداشته می شود؛ باید گفت مردم مسلمان و معتقد به قرآن می دانند که ربا و سودهای کلان ربوی حرام و باعث زیان جامعه است و هرگز چنین روشنی را نمی پسندد. دیگر آنکه با عمل به تعلیم اسلام درباره بانک اگر چه ممکن است سود، کم باشد، ولی سودی است براساس موازین اسلامی که نتیجه آن از میان رفتن استضعاف اقتصادی است. از این گذشته بانک های صد در صد اسلامی در زمان طاغوت و نیز در این زمان بدون گرفتن سود، خدمات ارزنده و صادقانه ای انجام داده اند؛ چگونه ممکن است مردم سرمایه خود را بدون سود در اختیار این بانک ها گذاشته باشند؟

## عدالت اقتصادی

### عوامل تعدیل کننده اوضاع اقتصادی، مالی و توزیع ثروت، در نظام اسلامی چیست؟

#### پرسش

عوامل تعدیل کننده اوضاع اقتصادی، مالی و توزیع ثروت، در نظام اسلامی چیست؟

#### پاسخ

۱ منع ربا خواری

۲ پرداخت مالیاتهای اسلامی مانند خمس و زکات، به خصوص زکات نقدین (طلا و نقره)

۳ مسأله ثلث مال که اگر چه استفاده از آن اجباری نیست، اما در محیط تربیت و ایمان اسلامی و ارشاد دینی، مانند یک واجب، اعتبار می شود و هر ثروتمند و هر کس هر چه داشته باشد، ثلث آن را از اختیار ورثه خارج می نماید و برای خیرات و میراث و مصارفی که در نظر می گیرد اختصاص می دهد.

۴ مشاغل و کسب هائی که موجب جمع ثروت می شود، یا برای ثروتمندان، مصرف های بیهوده و غیر مفید به حال اجتماع می سازد، مانند قمار، شراب سازی، شراب فروشی، مجسمه سازی، خوانندگی، نوازندگی، دائر کردن مراکز فساد و کاباره ها و امثال آن ممنوع است.

۵ بطور کلی اسراف و تبذیر اموال که سرمایه داران و زن و بچه هایشان به آن گرفتار می شوند و اگر راهش بسته شود، سرمایه را در خیر اجتماع مصرف می نمایند، جایز نیست و اکیداً ممنوع است.

۶ از اسباب مهم تعادل ثروت و خرد شدن اموال قانون ارث است. با نظام دقیق، علیرغم قوانین جاهلیت که ثروت را در دست فرد واحد نگهداری می کرد و حتی اگر ثروتمند فرزند نداشت به او اجازه داده می شد که دیگری را فرزند خوانده خود بنماید تا از او ارث ببرد و علیرغم قوانین کشورهای سرمایه داری که به سرمایه دار، اجازه می دهد ثروتش را برای گربه یا

سگش قرار دهد، در حالی که میلیونها مردم گرسنه باشند، اسلام اجازه چنین اموری را نمی دهد.

۷ تشویقات اکید به انفاقات و خیرات،

و مطلق صدقات و میرات و صرف اموال در خیر و ترقی، رفاه عموم، تأسیس مدارس، بیمارستانها، دارالایتام، دارالعجزه، خدمات اجتماعی، پل سازی، راه سازی و مددکاری نیز یکی از وسایل مهم جلوگیری از تمرکز ثروت و مشوق صرف آن در مصالح اجتماعی است.

۸ قوانین مربوط به اراضی موات و جنگلها و اراضی مفتوح عنوه.

۹ وقف، که یکی از راه های صرف سرمایه در مصالح مشترک مردم است.

۱۰ دعوت به انصاف در معاملات، و اکتفا به سود کم و به مقدار کفایت و ترک غش و خیانت در معاملات نیز از عوامل کنترل کننده و تعادل بخش است.

۱۱ همچنین تشویق به قناعت و رضا به آنچه مقدر و فراهم می شود و اقتصاد و میانه روی در خرج.

۱۲ نکوهش از سرمایه و اندوخته بیش از حد کفاف و بطور کلی مذمت از اندوخته کردن و پس انداز نمودن که در تربیت اسلامی خلاف توحید در توکل و خلاف اعتماد به خدا است.

۱۳ مذمت و نکوهش از بخل و حرص، و مدح سخاوت تا آنجا که در روایات آمده: «بخیل از خدا و بهشت و مردم دور بوده و به آتش نزدیک است».

۱۴ تحریم استعمال ظروف طلا- و نقره و آرایش مرد به آنها که علاوه بر اینکه دلیل بر حرمت این استعمالات است، نشانه محبوب بودن سادگی معاش و اثاث و لباس است.

بالأخره، مکتب اسلام و نظامات اسلام در شعب مختلف و متعدد، همه در کنترل وضع مالی و جلوگیری از مفاسد سرمایه داری، نقش بزرگ و حساسی را ایفا می کنند که در مجتمع اسلامی، هرگز از مفاسد تورم ثروت و تمرکز سرمایه

نباید بیم داشت.

## آیا حقوق واجب مالی در اسلام، از قبیل خمس و زکوه، نیاز نیازمندان را تأمین میکند؟

### پرسش

آیا حقوق واجب مالی در اسلام، از قبیل خمس و زکوه، نیاز نیازمندان را تأمین میکند؟

### پاسخ

بلی، در صورت عمل به این قوانین ریشه فقر در جامعه خشکیده میشود. محمد بن مسلم، یکی از اصحاب عالیقدر امام ششم، از آن حضرت نقل میکند که فرمودند «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَالِكَ لَا يَسْعُهُمْ لَزَادَهُمْ، إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبِيلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَكِنْ أُتُوا مِنْ مَنِّ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوُا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ» [خداوند عزیز و جلیل در مال ثروتمندان برای فقرا و نیازمندان مقدار حقی قرار داده است که برای آنان کفایت میکند (یعنی اگر ثروتمندان حقوق واجب الهی خود را پردازند، نیازمندان بی نیاز میشوند) و اگر آنچه را بر ثروتمندان واجب کرده است، برای رفع نیاز فقرا کافی نبود، خداوند آن را بیشتر میکرد. (یعنی اگر خمس و زکات از همه آنانی که برایشان واجب شده است گرفته شود و در مصارفش صرف شود، فقیری باقی نخواهد ماند). فقر فقرا از ناحیه نقصی در قانون الهی نیست، بلکه از ناحیه خودداری ثروتمندان از پرداخت حقوق واجب شده بر آنان است و اگر ثروتمندان حقوق واجب شده خود را پردازند، [نه تنها فقر از جامعه رخت بر میندند، بلکه] تمام مردم در آرامش زندگی خواهند کرد.] (وسایل الشیعه، جلد ۶، ابواب ما تجب فیه الزکاه، باب ۱، حدیث ۲ و «من لا یحضر الفقیه»، جلد ۲، ابواب الزکاه، باب ۱، (عله وجوب الزکاه))

اگر در جامعه فقر وجود داشته باشد، تنها فقیر

متضرر نمیگردد، بلکه کل جامعه آسیب میبیند؛ چه، فقر ریشه بسیاری از گناهان از جمله دزدی، کارهای خلاف عفت و... می باشد.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است «وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوُا زَكَةَ أَمْوَالِهِمْ، مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيراً مُحْتِاجاً وَ لَا سْتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ وَ أَنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَ لَا- اِحْتِاجُوا وَ لَا- جَاعُوا وَ لَا عَزُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْاَغْنِيَا» (وسایل الشیعه، جلد ۶، ابواب ما تجب فيه الزکاه، باب اول، روایت ششم) [اگر مردم زکات اموالشان را پرداخت میکردند، حتی یک مسلمان فقیر و محتاج پیدا نمیشد و فقرا با همان حقوق واجب شده [بر اغنیا] بینا می شدند. مردم به واسطه گناه ثروتمندان ( ندادن حقوق واجب مالی ) محتاج، فقیر، گرسنه و برهنه هستند.]

## با توجه به سفارش اسلام که از منابع طبیعی و معادن و نفت کشور اسلام باید به اندازه نیاز مردم برداشت شود

### پرسش

با توجه به سفارش اسلام که از منابع طبیعی و معادن و نفت کشور اسلام باید به اندازه نیاز مردم برداشت شود

### پاسخ

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول چهل و هشتم،

پنجاهم و پنجاه و دوم این مطلب ذکر شده که دولتمردان وظیفه دارند بر

اساس آن عمل نمایند، و مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اساس

آیات و روایات اسلامی طراحی شده است؛ مثلاً در اصل پنجاهم آمده: ((در

جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد

باید در آن زندگی اجتماعی رو به رشدی داشته باشند. وظیفه عمومی تلقی

می گردد.)) و در اصول دیگر چنین آمده: ((در بهره برداری از منابع طبیعی و

استفاده از درآمدهای ملی باید به فراخور نیازها و استعداد رشد خود

برداشت شود)) و در اصل دیگر آمده ((دیوان محاسبات کشور که زیر نظر

مجلس شورای اسلامی می باشد بر کلیه دریافت ها و درآمدهای دولت در

خزانه داری کل متمرکز می شود و به همه پرداخت ها و حدود اعتبارات

مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.))

## مالکیت در اسلام

### آیا مالکیت امری فطری است؟

#### پرسش

آیا مالکیت امری فطری است؟

#### پاسخ

موجوداتی که روی کره زمین دیده می شوند - اعم از نبات، حیوان، انسان - عموماً در جنبش و فعالیت و کوششند و هر یک از آنها در خارج از دایره وجود خویش، میکوشند که برای حفظ و بقاء خود، آنچه نافع و مورد استفاده است، بدست آورند. در جهان پهناور هستی، موجود غیر فعال، و آفریده ای ساکت دیده نمی شود، و در میان این همه تلاشها، فعالیتی که بمنظور جلب منافع نباشد، وجود ندارد. فعالیتهایی که در انواع مختلف نباتات مشهود است، برای آنست که خود را از مخاطرات حفظ کنند و راه رشد و ترقی را بیمایند و تولید مثل نمایند، همچنین تلاشهای اقسام حیوانات و انسان، باین منظور انجام می گیرد که منفعی به خود جلب کنند، اگرچه آن منافع خیالی یا عقلی باشد، و این مطلب قابل تردید نیست. ملاک تلاشها و کشمکشها موجودات فعال، به غریزه طبیعی و حیوان و انسان به نیروی فهم غریزی خود، میفهمند که تصرف در مواد موجود، برای رفع حوائج طبیعی و انتفاع در حفظ وجود و بقاء میسر نیست مگر آنکه به یکی آنها اختصاص داشته باشد، و دیگران در آن متصرف نباشند، به این معنی که یک عمل نمی تواند، دو فاعل داشته باشد و ملاک این همه فعالیتها و کشمکشها همین است و بهمین جهت انسان، و سایر موجودات فعالی که ملاک فعالیتشان بر ما معلوم است، از مداخله و تصرف دیگران، در آنچه



مورد نظر آنها است، جلوگیری می کنند، و این اصل مسلم و غیر قابل تردید اختصاص و مالکیت است، که هیچ انسانی در آن تردید نمی کند، و همین است معنای: لام اختصاص که به زبان عربی می گوئیم: هذا لی، هذا لک، لی ان افعل کذا، لک ان تفعل کذا. شاهد صحت این اصل مسلم، نزاعی است که در حیوانات دیده می شود، آنها برای حفظخانه و آشیانه خود با دشمنان میجنگند و برای از دست ندادن غذا و صید خود، مبارزه می کنند، و اگر خطری متوجه همسر یا فرزند آنها شد، قدم در میدان نزاع می گذارند. (۱) شاهد دیگر، مشاجره اطفال و خردسالان برای حفظ غذا و سایر متصرفات خود است، حتی دیده می شود که بچه شیرخواری بر سر پستان با شیر خوار دیگر نزاع می کند. آیا مالکیت فطری است؟ انسان به حکم فطرت و غریزه خود، قدم ب جامعه می گذارد و زندگی اجتماعی را آغازمینماید، ولی اساس زندگی اجتماعی انسان که زائیده نیروی فطرت است، جز با همان نیرو پایداری و برقرار نمی گردد، و تنها کاری که جامعه می تواند انجام دهد اصلاح همان اصول فطری و تنظیم آن بصورت نوامیس اجتماعی است. روی همین جهت، اصل مزبور (اختصاص و مالکیت) که بطور اجمال فطری او بوده، انواع مختلفی پیدا می کند و به نامهای گوناگونی خوانده می شود، اموال اختصاصی بنام ملک، مختصات غیر مالی، بنام حق،

خوانده می شود. اگرچه ممکن است مردم در تحقق ملکیت, از جهت اسباب آن اختلاف نظر و عقیده داشته باشند, مثلا وراثت, خرید و فروش, غصب و غیر آنرا سبب تحقق ملکیت بشناسند, یا شناسند و همچنین از جهت موضوع, یعنی در شخص مالک ممکن است اختلافاتی بکنند که مالک باید بالغ یا صغیر, عاقل یا سفیه, فرد یا جامعه باشد و بواسطه اختلاف نظر, بعضی را مالک بشناسد و برخی را نه, ولی اصل مالکیت فی الجمله از اموری است که بشر ناچار باید آنرا بپذیرد. و بهمین جهت است می بینیم که فرد بدوی شخصاً تولید کرده یا ساخته است. لوی برول می نویسد: این اموال جزو وجوه فرد بدوی است و هرگز از او جدا نمی شود, مثلاً- تصور بطوری که, تورنوال نتیجه مشاهدات خود را, بین بومیان گینه جدید شرح می دهد, فرد بدوی با اموال خود و آن چیزی که در نتیجه کار شخصی بدست آورده است, بستگی گسست ناپذیری دارد بطوریکه این اموال نه تنها جزء متعلقات خصوصی, بلکه جزء شخصیت فردی محسوب می شود, بعبارت دیگر: فرد بدوی با داشتن این اموال شخصیت خود را بالا برده است. مکتبهای مخالفین مالکیت, مانند مکتب کمونیسم, ملک را از فرد می گیرند و به اجتماع یا به دولت انتقال می دهند و در عین حال, نمی توانند ریشه مالکیت افراد را کاملاً قطع کنند و هرگز قادر بر این امر نخواهند شد. بنابر این اصل مالکیت فطری انسان است

، و فناء فطرت ، فناء انسان است .

## آیا دیدگاه کسانی که می گویند برای رفع فساد و ایجاد قسط و برابری، باید مالکیت خصوصی لغو شود صحیح است؟

### پرسش

آیا دیدگاه کسانی که می گویند برای رفع فساد و ایجاد قسط و برابری، باید مالکیت خصوصی لغو شود صحیح است؟

### پاسخ

خیر زیرا اولاً نظام مالکیت و اختصاص، ریشه فطری دارد و بشر فطرتاً به آن توجه دارد و مانند سایر غرایز، وجود آن و اشباع آن تحت نظم منطقی و عقلانی لازم است و فوائد بزرگ دارد و باید از آن مانند سائر فطریات و خواسته های فطری و غرائز استفاده کرد و ندیده گرفتن آن، مثل ندیده گرفتن غریزه جنسی و غرائز دیگر است.

چنانکه غریزه جنسی موجب تولید نسل است، این غریزه هم در تولید، مواد مورد نیاز و رفع احتیاجات بشر مؤثر است. و در حقیقت از قوه تولید حمایت می کند و پشتیبان آن است و آن را هر چه بیشتر به کار می اندازد و تنبلی و تن پروری را از شخص دور می سازد و به خصوص اگر خدای نخواستہ بشر وجدان نداشته باشد و به معنویت و فضیلت ایمان نیاورده باشد و همه چیز و همه کارش اقتصاد و برای اقتصاد باشد و همه چیز را به ظاهر وضع اقتصادی و تحول آن بداند و تحولات را ناشی از آن بشمارد، اگر این غریزه اختصاص و مالکیت هم نباشد، چرا کار کند؟ و چرا بهتر کار را انجام دهد؟ هیچ دلیل معقولی ندارد.

لذا اصل مالکیت را با همان قیود و حدود و شرایطی که اسلام برقرار کرده که نظامات فرهنگی و اخلاقی و تربیتی نیز در تعدیل و حسن استفاده از آن، سهم عمده و مؤثر را داشته باشد، باید پذیرفت.

ثانیاً: آن چیزی که موجب به وجود آمدن

نظام طبقاتی و فاصله های زیاد است، آزادی نامحدودی است که در کشورهای سرمایه داری به سرمایه داران داده شده است که امکانات تراکم ثروت را در آنها بطور نامحدود فراهم کرده و قانون و حکومت و مردم، هیچگونه نظارتی بر آن ندارند. در نتیجه سرمایه داران بر همه اوضاع سیاست، حکومت، اقتصاد، فرهنگ، مطبوعات و تبلیغات مسلط هستند و این سرمایه داران و کارتل ها و کارخانه دارها هستند که سیاست کشورهای سرمایه داری و کشورهای تحت نفوذ آنها را در اختیار گرفته اند و از رحم و وجدان و احترام به معنویات، در آنها خبری نیست.

ثالثاً: تفاضل و اختلاف، از نوامیس خلقت است که باید از آن استفاده شود و با یک نظام صحیح، از همه جانب کنترل گردد، شاید شما دو نفر را پیدا نکنید که در مجموع خصائص و استعدادها و مواهب و نیروی ذاتی، نتیجه و بازده عمل آنها یکسان باشد. این ناموسی از نوامیس خلقت است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، این یک واقعیت و حقیقت است.

## لازمه مالکیت چیست؟

### پرسش

لازمه مالکیت چیست؟

### پاسخ

این است که مالک حق هر گونه تصرفی را در مملوک خودش دارد. یعنی طبیعت مالکیت، هر گونه تصرفی را اقتضا می کند. البته قانون می تواند از بعضی تصرفات منع کند و ما در اسلام چنین چیزی داریم که در مواردی، از تصرفاتی که به نظر می رسد طبیعی است که مالک در مال خودش بکند جلوگیری می کند. ریشه این منع تصرف این است که در اسلام مالکیت دیگری مقدم بر مالکیت فرد اعتبار می شود و آن مالکیت خداست و در بعضی تعبیرات، مالکیت عموم است که مالکیت فرد در درجه بعد قرار می گیرد. پس در مواردی مانعی ندارد که به خاطر حقی که عموم دارند، جلو تصرف مالکیت فرد گرفته شود.

بنابراین مالک مادامی که مالک است، حق هر گونه انتفاع و بهره برداری و تصرف و نقل و انتقال را دارد. حتی طبیعت مالکیت اقتضا می کند که حق اسراف و تبذیر و اعدامش را هم دارد که اینها جزء همان مواردی است که به دلیل مالکیت خدا یا مالکیت عموم جلوگیری می شود.

## دیدگاه اسلام در مورد مالکیت زمین چیست؟

### پرسش

دیدگاه اسلام در مورد مالکیت زمین چیست؟

### پاسخ

۱. زمین یا به نحوی است که مردم و مالکین اولیه آن بدون جنگ مسلمان شده اند؛ در این صورت ملک شخصی آنهاست و معامله مالکیت با آن می شود؛ و یا آنکه سرزمین عنوة فتح می شود؛ در این صورت زمین به عموم مسلمین تعلق میگیرد، ولی به شرطی که آن زمین محیاه و در حقیقت مملوک کفار باشد. اینچنین سرزمینی بر خلاف سایر مملوکات کفار که به غنیمت برده می شود و تقسیم می شود، تقسیم نمی گردد و به عموم مسلمین، از آن جمله خود مالکان اولیه - اگر اسلام اختیار کنند - تعلق می گیرد. و اما اگر سرزمین فتح شده موات باشد، طبق فقه شیعه به امام تعلق می ... [۱] و صد در صد به نظر حکومت عادلانه حقه واگذار می شود.

اگر احیا کننده مالک مطلق بشود و خراج نپردازد و مشروط به مادام الاحیاء نیز نباشد، اثر اختیار امام فقط این است که اول به اجازه او باید داده شود و نظارت او برای همیشه ساقط می شود و زمین میان مالکان مستقل از نظر امام دست به دست می شود. اگر مادام الاحیاء را شرط کنیم اثر دیگر اختیار امام این است که هر وقت زمین بائر باشد دو مرتبه باید با نظر امام به افراد تفویض شود و اجازه احیاء داده شود. ولی اگر امام حق داشته باشد که خراج بگیرد باید گفت برای همیشه زمین در اختیار امام باقی می ماند و هر چند مُحیی مالک می شود و نظیر مزارع نیست و حق خرید و فروش دارد، اما حقی هم

از امام برای همیشه بر زمین هست که به موجب آن خراج می گیرد. و اگر حق خرید و فروش هم سلب شود، عملاً سلب مالکیت از مُحیی شده و او فقط اولویت بهره‌برداری دارد و فرقی میان اراضی مفتوحه عنوه و اراضی موات که جزء انفال است باقی نمی ماند.

۲. زمینهایی که صاحبان آنها با صلح، اسلام اختیار کرده اند، مانند سرزمین مدینه، به مالکین اصلی تعلق دارد و از این جهت فرقی میان زمین و غیر زمین نیست؛ و کانه این امتیازی است که به اینها داده شده است؛ ولی البته اینها نیز مادام الاحیاء مالکند؛ به صرف اینکه خرابه شد از ملکیت آنها خارج می شود و ملک امام می شود. پس هر زمین که یک بار به حالت موات درآمد، از مالکیت شخصی علی الاطلاق خارج می شود و دو مرتبه مملوک علی الاطلاق نمی شود، مگر آنکه بگوییم معنی «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ» مالکیت علی الاطلاق است.

۳. زمینهایی که معموره است و اهلش جلاء وطن میکنند، بدون آنکه لشگرکشی صورت گرفته باشد، یا صاحبان آنها بالطوع و الرغبة به مسلمین تسلیم می کنند، اینها «فئی» نامیده می شود و جزء انفال است و مانند اراضی موات به امام تعلق دارد؛ یعنی این زمینها نه نظیر غنائم است که میان افراد تقسیم شود و نه نظیر اراضی مفتوحه عنوه است که به عموم مسلمین تعلق گیرد، بلکه نظیر اراضی اولیه است که مستقیماً تحت نظر ولی امر است.

پس سه قسم زمین داریم: زمینهایی که مالک شخصی دارد و نه عموم و نه ولی امر حقی و نظری در آنها

ندارند. دیگر زمینهایی که به عموم مسلمین تعلق می گیرد و ولی امر متصدی خراج و مقاسمه و احیاناً تنظیم واگذاری آن زمینهاست. این زمینها نظیر اماکن عمومی از مسجد و غیره می باشند که هر کس تقدم پیدا کرد به او تعلق می گیرد. سوم زمینهایی که نه به افراد تعلق دارد و نه به عموم مسلمین، بلکه به ولی امر تعلق دارد. قهراً ولی امر در این گونه زمینها اختیار بیشتری دارد.

## در اسلام مالکیت مشروع را با چه معیاری می سنجند؟ می بینیم که هر کس مالکیت خود را مشروع می داند؟

### پرسش

در اسلام مالکیت مشروع را با چه معیاری می سنجند؟ می بینیم که هر کس مالکیت خود را مشروع می داند؟

### پاسخ

اسلام از سویی برای مالکیت فردی اسبابی مقزّر کرده است، مانند: بیع، اجاره، هبه، صلح، مزارعه، مساقات و... و از سوی دیگر با تشریح احکامی مانند: وجوب خمس و زکات و تحریم ربا و احتکار مالکیت را محدود کرده است. اجرای این برنامه در جامعه باعث تعدیل ثروت و از میان رفتن اختلافات عظیم طبقاتی خواهد شد. اگر ناهماهنگی در نظام اقتصادی دیده شود، حاکم اسلامی (فقیه عادل) که دارای ولایت است از دارایی ثروتمندان برای رفع نیازهای جامعه و جلوگیری از تراکم ثروت استفاده می کند.

## آیا مالکیت خصوصی مورد تائید اسلام است؟

### پرسش

آیا مالکیت خصوصی مورد تاءید اسلام است؟

### پاسخ

اسلام در مکتب اقتصادی خود گونه های مختلفی از مالکیت، شخصی، دولتی و عمومی را پذیرفته و برای هر یک اصالت قائل شده است و اسلام در این باره با سرمایه داری و سوسیالیسم در نوع مالکیتی که پذیرفته تفاوت اساسی دارد.

سرمایه داری به عنوان یک قاعده عمومی فقط به - مالکیت شخصی - اعتقاد دارد و مالکیت عمومی را تنها در شرایط خاصی که ضرورت های اجتماعی اقتضاء کند می پذیرد، نقطه مقابل سرمایه داری سوسیالیسم است که قاعده عمومی را مالکیت اشتراکی می داند و مالکیت شخصی را جز به صورت استثنا و در موارد نادر می پذیرد.

در این میان مکتب اقتصادی اسلام یک امر التقاطی از این دو نوع مکتب اقتصادی - سرمایه داری و سوسیالیستی - نیست؛ سرمایه داری مالکیت خصوصی را نتیجه قهری و حق طبیعی انسان مداری می شمارد. اما اسلام مالکیت خصوصی را موهبتی از سوی خدای سبحان که مالک همه چیز است می داند؛ اسلام در مالکیت دولتی نیز همین بینش را دارد، در حالی که

سوسیالیسم براساس اعتقاد به اصالت جامعه در مقابل فرد مالکیت دولت را به عنوان نماینده جامعه می پذیرد ولی در اسلام آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی یکی از مبانی اقتصادی اسلام است . هر فرد از دیدگاه اسلام می تواند در انواع فعالیت های اقتصادی برای رسیدن بشر به سعادت و کمال است و این نیز محدود به حدود الهی است . با توجه به تعریف فوق در اسلام :

اولاً " مالکیت خصوصی در اسلام امضا شده و مورد تأیید است



ثانیا"، توسعه و گسترش اموال به دو صورت است: یک وقت هدف از ازدیاد ثروت حفظ آبرو، خدمت به دیگران و انجام نیکی هاست؛ چنین توسعه ای هرگز مذمت نشده، بلکه مورد تشویق قرار گرفته است؛ ولی اگر هدف حرص، لذت پرستی، جاه و شهوت و... باشد، چنین توسعه و ازدیاد ثروتی از نظر اسلام و خردمندان مورد مذمت و توبیخ است. حضرت علی (ع) می فرماید: ((یتنافسون فی دنیا دنیه و یتکالبون علی جیفه مریحه؛ در به دست آوردن دنیای پست از هم سبقت می گیرند و بر سر مردار متعفن با هم به نزاع می پردازند))، (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱).

ثالثاً، همچنان که در اسلام به رشد و تکامل معنوی توجه شده، به گسترش زمینه های اقتصادی نیز تأکید شده است؛ چون معنویت و مادیت با یکدیگر عجین شده اند. فرهنگ و معنویت یک جامعه، می تواند زمینه آ رفاه و رشد اقتصادی آن را فراهم کند؛ همچنان که رشد و رفاه اقتصادی، می تواند زمینه ساز تعالی فرهنگ و معنویت باشد. باید توجه داشت که اسلام در نهایت رشد اقتصادی را وسیله اشکوفایی استعداد و شخصیت معنوی انسان می داند. امیرمؤمنان (ع) که در نهج البلاغه آن همه از دنیا مذمت فرموده اند، عائدات املاکش در سال به چهل هزار دینار می رسید؛ ولی همه آ این ثروت را وقف نیازمندان و فقرا می کرد (انساب الاشراف ((بلاذری))، ص ۲۹). رابعاً، دقت در نکات گذشته، این حقیقت را به اثبات می رساند که گرچه

ارکان سعادت و کمال انسان در مسائل اقتصادی خلاصه نمی شود ولی بدون شک یکی از پایه های سعادت انسان، رشد و رفاه اقتصادی است. به تعبیر برخی دانشمندان ((پول خوشبختی نمی آورد ولی بی پولی بدبختی می آورد)). داشتن ثروت برای سعادت شرط کافی نیست ولی شرط لازم است. افزون بر بعد اقتصادی، انسان نیازمند اخلاق، علم، هنر، تعهد مذهبی و... نیز می باشد و از آن جا که اسلام به سعادت و کمال انسان می اندیشد، نمی تواند به بعد اقتصادی بی اعتنا باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- اقتصاد ما، ج ۱ و ۲، شهید آیت الله صدر

۲- اقتصاد، شهید آیت الله دکتر بهشتی

۳- مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی، ج ۱ - ۳، آیت الله مظاهری

۴- خلاصه کتاب اقتصادنا، غلامرضا مصباحی

۵- مکتب و نظام اقتصادی در اسلام، مهدی هادوی تهرانی

۶- مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نشر سمت

۷- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نشر سمت

## دولت و اقتصاد اسلامی

**فسادهای اقتصادی که در جامعه ما وجود دارد، ناشی از چیست؟ آیا عدم رعایت امانت نقش عمده ای در فساد اقتصادی ندارد؟ لطفاً درباره عوامل شکل گیری فساد اقتصادی توضیح دهید.**

### پرسش

فسادهای اقتصادی که در جامعه ما وجود دارد، ناشی از چیست؟ آیا عدم رعایت امانت نقش عمده ای در فساد اقتصادی ندارد؟ لطفاً درباره عوامل شکل گیری فساد اقتصادی توضیح دهید.

### پاسخ

بی تردید رعایت امانت نقش اساسی در فساد اقتصادی دارد، ولی عدم رعایت امانت تنها علت فساد اقتصادی نیست و عوامل متعددی در شکل گیری فساد اقتصادی تأثیرگذار هستند.

۱ - جدایی از آموزه های مذهبی

یکی از عوامل مهم مفسد اقتصادی فاصله گیری از معارف دین است. در آموزه های دینی به امانت داری و جلوگیری از

احتکار و درآمدهای غیر مشروع و... سفارش شده است. اگر دستورهای اسلام در خصوص با ناهنجاری های اقتصادی رعایت شود، فساد اقتصادی به وجود نمی آید.

## ۲ - سیاست های نامتعادل

یکی از عوامل مهم شکل گیری مفساد اقتصادی، سیاست های غیر معقول و منطقی است.

اتخاذ برخی از سیاست های زمینه ناهنجاری های اقتصادی را فراهم می کند، از این رو در اسلام با برخی از سیاست های اقتصادی مبارزه شده است، از سوی دیگر به فقر زدایی، و مبارزه با ثروت اندوزی و ربا و... توصیه شده است.

## ۳ - عدم مبارزه با مفساد

یکی از عوامل مهم شکل گیری فساد اقتصادی، عدم مبارزه قاطعانه با مفساد اقتصادی و رانت خواری است، برخورد قاطع با رانت خوران و سودجویان مهم ترین راهکار جلوگیری از مفساد اقتصادی است. و رانت خواری است. برخورد قاطع با رانت خواران و سودجویان مهم ترین راهکار جلوگیری از مفساد اقتصادی است. در آموزه های دینی سفارش شده است که با رانت خواران و درآمدهای غیر مشروع برخورد قاطعانه صورت گیرد تا امنیت اقتصادی به وجود آید و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

## ۴ - عدم رعایت عدالت

یکی از عوامل مهم شکل گیری فساد اقتصادی، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی است. اگر جامعه ای در عدالت اجتماعی رعایت نشود، ناهنجارهای اقتصادی حاکم می شود، از این رو امام علی(ع) هم خود به عدالت اجتماعی اهمیت می دهد و هم مدیران خویش را به رعایت عدالت اقتصادی فرا خوانده است.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - نهج البلاغه، نامه ۵۳.

## دیدگاه فقها در مورد مالکیت دولت چیست؟

### پرسش

دیدگاه فقها در مورد مالکیت دولت چیست؟

### پاسخ

در مورد مالکیت دولت، در میان فقها دو نظریه وجود دارد. یک نظریه این است که دولت هم مثل فرد می تواند مالک باشد، می تواند ثروت داشته باشد و تمام احکامی که در شخص مالک هست در مورد دولت هم می تواند وجود داشته باشد و به اصطلاح امروز دولت شخصیت حقوقی دارد. مرحوم آقای بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی و بسیاری از مراجع، عقیده شان همین است که در مالکیت هیچ فرقی نمی کند میان شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی، و شخصیت حقوقی هم می خواهد دولت باشد یا غیر دولت، اعم از اینکه دولت ظالم باشد یا ظالم نباشد، یعنی دولت ظالم مثل فرد ظالم است که کار نامشروعش باطل است ولی کار مشروعش درست است، یعنی ظالم بودن سبب نمی شود که کار مشروعش هم نامشروع باشد.

بعضی دیگر فتواشان این است که ما شخصیت حقوقی نمی شناسیم، فقط شخصیت حقیقی درست است. برخی از فقهای معاصر مثل آقای خویی و صاحب کتاب البحوث الفقهیه چنین عقیده ای دارند. اینها معتقدند که دولت صلاحیت مالکیت ندارد و حتی اگر از راه مشروع هم کاری بکند نمی تواند مالک بشود. فقط شخص حقیقی می تواند مالک باشد.

پس هر مالی که در دست دولت است، خودش مالک آن نیست و در واقع مال افراد دیگر است و چون افراد دیگر را ما نمی شناسیم، مجهول المالک است. آنوقت در سرمایه های دولتی می آیند معامله مجهول المالک می کنند که آن دیگر از این حسابها خارج است، مثل مالی است که انسان پیدا کرده باشد. ولی کسانی که

دولت را مالک می دانند، قهرآ راه حل‌های آنها با راه حل‌های کسانی که مالک نمی دانند فرق می کند. و آنچه ما ذکر می کنیم و نظر بعضی از مراجع تقلید این است که دولت صلاحیت مالکیت دارد. استدلالشان این است که شما می گوید دولت، یا هر مؤسسه عامی وجود حقیقی ندارد و چیزی که وجود حقیقی ندارد چطور می تواند مالک باشد؟ جواب این است که خود مالکیت هم وجود حقیقی ندارد و یک امر اعتباری است. یک وقت ما می خواهیم یک امر حقیقی را برای یک امر اعتباری ثابت بکنیم. دولت، وجودش وجود اعتباری است. مالکیت هم وجودش وجود اعتباری است. اینها یک سلسله اعتبارات، یعنی قراردادها و به قول روسو قراردادهای اجتماعی است که افراد بشر این قراردادها را به منزله امر واقعی فرض می کنند برای ترتیب دادن یک سلسله آثار. هدف، ترتیب دادن آن آثار است، ولی تا این امر قراردادی را اعتبار نکنند نمیتوانند آن آثار را ترتیب بدهند. مثال واضحش مسئله ریاست و مرئوسیت است در تشکیلات اداری به طور کلی.

### خصوصی سازی در یک جامعه اسلامی آیا اشکال شرعی دارد یا خیر و چه منفعت و ضرری برای نظام دارد؟

#### پرسش

خصوصی سازی در یک جامعه اسلامی آیا اشکال شرعی دارد یا خیر و چه منفعت و ضرری برای نظام دارد؟

#### پاسخ

از این که می بینیم جوانان برومند کشورمان در مسایل کلان سیاسی، اقتصادی و ... به تحقیق و تفحص و جستجو و ابراز عقیده و اظهار نظر می نمایند خدای را شاکر و سپاسگزاریم و ابتدا قبل از هر چیز به شما جوان برومند و خوش ذوق و علاقه مند تبریک می گوئیم که درباره یکی از مسایل عمده و مهم کشور سؤال کرده ای و مهم تر این که می خواهی رابطه این مسئله (خصوصی سازی) را با شرع انور بدانی. نفس این سؤال حاکی از آن است که جوانان عزیز کشور عموماً نسبت به تطابق زندگی خودشان در همه ابعاد (فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...) با دین مقدس، احساس مسئولیت و تفکیک می نمایند و این خود پاسخی است محکم به کسانی که بدون دلیل و جهت جوانان با صفای کشور را متهم به بی دینی می کنند. هر چند ممکن است تعداد اندکی از جوانان نسبت به برخی مظاهر مورد قبول عامه بی توجهی و بی اعتنائی بکنند ولی غالب جوانان و اکثریت قریب به اتفاق آنان اصل و اساس مذهب و دین مقدس اسلام را موجب نجات جامعه بشری می دانند و با خدای مهربان خویش در صلح و آشتی هستند.

اما دوست عزیز درباره سؤال شما باید عرض کنیم از دیدگاه اسلام در خصوصی سازی فی نفسه هیچ گونه اشکال شرعی وجود ندارد و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اقتصاد کشور را متشکل از بخش خصوصی، تعاونی و دولتی دانسته است. اسلام مالکیت خصوصی را کاملاً به رسمیت شناخته است

و قبول دارد و با سرمایه داری زالو صفتانه و نظام های سرمایه داری همانند غرب و نیز با نظام مارکسیستی که مالکیت خصوصی را تا جایی که با منافع و مصالح اجتماعی در تعارض و تضاد نباشد قبول دارد اما اگر در جایی مالکیت خصوصی منافع جامعه را به خطر اندازد آنرا به رسمیت نمی شناسد و سود و منفعت جمع را بر فرد ترجیح می دهد. بنابراین خصوصی سازی اگر به منافع و مصالح جمعی لطمه وارد نسازد نه تنها اشکال ندارد بلکه براساس تجارب جامعه بشری موجب رونق اقتصاد و توسعه جامعه می شود مهم این است که درست اجرا شود و در واگذاری به بخش خصوصی ظلم و بیعدالتی صورت نگیرد و نیز مواردی که مخالف مصالح عمومی جامعه است و باید در دست قدرت دولت قرار گیرد کماکان در اختیار دولت باشد تا منافع جمعی مورد تعرض قرار نگیرد. تشخیص موارد فوق امری سهل و آسان نیست و نیازمند کار دقیق کارشناسی است که مسئولان عالی رتبه کشور در هنگام تصمیم گیری به این نکات توجه دارند هر چند ممکن است برخی مخالف باشند ولی این به معنای آن نیست که تصمیم گیرندگان والا مقام و بلند مرتبه کشور به مصالح جمعی توجه نداشته اند. آنان نیز در تصمیم گیری به این مطلب توجه دارند هر چند ممکن است در تشخیص موضوع اشتباه بکنند که البته هیچ انسانی بری از خطا و اشتباه نیست. موفق و سربلند باشی

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست.

## چرا دولت تلاش قابل توجهی جهت کاهش مفاسد اقتصادی کشور، انجام نمی دهد؟

### پرسش

چرا دولت تلاش قابل توجهی جهت کاهش مفاسد اقتصادی کشور، انجام نمی دهد؟

### پاسخ

متأسفانه به رغم تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی و نیز اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاه های حکومتی، برای مقابله با این پدیده هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کماکان اقشار محروم و مستضعف جامعه، از اثرات زیان بار فساد اقتصادی رنج می برند. مسلماً بررسی ریشه ای مفاسد اقتصادی و علل ناکارآمدی اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می توان از بررسی نظرات کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که:

مفاسد و تخلفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ممکن نیست.

مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت خواری، فعالیت های اقتصادی پنهان و معلول زمینه ها و شرایط متعددی است؛ از جمله:

۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه های گسترش فعالیت های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می کند. در نتیجه حاکمان را از

مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه های جاری بی نیاز می سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می کند؛ رانت های گسترده ای فراهم می آورد؛ زمینه های رانت خواری را ترویج می کند؛ عدم پاسخ گویی را موجب می شود؛ نابرابری های عظیم در توزیع ثروت را پدید می آورد و وابستگی را تعمیق می بخشد.

۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت ها در

ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی سازی در فرایند انتقال دارایی ها به مالکان خصوصی که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو نبودن صاحب منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی ها در دستگاه های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... از عوامل مهم در شکل گیری این پدیده ی مخرب اقتصادی می باشند.

۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرفگرایی؛ بی اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی اعتنایی برخی از مسئولان و افراد نسبت به ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است.

علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کيفردهی، سوء مدیریت ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه ی ما وجود دارد، نمی توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت.

رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره ی پیامدهای وجود این پدیده ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی طرفانه، رفع بعضی از دخالت های بی جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه ای در امر جامعه پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت های بی دلیل



بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی سیاسی مطلوب و موافق با ارزش های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت شغلی که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه ی درون گرا و کوچک کردن محدوده ی دخالت های اقتصادی دولت را می دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه های مقبول میسر نخواهد شد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آسیب شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه حوزه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲.

۲. ریشه و سرآغاز مفاسد اقتصادی در یک جامعه ی اسلامی، گفتگو با صاحب نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

## وضعیت فعلی اقتصاد ایران را بیان نمایید.

### پرسش

وضعیت فعلی اقتصاد ایران را بیان نمایید.

### پاسخ (قسمت اول)

۱۱:۵۲:۰۲ AM ۱۳۸۳/۲/۲ به نقل از سایت بازتاب

رشد اقتصادی ایران: هم تراز چین، دو برابر آمریکا

صندوق بین المللی پول پیش بینی کرد، اقتصاد ایران در سال جاری، ۸ درصد رشد خواهد داشت.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از «بلومبرگ»، صندوق بین المللی پول، رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال جاری را به اندازه رشد اقتصادی چین، ارزیابی کرد که این رقم، دو برابر نرخ رشد اقتصادی آمریکا در سال جاری خواهد بود.

خبرگزاری «بلومبرگ» با اشاره به اینکه دو سوم جمعیت ۷۰ میلیونی ایران زیر ۳۰ سال سن دارند، افزود: اشتباهی ایران برای کالاهای مصرفی در حال افزایش است.

بنا بر این گزارش، ثروتمندان ایران به سمت شرکت ها و سرمایه گذاری خصوصی گرایش دارند.

«بلومبرگ» با اشاره به مساحت ایران که کوچک تر از آلاسکا است اضافه کرد: ایران با این مساحت، ۹ درصد ذخایر نفت جهانی و ۱۵ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد و از این رو، کشور ثروتمندی به شمار می آید.

شاخص سهام بورس تهران در سال ۲۰۰۳ میلادی بیش از دو برابر افزایش یافته است و ارزش بازار ۳۵۰ شرکت ثبت شده در

این بورس، در سه ماهه اول سال ۲۰۰۴ میلادی، ۷ درصد افزایش یافته، به ۳۷ میلیارد دلار رسیده است.

PM ۱۳۸۲/۵/۷ ۶:۴۷:۰۳

کارنامه نظام از منظر اقتصاد اسلامی (۱)

دکتر حسن توانایان فرد

گذشت بیش از ۲۵ سال از برقراری حکومت مسلمین ایران، فرصت خوبی است تا اقتصاد ایران را با معیارها و اهداف مورد تأکید اسلام سنجیده، درجه اهتمام مسئولان و میزان موفقیت آنان را در تحقق آرمان های اسلامی مشخص کنیم. برای

این منظور وضعیت اقتصاد ایران را در مسایل زیر بررسی می کنیم:

۱ مبارزه با فقر ۲ مبارزه با شکاف طبقاتی ۳ تحریم ربا ۴ نظام مالیاتی ویژه ۵ تخصص گرایی ۶ استقلال ۷ تولید دانش ۸ کرامت دانشمند ۹ تحقیق و توسعه ۱۰ برنامه ریزی

البته تعالیم اسلام منحصر به این موارد نیست، به امید خدا در نوشته های بعدی سایر تعالیم بررسی خواهد شد. به عنوان روش کار، بیان می شود که در هر موضوعی، نخست وضعیت موجود بررسی، سپس وضعیت مطلوب (از دید اسلام) ارائه و با وضعیت موجود مقایسه می شود.

۱ مبارزه با فقر

الف وضع موجود

متأسفانه عملکرد اقتصادی غلط در ایران سبب شده تا به رغم داشتن منابع اقتصادی بسیار غنی و نیروی انسانی بسیار فعال و با استعداد که در المپیادهای علمی، آثار آن را می توان دید فقر جولان دهد. در این مورد محققان (۱) اعلام کرده اند: در حالی که در جهان ۸۰۰ میلیون نفر در گرسنگی مطلق به سر می برند، کشور ما با داشتن تنها یک درصد از جمعیت جهان و در حالی که ۱۷ درصد کل ذخایر گاز جهان و ۹ درصد از ذخایر نفت جهان را داراست، بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱، در ردیف یکصد و پنجاه و سوم از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد (۲) که بیانگر وضعیت اسفبار اقتصادی کشور و گسترش فقر در آن است. این آمار نشان می دهد که ایران از نظر گسترش فقر و ناداری در کنار فقیرترین کشورهای آفریقایی قرار گرفته است. آن هم ایرانی که جمعیت بااستعداد و فعال و ذخایر نفت و گاز آن خیره کننده است.

آقای مهندس جهانگیری وزیر صنایع و معاون نیز

اعلام کرده است که در ایران، درآمد سرانه ۱۵۰۰ دلار است (۳). در حالی که این رقم برای کشورهای همسایه و مشابه ایران به ۱۰ هزار دلار می‌رسد. البته اگر توجه کنیم، درآمد سرانه رقمی میانگین است که از تقسیم درآمد ملی بر تعداد جمعیت حاصل می‌شود، می‌توان دریافت که با توجه به وجود شکاف طبقاتی، درآمد افراد فقیر که تعداد آنها بر اساس آمارهای رسمی دولتی بیش از ده میلیون نفر است، چقدر ناچیز می‌باشد.

در همین زمینه باید به وضعیت اسفبار کودکان فقیر اشاره کرد که در ایران یک میلیون کودک خردسال دچار سوء تغذیه هستند (۴)، میلیون‌ها کودک ایرانی فاقد امکانات تحصیلی، بهداشتی و درآمدی مناسب هستند که بعضاً مجبور می‌شوند به گدایی، اعتیاد، تن فروشی روی آورند.

در همین زمینه در همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران، گفته شد که ۶۸ درصد از شاغلان کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند و همین امر سبب پیدایش روسپی‌گری، خودکشی و گسترش فرار از خانواده، طلاق، فحشا، اعتیاد و دیگر مفاسد می‌شود. گسترش فقر سبب شده است که سالانه ۲۰ هزار نفر در ایران اقدام به خودکشی کنند؛ یعنی در هر پانزده دقیقه یک نفر (۵).

#### ب معیار اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلام به دو دلیل عمده فقر را تحمل نمی‌کند؛ اول اینکه وجود فقر متضاد با هدف دین است، زیرا بنا به فرموده حضرت رسول (ص) «كاد الفقر ان يكون كفرا» (۶) یعنی فقر به کفر منجر می‌شود. چون هدف دین، گسترش ایمان و محو کفر است، لذا اسلام نمی‌تواند فقر را بپذیرد. درستی این حدیث شریف را هر یک از ما در زندگی روزمره خویش ملاحظه کرده ایم، حتی وقتی پدر فقیر می‌شود

و نمی تواند درآمد لازم را برای خانواده بیاورد، فرزندان و همسر به او کافر می شوند اغلب اینگونه است و کلمه «کاد» در حدیث مذکور ناظر بر همین حقیقت است وقتی دولت، نتواند کار و درآمد مکفی برای مردم به وجود آورد و فقر در جامعه گسترش پیدا کند، مردم به آن دولت کافر شده، با آن مبارزه می کنند.

دلیل دوم آن است که هدف دین اسلام، گسترش مکارم اخلاق است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (۷) یعنی من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را گسترش دهم. با توجه به اثر فقر بر گسترش طلاق، از هم پاشیده شدن نهاد خانواده، گسترش فساد، فحشا، اعتیاد، خودکشی و دیگرکشی و غیره می توان دریافت که اقتصاد اسلامی، مخالف گسترش و وجود فقر به هر اندازه است، زیرا فساد اجتماعی ضد مکارم اخلاق است. پس هر اندازه فقر در جامعه وجود داشته باشد، به همان نسبت آن جامعه غیراسلامی خواهد بود.

## ۲ مبارزه با شکاف طبقاتی

### الف وضع موجود

شکاف طبقاتی یعنی فاصله درآمد اقشار آسیب پذیر با اقشار مرفه جامعه؛ به عبارت دیگر شکاف بین درآمد طبقات محروم که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، با درآمد گروه های مرفه و ثروتمند را شکاف طبقاتی می گویند. امروزه برای نشان دادن ناعادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور، از ابزار اقتصادی به نام ضریب جینی (Gini - coefficient) استفاده می شود اگر مقدار ضریب جینی برابر صفر باشد، درآمدها کاملاً برابر است و اگر برابر یک باشد، درآمدها کاملاً نابرابر است.

ضریب جینی ایران حدود ۴۵/۰ تا ۵۰/۰ است. نویسنده ای در این باره می نویسد: ضریب جینی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای در

حال توسعه بالاست (۸). طبقات پایین درآمدی، نمی توانند نیازهای بهداشتی و درمانی خود را آن طور که شایسته است، با مراکز دولتی تأمین کنند. در کنار بیمارستان های خصوصی کشور، افرادی دیده می شوند که برای درمان خویشاوندان خود، شبها را در کنار خیابان یا سالن های بیمارستان می گذرانند. در پاره ای از مناطق کشور، حتی معمولی ترین داروها یافت نمی شود، اما ثروتمندان می توانند بهترین متخصصان و امکانات درمانی را در اختیار داشته باشند. در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، کیفیت آب آشامیدنی به گونه ای است که افراد پردرآمد به خرید آب معدنی یا آب های تصفیه شده مبادرت می کنند و عموم مردم، طعم نداری را در آب آشامیدنی خود احساس می کنند.

حتی کیفیت استفاده از هوا نیز دیگر برای کم درآمدها متفاوت است. در شهر تهران، افراد پردرآمد در مناطقی زندگی می کنند که آلودگی هوا به مراتب از نقاط فقیرنشین کمتر است و برای دستیابی به نعمت هوای پاکیزه تر، روزهای تعطیل خود را در مناطق ییلاقی نزدیک شهر خود می گذرانند. آموزش نیز به عنوان یک کالای بخش عمومی کم کم خصوصی شده است. خانوارها برای اطمینان از کیفیت آموزش و شیوه برخورد با فرزندان خود به مدارس غیرانتفاعی روی می آوردند و تعداد کسانی که با استقراض، هزینه صدها هزار تومانی (و گاهی میلیونی) یک ساله فرزند خود را می پردازند، کم نیستند. ای کاش هزینه آموزش به مدارس غیرانتفاعی خلاصه می شد، زیرا کلاس های کنکور، ماجرای دیگری است که خانواده ها برای ساختن آینده ای روشن برای فرزندان شان، مجبورند گاهی تا چند میلیون تومان صرف آن کنند.

قبولی دانشگاه و تأمین هزینه آن برای آموزش فرزندان که باید کالایی عمومی باشد، خود سرآغاز مشکلات اساسی برای خانوارهای فقیر است.

بی گمان، بسیاری از خانوارهای کم درآمد باید از چنین امکاناتی چشم‌پوشند و به این ترتیب، آنان که غنی‌ترند، شانس بیشتری را برای تربیت فرزندان خود خواهند داشت و این دور تسلسل ادامه می‌یابد و کم‌درآمدها، کمتر می‌توانند شرایطی را که تا به حال با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند، تغییر دهند.

وضعیت حمل و نقل نیز همچون دیگر کالاهای یاد شده است. به سخن واضح‌تر، انتظار بر این است که افراد جامعه، حتی اگر فقیر باشند، بتوانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند و این در حالی است که کیفیت حمل و نقل شهری، آن قدر پایین است که گاهی استفاده از آن غیرممکن می‌شود. ایستادن در صف طولانی اتوبوس به عنوان یگانه وسیله ارزان قیمت شهری و ازدحام باورنکردنی مردم، دلیل ساده‌ای است که خانوارهای کم‌درآمد شهری را به استفاده از خودروهای مسافربر مجبور می‌کند. جالب آن است که در چنین شرایط، سازندگان وسایل نقلیه که به دولت تعلق دارند به جای آنکه به دنبال عرضه خودروهای ارزان قیمت باشند، ترجیح می‌دهند خودروهای بیست یا پنجاه میلیون تومانی را به بازار عرضه کنند که حتی افراد بالاترین دهک‌های درآمدی نیز به سختی و با اتکا به دارایی‌های گذشته خود، قادر به خرید آنها هستند.

گواه همه این مطالب را می‌توان در ارقامی یافت که نشان می‌دهد، هزینه واقعی (تورم زدوده) میزان مصرف پوشاک و کفش خانوارهای ایرانی طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹ بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته و در همین مدت، هزینه واقعی تحصیل و آموزش ۱۲۴ درصد، بهداشت و درمان ۴۶ درصد و حمل و نقل ۴۳ درصد افزایش پیدا کرده است. (۹) شگفت‌آور آنکه حتی

وضعیت امنیت جانی افراد کم درآمد جامعه با پردرآمدها متفاوت است. تجربه نشان می دهد که خانوارهای فقیر جامعه در مناطقی زندگی می کنند که بلایای طبیعی همچون زلزله، سیل، رانش زمین و... دیگر از سایر مناطق آنها را تهدید می کند. مهمتر آنکه آسیب پذیری ایشان از چنین تعهداتی به طور عمده از فقر و ناداری آنان در کیفیت ساخت خانه ها و امکانات زندگی ریشه می گیرد (۱۰).

## ب معیار اقتصاد اسلامی

در اقتصاد اسلام شکاف بین فقیر و غنی وجود ندارد و کلیه افراد جامعه از مواهب اقتصادی موجود در جامعه به گونه ای برابر (۱۱) استفاده می کنند. بهداشت و آموزش و تسهیلات و خدمات شهری در اختیار همگان با استاندارد برابر قرار می گیرد. به قول علامه طباطبایی (۱۲) در تفسیر المیزان، سرزمین اقتصاد اسلامی دارای دره های عمیق فقر و قله های بلند ثروتمندی نیست، بلکه یک دست است. چرا که به کمک انفاقات و صدقات از قله ثروتمندی وجوه اخذ و به دره فقر ریخته می شود تا شکاف بین فقیر و غنی از بین رود. به همین خاطر در قرآن مجید در این مورد از دو واژه «انفاق» و «صدقه» سخن رفته است، زیرا انفاق یعنی پر کردن شکاف بین فقیر و غنی و صدقه یعنی پرداخت وجوهی که شکاف طبقاتی و به دنبال آن کینه طبقاتی را از بین می برد و دوستی جمعی به وجود می آورد (۱۳).

## پاسخ (قسمت دوم)

تنها یک مرور زودگذر از آیات مربوط به انفاق در اسلام، نشان می دهد که اسلام با زراندوزی، تکاثر اموال، ثروتمندی (و نه ثروت)، سرمایه داری (و نه سرمایه) و ایجاد جامعه ای که در آن اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر هستند، به سختی مبارزه می کند و می کوشد تا پردرآمدها،



مازاد نیاز معمول خود را در راه از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه پردازند.

آیات مربوط به انفاق:

۱ سوره آل عمران آیه ۹۲: «هرگز به نیکی و خوبی نخواهید رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید (در راه محو شکاف بین فقیر و غنی خرج کنید). و هرچه انفاق کنید خدا می داند.»

شرح ثروتمندان به غلط می پندارند که با غارت و استثمار و استعمار مردم محروم می توانند برای خود کاخ و زندگی اشرافی بسازند و از زندگی لذت ببرند.

ثروت اندوزی و غارت منافع مردم، سبب می شود تا فقرا نخست از نظام سرمایه داری که سبب فقر آنها شده است ناراضی شوند و سپس به مبارزه با وضع موجود پردازند. این مبارزه اشکال مختلف دارد: با کم کاری و حتی بدکاری سعی می کنند انتقام بگیرند، با فرار از کار به بهانه های بیماری و غیره به کار دیگری مثل مسافرت می پردازند تا کمبود درآمد خود را جبران کنند، با ایجاد تخریب در ماشین آلات انتقام می گیرند، با ایجاد اعتصاب و ایجاد راه بندان، سرمایه داران را در فشار قرار می دهند تا دستمزد بیشتری بگیرند، به مبارزات مخفی و مسلحانه و حمله و گریزهای نظامی شهری و دستبرد به بانک ها و گاوصندوق کارخانجات می پردازند.

در مجموع سرمایه داران با ایجاد فقر برای کارگردان و کارمندان، امنیت زندگی خود را از دست می دهند و زندگی برای آنها خوشگوار نخواهد بود. لذا آیه شریفه می فرماید «هرگز به نیکی» مورد نظران نمی رسید، مگر اینکه شکاف بین فقر و غنا را از بین ببرید.

۲ آیه ۱۷۷ سوره بقره «نیکی آن نیست که رو به جانب شرق یا غرب (به عبادت) بایستید، نیکوکار کسی است که به خدا

و روز قیامت، به فرشتگان، کتاب خدا، و پیامبران مؤمن باشد، و دارایی خود را با آن که دوستش دارد، به خویشان، یتیمان، بینوایان، در راه ماندگان، مددخواهان و در راه آزادی انسان های غیرآزاد دهد...»

۳ آیه ۲۱۹ سوره بقره

مسلمانان که این همه تأکید قرآن را درباره خرج کردن پول در راه خدا شنیدند، از پیامبر(ص) پرسیدند، چه مقدار از دارایی خود را باید بدهند و در پاسخ آنان این آیه آمد: «... و از تو می پرسند چه انفاق کنند، بگو آنچه اضافه است...»

شرح دو آیه فوق الذکر:

قرآن مجید به صراحت تمام، اعلام می کند که نیکی به ذکر و دعا و نماز و عبادات زیاد نیست. اینها همه لازم است، ولی کافی نیست. بلکه باید به هدف انبیاء الهی توجه داشت که آمدند تا فقر و ناداری و اسارت و واماندگی را در جامعه علاج کنند و این ممکن نمی شود، مگر آنکه هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از درآمد ملی برخوردار شود و اگر نظام توزیع جامعه غلط بود مثل وقتی که اقتصاد سرمایه داری یا شبه سرمایه داری حاکم است باید برای از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه و از بین بردن شکاف طبقاتی، هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از مال و ثروتی که به علت غلط بودن نظام توزیع درآمدها در اختیار او قرار گرفته است بردارد و بقیه را در راه از بین بردن فقر و ناداری به طرق اصولی پردازد.

به همین دلیل است که قرآن مجید می فرماید: ای پیامبر(ص) از تو می پرسند چه انفاق کنند (یعنی تا چه حد از دارایی خود را برای پر کردن شکاف بین

فقیر و غنی باید پرداخت کنند) بگو آنچه مازاد بر نیاز معمول در جامعه است. شاید اوحدی مراغه ای از همین آیه استفاده کرده که می سراید:

آنچه در وجه آش و نان تو نیست بفشان و بده که آن تو نیست

نویسندگان و تصویب کنندگان قانون اساسی فعلی ایران در کتاب شناخت اسلام (۱۴) (که پیش از سال ۱۳۵۷ نوشته بودند) نیز چنین می نویسند: «دید کلی قرآن درباره دارایی و امکانات مالی اضافی که یک مسلمان از دسترنج خویش از راه حلال به دست آورده، این است که باید قسمتی از آن را برای زندگی معتدل خود و خانواده اش و بقیه را در راه خدا و رفاه خلق صرف کند. در غیر این صورت یا به گناه «اسراف و تبذیر» یعنی زیاده روی و ولخرجی در زندگی خود و خانواده اش آلوده خواهد شد، یا به گناه بس بزرگ زراندوزی «کنز» یعنی دو انحراف اقتصادی که قرآن به شدت از آن انتقاد کرده است».

باید توجه داشت که پر کردن شکاف طبقاتی به صورت بنیادی انجام می شود و نه به صورت سطحی. به این بیان که اموال ثروتمندان، باید در صندوقی ذخیره شود و از آن راه برای ایجاد کار و درآمد و یا پرداخت مستمری از کارافتادگی و رفع فقر برای کسانی که قادر به انجام هیچ گونه کار نیستند، با برنامه ریزی اصولی و علمی سرمایه گذاری شود. قرار دادن صندوق صدقات که هر کس مبلغ بسیار اندکی را در آن بریزد و با جمع آوری آنها اقدامات پرداختی سطحی، آن هم با اذیت و آزار و منت گذاری بر محرومان و در مواقعی آبروریزی آنها و گردن کج کردن ها و غیره که امروزه معمول شده، یک

نوع لوث مفهوم آیات شریفه قرآن مجید در مورد انفاقات و صدقات است.

۳ تحریم ربا

الف وضع موجود

ربا که همان بهره یا سود ثابت سرمایه است، عامل عمده وجود فقر و شکاف طبقاتی در جامعه به شمار می آید. نظام های بانکی که آلوده به ربا هستند، سبب ورشکستگی واحدهای تولیدی می شوند و از آنجا بیکاری و فقر گسترش پیدا می کند. به علاوه سبب گران شدن و ایجاد تورم نیز می شوند که این نیز به گسترش فقر و شکاف طبقاتی می انجامد.

پس از انقلاب، قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسید و امروزه بانک های ایران بر اساس این قانون، خود را اسلامی می دانند و این در حالی است که مردم آن را ربوی تشخیص می دهند، آن هم ربوی با نرخ ظالمانه که رمق تولیدکننده را می گیرد و سبب گسترش بیکاری و فقر می شود و مقامات مذهبی نیز آن را ربوی تشخیص می دهند (۱۵) و در مواردی نظر خود را نیز آشکارا اعلام می کنند، حال آنکه بانکها هر سال، روزی را به عنوان روز اسلامی شدن بانک ها جشن می گیرند. در حالی که هم خودشان و هم مشتریان آنها به غیراسلامی بودن آن اذعان دارند. آنچه در زیر می آید، پاره ای از مطالب نویسندگان در زمینه ربوی بودن نظام بانکی است:

۱ نظام بانکداری اسلامی، آنگاه که جای بانکداری رژیم پیشین را گرفت، هرگز قرار نبود در خدمت کسب سود بیشتر و وام دادن با بهره های بالا به افراد خاص باشد. اما امروزه، به یمن رها شدن بانک ها، نه تنها اهرمی در خدمت جامعه برای ممانعت از لغزش نیازمندان به دامن رباخواران نیستند، بلکه خود به الگوهایی تبدیل شده اند که رباخواران برای

توجیه عملکرد خود، آنها را مثال می آورند. امروزه شما به هر رباخواری که اعتراض کنید، می گوید: پس چرا بانک ها بهره های آنچنانی می گیرند.

در حال حاضر بانک ها سودهای قابل توجهی را در ترازنامه خود نشان می دهند که این امر، با هدف بانکداری اسلامی، ناهماهنگ است. بانکداری اسلامی باید بانک را در خدمت رفع حوایج مردم قرار دهد، بدون آنکه به این موضوع بیندیشد که در این راه، چقدر سود عایدش خواهد شد. پر واضح است که عملکرد فعلی بانک ها، اینگونه نیست. الان بانک ها به دنبال آن هستند که بحث «تسهیلات تکلیفی» را هم از بین ببرند و این یعنی آنکه همه تصمیمات، یکسره در اختیار خودشان قرار بگیرد. مشکلی که ما در بانکداری پیدا کرده ایم، بیش از آن که مشکل اجرایی باشد، مشکل دیدگاهی است. بانک ها تصور می کنند که آنها مؤسسات اقتصادی هستند، بنابراین باید به سوددهی بیشتر بیندیشند. در حالی که قانون اساسی بانکداری اسلامی را در خدمت پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه دانسته است.

نقش فعلی بانک ها در اقتصاد کشور و رفع حوایج جامعه، محدود به یک سری تسهیلات تکلیفی و سرمایه گذاری در برخی پروژه های ملی شده که در آن چارچوب ها هم با مشکلاتی روبرو هستیم محدود نمی شود. الان بانک ها اگر به مردم وام می دهند، اولاً- این وام ها در اختیار اقشار نیازمند و محروم جامعه قرار نمی گیرد، چون از طرفی سودهای آن بسیار بالاست و از طرف دیگر، بانک ها چون صرفاً به ملاحظات اقتصادی روی آورده اند، ترجیح می دهند به کسانی وام های کلان با بهره های بالا بدهند که اطمینان داشته باشند که قادر به پرداخت اصل و فرع پول هستند. در واقع خلأی که از این رهگذر

در جامعه ایجاد می شود، باعث روی آوردن اقشار نیازمند مردم به رباخواران می شود. در کجای قانون بانکداری بدون ربا، آمده است که بانک ها بیايند سهام مرغوب بورس را به وسيله کارگزاران خود شناسایی و شروع به خرید و فروش آن کنند و با پول هایی که باید صرف رفع حوايج جامعه شود، بورس بازی راه بیندازند، تا از این رهگذر سودهای هنگفت ببرند؟ کجای قانون بانکداری بدون ربا، به بانکها اجازه ایفای نقش های دلالي را داده است. الان این اوراق مشارکتی که با سودهای قابل توجه دستگاه ها منتشر می کنند، فکر می کنید این اوراق را چه کسانی می خرنند که به سرعت تمام می شود؟ بانک ها سپرده های مردم را می گیرند و شش، هفت درصد سود می دهند و در مقابل با پول های آنها اوراق مشارکت می خرنند و بیست درصد سود می برند. این معاملات کجایش در قانون بانکداری بدون ربا آمده است؟

الان یکی از این مؤسسات اعتباری، کار را به جایی رسانده که اعلام کرده، ۱۵ میلیون وام مسکن می دهد شش ساله ۱۰ میلیون سود می گیرد؛ این یعنی چه؟ یعنی بانکداری بدون ربا؟! (۱۶).

۲ از نظر تئوری بانکداری اسلامی، مشتری شریک بانک است و باید در سود و زیان به صورت مشترک سهم داشته باشد، در حالی که در نظام بانکداری فعلی، سپرده گذاران شرکای خاموشی هستند که امکان حضور در عرصه فعالیت های اقتصادی بانکی و جلسات تصمیم گیری را نیافته و هر ساله بدون توجه به سود و زیان فعالیت های اقتصادی، سود ثابت و یکسانی را دریافت می کنند.

ظرف ۲۳ سال گذشته، همیشه تورم بالاتر از ۱۱ درصد و نزدیک به ۲۰ درصد بوده (۱۷)، در حالی که سود پرداختی به مشتریان همیشه روی

۱۱ تا ۱۷ درصد ثابت بوده است. این یعنی استثمر سپرده گذاران به وسیله بانکها که در واقع یک ربای نامرئی است که بانک ها از سپرده گذاران می گیرند و یک سپرده گذار که برای مدت پنج سال پول خود را نزد بانک حبس می کند، پس از این مدت از صد تومان پولی که روز اول نزد بانک به عنوان سپرده قرار داده است، به علت نرخ تورم تنها ۵/۱۲ تومان دریافت می کند. در دیگر کشورها اگر نرخ بهره ۳ درصد باشد، نرخ تورم ۲ درصد خواهد بود، یعنی یک درصد سود واقعی نصیب سپرده گذار می شود.

همه بانک های دنیا به سپرده ها بهره روزشمار می دهند. البته این امر در قانون بانکداری کشور ما هم نوشته شده، اما تاکنون رعایت نشده است. به عبارت دیگر بانک ها موظف شده اند به سپرده های مردم بر اساس مدت زمان آن سود پرداخت کنند، ولی امروزه اگر مبلغ سپرده پنج ساله، یک روز پیش از اتمام این زمان، از بانک به وسیله سپرده گذار برداشته شود، بانک هیچ گونه سودی به وی پرداخت نمی کند و با کسر سودهای پرداخت شده قبلی، پول اولیه را با ارزش پایین تر به سپرده گذار بازمی گرداند. (این یعنی غارت مشتری و دزدی آشکار بانک از اموال سپرده گذار). به عبارت دیگر سرمایه مردم پس از مدت سپرده گذاری، به شکلی به مردم بازگردانده می شود که نه سودی به آنها داده شده و نه پولشان قدرت خرید چند سال پیش را دارد (۱۸).

### پاسخ (قسمت سوم)

۳ حجت الاسلام محمدحسین صادقی به روزنامه «کیهان» می گوید: «عده ای همان موقع که قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد، اعلام کردند که این بانکداری از نظر آنها ربوی است. ذهنیت ها از همان اوایل انقلاب شکل گرفت. مردم

در بانکداری پس از انقلاب با پیش از آن تغییر چندانی نمی دیدند و همیشه این شبهه در اذهان بود که بانکداری ما ربوی است.

بعد هم فعالیت صندوق های قرض الحسنه و شرکت های مضاربه ای آغاز شد. در جریان شرکت های مضاربه ای، کسانی که پولشان را به ربا می دادند، یعنی «رباخوار» بودند، اینگونه خودشان را توجیه می کردند که ما «مضاربه» می کنیم و مضاربه هم یکی از «عقود اسلامی» است، پس کار ما حرام نیست. بعد با این توجیه، سودهای ۷ درصد و ۱۰ درصد می گرفتند که سرانجام چون این روند، یک روند ربوی بود، کارش به نابودی کشید و معلوم شد که نه مضاربه ای در کار بوده و نه «عقد اسلامی»، بلکه هرچه بوده، ربا بوده و بس. به هر حال این فضاها، اندک اندک زمینه از بین رفتن قبح ربا را به عنوان یک فعل حرام فراهم آورد. از طرف دیگر برخی از اختلافات طلبگی که در فتوای برخی از آقایان درباره «ماهیت اسکناس» وجود داشت، به این موضوع دامن زد. به این ترتیب که عده ای از آقایان، معتقد به حرمت ربا در اسکناس و پول نبودند و برخی از معاملات را که دیگران حرام و ربا تلقی می کردند، آنها ربا نمی دانستند. این بود که اصطلاحاتی مثل «هدیه» یا «اجرت» یا امثال آن رایج شد که عملاً مفهومی جز ربا نداشت و عده ای هم خود را با این اصطلاحات توجیه کردند، اختلاف فتوا هم که بود و مهم تر از آن سیستم بانکداری که عده ای معتقد بودند ربوی است و مردم هم می گفتند، اگر ربا حرام است، پس چرا بانکها فعالیت های ربوی انجام می دهند. مجموعه این فضاها، به علاوه تنگناهایی



که در مسایل معیشتی مردم به وجود آمد، جامعه را به سوی رواج و ترویج ربا کشاند و نتیجه اش این شد که شما در حال حاضر، شاهد آن هستید و وضعیتی است که رواج ربا آن قدر زیاد شده که نمی شود آن را انکار کرد و نادیده گرفت.

امروزه دیگر نمی توان برای شرایطی که مردم از بانک ها یک میلیون تومان قرض می گیرند و یک ماهه مجبور هستند یک میلیون و دویست هزار تومان به بانک پس دهند، هیچ توجیه فقهی تراشید و یکسره باید گفت که این کارها رباست و حرام است و جنگ با خداست.»

## ب اقتصاد اسلامی

قرآن مجید ربا را به شدت حرام کرده است، لذا در اقتصاد اسلامی هر نوع ربا تحت هر نام از بین خواهد رفت.

قرآن مجید در آیات زیر ربا را حرام اعلام کرده است:

۱ سوره بقره آیه ۲۷۵: کسانی که ربا می خورند، سر پا نمی مانند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان جن زده (صرعی) شده اند. این به خاطر آن است که گفتند، داد و ستد هم مانند ربا است، در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (پیش از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می شود و اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش اند و همیشه در آن می مانند.

آنچه از این آیات می فهمیم:

این آیه شریفه سخن از جمع دارد و نه فرد و همچنین از ربای بازاری سخن می گوید. بنابراین می توان گفت، اقتصاد

جامعه و ملتی که به ربا آلوده باشند، سرپا نمی ایستد، مگر مانند فرد مصروع که از راه منحرف می شود و گاهی بر زمین می خورد و گاهی سرپا می ایستد. چرا که در این نوع جامعه، دادوستد را با سود و یا با ارزش اضافی همانند ربا آلوده ساخته اند و این دو را یکی می دانند، در حالی که خداوند بیع را که آلوده به ارزش اضافی نیست، حلال اعلام کرده و ارزش اضافی چسبیده به داد و ستد را حرام، پس کسی که دست از رباخواری بردارد، به آرامش دست می یابد و در نزد خدا آمرزیده می شود و گذشته اش به او زیان نخواهد رساند، ولی کسانی که رباخواری را ادامه دهند، در ناآرامی و آتش جاودان خواهند بود.

قانون اقتصادی: در جامعه ای که اقتصاد آن به ربا آلوده باشد مثل نظام سرمایه داری و شبه سرمایه داری یک قانون به نام قانون نوسانات تجاری، به وجود می آید. بر اساس این قانون، اقتصاد جامعه همانند آدم های صرعی بی ثبات است. گاهی سرپاست (دوره رونق اقتصادی) و گاهی به زمین می خورد (دوره رکود اقتصادی) بین دوره رونق و رکود، دوره بحران و بهبود قرار دارد.

صاحب تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور، مطالبی به شرح زیر دارد (۱۹): «... رباخواری سبب می شود که رباخوار ثروتمند شود و ربا دهنده فقیر و لذا می توان گفت که ربا، توازن و تعادل اجتماع را به هم می زند و نظمی را که بر راه راست انسانی و روش فطری حکومت قرار دارد، از بین می برد و این همان خبطی است که رباخوار بدان مبتلا می شود، زیرا رباخواری موجب این می شود که نظام داد و ستد

و معاوضه در نظر او مختل شود و دیگر میان خرید و فروش عادی و رباخواری فرق نگذارد و اگر او را به ترک رباخواری دعوت کنند، بگوید: بیع هم مثل رباست و مزیتی بر آن ندارد تا دست از ربا برداریم و بیع کنیم.

۲ سوره بقره آیه ۲۷۶: ترجمه: «خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد.»

آنچه از این آیه می فهمیم:

در این آیه کریمه ربا در مقابل صدقه و «یَمْحَق» در مقابل «یُرَبِّی» قرار داده شده است. خداوند می فرماید: «ربا» که در ظاهر سبب افزایش ثروت است، در واقع باعث کاهش و نابودی ثروت می شود و صدقه دادن که در ظاهر امر کاهش در ثروت را سبب می شود در واقع باعث افزایش ثروت خواهد شد. توجه شود که خداوند برای صدقه دادن، واژه «یربِّی» را که از همان کلمه «ربا» است را به کار می برد. بنابراین اضافه شدن از طریق صدقه ممدوح است در حالی که همین ارزش اضافی از طریق «ربا» مذموم است. علت آن است که صدقه سبب استقرار عدالت اجتماعی می شود و لذا دوستی اجتماعی را گسترش می دهد در حالی که ربا سبب گسترش اقتصاد ظالمانه می شود و به دشمنی طبقاتی و اجتماعی منجر خواهد شد (۲۰) و این دشمنی به جنگ فقرا علیه سرمایه داران منتهی می شود که خواه، ناخواه ثروت رباخواران نابود خواهد شد، در حالی که دوستی طبقاتی و صلح و توسعه، سبب رشد ثروت خواهد شد.

۳ سوره بقره آیه ۲۷۸ و ۲۷۹: ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای خدا ورزید و آنچه از ربا مانده، واگذارید. اگر مؤمن

هستید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود)، نه ستم می کنیم و نه بر شما ستم وارد می شود.

آنچه از این دو آیه شریفه می فهمیم:

کسانی مؤمن هستند که ربا را از فعالیت های اقتصادی حذف کنند و اگر به نام اسلام، نظام بانکداری ربوی برقرار شود، برقرارکنندگان نه مؤمن هستند و نه کافر، بلکه منافق هستند. به علاوه تقوا داشتن یعنی حفظ سامان ها و از جمله سامان دادن درست و حفظ آن در صحنه اقتصاد، وابسته به حذف ربا از بانک و بازار است.

و اگر چنین نشد و اخذ ربا به هر شکل و تحت هر نام ادامه پیدا کرد، گویی نظام یا فرد رباگیرنده به خدا و رسول خدا «اعلان جنگ» داده اند و مسلم است که بازنده در جنگ با خدا و رسول، رباگیران هستند. به عبارت دیگر قوانین فطری طبیعت، نظام هایی را که آلوده به ربا هستند، محکوم به شکست در فعالیت های اقتصادی کرده است.

امروزه ملاحظه می شود در نظام های اقتصاد سرمایه داری و شبه سرمایه داری دنیا، رکود اقتصادی و نوسانات اقتصادی و شکاف طبقاتی و گسترش فقر، سبب ناکامی این اقتصادها شده است (۲۱) و اینان راهی ندارند، جز کمک گرفتن از غارت منابع و منافع کشورهای دیگر که این امر به جنگ های جهانی و منطقه ای منجر می شود که در قرن بیستم، جنگ اول و دوم جهانی، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ لبنان و در قرن بیست و یکم آن هم در آغاز آن، ناپره جنگ جهانی به چشم می خورد. یعنی اقتصاد سرمایه داری جز خون و آتش و مصیبت برای ملل

دنیا چیزی به ارمغان نیاورده است.

در اقتصاد اسلامی با محور ربا، کلیه این بلایای اقتصادی از بین خواهد رفت و دیگر از فقر، تورم، بیکاری، نوسانات اقتصادی و غیره خبری نخواهد بود. چرا که محور واقعی ربا در جامعه، به ایجاد یک نظام اقتصادی منجر می شود که عدل در آن مشخصه اساسی است و این عدل مانع بروز فقر و تورم و دیگر بلایای اقتصاد سرمایه داری می شود.

پی نوشت:

۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲/۸/۸۲ به نقل از دکتر گوئل کهن، استاد علوم ارتباطات  
[www.shahrvand.com/backissues/633press.htm](http://www.shahrvand.com/backissues/633press.htm)

۲ منبع قبلی

۳ منبع قبلی

۴ منبع قبلی

۵ <http://alkhoei.org.uk/lectures.htm>

۶ وسایل الشیعه: ج ۱۵، ص ۳۶۵-۳۶۶، ب ۵۵، ح ۲۰۷۵۷.

۷ بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۸ منبع قبلی

۹ منبع قبلی

۱۰ <http://www.iran-emrooz.de/archiv/nakhjavani/1381/nakhjavani10818.html>

۱۱ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی. چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۱۲ منبع قبلی

۱۳ منبع قبلی

۱۴ سیدمحمد حسینی بهشتی، محمد جواد باهنر، علی گلزاده (غفوری)، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپخانه سپهر، صفحه ۵۰۹.

۱۵ به سخنرانی آیت الله مصباح یزدی در نماز جمعه ۱۳/۴/۸۲ در این مورد که جمهوری اسلامی را از رباخوارترین نظام های جهان یاد کردند، مراجعه شود.

www.kayhannews.com/۸۱۰۹۱۹/other۵.ht ۱۶

۱۷ دقت شود این مباحث در جامعه ای فرضی صادق است که در آن اقتصاد اسلامی به گونه ای صد در صد به اجرا درآمده است و ربا کلا وجود ندارد و مالیات های سنگین وجود ندارد و قیمت عدل مستقر است و نه قیمت بازار و لذا تورم وجود نخواهد داشت که نرخ بهره را با نرخ تورم خنثی کنند.

www.refahweekly.com/society/rrleerpn.htm ۱۸

۱۹ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از

نظر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۲۰ به منظور مطالعه بیشتر در این زمینه، به کتاب حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: موسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ مبحث ربا در قرآن، به صفحات ۲۳ الی ۱۵۰ مراجعه شود.

۲۱ حمله عراق جهت غارت منابع نفت آن کشور برای حل مشکل رکود در آمریکا، نشانه همین ناکامی هاست.

## کارنامه نظام جمهوری اسلامی از منظر اقتصاد اسلامی را تبیین نمایید

پرسش

کارنامه نظام جمهوری اسلامی از منظر اقتصاد اسلامی را تبیین نمایید

پاسخ (قسمت اول)

کارنامه نظام از منظر اقتصاد اسلامی

نویسنده: دکتر حسن توانایان فرد

منبع: سایت بازتاب ۷/۵/۱۳۸۲ به نقل از سایت باشگاه اندیشه

گذشت بیش از ۲۵ سال از برقراری حکومت مسلمین ایران، فرصت خوبی است تا اقتصاد ایران را با معیارها و اهداف مورد تأکید اسلام سنجیده، درجه اهتمام مسؤولان و میزان موفقیت آنان را در تحقق آرمان های اسلامی مشخص کنیم. برای این منظور وضعیت اقتصاد ایران را در مسایل زیر بررسی می کنیم:

۱ مبارزه با فقر ۲ مبارزه با شکاف طبقاتی ۳ تحریم ربا ۴ نظام مالیاتی ویژه ۵ تخصیص گرایی ۶ استقلال ۷ تولید دانش ۸ کرامت دانشمند ۹ تحقیق و توسعه ۱۰ برنامه ریزی

البته تعالیم اسلام منحصر به این موارد نیست، به امید خدا در نوشته های بعدی سایر تعالیم بررسی خواهد شد. به عنوان روش کار، بیان می شود که در هر موضوعی، نخست وضعیت موجود بررسی، سپس وضعیت مطلوب (از دید اسلام) ارایه و با وضعیت موجود مقایسه می شود.

۱ مبارزه با فقر

الف وضع موجود

متأسفانه عملکرد اقتصادی غلط در ایران سبب شده تا به رغم داشتن منابع اقتصادی بسیار غنی و نیروی انسانی بسیار فعال و با استعداد که در المپیادهای علمی، آثار آن را می توان دید فقر جولان دهد. در این مورد محققان (۱) اعلام کرده اند: در حالی

که در جهان ۸۰۰ میلیون نفر در گرسنگی مطلق به سر می برند، کشور ما با داشتن تنها یک درصد از جمعیت جهان و در حالی که ۱۷ درصد کل ذخایر گاز جهان و ۹ درصد از ذخایر نفت جهان را داراست، بر اساس آمار سازمان ملل



متحد در سال ۲۰۰۱، در ردیف یکصد و پنجاه و سوم از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد (۲) که بیانگر وضعیت اسفبار اقتصادی کشور و گسترش فقر در آن است. این آمار نشان می دهد که ایران از نظر گسترش فقر و ناداری در کنار فقیرترین کشورهای آفریقایی قرار گرفته است. آن هم ایرانی که جمعیت بااستعداد و فعال و ذخایر نفت و گاز آن خیره کننده است.

آقای مهندس جهانگیری وزیر صنایع و معاون نیز اعلام کرده است که در ایران، درآمد سرانه ۱۵۰۰ دلار است (۳). در حالی که این رقم برای کشورهای همسایه و مشابه ایران به ۱۰ هزار دلار می رسد. البته اگر توجه کنیم، درآمد سرانه رقمی میانگین است که از تقسیم درآمد ملی بر تعداد جمعیت حاصل می شود، می توان دریافت که با توجه به وجود شکاف طبقاتی، درآمد افراد فقیر که تعداد آنها بر اساس آمارهای رسمی دولتی بیش از ده میلیون نفر است، چقدر ناچیز می باشد.

در همین زمینه باید به وضعیت اسفبار کودکان فقیر اشاره کرد که در ایران یک میلیون کودک خردسال دچار سوء تغذیه هستند (۴)، میلیون ها کودک ایرانی فاقد امکانات تحصیلی، بهداشتی و درآمدی مناسب هستند که بعضا مجبور می شوند به گدایی، اعتیاد، تن فروشی روی آورند.

در همین زمینه در همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران، گفته شد که ۶۸ درصد از شاغلان کشور زیر خط فقر زندگی می کنند و همین امر سبب پیدایش روسپی گری، خودکشی و گسترش فرار از خانواده، طلاق، فحشا، اعتیاد و دیگر مفاسد می شود. گسترش فقر سبب شده است که سالیانه ۲۰ هزار نفر در ایران اقدام به خودکشی کنند؛ یعنی در هر پانزده دقیقه یک نفر (۵).

ب معیار اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلام به

دو دلیل عمده فقر را تحمل نمی کند؛ اول اینکه وجود فقر متضاد با هدف دین است، زیرا بنا به فرموده حضرت رسول (ص) «کاد الفقر ان یكون کفرا» (۶) یعنی فقر به کفر منجر می شود. چون هدف دین، گسترش ایمان و محو کفر است، لذا اسلام نمی تواند فقر را پذیرا شود. درستی این حدیث شریف را هر یک از ما در زندگی روزمره خویش ملاحظه کرده ایم، حتی وقتی پدر فقیر می شود و نمی تواند درآمد لازم را برای خانواده بیاورد، فرزندان و همسر به او کافر می شوند اغلب اینگونه است و کلمه «کاد» در حدیث مذکور ناظر بر همین حقیقت است وقتی دولت، نتواند کار و درآمد مکفی برای مردم به وجود آورد و فقر در جامعه گسترش پیدا کند، مردم به آن دولت کافر شده، با آن مبارزه می کنند.

دلیل دوم آن است که هدف دین اسلام، گسترش مکارم اخلاق است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (۷) یعنی من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را گسترش دهم. با توجه به اثر فقر بر گسترش طلاق، از هم پاشیده شدن نهاد خانواده، گسترش فساد، فحشا، اعتیاد، خودکشی و دیگرکشی و غیره می توان دریافت که اقتصاد اسلامی، مخالف گسترش و وجود فقر به هر اندازه است، زیرا فساد اجتماعی ضد مکارم اخلاق است. پس هر اندازه فقر در جامعه وجود داشته باشد، به همان نسبت آن جامعه غیراسلامی خواهد بود.

## ۲ مبارزه با شکاف طبقاتی

### الف وضع موجود

شکاف طبقاتی یعنی فاصله درآمد اقشار آسیب پذیر با اقشار مرفه جامعه؛ به عبارت دیگر شکاف بین درآمد طبقات محروم که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، با درآمد گروه های مرفه

و ثروتمند را شکاف طبقاتی می گویند. امروزه برای نشان دادن ناعادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور، از ابزار اقتصادی به نام ضریب جینی (Gini – coefficient) استفاده می شود اگر مقدار ضریب جینی برابر صفر باشد، درآمدها کاملاً برابر است و اگر برابر یک باشد، درآمدها کاملاً نابرابر است.

ضریب جینی ایران حدود ۴۵/۰ تا ۵۰/۰ است. نویسنده ای در این باره می نویسد: ضریب جینی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای در حال توسعه بالاست (۸). طبقات پایین درآمدی، نمی توانند نیازهای بهداشتی و درمانی خود را آن طور که شایسته است، با مراکز دولتی تأمین کنند. در کنار بیمارستان های خصوصی کشور، افرادی دیده می شوند که برای درمان خویشاوندان خود، شبها را در کنار خیابان یا سالن های بیمارستان می گذرانند. در پاره ای از مناطق کشور، حتی معمولی ترین داروها یافت نمی شود، اما ثروتمندان می توانند بهترین متخصصان و امکانات درمانی را در اختیار داشته باشند. در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، کیفیت آب آشامیدنی به گونه ای است که افراد پردرآمد به خرید آب معدنی یا آب های تصفیه شده مبادرت می کنند و عموم مردم، طعم نداری را در آب آشامیدنی خود احساس می کنند.

حتی کیفیت استفاده از هوا نیز دیگر برای کم درآمدها متفاوت است. در شهر تهران، افراد پردرآمد در مناطقی زندگی می کنند که آلودگی هوا به مراتب از نقاط فقیرنشین کمتر است و برای دستیابی به نعمت هوای پاکیزه تر، روزهای تعطیل خود را در مناطق بیلاقی نزدیک شهر خود می گذرانند. آموزش نیز به عنوان یک کالای بخش عمومی کم کم خصوصی شده است. خانوارها برای اطمینان از کیفیت آموزش و شیوه برخورد با فرزندان خود به مدارس غیرانتفاعی روی می آوردند و تعداد کسانی

که با استقراض، هزینه صدها هزار تومانی (و گاهی میلیونی) یک ساله فرزند خود را می پردازند، کم نیستند. ای کاش هزینه آموزش به مدارس غیرانتفاعی خلاصه می شد، زیرا کلاس های کنکور، ماجرای دیگری است که خانواده ها برای ساختن آینده ای روشن برای فرزندان شان، مجبورند گاهی تا چند میلیون تومان صرف آن کنند.

قبولی دانشگاه و تأمین هزینه آن برای آموزش فرزندان که باید کالایی عمومی باشد، خود سرآغاز مشکلات اساسی برای خانوارهای فقیر است. بی گمان، بسیاری از خانوارهای کم درآمد باید از چنین امکاناتی چشم پوشند و به این ترتیب، آنان که غنی ترند، شانس بیشتری را برای تربیت فرزندان خود خواهند داشت و این دور تسلسل ادامه می یابد و کم درآمدها. کمتر می توانند شرایطی را که تا به حال با آن دست به گریبان بوده اند، تغییر دهند.

وضعیت حمل و نقل نیز همچون دیگر کالاهای یاد شده است. به سخن واضح تر، انتظار بر این است که افراد جامعه، حتی اگر فقیر باشند، بتوانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند و این در حالی است که کیفیت حمل و نقل شهری، آن قدر پایین است که گاهی استفاده از آن غیرممکن می شود. ایستادن در صف طولانی اتوبوس به عنوان یگانه وسیله ارزان قیمت شهری و ازدحام باورنکردنی مردم، دلیل ساده ای است که خانوارهای کم درآمد شهری را به استفاده از خودروهای مسافربر مجبور می کند. جالب آن است که در چنین شرایط، سازندگان وسایل نقلیه که به دولت تعلق دارند به جای آنکه به دنبال عرضه خودروهای ارزان قیمت باشند، ترجیح می دهند خودروهای بیست یا پنجاه میلیون تومانی را به بازار عرضه کنند که حتی افراد بالاترین دهک های درآمدی نیز به سختی و با

اتکا به دارایی های گذشته خود، قادر به خرید آنها هستند.

گواه همه این مطالب را می توان در ارقامی یافت که نشان می دهد، هزینه واقعی (تورم زدوده) میزان مصرف پوشاک و کفش خانوارهای ایرانی طی سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹ بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته و در همین مدت، هزینه واقعی تحصیل و آموزش ۱۲۴ درصد، بهداشت و درمان ۴۶ درصد و حمل و نقل ۴۳ درصد افزایش پیدا کرده است. (۹) شگفت آور آنکه حتی وضعیت امنیت جانی افراد کم درآمد جامعه با پردرآمدها متفاوت است. تجربه نشان می دهد که خانوارهای فقیر جامعه در مناطقی زندگی می کنند که بلایای طبیعی همچون زلزله، سیل، رانش زمین و... دیگر از سایر مناطق آنها را تهدید می کند. مهمتر آنکه آسیب پذیری ایشان از چنین تعهداتی به طور عمده از فقر و ناداری آنان در کیفیت ساخت خانه ها و امکانات زندگی ریشه می گیرد (۱۰).

#### ب معیار اقتصاد اسلامی

در اقتصاد اسلام شکاف بین فقیر و غنی وجود ندارد و کلیه افراد جامعه از مواهب اقتصادی موجود در جامعه به گونه ای برابر (۱۱) استفاده می کنند. بهداشت و آموزش و تسهیلات و خدمات شهری در اختیار همگان با استاندارد برابر قرار می گیرد. به قول علامه طباطبایی (۱۲) در تفسیر میزان، سرزمین اقتصاد اسلامی دارای دره های عمیق فقر و قله های بلند ثروتمندی نیست، بلکه یک دست است. چرا که به کمک انفاقات و صدقات از قله ثروتمندی وجوه اخذ و به دره فقر ریخته می شود تا شکاف بین فقیر و غنی از بین رود. به همین خاطر در قرآن مجید در این مورد از دو واژه «انفاق» و «صدقه» سخن رفته است، زیرا انفاق یعنی پر کردن شکاف بین فقیر و غنی و

صدقه یعنی پرداخت وجوهی که شکاف طبقاتی و به دنبال آن کینه طبقاتی را از بین می برد و دوستی جمعی به وجود می آورد (۱۳).

تنها یک مرور زودگذر از آیات مربوط به انفاق در اسلام، نشان می دهد که اسلام با زراندوزی، تکاثر اموال، ثروتمندی (و نه ثروت)، سرمایه داری (و نه سرمایه) و ایجاد جامعه ای که در آن اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر هستند، به سختی مبارزه می کند و می کوشد تا پردرآمدها، مازاد نیاز معمول خود را در راه از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه پردازند.

### پاسخ (قسمت دوم)

آیات مربوط به انفاق:

۱ سوره آل عمران آیه ۹۲: «هرگز به نیکی و خوبی نخواهید رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید (در راه محو شکاف بین فقیر و غنی خرج کنید). و هرچه انفاق کنید خدا می داند.»

شرح ثروتمندان به غلط می پندارند که با غارت و استثمار و استعمار مردم محروم می توانند برای خود کاخ و زندگی اشرافی بسازند و از زندگی لذت ببرند.

ثروت اندوزی و غارت منافع مردم، سبب می شود تا فقرا نخست از نظام سرمایه داری که سبب فقر آنها شده است ناراضی شوند و سپس به مبارزه با وضع موجود پردازند. این مبارزه اشکال مختلف دارد: با کم کاری و حتی بدکاری سعی می کنند انتقام بگیرند، با فرار از کار به بهانه های بیماری و غیره به کار دیگری مثل مسافرکشی می پردازند تا کمبود درآمد خود را جبران کنند، با ایجاد تخریب در ماشین آلات انتقام می گیرند، با ایجاد اعتصاب و ایجاد راه بندان، سرمایه داران را در فشار قرار می دهند تا دستمزد بیشتری بگیرند، به مبارزات مخفی و مسلحانه و حمله و گریزهای نظامی شهری و دستبرد به بانک ها

و

گاوصندوق کارخانجات می پردازند.

در مجموع سرمایه داران با ایجاد فقر برای کارگردان و کارمندان، امنیت زندگی خود را از دست می دهند و زندگی برای آنها خوشگوار نخواهد بود. لذا آیه شریفه می فرماید «هرگز به نیکی» مورد نظران نمی رسید، مگر اینکه شکاف بین فقر و غنا را از بین ببرید.

۲ آیه ۱۷۷ سوره بقره «نیکی آن نیست که رو به جانب شرق یا غرب (به عبادت) بایستید، نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت، به فرشتگان، کتاب خدا، و پیامبران مؤمن باشد، و دارایی خود را با آن که دوستش دارد، به خویشان، یتیمان، بینویان، در راه ماندگان، مددخواهان و در راه آزادی انسان های غیرآزاد دهد...»

۳ آیه ۲۱۹ سوره بقره

مسلمانان که این همه تأکید قرآن را درباره خرج کردن پول در راه خدا شنیدند، از پیامبر(ص) پرسیدند، چه مقدار از دارایی خود را باید بدهند و در پاسخ آنان این آیه آمد: «... و از تو می پرسند چه انفاق کنند، بگو آنچه اضافه است...»

شرح دو آیه فوق الذکر:

قرآن مجید به صراحت تمام، اعلام می کند که نیکی به ذکر و دعا و نماز و عبادات زیاد نیست. اینها همه لازم است، ولی کافی نیست. بلکه باید به هدف انبیاء الهی توجه داشت که آمدند تا فقر و ناداری و اسارت و واماندگی را در جامعه علاج کنند و این ممکن نمی شود، مگر آنکه هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از درآمد ملی برخوردار شود و اگر نظام توزیع جامعه غلط بود مثل وقتی که اقتصاد سرمایه داری یا شبه سرمایه داری حاکم است باید برای از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه و از بین بردن شکاف

طبقاتی، هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از مال و ثروتی که به علت غلط بودن نظام توزیع درآمدها در اختیار او قرار گرفته است بردارد و بقیه را در راه از بین بردن فقر و ناداری به طرق اصولی بپردازد.

به همین دلیل است که قرآن مجید می فرماید: ای پیامبر(ص) از تو می پرسند چه انفاق کنند (یعنی تا چه حد از دارایی خود را برای پر کردن شکاف بین فقیر و غنی باید پرداخت کنند) بگو آنچه مازاد بر نیاز معمول در جامعه است. شاید اوحدی مراغه ای از همین آیه استفاده کرده که می سراید:

آنچه در وجه آش و نان تو نیست بفشان و بده که آن تو نیست

نویسندگان و تصویب کنندگان قانون اساسی فعلی ایران در کتاب شناخت اسلام (۱۴) (که پیش از سال ۱۳۵۷ نوشته بودند) نیز چنین می نویسند: «دید کلی قرآن درباره دارایی و امکانات مالی اضافی که یک مسلمان از دسترنج خویش از راه حلال به دست آورده، این است که باید قسمتی از آن را برای زندگی معتدل خود و خانواده اش و بقیه را در راه خدا و رفاه خلق صرف کند. در غیر این صورت یا به گناه «اسراف و تبذیر» یعنی زیاده روی و ولخرجی در زندگی خود و خانواده اش آلوده خواهد شد، یا به گناه بس بزرگ زراندوزی «کنز» یعنی دو انحراف اقتصادی که قرآن به شدت از آن انتقاد کرده است».

باید توجه داشت که پر کردن شکاف طبقاتی به صورت بنیادی انجام می شود و نه به صورت سطحی. به این بیان که اموال ثروتمندان، باید در صندوقی ذخیره شود و از آن راه برای ایجاد کار و درآمد و



یا پرداخت مستمری از کارافتادگی و رفع فقر برای کسانی که قادر به انجام هیچ گونه کار نیستند، با برنامه ریزی اصولی و علمی سرمایه گذاری شود. قرار دادن صندوق صدقات که هر کس مبلغ بسیار اندکی را در آن بریزد و با جمع آوری آنها اقدامات پرداختی سطحی، آن هم با اذیت و آزار و منت گذاری بر محرومان و در مواقعی آبروریزی آنها و گردن کج کردن ها و غیره که امروزه معمول شده، یک نوع لوث مفهوم آیات شریفه قرآن مجید در مورد انفاقات و صدقات است.

۳ تحریم ربا

الف وضع موجود

ربا که همان بهره یا سود ثابت سرمایه است، عامل عمده وجود فقر و شکاف طبقاتی در جامعه به شمار می آید. نظام های بانکی که آلوده به ربا هستند، سبب ورشکستگی واحدهای تولیدی می شوند و از آنجا بیکاری و فقر گسترش پیدا می کند. به علاوه سبب گران شدن و ایجاد تورم نیز می شوند که این نیز به گسترش فقر و شکاف طبقاتی می انجامد.

پس از انقلاب، قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسید و امروزه بانک های ایران بر اساس این قانون، خود را اسلامی می دانند و این در حالی است که مردم آن را ربوی تشخیص می دهند، آن هم ربوی با نرخ ظالمانه که رمق تولیدکننده را می گیرد و سبب گسترش بیکاری و فقر می شود و مقامات مذهبی نیز آن را ربوی تشخیص می دهند (۱۵) و در مواردی نظر خود را نیز آشکارا اعلام می کنند، حال آنکه بانکها هر سال، روزی را به عنوان روز اسلامی شدن بانکها جشن می گیرند. در حالی که هم خودشان و هم مشتریان آنها به غیراسلامی بودن آن اذعان دارند. آنچه در زیر می آید، پاره ای از

مطالب نویسندگان در زمینه ربوی بودن نظام بانکی است:

۱ نظام بانکداری اسلامی، آنگاه که جای بانکداری رژیم پیشین را گرفت، هرگز قرار نبود در خدمت کسب سود بیشتر و وام دادن با بهره های بالا به افراد خاص باشد. اما امروزه، به یمن رها شدن بانک ها، نه تنها اهرمی در خدمت جامعه برای ممانعت از لغزش نیازمندان به دامن رباخواران نیستند، بلکه خود به الگوهایی تبدیل شده اند که رباخواران برای توجیه عملکرد خود، آنها را مثال می آورند. امروزه شما به هر رباخواری که اعتراض کنید، می گوید: پس چرا بانک ها بهره های آنچنانی می گیرند.

در حال حاضر بانک ها سودهای قابل توجهی را در ترازنامه خود نشان می دهند که این امر، با هدف بانکداری اسلامی، ناهماهنگ است. بانکداری اسلامی باید بانک را در خدمت رفع حوایج مردم قرار دهد، بدون آنکه به این موضوع بیندیشد که در این راه، چقدر سود عایدش خواهد شد. پر واضح است که عملکرد فعلی بانک ها، اینگونه نیست. الان بانک ها به دنبال آن هستند که بحث «تسهیلات تکلیفی» را هم از بین ببرند و این یعنی آنکه همه تصمیمات، یکسره در اختیار خودشان قرار بگیرد. مشکلی که ما در بانکداری پیدا کرده ایم، بیش از آن که مشکل اجرایی باشد، مشکل دیدگاهی است. بانک ها تصور می کنند که آنها مؤسسات اقتصادی هستند، بنابراین باید به سوددهی بیشتر بیندیشند. در حالی که قانون اساسی بانکداری اسلامی را در خدمت پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه دانسته است.

نقش فعلی بانک ها در اقتصاد کشور و رفع حوایج جامعه، محدود به یک سری تسهیلات تکلیفی و سرمایه گذاری در برخی پروژه های ملی شده که در آن چارچوب ها هم با مشکلاتی روبرو هستیم

محدود نمی شود. الان بانک ها اگر به مردم وام می دهند، اولاً این وام ها در اختیار اقشار نیازمند و محروم جامعه قرار نمی گیرد، چون از طرفی سودهای آن بسیار بالاست و از طرف دیگر، بانک ها چون صرفاً به ملاحظات اقتصادی روی آورده اند، ترجیح می دهند به کسانی وام های کلان با بهره های بالا بدهند که اطمینان داشته باشند که قادر به پرداخت اصل و فرع پول هستند. در واقع خلأی که از این رهگذر در جامعه ایجاد می شود، باعث روی آوردن اقشار نیازمند مردم به رباخواران می شود. در کجای قانون بانکداری بدون ربا، آمده است که بانک ها بیایند سهام مرغوب بورس را به وسیله کارگزاران خود شناسایی و شروع به خرید و فروش آن کنند و با پول هایی که باید صرف رفع حواجی جامعه شود، بورس بازی راه بیندازند، تا از این رهگذر سودهای هنگفت ببرند؟ کجای قانون بانکداری بدون ربا، به بانکها اجازه ایفای نقش های دلالی را داده است. الان این اوراق مشارکتی که با سودهای قابل توجه دستگاه ها منتشر می کنند، فکر می کنید این اوراق را چه کسانی می خرند که به سرعت تمام می شود؟ بانک ها سپرده های مردم را می گیرند و شش، هفت درصد سود می دهند و در مقابل با پول های آنها اوراق مشارکت می خرند و بیست درصد سود می برند. این معاملات کجایش در قانون بانکداری بدون ربا آمده است؟

الان یکی از این مؤسسات اعتباری، کار را به جایی رسانده که اعلام کرده، ۱۵ میلیون وام مسکن می دهد شش ساله ۱۰ میلیون سود می گیرد؛ این یعنی چه؟ یعنی بانکداری بدون ربا؟! (۱۶).

۲ از نظر تئوری بانکداری اسلامی، مشتری شریک بانک است و باید در سود و زیان به صورت مشترک

سهم داشته باشد، در حالی که در نظام بانکداری فعلی، سپرده گذاران شرکای خاموشی هستند که امکان حضور در عرصه فعالیت های اقتصادی بانکی و جلسات تصمیم گیری را نیافته و هر ساله بدون توجه به سود و زیان فعالیت های اقتصادی، سود ثابت و یکسانی را دریافت می کنند.

ظرف ۲۳ سال گذشته، همیشه تورم بالا-تر از ۱۱ درصد و نزدیک به ۲۰ درصد بوده (۱۷)، در حالی که سود پرداختی به مشتریان همیشه روی ۱۱ تا ۱۷ درصد ثابت بوده است. این یعنی استثمار سپرده گذاران به وسیله بانکها که در واقع یک ربای نامرئی است که بانک ها از سپرده گذاران می گیرند و یک سپرده گذار که برای مدت پنج سال پول خود را نزد بانک حبس می کند، پس از این مدت از صد تومان پولی که روز اول نزد بانک به عنوان سپرده قرار داده است، به علت نرخ تورم تنها ۵/۱۲ تومان دریافت می کند. در دیگر کشورها اگر نرخ بهره ۳ درصد باشد، نرخ تورم ۲ درصد خواهد بود، یعنی یک درصد سود واقعی نصیب سپرده گذار می شود.

همه بانک های دنیا به سپرده ها بهره روزشمار می دهند. البته این امر در قانون بانکداری کشور ما هم نوشته شده، اما تاکنون رعایت نشده است. به عبارت دیگر بانک ها موظف شده اند به سپرده های مردم بر اساس مدت زمان آن سود پرداخت کنند، ولی امروزه اگر مبلغ سپرده پنج ساله، یک روز پیش از اتمام این زمان، از بانک به وسیله سپرده گذار برداشته شود، بانک هیچ گونه سودی به وی پرداخت نمی کند و با کسر سودهای پرداخت شده قبلی، پول اولیه را با ارزش پایین تر به سپرده گذار بازمی گرداند. (این یعنی غارت مشتری و دزدی آشکار بانک از اموال

سپرده گذار). به عبارت دیگر سرمایه مردم پس از مدت سپرده گذاری، به شکلی به مردم بازگردانده می شود که نه سودی به آنها داده شده و نه پولشان قدرت خرید چند سال پیش را دارد (۱۸).

۳ حجت الاسلام محمدحسین صادقی به روزنامه «کیهان» می گوید: «عده ای همان موقع که قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد، اعلام کردند که این بانکداری از نظر آنها ربوی است. ذهنیت ها از همان اوایل انقلاب شکل گرفت. مردم در بانکداری پس از انقلاب با پیش از آن تغییر چندانی نمی دیدند و همیشه این شبهه در اذهان بود که بانکداری ما ربوی است.

### پاسخ (قسمت سوم)

بعد هم فعالیت صندوق های قرض الحسنه و شرکت های مضاربه ای آغاز شد. در جریان شرکت های مضاربه ای، کسانی که پولشان را به ربا می دادند، یعنی «رباخوار» بودند، اینگونه خودشان را توجیه می کردند که ما «مضاربه» می کنیم و مضاربه هم یکی از «عقود اسلامی» است، پس کار ما حرام نیست. بعد با این توجیه، سودهای ۷ درصد و ۱۰ درصد می گرفتند که سرانجام چون این روند، یک روند ربوی بود، کارش به نابودی کشید و معلوم شد که نه مضاربه ای در کار بوده و نه «عقد اسلامی»، بلکه هرچه بوده، ربا بوده و بس. به هر حال این فضاها، اندک اندک زمینه از بین رفتن قبح ربا را به عنوان یک فعل حرام فراهم آورد. از طرف دیگر برخی از اختلافات طلبگی که در فتوای برخی از آقایان درباره «ماهیت اسکناس» وجود داشت، به این موضوع دامن زد. به این ترتیب که عده ای از آقایان، معتقد به حرمت ربا در اسکناس و پول نبودند و برخی از معاملات را که دیگران حرام و ربا تلقی می کردند،

آنها ربا نمی دانستند. این بود که اصطلاحاتی مثل «هدیه» یا «اجرت» یا امثال آن رایج شد که عملاً مفهومی جز ربا نداشت و عده ای هم خود را با این اصطلاحات توجیه کردند، اختلاف فتوا هم که بود و مهم تر از آن سیستم بانکداری که عده ای معتقد بودند ربوی است و مردم هم می گفتند، اگر ربا حرام است، پس چرا بانکها فعالیت های ربوی انجام می دهند. مجموعه این فضاها، به علاوه تنگنمایی که در مسایل معیشتی مردم به وجود آمد، جامعه را به سوی رواج و ترویج ربا کشاند و نتیجه اش این شد که شما در حال حاضر، شاهد آن هستید و وضعیتی است که رواج ربا آن قدر زیاد شده که نمی شود آن را انکار کرد و نادیده گرفت.

امروزه دیگر نمی توان برای شرایطی که مردم از بانک ها یک میلیون تومان قرض می گیرند و یک ماهه مجبور هستند یک میلیون و دویست هزار تومان به بانک پس دهند، هیچ توجیه فقهی تراشید و یکسره باید گفت که این کارها رباست و حرام است و جنگ با خداست.»

#### ب اقتصاد اسلامی

قرآن مجید ربا را به شدت حرام کرده است، لذا در اقتصاد اسلامی هر نوع ربا تحت هر نام از بین خواهد رفت.

قرآن مجید در آیات زیر ربا را حرام اعلام کرده است:

۱ سوره بقره آیه ۲۷۵: کسانی که ربا می خورند، سر پا نمی مانند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان جن زده (صرعی) شده اند. این به خاطر آن است که گفتند، داد و ستد هم مانند ربا است، در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام و اگر کسی اندرز الهی به او

رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (پیش از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می شود و اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش اند و همیشه در آن می مانند.

آنچه از این آیات می فهمیم:

این آیه شریفه سخن از جمع دارد و نه فرد و همچنین از ربای بازاری سخن می گوید. بنابراین می توان گفت، اقتصاد جامعه و ملتی که به ربا آلوده باشند، سرپا نمی ایستد، مگر مانند فرد مصروع که از راه منحرف می شود و گاهی بر زمین می خورد و گاهی سرپا می ایستد. چرا که در این نوع جامعه، دادوستد را با سود و یا با ارزش اضافی همانند ربا آلوده ساخته اند و این دو را یکی می دانند، در حالی که خداوند بیع را که آلوده به ارزش اضافی نیست، حلال اعلام کرده و ارزش اضافی چسبیده به داد و ستد را حرام، پس کسی که دست از رباخواری بردارد، به آرامش دست می یابد و در نزد خدا آمرزیده می شود و گذشته اش به او زیان نخواهد رساند، ولی کسانی که رباخواری را ادامه دهند، در ناآرامی و آتش جاودان خواهند بود.

قانون اقتصادی: در جامعه ای که اقتصاد آن به ربا آلوده باشد مثل نظام سرمایه داری و شبه سرمایه داری یک قانون به نام قانون نوسانات تجاری، به وجود می آید. بر اساس این قانون، اقتصاد جامعه همانند آدم های صرعی بی ثبات است. گاهی سرپاست (دوره رونق اقتصادی) و گاهی به زمین می خورد (دوره رکود اقتصادی) بین دوره رونق و رکود، دوره بحران و بهبود قرار دارد.

صاحب تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر

آیه مذکور، مطالبی به شرح زیر دارد (۱۹): «... رباخواری سبب می شود که رباخوار ثروتمند شود و ربا دهنده فقیر و لذا می توان گفت که ربا، توازن و تعادل اجتماع را به هم می زند و نظم را که بر راه راست انسانی و روش فطری حکومت قرار دارد، از بین می برد و این همان خبطی است که رباخوار بدان مبتلا می شود، زیرا رباخواری موجب این می شود که نظام داد و ستد و معاوضه در نظر او مختل شود و دیگر میان خرید و فروش عادی و رباخواری فرق نگذارد و اگر او را به ترک رباخواری دعوت کنند، بگوید: بیع هم مثل ریاست و مزیتی بر آن ندارد تا دست از ربا برداریم و بیع کنیم.

۲ سوره بقره آیه ۲۷۶: ترجمه: «خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد.»

آنچه از این آیه می فهمیم:

در این آیه کریمه ربا در مقابل صدقه و «یَمْحَق» در مقابل «یُرَبِّی» قرار داده شده است. خداوند می فرماید: «ربا» که در ظاهر سبب افزایش ثروت است، در واقع باعث کاهش و نابودی ثروت می شود و صدقه دادن که در ظاهر امر کاهش در ثروت را سبب می شود در واقع باعث افزایش ثروت خواهد شد. توجه شود که خداوند برای صدقه دادن، واژه «یربِّی» را که از همان کلمه «ربا» است را به کار می برد. بنابراین اضافه شدن از طریق صدقه ممدوح است در حالی که همین ارزش اضافی از طریق «ربا» مذموم است. علت آن است که صدقه سبب استقرار عدالت اجتماعی می شود و لذا دوستی اجتماعی را گسترش می دهد در حالی که



ربا سبب گسترش اقتصاد ظالمانه می شود و به دشمنی طبقاتی و اجتماعی منجر خواهد شد (۲۰) و این دشمنی به جنگ فقرا علیه سرمایه داران منتهی می شود که خواه، ناخواه ثروت رباخواران نابود خواهد شد، در حالی که دوستی طبقاتی و صلح و توسعه، سبب رشد ثروت خواهد شد.

۳ سوره بقره آیه ۲۷۸ و ۲۷۹: ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای خدا ورزید و آنچه از ربا مانده، واگذارید. اگر مؤمن هستید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود)، نه ستم می کنیم و نه بر شما ستم وارد می شود.

آنچه از این دو آیه شریفه می فهمیم:

کسانی مؤمن هستند که ربا را از فعالیت های اقتصادی حذف کنند و اگر به نام اسلام، نظام بانکداری ربوی برقرار شود، برقرارکنندگان نه مؤمن هستند و نه کافر، بلکه منافق هستند. به علاوه تقوا داشتن یعنی حفظ سامان ها و از جمله سامان دادن درست و حفظ آن در صحنه اقتصاد، وابسته به حذف ربا از بانک و بازار است.

و اگر چنین نشد و اخذ ربا به هر شکل و تحت هر نام ادامه پیدا کرد، گویی نظام یا فرد رباگیرنده به خدا و رسول خدا «اعلان جنگ» داده اند و مسلم است که بازنده در جنگ با خدا و رسول، رباگیران هستند. به عبارت دیگر قوانین فطری طبیعت، نظام هایی را که آلوده به ربا هستند، محکوم به شکست در فعالیت های اقتصادی کرده است.

امروزه ملاحظه می شود در نظام های اقتصاد سرمایه داری و شبه سرمایه داری دنیا، رکود اقتصادی و نوسانات اقتصادی و شکاف طبقاتی و گسترش فقر، سبب

ناکامی این اقتصادها شده است (۲۱) و اینان راهی ندارند، جز کمک گرفتن از غارت منابع و منافع کشورهای دیگر که این امر به جنگ های جهانی و منطقه ای منجر می شود که در قرن بیستم، جنگ اول و دوم جهانی، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ لبنان و در قرن بیست و یکم آن هم در آغاز آن، نایره جنگ جهانی به چشم می خورد. یعنی اقتصاد سرمایه داری جز خون و آتش و مصیبت برای ملل دنیا چیزی به ارمغان نیاورده است.

در اقتصاد اسلامی با محور ربا، کلیه این بلایای اقتصادی از بین خواهد رفت و دیگر از فقر، تورم، بیکاری، نوسانات اقتصادی و غیره خبری نخواهد بود. چرا که محور واقعی ربا در جامعه، به ایجاد یک نظام اقتصادی منجر می شود که عدل در آن مشخصه اساسی است و این عدل مانع بروز فقر و تورم و دیگر بلایای اقتصاد سرمایه داری می شود.

پی نوشت:

۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲/۸/۸۲ به نقل از دکتر گوئل کهن، استاد علوم ارتباطات  
[www.shahrvand.com/backissues/633press.htm](http://www.shahrvand.com/backissues/633press.htm)

۲ منبع قبلی

۳ منبع قبلی

۴ منبع قبلی

۵ <http://alkhoei.org.uk/lectures.htm>

۶ وسایل الشیعه: ج ۱۵، ص ۳۶۵-۳۶۶، ب ۵۵، ح ۲۰۷۵۷.

۷ بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۸ منبع قبلی

۹ منبع قبلی

۱۰ <http://www.iran-emrooz.de/archiv/nakhjavani/۱۳۸۱/nakhjav۸۱۰۸۱۸.html>

۱۱ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی. چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۱۲ منبع قبلی

۱۳ منبع قبلی

۱۴ سید محمد حسینی بهشتی، محمد جواد باهنر، علی گلزاده (غفوری)، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپخانه سپهر، صفحه ۵۰۹.

۱۵ به سخنرانی آیت الله مصباح یزدی در نماز جمعه ۱۳/۴/۸۲ در این مورد که جمهوری اسلامی را از رباخوارترین نظام های جهان یاد کردند، مراجعه شود.

۱۷ دقت شود این مباحث در جامعه ای فرضی صادق است که در آن اقتصاد اسلامی به گونه ای صد در صد به اجرا درآمده است و ربا کلا وجود ندارد و مالیات های سنگین وجود ندارد و قیمت عدل مستقر است و نه قیمت بازار و لذا تورم وجود نخواهد داشت که نرخ بهره را با نرخ تورم خنثی کنند.

www.refahweekly.com/society/rrleerpn.htm ۱۸

۱۹ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۲۰ به منظور مطالعه بیشتر در این زمینه، به کتاب حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ مبحث ربا در قرآن، به صفحات ۲۳ الی ۱۵۰ مراجعه شود.

۲۱ حمله عراق جهت غارت منابع نفت آن کشور برای حل مشکل رکود در آمریکا، نشانه همین ناکامی هاست.

**در حالیکه اسلام تنها شامل ابعاد عبادی فردی نیست و ابعاد اقتصادی را نیز دارا می باشد چرا مسئولین، اقتصاد اسلامی را اجرا نمی کند و تنها به شعار دادن اکتفا می کنند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود نمی بخشند؟**

**پرسش**

در حالیکه اسلام تنها شامل ابعاد عبادی فردی نیست و ابعاد اقتصادی را نیز دارا می باشد چرا مسئولین، اقتصاد اسلامی را اجرا نمی کند و تنها به شعار دادن اکتفا می کنند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود نمی بخشند؟

**پاسخ**

همانگونه که شما متذکر شده اید اسلام دینی همه جانبه است و به همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... افراد و جامعه توجه دارد و از یک جانبه گرایی بشدت احتراز دارد ولی در جامعه گاهی ممکن است بنا به دلایلی یکی از ابعاد مورد توجه ویژه قرار گیرد و ابعاد دیگر فراموش یا مورد بی توجهی قرار گیرد. در شرایط کنونی نیز کم و بیش شاهد این افراط و تفریط ها از جانب طبقات مختلف هستیم ولی قدر مسلم آن است که پس از انقلاب اسلامی همه مسئولین نظام بیشترین سعی و تلاش وهم و غم خویش را صرف فعالیتهای اقتصادی نموده اند تا توانسته اند اقتصاد بیمار کشوری انقلاب کرده را اداره کنند . هشت سال جنگ تحمیلی را که سرمایه های عظیم و کلان کشور را می بلعید به خوبی اداره کنند، بازسازی را علی رغم هزینه های سنگین و کمر شکن آن بدون کمک خارجی با آبرومندی به سامان برسانند و علاوه بر آن در جهت توسعه فعالیتهای زیربنایی مثل برق رسانی به روستاهای بالای ۲۰ خانوار و تامین آب آشامیدنی بهداشتی برای روستاها و ... گامهای بلند و اساسی را بردارند .

این درحالی است که به اعتراف متخصصان اقتصادی، اقتصاد کشور ما بیمار است و از نشانه های بیماری آن، تک محصولی بودن صادرات ایران و اتکای شدید به فروش نفت، پرداخت یارانه، عدم تولید محصولات کشاورزی در حد نیاز، نبود تکنولوژی و فن آوری صنعتی در ابعاد مختلف و ... است. بیشتر این عوامل، ریشه

در قبل از انقلاب دارد، این که یک کشوری افروزه از توسعه اقتصادی و صنعتی محروم باشد، باید اسباب آن را در چند دهه گذشته جست و جو کرد .

علاوه بر مشکلات متعددی که بر شمرده شد و ریشه آن در رژیم گذشته است مشکلات متعدد جدیدی نیز برای دولت های بعد از انقلاب پیش آمده است که وقوع جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی که هنوز نیز ادامه دارد و از ورود تکنولوژی و دستیابی به دانش فنی جلوگیری می کنند و نیز بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ سیل، زلزله و ... از آن جمله است .

مضاف بر آن فقر فرهنگی، تهاجم فرهنگی و تهدیدهای دشمنان برای ترویج اشرافی گری، و تجمل گرایی و زندقه مصرفی نیز دستیابی به اهداف عالی به توسعه را کند می کند. افزایش سطح توقعات جامعه در حالی که متناسب با آن از رشد و توسعه

مناسب برخوردار نگردد نه تنها به توسعه کمک نمی کند بلکه از موانع توسعه بشمار می رود.

مضاف بر اینها نظام جمهوری اسلامی و مسولان رده های مختلف نیز دچار کاستی ها و تقصیرهای فراوانی بوده اند و غالباً بجای آنکه به ریشه یابی علل و عوامل مشکلات پردازند و زمینه های گرایش های غیر معقول و مصرف گرانه شناسایی و درمان کنند ترجیح دادند با انتساب مشکلات جامعه به دشمنان خارجی خودشان را با گناه و ببری از خطا جلوه دهند . این دیدگاه در تاریخ معاصر ایران همیشه به کشور اطمه زده است . و مسولان کمتر زمینه های نفوذ دشمن را بررسی کرده اند و حال آنکه دشمن بدون وجود زمینه مساعد و مناسب قادر به نفوذ و تغییر ارزشهای یک جامعه نخواهد بود. نکته آخر و پایانی این که باورشما مبنی بر توأم بودن شعار (علم) و عمل باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل گردد و تک تک اعضای جامعه را از انسانهای

عملگرای متعهد و مخلص استقبال نمایند و افراد حراف فاقد عمل را طرد نمایند. اگر کار و تلاش، قدرست و ارزش والای خود را در جامعه بیابد بسیاری از مشکلات بوجود مرتفع خواهد شد.

آقای دکتر میر باقری رئیس سازمان ملی جوانان در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که ۴۵٪... درصد جوانان کشور آرزوی خدمت به مردم را دارند و ۲۹ درصد آرزوی پول دار شدن و ۷ درصد آرزوی مشهور شدن را دارند (۱) باید تلاش کرد نزدیک به ۱۰۰ درصد جوانان آرزو داشته باشند به مردم خدمت کنند و ثروت برای آنان اصل و اساس نباشد بلکه در مرتبه دوم قرار گیرد. در این صورت در آینده نزدیک نسلی از مسولان خدمت و خدمتگزار بر مصادد امور تکیه خواهند زد و با همت و تلاش و صف ناپذیری مشکلات را یکی پس از دیگری حل خواهند کرد.

ایران از نظر جمعیت جوان دومین کشور دنیا پس از اردن است (۲) و سرمایه جوانی، سرمایه ای بسیار غنی و ارزشمند است و هر کشوری که بتواند از این سرمایه عظیم برخوردار گردد مدارج عالی و تکامل را سپری خواهد کرد. جوان با تدبیر و شور و نشاط جوانی می تواند بسیاری از گره های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... را باز کند و شما و امثال شما باید تلاش و کوشش کنید تا این نسل که در آینده بسیار نزدیک سکاندار اداره کشور خواهد شد از قابلیت های مختلف فنی علمی برخوردار گردند در این صورت بستر توسعه همه جانبه با کمک این سرمایه گرانقدر که در توسعه مهم ترین و اساسی ترین سرمایه هستند، فراهم خواهد شد.

**هر کس که می خواهد کاری که وظیفه اش هست انجام دهد باید اول تأمین شود و بعد از او کار بخواهند. چرا اقتصاد ما یک اقتصاد بیمار است؟ چرا جلوی این تورم گرفته نمی شود؟ چرا باید اینقدر هزینه ها سنگین باشد که مردم رو به اعمال خلاف بیاورند؟**

**پرسش**

هر کس که می خواهد کاری که وظیفه اش هست انجام دهد باید اول تأمین شود و بعد از او کار بخواهند. چرا اقتصاد ما یک اقتصاد بیمار است؟ چرا جلوی

این تورم گرفته نمی شود؟ چرا باید اینقدر هزینه ها سنگین باشد که مردم رو به اعمال خلاف بیاورند؟

## پاسخ

از جناب عالی که به فراگیری دانش حسابداری و حسابرسی اشتغال دارید همین انتظار می رود که به مسائل مالی و اقتصادی توجه و عنایت ویژه ای داشته باشید. هر چند سایر مردم نیز به بحث عدالت و دادگستری در نظام جمهوری اسلامی عمیقاً توجه و التفات دارند و خواستار اجرای عدل علوی هستند ولی شما که با مسایل مالی آشنایی دقیق تری دارید اهمیت و ضرورت آنر بیشتر درک می کنید، مانیز با همه وجود همانند شما خواستار اجرای قانون عدالت هستیم.

عدالت همراه با اقامه نماز دو نشانه مهم جامعه اسلامی است و با این دو نشانه می توان جامعه اسلامی را شناخت و آن را از جوامع غیر اسلامی جدا ساخت. اگر در جامعه ای نماز خوانده نشود و مردم، اهل نماز نباشند، آن جامعه اسلامی نیست. البته منظور پیدا شدن شماری تارک نماز که در برابر نماز گزاران ناچیزند نیست، بلکه مقصود عدم حضور نماز است در زندگی و اجتماع، به طور عام، و عدم مسجد و جماعت، و فروافتادن بانگ اذان... اگر در جامعه ای عدالت نیز حضور نداشته باشد، و آثار عدالت در جامعه و شئون حیاتی و اقتصادی و معیشتی افراد و خانواده ها در همه قشرها دیده نشود، و در سیاست و مدیریت، و قانونگزاری و قضاوت، و برنامه ریزی و اجرا، و در برخوردها و برخورداری ها، عدالت ملاک نباشد، و در مسکن و بهداشت، و تحصیل و کار، و سفر و استراحت، اصل عدالت اجرا نشود، و امکانات در این زمینه ها در میان عموم مردم تقسیم نگردد، و در راه صیوررت متعالی انسانی، عدالت میزان نباشد، و اصل اساسی عدالت در ذات برنامه ها و برنامه ریزیها حضور نداشته باشد، و مردم هم از شرایط و امکانات "تزکیه و تعلیم" که هدف اصلی قرآن کریم است برخوردار نباشند، و تبعیض و تفاوت بیداد



کند... به یقین چنین جامعه ای اسلامی نیست. اگر در جامعه ای مردم بسیاری برای رسیدن به اهداف قرآنی توان نیابند، از فشار نیازمندی و فراموش شدگی، همچنین زیادی ساعتهای کار و استثمار شدن، نتوانند به تعلیم و تربیت بلکه تکالیف دینی خود بپردازند، آیا آن جامعه چگونه قرآنی و اسلامی به شمار خواهد آمد؟

عدالت رکن عمده جامعه اسلامی است. و روشن است که هیچ چیز بدون رکن خود پدیدار نخواهد گشت و تحقق نخواهد یافت. امام باقر "ع" می فرماید: پیامبر "ص" (هنگامی که خواست جامعه اسلامی را بنیاد گذارد)، سنت های جاهلیت را از میان برد، و از آغاز، جامعه اسلامی را با عدالت بنیاد گذارد. "استقبل الناس بالعدل" "۲"

و امام علی بن ابیطالب علیه السلام می فرماید: "العدل رأس الایمان" "۳" (سر ایمان اجرای عدالت است)

از این تعلیم بزرگ می فهمیم که: اگر ایمان (دین داشتن، عمل به دین) را به پیکری همانند کنیم، سر آن پیکر عدالت است. و آیا پیکر بی سر چه خواهد بود؟ میته، مردار... و اگر جامعه ای میته و مردار شد، یعنی به حیات عدل زنده نبود، و با روح عدالت جان نیافت، دیگر از چه ارزشی سخن می توان گفت؟ پس بفهمیم که "ان الله یأمر بالعدل" را و بفهمیم "العدل رأس الایمان" را و بفهمیم "العدل حیاة الاحکام" را.

اگر عدالت باشد فقر نیست. در قرآن کریم آمده است: "ان الله یأمر بالعدل... " "۴" (خداوند بطور قطع اجرای عدالت را واجب کرده است) و چون ما درباره فهم معارف و اصول و مسائل و مبانی قرآنی به نص خود قرآن مأموریم که به معصوم (اهل الذکر) مراجعه کنیم، و مقصود قرآنی را در احادیث و تعالیم آنان بجوییم، به حدیثهایی عجیب و تعلیم هایی عظیم

می رسیم. در اینجا یکی از آن احادیث که در "کافی" آمده است کافی است. امام صادق "ع" فرمود: "ان الناس يستغنون اذا عدل بينهم...""<sup>۵</sup>" (مردمان اگر عدالتی در میان باشد، همه بی نیاز خواهند گشت).

این حدیث به صراحت می گوید اگر عدالت باشد فقر نیست، و اگر فقر باشد عدالت نیست. جامعه سرمایه داری و تکاثر و تبعیض جامعه عدل نیست. و جامعه فاقد عدل جامعه ای قرآنی نیست. در جامعه به هر میزان فقر و محرومیت و فاصله های معیشتی و کمبود داشتن و حرمان دیدن وجود داشته باشد، به همان میزان ظلم وجود دارد.

و باید همزمان با یکدیگر فریاد بزنیم مدعیان مسلمانی به کمک محرومان بشتابید، ای معتقدان به خدا، آنان را حذف نکنید، و ای باور داران به قبر و قیامت، اندکی به مشکلات آنان بیندیشید، و ای امت قرآن، اقامه قسط و عدل و تأمین زندگی سالم برای همه افراد را، در پناه قسط و عدل، وجهه همت خویش سازید، و ای انقلاب کردگان انقلابی باشید، شاید بدین گونه خدا از ما راضی گردد، و دل امام زمان "ع" شاد شود، و آبروی دین خدا محفوظ ماند، و جامعه دستخوش تزلزل های زیان خیز نگردد، و تا خداوند رحمان، تاریکی های سخت تر از جهنم قبر و قیامت ما را، با نور حاصل از این عمل صالح و فریضه بزرگ (رسیدگی به خلق خدا و خدمت به آنان)، به روشنی بدل سازد، و راهی به سوی نجات ورهایی، در آن گذرگاههای مخوف و پر گرفتاری، درپیش همه بگشاید.

مجلس و وکلا باید نسبت به این وظیفه بسیار مهم همواره حساس باشند و احساس مسئولیت خدایی و سنگینی بکنند. دولتمردان و مسولان اجرایی باید در راه انجام دادن دقیق این وظایف از هیچ کوششی دریغ نورزند، بلکه نباید تا به انجام تکلیف یقین پیدا نکرده اند

آرام بگیرند. و ثروتهایی که متعلق به قشرهای ملت است باید به خود آنان باز گردد. صدقه سری دادن مطرح نیست، تأمین آبرومندان مقصود است. مسئولان قضایی باید با اسراف ها و تبذیرها و حیف و میل ها و غارتها و چپاول ها و... با نهایت دقت و براساس عدالت و قسط رسیدگی و برخورد نمایند.

امثال من و شما نباید حقایق را کتمان کنیم، و تعالیم اسلامی و زندگی بزرگان دین و سیره حکومت امیرمؤمنان را تا حد امکان گوشزد کنیم و از حاکمان و مسئولان بخواهیم خود را به سیره و منش علوی محک بزنند. ما موظفیم یاد آوری کنیم پیامبر اکرم "ص" دولت را مسئول مستقیم فقر فقیران و حرمان محرومان و بی اعتقادی و بی ایمانی ساقط شدگان می داند: "ولم یفقر هم فیکفرهم" حاکم اسلامی نباید مردم را فقیر کند تا کافرشان سازد. "۶" پس تزریق این اصل که فقر و محرومیت اصلی است ثابت، و حضور آن در جامعه به صورت یک جریان مستمر و پذیرفته قابل قبول است، و دین اسلام قبول دارد که فقیران و مستمندان در جامعه بسر ببرند، در کنار آنان، توانگران در ناز و نعمت غرق باشند، اینان هر چه می خواهند داشته باشند و آنان هر چه می خواهند نداشته باشند، حتی اندکی دارو برای کودک مشرف به مرگ؟

این چگونگی نه اسلام است و نه دید اسلامی. و این وضعیت نتیجه فرعونیت مالی و قارونیت غنا و تکاثر است، و همسویی با قارونها، نه آیین انبیایی محمدی، خداوند مهربان عادل، کسی را بدون روزی و وسایل معیشت خلق نکرده است، "نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاه الدنیا" "۷" (ما در زندگی دنیا، روزی و امکانات معیشت را در میان همه خلق تقسیم کرده و به همه داده ایم.) پس روزی و امکانات برای همه و به اندازه همه هست.

البته با درجاتی متفاوت، اما نه در حد وجود و عدم، و تکاثر و فقر و اتراف و محرومیت لیکن در این میان حق قشرهایی به وسیله ایادی توانمند و صاحب قدرت و صاحب نفوذ و مرتبط غصب می گردد و به سرقت می رود. و افزون طلبی و تمتع و مال دوستی و تنعم پرستی آنان طبقات ضعیف و محروم را در آتش محرومیت درمی افکند و می سوزاند.

ما باید این تعالیم و حقایق را گاه گاهی، بر اساس تکلف شرعی، بنویسیم و بگوییم و یادآوری کنیم، تا ارزشهای اسلامی مصون بماند، تا جوانان انقلابی و غیور و دیگر آگاهان و عدالت خواهان از دین حق سرخورده نشوند و با همت و الا از طریق رسانه ها و بیان حقایق و نیز مشارکت در صحنه های مختلف مثل انتخابات و ... به تحقق به این اهداف یاری و مدد رسانند.

ما نباید فراموش کنیم تا هنگامی که جامعه به وضعیت مطلوب اسلامی، یعنی جامعه منهای فقر نرسیده است، ما نسبت به همه محرومان و مستمندان مسئولیت داریم، و باید برای رها ساختن همه آنان از چنگال فقر و محرومیت اقدام کنیم، بلکه باید گفت این مسؤلیت درباره بینوایان جهان و مستمندان عالم وجود دارد. مسلمان باید درباره مسلمان محروم در هر جا که باشد حساس باشد و خود را مسؤل بداند، و تا آنجا که می تواند برای رسیدگی به محرومان و ضعیفان و مستمندان و نجات آنان کمک کند، چون همه بندگان خدایند - اگر چه خود جاهل باشند یا غافل یا منکر

در خاتمه مجدداً ضمن تأیید گفتار دلسوزانه شما یادآوری می کنیم ما وظیفه داریم هر آنچه از دستمان ساخته است از بیان حقایق، اعتراض، انتقاد و نیز انتخاب افرادی شایسته و لایق برای وکالت مجلس، شوراها و ... به تحقق این امر کمک کنیم مسلم بدانید اگر بتوانیم با یک بسیج عمومی و امر به معروف و نهی از منکر زشتی اتراف و ثروت

اندوزی نامشروع و نیز اجرای عدالت و عدالتخواهی و رسیدگی به محرومان و مستضعفان را در جامعه به ارزش هایی متعالی تبدیل کنیم گام بلندی در این راستا برداشته ایم. بدانیم که فشار افکار عمومی در بسیاری از زمینه ها بسیار کارساز است. مایوس نباشیم که عمل کوچک ما تأثیری ندارد عمل فردی ما هر چند کوچک باشد مانند آن سنگ کوچک در دریا موج ایجاد می کند و اگر این امواج زیاد شود تأثیر فراوان خواهند داشت دانشجوی ارجمند این نکته نیز قابل توجه و تعمق است که علی رغم این مسایل به جرأت می توان ادعا کرد نظام جمهوری اسلامی نسبت به بسیاری از نظام های موجود دنیا نزدیک ترین نظام به نظام عدل علوی است اگر چه با آن نظام فاصله بسیار زیادی دارد.

(۱) هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و ینزلهم و ینزلهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه .... (سوره جمعه/ ۲ و ...)

(۲) التهذیب شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۵۴

(۳) غرر الحکم، ص ۳۹

(۴) سوره نحل/ ۹۰

(۵) کافی، ج ۳، ص ۵۶۸

(۶) اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۶

سوره زخرف/ ۳۲

**چرا در جامعه ای که خمس و زکات داده می شود مالیات گرفته می شود؟**

**پرسش**

چرا در جامعه ای که خمس و زکات داده می شود مالیات گرفته می شود؟

**پاسخ**

ابتدا باید در مورد سؤال جنابعالی مختصری در خصوص مالیات در اسلام و انواع آن اشاره ای بنمائیم و سپس به اصل جواب سؤال شما پردازیم.

در حکومت های قبل از اسلام و حکومت قبل از انقلاب اخیر ایران و بسیاری از حکومت های طاغوتی و استعمارگر جهان چنین رسم بود که مالیات های سنگینی بر طبقات فقیر و متوسط می بستند و پادشاهان و درباریان و اعیان و اشراف از پرداخت هر نوع مالیات معاف بودند و یا با نیرنگ های قانونی خود را معاف می کردند. طبقات فقیر با محرومیت در خدمت اشراف و ثروتمندان زندگی می کردند. و درباریان و اشراف با گرفتن مالیات، خون طبقه محروم را می مکیدند و بیشتر آنها را صرف بنای کاخها و تجملات خود می کردند.

اسلام این وضع را به کلی دگرگون ساخت و چند نوع مالیات بر ثروتمندان برای مصلحت فقرا و از بین بردن فقر در جامعه براساس عدالت اجتماعی مقرر داشت که در هیچ یک از مکتب های جدید نظیر آن یافت نمی شود. امتیاز دیگر مالیات اسلام این است که پرداخت آن از عبادات مهم است و اداره کنندگان و مسئولین تبلیغات اسلامی و دینی با بالا بردن نیروی انسان و روح انسانیت و انسان دوستی و مبارزه با تجمل پرستی و اسراف و تبذیر، کاری می کنند که ثروتمندان خود با میل و اشتیاق نسبت بر پرداخت آن مبادرت ورزند، بنابراین حکومت اسلامی در کمتر موردی احتیاج به اعمال زور برای دریافت مالیات خواهد شد.

در قانون اسلام چند گونه مالیات است که بعضی از آنها به طور اجبار گرفته می شود و بعضی به طور اختیار دریافت می شود آن مالیاتها که به طور اجبار گرفته می شود به دو گونه است :

مالیات سالانه

وهمیشگی و آن در وقتی است که کشور در آرامش است و مورد تهاجم اجانب نیست یا انقلابی در داخل کشور نیست.

مالیات فوق العاده و آن در وقت جنگ و بحرانهای دیگر است. این مالیات که در این موقع گرفته می شود، میزان محدودی ندارد و مالیات غیر محدود باید آنرا نماید زیرا بسته به نظر دولت اسلامی است.

و این چون مالیات غیر مستقیم است البته در وقتی گرفته می شود که مالیات مستقیم (که به آن اشاره خواهد شد) از عهده جلوگیری از انقلاب کشور برنیاید. در این موقع دولت هر قدر احتیاج داشت از مردم می گیرد، اگر صلاح دانست بعنوان قرض والا به عنوان مالیات غیر مستقیم و فوق العاده به مقدار نیازمندی کشور و البته از روی تقسیم عادلانه دریافت آن انجام می گیرد حتی اگر نیازمند تمام اموال توده شد، مقدار زائد از مخارج ضرورت را از آنها می گیرد و برای استقلال کشور اسلامی خرج می کند چنانکه در این موقع تمام افراد توده (مردم) به عنوان نظام اجباری باید در جبهه های جنگی حاضر شوند و برای استقلال کشور اسلامی فدا کاری کنند.

(مالیات مستقیم):

اما مالیاتهای مستقیم که برای اداره کشور و هزینه های احتیاطی و مصالح کشوری و لشکری به طور اجبار باید مردم به دولت بدهند چند گونه است:

۱. خراج: مالیاتی که از اراضی خراجیه گرفته می شود و آن اراضی کشورهای است که دولت اسلامی آنها را فتح کرده و در آنوقت که فتح کرده آن اراضی آباد بوده اند یعنی افتاده و موات نبوده اند.

۲. مالیات ۲۰٪ که همان خمس می باشد (توضیح مفصل آن در رساله های عملیه و کتب فقهی آمده است)

۳. مالیات جنس: که همان زکات می

باشد(توضیح مفصل این مطلب نیز در رسانه های عملیه و...)

۴. جزیه : که این مالیات بر نفوس و اراضی است که از اهل ذمه (یهودیه و مسیحیه که در پناه اسلام به سر می برند) گرفته می شود هر طور و هر قدر که دولت مقتضی بداند.

۵. ارث بلا وارث : از درآمدهائی که دولت به طور اجبار می گیرد، ارث کسانی است که بمیرند و وارث نداشته باشند، چه مسلم باشند و چه کافر حری باشند یا ذمی، که در این صورت کلیه اموال آنها (پس از مرگ) ضبط دولت می شود. و در مصالح مردم و کشور خرج می گردد.

با مراجعه به تاریخ اسلام و متون فقهی به منابع مالی بر می خوریم که برای تأمین هزینه ها و مخارج دولت اجرای برنامه ها و راه اندازی خدمات عمومی در سطح وسیع کفایت می کنند.

از دیدگاه حضرت امام خمینی "ره" خمس به عنوان مالیات در اختیار حاکم اسلامی قرار می گیرد : و حکومت بر مبنای مصالح اجتماعی نحوه توزیع و هزینه سازی آنرا تعیین می کند، در این راستا کلیه نیازمندان از جمله گروههای سه گانه متذکر در آیه ۴۱ از سوره انفال می بایستی تأمین شوند.

حضرت امام خمینی "ره" می فرماید : "مالیتهائی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که ریخته نشان می دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً خمس یکی از درآمدهائی هنگفتی است که به بیت المال می ریزد، طبق مذهب ما از تمام منافع کشاورزی، تجارت، منابع زیرزمینی و روزمینی و یا به طور کلی از کلیه منافع و عواید بطرز عادلانه ای گرفته می شود، به طوری که از سبزی فروشی درب این



مسجد تا کسی که به کشتیرانی اشتغال دارد یا معدن استخراج می کند همه را شامل می شود.

منظور از چنین مالیاتی فقط رفع احتیاج سید و روحانی نیست، بلکه قضیه مهمتر از اینهاست اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند باید با همین مالیاتهایی که داریم یعنی خمس وزکات که البته مالیات اخیر زیاد نیست، جزیه و خراجات... اداره می شود"<sup>۱</sup>

پس معلوم می شود خمس وزکات هم جزء مالیات است منتهی به طور عادلانه توسط حاکم اسلامی برای نیازمندان و فقرا و سادات نیازمند و تشکیل حکومت اسلامی و مخارج آن مصرف می شود. و این کاری است که قبلاً هم بوده و مورد تأیید ائمه معصومین "ع" می باشد.

و اما در خصوص سؤال شما عرض می کنیم که خمس وزکات حقی شرعی می باشد که مانند روزه و نماز و از طرف شارع مقدس بر کسانی که شرایط آن را دارند واجب شده است که آیات و روایات و دلائل زیادی "<sup>۱</sup>" هم بر آن اقامه شده که به نظر می رسد الآن جای بحث آنها نباشد.

و اما مالیات حقی حکومتی است که جهت هزینه های تأمین امنیت و حفظ کشور از تجاوزات داخل و خارج است تا مردم، کشور، ناموس و اموالشان در امنیت کامل باشند و همچنین برای کشیدن جاده ها، ساختن مدارس و بیمارستانها و سایر نیازهای اجتماع می باشد."<sup>۲</sup>

بیان این نکته نیز لازم است که بزرگان دین ما فرموده اند در صورتیکه ضرورتی برای جامعه اسلامی پیش آید و هیچ راهی برای حل آن، جز مالیاتهای جدید نباشد، حکومت اسلامی می تواند به مقدار لازم مالیات وضع کند و رعایت عدالت دینی در این امر واجب می باشد."<sup>۳</sup> و همچنین باید به این نکته توجه داشته باشیم که مالیات هیچگاه جزء خمس وزکات حساب نمی شود، و نمی توان آنرا

به جای خمس و زکات محسوب داشت هر چند ممکن است طبق نظر حاکم شرع و ولی فقیه عادل گاهی اوقات مورد مصرف آنها یکی شود و آنهم نیست مگر به خاطر مصلحت جامعه و مسلمانان، زیرا که مالیات مانند مال الاجاره ی منزل با اجرت دکتر و کارگر است. اگر شما مثلاً کارگری را استخدام کنید که کوچه شما را تمیز کند آیا هزینه ی آن از باب خمس حساب می شود یا مؤونه سال شما است؟ مصارف مالیات همه از این قبیل است."۴"

در آخر ضمن آرزوی موفقیت در علم و عمل خالصانه برای جنابعالی به استفتائی از مقام معظم رهبری "حفظه ا... " (ج ۲، اجوبه الاستفتائات ص ۳۵۵) اشاره می نمائیم :

س ۹۰۴ بعضی از افراد و شرکت ها و مؤسسات خصوصی و دولتی برای فرار از پرداخت مالیات و عوارضی که دولت مستحق دریافت آن است. از راههای مختلف مبادرت به مخفی کردن بعضی حقایق می کنند، آیا این کار برای آنها جائز است؟

جواب خودداری کردن از اجرای قوانین دولت اسلامی جمهوری اسلامی و عدم پرداخت مالیات و عوارض و سایر حقوق قانونی دولت اسلامی برای هیچکس جائز نیست.

منابع : رساله نوین، مسائل اقتصادی، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی آزادشیرازی، ص ۶۹ به بعد، تقریباً عین مطالب و فشرده آن (۱) و (۲) کتاب بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی "ره" ، ص ۱۳۷ به بعد

(۳)، (۴)، (۵)، (۶) فلسفه اسرار احکام، ج ۲، محمد وحیدی، به نقل از تفسیر نمونه ج ۸، وسائل الشیعه ج ۶، الفردوس الاعلی ص ۵۴

**۱ با اینکه ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد ولی هنوز اقتصاد ما الگو گرفته از غرب و بانک جهانی است لطفا بفرمایید چرا به مسائل کاربردی پرداخته نمی شود و برنامه اقتصاد اسلامی ارائه و اجرا نمی شود ؟ لطفا توضیح دهید**

**پرسش**

۱ با اینکه ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد ولی هنوز اقتصاد ما الگو گرفته از غرب و بانک جهانی است لطفا بفرمایید چرا به مسائل کاربردی پرداخته نمی شود و برنامه اقتصاد اسلامی ارائه و اجرا نمی شود ؟ لطفا

دلایلی که به ذهن من می رسد اینها است: (ممکن است ادله دیگری هم وجود داشته باشد، خودتان هم فکر کنید)

۱ برای این که در یک جامعه اقتصاد اسلامی اجرا شود، لازم است افرادی که با مفاهیم، موضوعات و احکام اسلامی آشنا هستند، در آن جامعه حضور داشته باشند. متأسفانه جامعه ما در ۲۵ سال گذشته از این نظر با کمبود شدید نیروهای فکری متخصص در اقتصاد اسلامی مواجه بوده است.

۲ علاوه بر این، برای این که یک نظام اقتصادی در یک جامعه حکمفرما شود، باید پیشاپیش مجموعه ای منظم و مدون از آموزه های آن نظام در اختیار برنامه ریزان اقتصادی جامعه باشد. با توجه به این که تقریباً در تمامی طول حیات اسلام، نظام اقتصادی آن مورد غفلت بوده و به جز در دوره ای کوتاه در صدر اسلام، نظام اقتصادی اسلامی در جامعه جریان نداشته است، لذا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دست دولتمردان از این نظر خالی بود و مجموعه ای منظم و مدون که به آن ها بگوید برای حاکم ساختن اقتصاد اسلامی چه باید بکنند در اختیار نداشتند. از آن زمان تاکنون در این زمینه کارهایی شده است و مطالعات خوبی درباره اقتصاد اسلامی به انجام رسیده ولی از نتایج مطالعات مزبور برای اسلامی کردن اقتصاد ایران بهره برداری بایسته نشده است. چرا بند ۳ را ببینید.

۳ در بند قبل گفتیم که در ۲۵ ساله گذشته تلاش های نظری برای اسلامی کردن اقتصاد ایران انجام شده ولی در مرحله عملی مورد بهره برداری قرار نگرفته است. علت های بلا استفاده ماندن تحقیقات مزبور و در نتیجه

جدا ماندن اقتصاد ایران از اقتصاد اسلامی از این قرارند:

اولاً- در بخشهایی از تاریخ بعد انقلاب، متأسفانه سکان اقتصاد کشور در دست کسانی بوده است که اعتقاد به چیزی به نام اقتصاد اسلامی نداشته اند و لذا به تحقیقاتی که در این زمینه انجام می شده واقعی نمی نهادند.

ثانیاً بروز مسائلی جدید در عرصه اقتصاد بین الملل که طبعاً آثار آن در ایران هم ظاهر می شد، در پاره ای از موارد نتایج تحقیقات قبلی را تحت الشعاع قرار می داد و کارایی آن ها کاهش می یافت. به عنوان مثال: قانون بانکداری بدون ربا که هنوز هم به طور کامل و دقیق اجرا نشده، با مسئله جدیدی در اقتصاد بین الملل مواجه شده که قادر به پاسخگویی به آن نیست و برای مواجهه با آن باید تحقیقات جدیدی انجام شود، این مسأله جدید، رواج روز افزون تجارت الکترونیک و پول الکترونیک است که به هر حال، ملاحظات خاص خودش را دارد و باید احکام اسلامی آن مورد مطالعه قرار گیرد.

۴ دلیل دیگر برای حاکم نشدن اقتصاد اسلامی این است که در جامعه ما متأسفانه زمینه فرهنگی لازم برای رواج اقتصاد اسلامی ایجاد نشده است. نمی توان یک نظام اقتصادی را به جامعه ای که به لحاظ فرهنگی هنوز آماده پذیرش آن نیست، تحمیل کرد. در این زمینه (فرهنگ سازی برای اقتصاد اسلامی) متأسفانه خیلی کم کار کرده ایم و کارنامه قابل قبولی نداریم.

۵ با این همه، یک نقطه روشن و امیدوارکننده وجود دارد و آن اراده جدی مسئولان نظام (مسئولان رده بالا) در همه سالهای پس از پیروزی انقلاب برای اسلامی کردن اقتصاد ایران

است. اگر این اراده نمی بود، همین قدر هم که پیش رفته ایم، جلو نمی رفتیم. و اگر این شعله همچنان فروزان بماند انشاءالله می توان امیدوار بود که تدابیر جدی برای فرهنگ سازی، نظریه پردازی و اجرای اقتصاد اسلامی اتخاذ شود.

انشاءالله

## نوسازی صنعتی در کشور ایران , کره و ژاپن تقریبا همزمان شروع شده است ولی آنها به پیشرفت اقتصادی دست یافته اند و ما هنوز مصرف کننده ایم ؟

### پرسش

نوسازی صنعتی در کشور ایران , کره و ژاپن تقریبا همزمان شروع شده است ولی آنها به پیشرفت اقتصادی دست یافته اند و ما هنوز مصرف کننده ایم ؟

### پاسخ

این مسئله دارای علل و عوامل متعددی است اگر در روند سازندگی کشورهایمانند ژاپن و کره که طی چندین دهه خود را از مرز یک کشور عقب افتاده به کشورهای توسعه یافته رسانده اند، مطالعه ای صورت گیرد الگویی از استراتژی آن ها استخراج می گردد که کم و بیش مراحل زیر را در بر دارد:

۱- اصلاحات وسیع با اولویت دادن در تخصیص منابع به نظام های آموزشی و تربیتی ؛

۲- تلاش سازمان یافته برای دست یابی به علم و تکنولوژی جدید و بومی سازی آن در چهار چوب نیازهای جامعه خود؛

۳- حرکت در چهار چوب برنامه ای منظم برای سامان دهی زیرساخت های اقتصادی ؛

۴- بازسازی بخش خصوصی توسط دولت در چهار چوب مصالح ملی ؛

۵- توجه به ارزش های ملی و هویت فرهنگی در انتخاب الگوی توسعه ؛

۶- شناخت دقیق واقعیات جامعه و درک امکانات و محدودیت های کشور؛

در اقدامات این کشورها عمدتاً " بهبود نقش انسانها در توسعه مورد توجه بوده است ؛ لذا اصلاحات را از نهادهای آموزشی و فرهنگی شروع کرده و به موازات آن نهادها و ساختارهای اجرایی را اصلاح کرده اند. ژاپنی ها زمانی که استراتژی توسعه خود را ترسیم می نمودند، آینده کشور را بر محور سه رشته عمده الکترونیک , انفورماتیک و بیوتکنولوژی سازمان دادند. این انتخاب بر اساس درک درست محدودیت های اساسی این کشور در زمینه مواد خام و انرژی و سمت گیری بر بنای

امکانات موجود بود؛ زیرا در این سه رشته تکیه گاه اساسی سرمایه های انباشته شده انسانی بود که ژاپنی ها سطح بسیار بالایی از آن را دارا بودند. (موثمنی، فرشاد، کالبدشناسی یک برنامه توسعه، ص ۴۴) در انتقال تکنولوژی و صنایع، بدون نیروی انسانی کارآمد و دانش لازم چیزی جز وارد کردن دستگاه، فن و تکنسین خارجی نخواهد بود، که خود به آفت مهارت زدایی از جمعیت بومی می انجامد؛ بنابراین مسئله اساسی سازگاری انتقال تکنولوژی با توسعه درون زاست توسعه ژاپن در زمینه های گوناگون از جمله صنعت بر آیند تقلید فنون وارداتی بیگانه نبود بلکه حاصل دو فرایند موازی و مستمر فرایندهای انطباق و نوآوری بود. تجربه ژاپن به خوبی نشان داد که از یک طرف انتقال تکنولوژی لزوماً "مستلزم تقلید صرف نیست و از سوی دیگر باید بر مبنای وفاق ملی توانایی ها و امکانات محلی چشم دوخت و به مشارکت مردم در اجرای توسعه درون زا توجه داشت. رعایت این نکات باعث رشد و نوآوری در عرصه های گوناگون صنعت، تکنولوژی و... در جوامعی مانند ژاپن، کره و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا شده است؛ در مقابل عدم پیشرفت و مشکلاتی که برخی از جوامع مانند ایران دارند بر اثر رعایت موارد فوق می باشد نگاهی گذرا به الگوهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی این واقعیت را آشکار می سازد که عدم انتخاب الگوهای صحیح و مناسب کشور را در مدارهای توسعه نیافتگی نگه داشته است. منابع در آمدی نفت این فرصت را فراهم ساخت که با

دلارهای نفتی اولویت اقدامات توسعه ای رژیم گذشته بدون توجه به نظام های فرهنگی و اصلاحات ساختاری از ساخت فیزیکی جامعه شروع شود. در آمدهای حاصل از صدور نفت خام در کنار وابستگی و فساد رژیم شاهنشاهی آثار نامطلوب متعددی در برداشت / از قبیل : ۱- ایجاد نظام بزرگ دولتی مصرف کننده منابع و مخرب سازندگی و توسعه / ۲- به وجود نیامدن نظام های آماری و اطلاعات برای شناخت تحولات جامعه در ابعاد مختلف به عنوان پشتوانه برای نظام های برنامه ریزی / ۳- به وجود نیامدن نظام های نظارتی و ارزش یابی / ۴- عدم شکل گیری بخش خصوصی سالم و فعال در خدمت منابع ملی / ۵- عدم انتقال علم و فن آوری مناسب با ساختارهای مختلف اقتصادی ، سیاسی ، مدیریتی و فرهنگی . متأسفانه این روند بعد از انقلاب اسلامی خصوصاً " بعد از جنگ تحمیلی ادامه یافت آثار نامطلوب خود را بر بخش های اقتصادی ، صنایع و ... بر جای نهاد. امید می رود با توجه به بازنگری ها اقداماتی در زمینه پیشرفت بخش صنعت و سایر بخش های کشور در حال اقدام می باشد شاهد پیشرفت و نوآوری های جدید متناسب با نیازها و ارزش های جامعه باشیم .

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- محمد تقی نظر پور، ارزشها و توسعه ، ص ۹۳

۲- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۵۴۹

۳- حسن بنیانیان ، مدلی بر آسیب شناسی انقلاب اسلامی ، ص ۱۴۳

## بیمه

### آیا بیمه عقد لازم است یا جایز؟

#### پرسش

آیا بیمه عقد لازم است یا جایز؟

#### پاسخ

این مسئله نیز در فقه مطرح است که اصل در همه عقود، لزوم است. اصل اولی در همه عقدها لازم بودن است، مگر اینکه دلیلی بر جایز بودن داشته باشیم. بنابراین اگر ما معامله بیمه را معامله بی مانعی تشخیصی دهیم، معامله غیر قابل برگشت هم هست؛ یعنی بیمه گر یا بیمه گزار حق ندارد بعد از بستن قرارداد معامله، آن را بهم بزند، مگر دو طرف حاضر بشوند که در این صورت اسم آن می شود اقاله یا تقاضیل، یعنی دو طرف می خواهند معامله را بهم بزنند. دو طرف، هر عقد لازمی را می توانند بهم بزنند، ولی خاصیت عقد لازم این است که یک طرف به تنهایی نمی تواند آن را بهم بزند. پس، از جمله خصوصیات عقد بیمه اگر بیمه را یک عقد جداگانه بدانیم این است که عقد لازم است.

**چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود؟**

چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود؟

## پاسخ

آنچه که بیمه را یک عمل معقول و مشروع می‌کند، نفس تعهد بیمه‌گر است. در بیمه، بیمه‌گر متعهد می‌شود که در صورت وقوع حادثه یا بروز خسارت، آن را جبران کند یا فلان مبلغ پول بدهد. این تعهد بیمه‌گر برای بیمه‌گذار ارزش دارد؛ یعنی بیمه‌گذار آدمی است که اگر این تعهد نباشد، همیشه یک حالت دلهره دارد که اگر حریق بیاید و مال التجاره من از بین برود من خاک نشین خواهم شد، اگر من فوت بکنم ورثه من چنین خواهند شد. یک حالت ناراحتی و اضطرابی دارد، دنبال کسب اطمینان می‌گردد. کار بیمه‌گر این است که به او تأمین می‌دهد؛ یعنی وقتی او متعهد شد که در صورت وقوع حادثه یا بروز خسارت، من جبران می‌کنم، آن اضطراب و ناراحتی بیمه‌گذار را از بین می‌برد. در زبان عربی بیمه را تأمین می‌گویند و این لغت بسیار خوبی بوده که برایش انتخاب کرده‌اند.

بیمه‌گر به بیمه‌گذار تأمین می‌دهد، امنیت خاطر می‌دهد. همین عمل ارزش دارد. اصلاً ارزش کار بیمه‌گر که در متن معامله قرار گرفته، پولی نیست که بعدها می‌خواهد پردازد که بگویید این پول مجهول است و چون مجهول است، عقد باطل است. آنچه که در اینجا ارزش دارد این است که بیمه‌گر متعهد می‌شود. این تعهد برای بیمه‌گذار ارزش دارد. بیمه‌گذار پول را در ازای این تعهد می‌دهد. ولی این تعهد، یک تعهد خالی نیست، تعهدی است که «الْمُوْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوْطِهِمْ» هر کس که تعهدی کرد باید به تعهد خود وفا



کند. لهذا فقها گفته اند اگر ما بخواهیم بیمه را داخل در یکی از عقود معمول در آوریم، نزدیکترین مسئله فقهی به مسئله بیمه، مسئله ضمان است، کتاب الضمان: (کتاب ضمانت) چون ضمانت تعهد است.

## چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود؟

### پرسش

چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود؟

### پاسخ

آنچه که بیمه را یک عمل معقول و مشروع می‌کند، نفس تعهد بیمه گر است. در بیمه، بیمه گر متعهد می‌شود که در صورت وقوع حادثه یا بروز خسارت، آن را جبران کند یا فلان مبلغ پول بدهد. این تعهد بیمه گر برای بیمه گذار ارزش دارد؛ یعنی بیمه گذار آدمی است که اگر این تعهد نباشد، همیشه یک حالت دلهره دارد که اگر حریق بیاید و مال التجاره من از بین برود من خاک نشین خواهم شد، اگر من فوت بکنم ورثه من چنین خواهند شد. یک حالت ناراحتی و اضطرابی دارد، دنبال کسب اطمینان می‌گردد. کار بیمه گر این است که به او تأمین می‌دهد؛ یعنی وقتی او متعهد شد که در صورت وقوع حادثه یا بروز خسارت، من جبران می‌کنم، آن اضطراب و ناراحتی بیمه گزار را از بین می‌برد. در زبان عربی بیمه را تأمین می‌گویند و این لغت بسیار خوبی بوده که برایش انتخاب کرده اند.

بیمه گر به بیمه گزار تأمین می‌دهد، امنیت خاطر می‌دهد. همین عمل ارزش دارد. اصلاً ارزش کار بیمه گر که در متن معامله قرار گرفته، پولی نیست که بعدها می‌خواهد پردازد که بگویید این پول مجهول است و چون مجهول است، عقد باطل است. آنچه که در اینجا ارزش دارد این است که بیمه گر متعهد می‌شود. این تعهد برای بیمه گزار ارزش دارد. بیمه گزار پول را در ازای این تعهد می‌دهد. ولی این تعهد، یک تعهد خالی نیست، تعهدی است که «الْمُوْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوْطِهِمْ» هر کس که تعهدی کرد باید به تعهد خود وفا

کند. لهذا فقها گفته اند اگر ما بخواهیم بیمه را داخل در یکی از عقود معمول در آوریم، نزدیکترین مسئله فقهی به مسئله بیمه، مسئله ضمان است، کتاب الضمان: (کتاب ضمانت) چون ضمانت تعهد است.

## آیا بیمه نوعی قمار نیست؟

### پرسش

آیا بیمه نوعی قمار نیست؟

### پاسخ

فقها هیچ احتمال نداده اند که بیمه داخل در باب قمار بشود و وجهی هم ندارد که ما بیمه را داخل در باب قمار بدانیم. صرف به خطر انداختن، ملاک قمار نیست. گفتیم [برای صحت یک معامله] باید آن استثناها وجود نداشته باشد. در باب معاملات، ریشه استثناها آن چیزی است که در آیه قرآن آمده که قمار هم یکی از مصداقهای آن است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» بقره/۱۸۸ مقصود این است که وقتی پول شما در میان شما گردش می کند، بیهوده گردش نکند؛ یعنی توأم باشد با یک هدف عقلایی به اصطلاح فقها. انسان یک وقت می بخشد؛ بخشیدن در مواردی یک کار انسانی است؛ یعنی یک نیاز انسانی است. انسان در موردی می خواهد که جود کرده باشد. این یک کار بیهوده نیست. یا وقتی انسان جنس خودش را به طرف می فروشد، در مقابل پول می گیرد. یا انسان پول می دهد در مقابل از معلم درس می گیرد. باز پول بیهوده گردش نکرده. ولی در مورد قمار و امور شبه قمار، پول از دست طرف بیرون می رود بدون اینکه چیزی کسب کرده باشد. از نظر شارع این پول بیهوده بیرون رفته است.

ولی در مورد بیمه اینطور نیست. بیمه یک هدف عقلایی دارد. انسان تأمین می گیرد و در مواردی اگر خسارتی یا حادثه ای پیش آید غیر از تأمین، پول هم می گیرد و بنابر این پولی که بیمه گزار می دهد هرگز مصداق «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» نیست.

## ربا و قرض الحسنه

### دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.

### پرسش

دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.

### پاسخ

یکی دیگر از کارهای مالی، که قرآن، به شدت، مسلمانان را از دست زدن به آن نهی فرموده، ربا خواری است. معامله ربوی، کم و بیش در همه زمان و در همه جوامع وجود داشته است و امروزه نیز وجود دارد به ویژه در عصر پیامبر اسلام این عمل

رواج بسیار داشته و یکی از مفاصد اقتصادی جامعه جاهلی بوده است.

برخورد قرآن با پدیده ربا خواری، بسیار تند و تهدید آمیز است و ما در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

(الذین يأكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربوا و احل الله البيع و حرم الربوا فمن جاءه موعظه من ربه فانتهى فله ما سلف و امره الى الله و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون) (۱)

((کسانی که ربا می خورند نمی ایستند (یا در قیامت از قبر بر نمی خیزند) مگر همانند کسی که با تأثیر شیطان دیوانه شده باشد این که (اینان) مرتکب ربا خواری می شوند، بدان علت است که می گویند (و معتقدند) که خرید و فروش هم مثل رباست و (چون خرید و فروش حلال است پس ربا هم حلال است) در صورتی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا خواری را حرام و منع کرده است. پس آن کسی که اندرز خداوند به او رسیده و (تحت تأثیر آن موعظه و اندرز) به این عمل زشت پایان داد، خداوند از گذشته او در گذرد و در پایان، سر و کارش با خدا باشد

و هر کس که به این عمل باز گردد، همراه آتش خواهد بود و در آن جاودان بماند.))

در جای دیگر می فرماید:

(يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرَبِّي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ) (۲)

((خداوند سود ربا خواری را نابود کرد و صدقات را فزونی بخشید و او مردم بی ایمان و گنهکار را دوست نمی دارد.))

و در آیه دیگر آمده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَاِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَبْتَغُوا فَلَکُمْ رِئُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ) (۳)

((ای کسانی که ایمان دارید، تقوای خدا پیشه کنید و دنباله ربا خواری را اگر واقعاً ایمان دارید، رها کنید و هر گاه ربا خواری را ترک نکردید در واقع به جنگ با خدا و رسول بر خاسته اید و اگر پیشیمان شدید، سرمایه اصلی شما مال خودتان باشد که در این صورت، نه کسی به شما و نه شما به کسی ستم می کنید.))

خداوند در یکی از آیات مذکور، در یک تشبیه یا در ضمن یک مثال، می گوید: ربا خوار جز همانند کسی که شیطان با او تماس حاصل کرده و دیوانه اش نموده است، بر نخیزد.

در تفسیر این آیه و تحلیل این تشبیه بعضی از مفسران گفته اند: منظور این است که ربا خوار در قیامت سر از قبر بر نمی دارد مگر همانند شخص دیوانه. او مبهوت، متحیر و دیوانه محسوس می شود؛ ولی بعضی دیگر گفته اند: این حالات بهت و دیوانگی، در همین دنیا برای ربا خوار حاصل می شود؛ یعنی

کسانی که به ربا خواری عادت کنند، در واقع، حالتی جنون آمیز پیدا خواهند کرد و دائماً در فکر چک و سفته هستند، حتی در خیابان هم که راه می روند، گویی در عالم دیگر سیر می کنند و متوجه خود و اطرافشان نیستند، بلکه همه هوش و حواس و فکر خود را به پول و سرمایه و سودش سپرده اند و ممکن است حالتشان در قیامت هم تحقق عینی همین وضع روحی در این عالم باشد قرآن با این تشبیه، مسلمانان را متوجه می کند که با دست زدن به ربا خواری، خود را به این وضع مبتلا نکنند تا عقل و هوش از سر آنها نرود.

پاورقی ۱: بقره ۲۷۵

پاورقی ۲: بقره ۲۷۶

پاورقی ۳: بقره ۲۷۸ و ۲۷۹

## رباخواری چه زیانها و خسارتهایی را بدنبال دارد؟

### پرسش

رباخواری چه زیانها و خسارتهایی را بدنبال دارد؟

### پاسخ

رباخواری، تعادل اقتصادی را در جامعه ها به هم می زند و ثروتها را در یک قطب اجتماع جمع می کند، زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می برند و زیانهای اقتصادی همه متوجه جمعی دیگر می گردد و اگر می شنویم و می بینیم فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان روز بروز بیشتر می گردد یک عامل آن همین است و بدنبال آن بروز جنگهای خونین است /

رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می کند و بذر کینه و دشمنی را در دلها می پاشد و در واقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول را می بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد /

اینجاست که بدهکار می فهمد که رباخوار، پول را وسیله بیچاره ساختن او و دیگران قرار داده است /

درست است که ربا دهنده در اثر احتیاج تن به ربا می دهد اما هرگز این بی عدالتی را فراموش نخواهد کرد و حتی کار بجایی می رسد که فشار پنجه رباخوار را هر چه تمامتر بر گلوی خود احساس می کند، این موقع است که سراسر وجود بدهکار، به رباخوار لعنت و نفرین می فرستد و تشنه خون او می شود /

این است که می گوئیم رباخاری از نظر اخلاقی، اثر فوق العاده بدی در روحیه وام گیرنده می گذارد و کینه او را دل خودش می یابد و پیوند تعاون و همکاری اجتماعی را بین افراد و ملتها سست می کند و در روایت اسلامی که در ضمن جمله کوتاه و پر معنایی، به اثر سوء اخلاقی ربا اشاره شده است:

در کتاب وسائل الشیعه در مورد علت تحریم ربا می خوانیم:

هشام بن سالم می گوید: امام

صادق(ع) فرمودند:

«خداوند ربا را حرام کرده تا مردم از کار نیک امتناع نورزند». {۱}

[۱]. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۲/

## وظایف مردم و دولت در مقابله با رباخواری چیست

### پرسش

وظایف مردم و دولت در مقابله با رباخواری چیست

### پاسخ

وظیفه مردم و دولت در مقابله با پدیده شوم رباخواری امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی است زیرا رباخواری از عوامل فساد در جامعه و به مخاطره افتادن عدالت اقتصادی و ایجاد اختلاف طبقاتی و گسترش فقر به شمار می رود.

امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر وظیفه حاکم را نظارت بر تجار و صاحبان صنایع می داند و می فرماید: "به کار آنان بنگر چه در آن جا باشند که به سر می بری و یا در شهرهای دیگر با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی اند که بخیل اند و در پی احتکارند. به سود خود می اندیشند و کالا را به هر بها که خواهند می فروشند و این سود جویی زیانی برای همگان است" [۱]

بر این اساس در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب رشوه اختلاس سرقت قمار... و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. متأسفانه این اصل قانون اساسی به درستی اجرا نشده است و باید اجرای آن را از دستگاه حکومتی مطالبه کرد.

وظیفه مردم نیز، امر به معروف و نهی از منکر با در نظر گرفتن مراحل و مراتب آن است اگر دولت در این راستا قصوری دارد این عذر و دلیل موجهی برای بی تفاوتی مردم نمی شود؛ زیرا مسئولیت

نهی از منکر تنها متوجه دولت نیست بلکه عموم مردم اعم از دولتمردان و آحاد جامعه در قبال گناه شرعاً مسئولیت دارند. [۱] نهج البلاغه نامه ۵۳.

## در خصوص رواج ربا که عامل اصلی آن عملکرد بسیار بد بانکها و کارمزدهای سنگین می باشد، چرا کاری صورت نمی دهید؟!

### پرسش

در خصوص رواج ربا که عامل اصلی آن عملکرد بسیار بد بانکها و کارمزدهای سنگین می باشد، چرا کاری صورت نمی دهید؟!

### پاسخ

ربا یک کار حرام است و از گناهان کبیره شمرده می شود، ولی آنچه در بانک ها صورت می گیرد، در قالب عقود اسلامی است. در این قالب ربایی وجود ندارد، چون بانک ها در نظام جمهوری اسلامی بر مبنای رعایت ضوابط اسلامی و در قالب عقود اسلامی مثل مضاربه و جعاله با شهروندان قرار داد می بندند. در قراردادهایی که مبنای آن عقد اسلامی است، اضافه ای که داده یا گرفته می شود، ربا تلقی نمی گردد. در عین حال طرف های قرار داد با بانک باید بر اساس آن عنوانی که پول را دریافت کرده یا می سپارند، عمل نمایند، مثلاً وام مضاربه را برای همان مورد به کار اندازند.

اما از بُعد دیگر به نظر می رسد میزان کارمزدها و درصدهایی که بانک ها بابت مشارکت و عقود اسلامی می گیرند، اگرچه به لحاظ شرعی اشکالی ندارد، اما به لحاظ میزان بالای آن، بر مردم فشار وارد می کند. امید است برنامه ریزان اقتصادی در راستای حمایت از حقوق مردم، میزان سود بانکی را کاهش و تسهیلات بانکی را با نرخ معقول و مناسب در اختیار مردم قرار دهند.

## دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

### پرسش

دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

### پاسخ

اساساً قرآن سود گرفتن از قرض را ظلم می داند. و می دانیم که ظلم، یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوز. البته مجوز طبیعی نه مجوز قانونی. در واقع عدل هم یعنی به هر مستحقى آنچه را که استحقاق دارد دادن. و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می کند و به قول ما اصلاً نامشروع می داند.

«الَّذِينَ يُتَفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سَوَاءً وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بقره/۲۷۴ این آیه از انفاق و نیکوکاری شروع می شود و از همین جا گفتیم استشمام می شود که نظر به همان وامهای به اصطلاح در ماندگی



است. بعد بلافاصله می فرماید:

«لَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» بقره/۲۷۵ آنها که ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند کسی که شیطان او را مس کرده؛ یعنی مانند مجنون و جن زده و آدمی که عقل و هوش و فکرش را از دست داده. قرآن می خواهد بگوید، رباخواری کأنه تأثیری در فکر و هوش می کند، انسان را دیوانه می کند. این به موجب آن است که گفتند: «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» گفتند چه فرقی می کند که انسان خرید و فروش کند یا ربا بخورد «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» ولی این جور نیست، خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام.

«فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا

سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ» مقصود این است که اگر موعظهای درباره ربا بیاید و منتهی بشود یعنی از این ساعت دیگر توجه به دستور بکنند، «فَلَهُ مَا سَلَفَ» گذشته‌ها همه محو شده، گذشته‌ها گذشته. «وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ» یعنی در دنیا از او پس نگیرید. «وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» کسانی که بعد از نزول این آیه بخواهند ربا بگیرند مستحق آتشاند. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُزِيْبِي الصَّدَقَاتِ» خدا ربا را محو می‌کند (در واقع یعنی بی برکتی را متوجهش می‌کند) و به عکس صدقات را نمو می‌دهد. «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» در اینجا رباخوار به کفار و اثیم تعبیر شده.

## دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

### پرسش

دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

### پاسخ

اساساً قرآن سود گرفتن از قرض را ظلم می‌داند. و می‌دانیم که ظلم، یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوز. البته مجوز طبیعی نه مجوز قانونی. در واقع عدل هم یعنی به هر مستحقى آنچه را که استحقاق دارد دادن. و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می‌کند و به قول ما اصلاً نامشروع می‌داند.

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بقره/ ۲۷۴ این آیه از انفاق و نیکوکاری شروع می‌شود و از همین جا گفتیم استشمام می‌شود که نظر به همان وامهای به اصطلاح درماندگی است. بعد بلافاصله می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقَوْمُونَ إِلَّا كَمَا يَقَوْمُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» بقره/ ۲۷۵ آنها که ربا می‌خورند بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که شیطان او را مس کرده؛ یعنی مانند مجنون و جن زده و آدمی که عقل و هوش و فکرش را از دست داده. قرآن می‌خواهد بگوید، رباخواری کأنه تأثیری در فکر و هوش می‌کند، انسان را دیوانه می‌کند. این به موجب آن است که گفتند: «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» گفتند چه فرقی می‌کند که انسان خرید و فروش کند یا ربا بخورد «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» ولی این جور نیست، خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام.

«فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا

سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ» مقصود این است که اگر موعظهای درباره ربا بیاید و منتهی بشود یعنی از این ساعت دیگر توجه به دستور بکنند، «فَلَهُ مَا سَلَفَ» گذشته ها همه محو شده، گذشته ها گذشته. «وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ» یعنی در دنیا از او پس نگیرید. «وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» کسانی که بعد از نزول این آیه بخواهند ربا بگیرند مستحق آتش اند. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلِ الصَّدَقَاتِ» خدا ربا را محو می کند (در واقع یعنی بی برکتی را متوجهش می کند) و به عکس صدقات را نمو می دهد. «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» در اینجا رباخوار به کفار و اثیم تعبیر شده.

## دیدگاه فقها در مورد ربای معاملی چیست؟

### پرسش

دیدگاه فقها در مورد ربای معاملی چیست؟

### پاسخ

میان فقها اختلاف است. در هر مذهبی از مذاهب اهل تسنن یک نظر است و در میان شیعه هم، معروف یک نظر است. بحثی که در میان فقها مطرح است این است که آیا ربای معاملی، مثل ربای قرضی در مطلق اشیاء حرام است؟ بعضی گفته اند: بله در مطلق اشیاء حرام است. بعضی هم محدودش کرده اند. معروف در میان شیعه این است که در مورد مکیل و موزون حرام است؛ یعنی در مورد اجناسی که با کیل و وزن فروخته می شوند، ربای معاملی جاری است و در غیر اینها ربای معاملی جاری نیست. البته شک نیست که در بعضی چیزها اساساً ربای معاملی معنی ندارد، مثل اسب، چون ارزش اسب به کمیت آن نیست و ربا به کمیت بر می گردد. بسا هست که ارزش یک اسب معادل است با ده اسب دیگر. در مورد چیزهایی که ارزش آنها تابع کمیتشان نیست، معنی ندارد که ربای معاملی حرام باشد. و گاهی نتیجه معکوس می دهد؛ مثلاً اگر بگوییم یک اسب را با دو اسب معامله کردن ربا است، معنایش این است که کسی که یک اسب می دهد و دو اسب می گیرد، ربا خورده است در حالی که بسا هست که یک اسب به تنهایی بیش از دو اسب ارزش داشته باشد و آن که ربا خورده است آن کسی است که یک اسب گرفته نه آن کسی که دو اسب گرفته است.

بنابراین آن طور که بعضی اهل تسنن گفته اند که در مطلق اشیاء ربای معاملی هست، حرف درستی نیست. در واقع آنچه که در فقه

شیعه و فقه اهل تسنن در این باره آمده، همه، تفاسیری است بر یک سلسله روایاتی که از پیغمبر اکرم رسیده است. اگر انسان ابتدا به آن سلسله روایات که از پیغمبر اکرم در مورد ربای معاملی رسیده توجه کند بعد روایات شیعه را ببیند که در مقام توضیح آنهاست، مطلب کاملاً روشن می شود و علت اشتباه هم این بوده که به روایات نبوی که در کتب اهل سنت است توجه نشده. در نتیجه به این مطلب رسیده‌اند که فقط مکیل و موزون خصوصیت دارد و مثلاً در معدود، ربای معاملی جاری نیست. فقهای که گفته‌اند فقط در مکیل و موزون ربا هست، مثلاً اگر صد من گندم را بفروشیم به صد و بیست من، رباست، ولی در معدودات ربا نیست، گفتارشان قهراً این شبهه را به وجود می آورد که اگر هزار تومان اسکناس به هزار و صد تومان اسکناس فروخته شود ربا نیست، چون اسکناس مکیل و موزون نیست و معدود است. قهراً این سؤال پیش می آید که حکمت و فلسفه حرمت ربا هر چه باشد، چه فرقی است میان «مکیل و موزون» و معدود؟ البته معدودهایی که ملاک ارزش آنها کمیت نیست؛ مثل اسب همین طور است، ولی میان معدودهایی که ارزش آنها به کمیت است و مکیل و موزون، در این جهت فرقی نیست. نتیجه این شده که گفته‌اند اجناسی که مورد معامله واقع می شود دو قسم است: یا مکیل و موزون است و یا چنین نیست، و ربای معاملی در مکیل و موزون جایز نیست، در غیر مکیل و موزون جایز است. دو مقدمه هم که اینجا ثابت شد:

یکی اینکه اسکناس خودش مالیت دارد، پس خودش می تواند طرف معامله واقع شود. اسکناس مثل ورقه سفته نیست. سفته را می گویند سند است ولی اسکناس خودش پول است و لذا سند سفته را نمی شود خرید و فروش کرد ولی اسکناس را می شود. مقدمه دوم اینکه ربای معاملی اختصاص دارد به مکیل و موزون و در غیر آن جاری نیست. در معدوداتی هم که ارزش آنها به کمیتشان بستگی دارد، ربای معاملی مانعی ندارد. نتیجه‌های که می گیرند این است که پس خرید و فروش اسکناس بلامانع است.

## دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرماید.

### پرسش

دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرماید.

### پاسخ

یکی دیگر از کارهای مالی، که قرآن، به شدت، مسلمانان را از دست زدن به آن نهی فرموده، ربا خواری است. معامله ربوی، کم و بیش در همه زمان و در همه جوامع وجود داشته است و امروزه نیز وجود دارد به ویژه در عصر پیامبر اسلام این عمل رواج بسیار داشته و یکی از مفساد اقتصادی جامعه جاهلی بوده است.

برخورد قرآن با پدیده ربا خواری، بسیار تند و تهدید آمیز است و ما در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

(الذین يأكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذی يتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا و احل الله البیع و حرم الربوا فمن جائه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فیها خالدون) (۱)

((کسانی که ربا می خورند نمی ایستند (یا در قیامت از قبر بر نمی خیزند) مگر همانند کسی که با تأثیر شیطان دیوانه شده باشد این که (اینان) مرتکب ربا خواری می شوند، بدان علت است که می گویند (و معتقدند) که خرید و فروش هم مثل رباست و (چون خرید و فروش حلال است پس ربا هم حلال است) در صورتی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا خواری را حرام و منع کرده است. پس آن کسی که اندرز خداوند به او رسیده و (تحت تأثیر آن موعظه و اندرز) به این عمل زشت پایان داد، خداوند از گذشته او در گذرد و در پایان، سر و کارش با خدا باشد

و هر کس که به این عمل باز گردد، همراه آتش خواهد بود و در آن جاودان بماند.))

در جای دیگر می فرماید:

(يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كِلَافًا أَثِيمًا) (۲)

((خداوند سود ربا خواری را نابود کرد و صدقات را فزونی بخشید و او مردم بی ایمان و گنهکار را دوست نمی دارد.))

و در آیه دیگر آمده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَاِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاِن تَبْتَغُوا فَلَئِن رَّوَيْتُمْ بُرُؤًا يَوْمَ تَبْتَلُونَ أَمْوَالَكُم مَّا تَلْمِزُونَ وَاِن تَكُنُونَ مِّنَ الْمُتْلَمِزِينَ) (۳)

((ای کسانی که ایمان دارید، تقوای خدا پیشه کنید و دنباله ربا خواری را اگر واقعاً ایمان دارید، رها کنید و هر گاه ربا خواری را ترک نکردید در واقع به جنگ با خدا و رسول برخاسته اید و اگر پیشیمان شدید، سرمایه اصلی شما مال خودتان باشد که در این صورت، نه کسی به شما و نه شما به کسی ستم می کنید.))

خداوند در یکی از آیات مذکور، در یک تشبیه یا در ضمن یک مثال، می گوید: ربا خوار جز همانند کسی که شیطان با او تماس حاصل کرده و دیوانه اش نموده است، بر نخیزد.

در تفسیر این آیه و تحلیل این تشبیه بعضی از مفسران گفته اند: منظور این است که ربا خوار در قیامت سر از قبر بر نمی دارد مگر همانند شخص دیوانه. او مبهوت، متحیر و دیوانه محسوس می شود؛ ولی بعضی دیگر گفته اند: این حالات بهت و دیوانگی، در همین دنیا برای ربا خوار حاصل می شود؛ یعنی

کسانی که به ربا خواری عادت کنند، در واقع، حالتی جنون آمیز پیدا خواهند کرد و دائماً در فکر چک و سفته هستند، حتی در خیابان هم که راه می روند، گویی در عالم دیگر سیر می کنند و متوجه خود و اطرافشان نیستند، بلکه همه هوش و حواس و فکر خود را به پول و سرمایه و سودش سپرده اند و ممکن است حالتشان در قیامت هم تحقق عینی همین وضع روحی در این عالم باشد قرآن با این تشبیه، مسلمانان را متوجه می کند که با دست زدن به ربا خواری، خود را به این وضع مبتلا نکنند تا عقل و هوش از سر آنها نرود.

پاورقی ۱: بقره ۲۷۵

پاورقی ۲: بقره ۲۷۶

پاورقی ۳: بقره ۲۷۸ و ۲۷۹

### با توجه به آیه ۲۴۵ سوره بقره اهمیت و جایگاه قرض الحسنه و تفاوت آن با صدقه را بنویسید.

#### پرسش

با توجه به آیه ۲۴۵ سوره بقره اهمیت و جایگاه قرض الحسنه و تفاوت آن با صدقه را بنویسید.

#### پاسخ

خداوند متعال می فرماید: "مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ" (بقره ۲۴۵) کیست آن کس که به [بندگان خدا و ام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان تنگی و گشایش پدید می آورد] و به سوی او بازگردانده می شوید."

منظور از "قرض الحسنه در آیه مذکور، دادن وام و انفاق کردن و... به برادر دینی می باشد برخی از مفسران برای حسنه شدن قرض مواردی را بیان کرده اند، از جمله

۱. قرض الحسنه از مال حلال و سالم باشد.

۲. بی منت بی ریا و همراه با عشق و ایثار پرداخت شود.

۳. برای مصرف ضروری باشد.

۴. سریع پرداخت شود.

۵. قرض دهنده خداوند متعال را بر این توفیق شکرگزار باشد.

... (ر.ک مجمع البیان مرحوم طبرسی، ج ۹، ص ۳۹۰، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت / تفسیر نور، محسن قرائتی ج ۱،

اما فرق قرض الحسنه با صدقه در قرض الحسنه انسان مالی را که به دیگری می دهد، دوباره پس از مدتی پس می گیرد و بر قرض گیرنده نیز واجب است در وقت معین مال قرض گرفته شده را به صاحبش برگرداند، ولی در صدقه چنین نیست یعنی چیزی که صدقه داده شد، چنین نیست که دوباره به دست صاحبش برگردد، بلکه چون این مال بخشش



بدون عوض است بر صدقه گیرنده نیز لازم نیست صدقه را برگرداند و یا در عوض آن کاری انجام دهد.

۲. در ثواب نیز این دو با هم تفاوت دارند، زیرا ثواب صدقه نزد خداوند متعال ده برابر است ولی پاداش قرض الحسنه هجده برابر می باشد. در روایتی از امام صادق چنین می خوانیم " بر در بهشت نوشته شده است که پاداش صدقه ده برابر، ولی پاداش قرض دادن هجده برابر است " (وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۱۶، ص ۳۱۸، نشر مؤسسه آل البیت .)

اهمیت و جایگاه قرض الحسنه

قرض الحسنه نسبت به صدقه از جایگاه بالاتری برخوردار است بعضی از جهت های امتیاز آن قرض الحسنه عبارت است از:

۱. در قرض الحسنه مال به دست کسی می رسد که به آن نیاز دارد، زیرا انسان بی نیاز قرض نمی گیرد، برخلاف صدقه که ممکن است به دست انسان بی نیاز بیفتد. امام صادق در این باره می فرماید: " پاداش قرض از این رو از پاداش صدقه بیش تر است که قرض گیرنده جز از روی نیاز قرض نمی گیرد، ولی صدقه گیرنده گاهی با این که نیاز ندارد، صدقه می گیرد. " (همان)

۲. در قرض الحسنه عزت نفس قرض گیرنده از بین نمی رود، ولی صدقه گیرنده با گرفتن صدقه به گونه ای رفته رفته عزت نفس خود را از دست می دهد و نفس او به پستی می گراید.

۳. قرض الحسنه سبب می شود که شخص قرض گیرنده به تلاش و فعالیت وادار شود تا بتواند قرض خود را ادا کند، که این خود باعث

رونق اقتصادی و شکوفایی خلاقیت ها و استعدادها می شود، ولی در صدقه گیرنده از آن جا که انگیزه ای برای رد مال ندارد چنین تلاشی مشاهده نمی شود. البته این موارد و موارد دیگر، تنها امتیاز قرض الحسنه را در شرایط مساوی اثبات می کند و گرنه گاهی اوقات رفع معضلات اجتماعی در انفاق و صدقات منحصر است

### چه راههایی برای جلوگیری از رباخواری پیشنهاد می کنید؟

#### پرسش

چه راههایی برای جلوگیری از رباخواری پیشنهاد می کنید؟

#### پاسخ

گسترش دادن قرض الحسنه ها و نیز بیان مفسد ربا و گناه آن، از جمله راه های جلوگیری از رباخواری است.

### سایر مباحث اقتصاد

### آیادر جامعه اسلامی که از افراد جامعه مالیاتهای شرعی دریافت می شود دریافت مالیاتهای دولتی ضرورتی دارد یا نه ؟

#### پرسش

آیادر جامعه اسلامی که از افراد جامعه مالیاتهای شرعی دریافت می شود دریافت مالیاتهای دولتی ضرورتی دارد یا نه ؟

#### پاسخ

ضرورت دریافت مالیاتهای دولتی را براساس نیاز حکومت باید بررسی نمود، آنچه مشخص است اینکه اگر مالیاتهای شرعی مثل خمس و زکوة و . . . کاملاً دریافت شود و نیازهای دولت و حکومت اسلامی با آنها برطرف شود ، مالیات دولتی ضرورتی ندارد کما اینکه حضرت امام (ره) در یک سخنرانی خود در سال ۱۳۵۸ فرمودند: "اگر یک روزی هم انشاءالله توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم دیگر در مالیاتها هم هیچ احتیاج به اینکه یک چیز دیگری زائد بر آن باشد ، نداشته باشیم" و خود ایشان در سال ۶۰ با استناد به مخارج یک روز جنگ اصرار بر گرفتن مالیات دارند که نیازهای نظام برطرف شود ، کما اینکه روایتی دارد که "وضع امیر المؤمنین (ع) علی الخیل العتاق الراعیه فی کل فرس فی کل عام دینارین وجعل علی البرازین دیناراً" حضرت برگله اسبهای نجیب که در بیابان می چرند دو اسب ۲ دینار در هر سال و بر اسبهای معمولی یک دینار مالیات وضع نمود" ۱

(۱) وسائل الشیعه ، چاپ جدید ، ج ۶ ، ص ۵۱

**در صورتیکه قیمت نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سقف خود رسیده است و درآمد ایران از صادرات نفت و دیگر اجناس بالا رفته است این درآمدها به کجا می رود که سوب سیدها برداشته شود و قیمت مصالح ساختمان و دیگر اجناس به حدی رسیده که دیگر ساخت و ساز انجام نمی شود ک**

در صورتیکه قیمت نفت در بازارهای جهانی به بالا-ترین سقف خود رسیده است و درآمد ایران از صادرات نفت و دیگر اجناس بالا رفته است این درآمدها به کجا می رود که سوب سیدها برداشته شود و قیمت مصالح ساختمان و دیگر اجناس به حدی رسیده که دیگر ساخت و ساز انجام نمی شود که خود باعث بیکاری تعداد زیادی از مردم شده است؟

اگر چه قیمت نفت نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته و درآمد ایران از صادرات آن نیز بالا رفته است ولی این افزایش در مقایسه با تورم جهانی که در طی سالیان متمادی وجود داشته است ناچیز است. لابد شما شنیده اید که در رژیم گذشته روزانه نفت ایران روزانه به ۰۰۰/۰۰۰/۶ بشکه نفت صادرات می شده و بشکه ای بیش از ۳۰ دلار به فروش می رفته است این در حالی است که صادرات نفت ایران روزانه به ۰۰۰/۰۰۰/۲ بشکه کاهش یافته و قیمت ها هم نسبت به آن زمان کاهش یافته است در حال حاضر که همه می گویند قیمت ها بالا رفته نسبت به ۲۵ سال قبل هنوز هم پایین است. هنوز هم نفت ایران بشکه ای ۳۰ دلار به فروش نمی رسد بلکه در شرایط مطلوب ۲۷۲۸ و حتی اگر بالاتر هم بشود باز نسبت به قبل از انقلاب اسلامی پایین است. آیا در طول ۲۵ سال گذشته تورم جهانی چند درصد بوده است آیا متناسب با تورم قیمت نفت در طول این سالیان بالا رفته است قطعاً خواهید گفت نه تنها نسبت به افزایش قیمت ها و تورم قیمت نفت بالا- نرفته بلکه به نسبت آن زمان هم قیمت ها کاهش یافته و هم میزان صادرات به یک سوم تنزل یافته است. تازه

اگر فرض بگیریم که تورم جهانی وجود نداشته و قیمت‌ها ثابت مانده‌اند و نفت هم به همان قیمت آن زمان فروخته شود و باز هم درآمد ایران از صادرات نفت به یک سوم کاهش یافته زیرا میزان صادرات هم تقلیل یافته است بنابراین نه تنها درآمد ایران نسبت به ربع قرن گذشته افزایش نیافته بلکه کاهش نیز یافته است. از یک طرف درآمد نفتی به یک سوم تقلیل یافته و از سوی دیگر تورم جهانی وجود داشته است. مضاعف بر همه اینها جمعیت ایران نسبت به آن زمان حدوداً سه برابر شده است.

حال تصور کنید اداره کشور با شرایط مذکور چقدر سخت و مشکل خواهد بود. مشکل عمده و اساس بیکاری و ... در اینجا است که درآمدهای ارزی تنزل یافته، تورم افزایش یافته و جمعیت هم به صورت سرسام آوری افزایش یافته است، طبیعی است که کشور دچار بحران می‌شود: بحران ازدواج جوانان یکی از آنهاست. سن ازدواج بالا رفته و به مرز ۳۰۳۵ سال رسیده است. سالانه ۵۰۰ هزار جوانان از ازدواج باز می‌مانند. مسکن و سرپناه زندگی برای جوانان و افرادی که تازه تشکیل خانه می‌دهند با نداشتن شغل و درآمد مناسب از دیگر مشکلات عمده است. و بالاتر از همه شغل و رفع بیکاری. دولت در شرایط کنونی با توجه به میزان درآمدش، تورم جهانی و افزایش آمار جوانان جویای کار قادر نیست پاسخگوی قشر عظیمی از جوانان و ... بیکار باشد و درآمد و امکانات دولت در حدی نیست که بتواند برای این سیل گسترده و وسیع بیکاران شغل و کار ایجاد کند. حتی اگر هم بودجه مملکت را بطور کامل صرف

ایجاد اشتغال نماید باز هم افراد بیکار صاحب کار نمی شوند و بودجه فعلی کشور جوابگوی این مهم نیست تازه آیا امکان دارد تمام بودجه را صرف اشتغال زایی کرد. پس نیازهای اساسی مردم و خدمات مورد نیاز مصرفی چه میشود؟

آیا می توان یارانه نان را حذف کرد، در این صورت قحطی و گرسنگی جان بسیاری از افراد را تهدید خواهد کرد. مضاف بر همه اینها که توصیه می کنیم درباره آن تعمق و تفکر کنید اقتصاد کشور ما اقتصاد بیماری است و به این سادگی ها هم بیماری آن بر طرف نمی شود، رفع کسالت و بیماری از پیکره اقتصاد کشور مستلزم عزم ملی و تلاش همگانی است که امیدواریم روزی محقق شود. البته دولت و مسئولان با همه مشکلات تلاش می کنند بخشی از فشارها را از مردم بردارند و همانطور که شنیده اید در دولت و قوه قضاییه مصمم هستند با افزایش قیمت های بی رویه مقابله نمایند. امیدواریم تلاشهای دولت و ملت برای احیاء اقتصاد بیمار کشور روزی نتیجه و ثمر دهد. انشاء...

### **آیا این گرانی باعث نمی شود که فشار بر طبقه مستضعف بیاید وعده ای از مردم بدبین بشوند؟**

#### **پرسش**

آیا این گرانی باعث نمی شود که فشار بر طبقه مستضعف بیاید وعده ای از مردم بدبین بشوند؟

#### **پاسخ**

مسأله گرانی عوامل متعددی دارد از جمله:

- ۱- تاثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی.
- ۲- از نظر اقتصادی توسعه یکی از عوامل مهم تورم است زیرا سرمایه گذاری های کلانی را می طلبد ولی در عین حال گریزی از آن نیست و بدیهی است بدون آن آینده شکوفایی نمی توان داشت.
- ۳- تحریم اقتصادی و موانع متعددی که استکبار جهانی فرا راه رشد اقتصادی کشورمان ایجاد می کند.
- ۴- کاهش تولید نفت و کاهش بسیار شکننده قیمت آن. آن هم با توجه به این که اقتصاد ما اتکای بیش از حد به نفت دارد.
- ۵- مخارج سنگین بازسازی.
- ۶- الگوی نامناسب مصرف و گرانش شدید جامعه به تجمل و اسراف.
- ۷- کاهش ارزش ریال در برابر دلار.
- ۸- رشد بی رویه جمعیت و افزایش شدید «تقاضا» در حالی که سطح «عرضه مناسب» با آن نتوانسته رشد کند.
- ۹- افزایش نقدینگی در بین مردم. اینها همه عواملی است که روی هم رفته می تواند اقتصاد یک جامعه را فلج کند و چنان

فشاری بر جامعه وارد آورد که نظام زندگی انسان ها را به کلی واژگون سازد.

در برابر این مشکلات دولت فعالیت بسیاری نموده و بیش از هر چیز بر گسترش تولید داخلی تکیه کرده که نقش مهمی در شکوفایی آینده اقتصاد ایفای کند. البته در میان خدمات بسیار دولت گاهی برخی از سیاست های نامناسب نیز تاثیر منفی داشته ولی در محاسبه کلی و مقایسه مشکلات و نتایج حاصله می توان نتیجه گرفت که در کل دولت توانسته است اقتصاد جامعه را از پرتگاه خطرناک سقوط نجات بخشد.

## آیا کاهش در معاملات بازار بورس امریکا، باعث رکود در معاملات بورس کشورهای معتبر می شود؟

### پرسش

آیا کاهش در معاملات بازار بورس امریکا، باعث رکود در معاملات بورس کشورهای معتبر می شود؟

### پاسخ

در جهان پیشرفته فعلی گرچه کشورها از یکدیگر جدا و دارای مرزهای جغرافیایی هستند، اما همان طور که ارتباطات و فرهنگ ها مرز نمی شناسد، اقتصاد در تمامی کشورها متأثر از یکدیگر است، گو این که مرزهای جغرافیایی تا حدی مانع تأثیر گذاری می شود. بازار بورس هر کشور، مربوطه به همان کشور است، اما غیر مستقیم بر سایر بازارها اثر می گذارد، مثلاً اگر در بازار بورس امریکا با لندن، سهام کارخانه ماشین سازی در معرض فروش گذارده شود، در کشورهای دیگر که به آن ها وابستگی دارند، تأثیر می گذارد.

## نقدینگی چیست ؟

### پرسش

نقدینگی چیست ؟

### پاسخ

نقدینگی و پول هر کشور یا هر شخص حقیقی یا حقوقی، معیار ارزش و توانمندی اقتصادی است. در زمان های قدیم به جای پول، غلات و تنباکو و بسته های چای و گوسفند و غیره، معیار سنجش و واحد ارزش در مبادلات بود ولی به علت مشکلات فراوان، به جای آن ها طلا و نقره را انتخاب کردند و ارزش هر چیزی را با طلا و نقره می سنجیدند. در زمان های اخیر پول معیار ارزش قرار گرفت. پول چه اسکناس و چه چک باید از پشتوانه مالی برخوردار یا ارزش واقعی داشته باشند. (۱)

پاورقی ۱. دکتر باقر قدیری، کلیات علم اقتصاد، ص ۱۹۳

## رابطه قیمت نفت با بازار طلا و ارز چگونه است ؟

## پرسش

رابطه قیمت نفت با بازار طلا و ارز چگونه است؟

## پاسخ

قیمت نفت و نوسانات آن رابطه مستقیمی با تقاضا دارد. هر چه کشورها و شرکت های تقاضا کننده و هر جامعه به صنعت و تکنیک های مربوط به نفت بیشتر باشد، قیمت نفت بیشتر خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل قیمت نفت، کمبود این مایه حیاتی است هر چه مقدار نفت در بازار کم تر یافت شود، قیمت نفت بالا می رود.

عدم امنیت حمل و نقل و مشکلات آن از عوامل گرانی قیمت نفت است.

بازار طلا- و ارز، مقدار ارزش بازار و وسیله مبادله و داد و ستد می باشد و باعث ارزش و توان اقتصادی هر کشور است. بنابراین رابطه قیمت نفت با بازار طلا و ارز رابطه مستقیم است.

## افزایش و کاهش ارزش سهام به چه بستگی دارد؟

## پرسش

افزایش و کاهش ارزش سهام به چه بستگی دارد؟

## پاسخ

تقاضا و عدم تقاضا؛ نقدینگی موجود؛ امنیت اقتصادی؛ رقابت و عدم رقابت؛ بنيه و توانایی اقتصادی مردم؛ بازار داشتن سهام عرضه شده؛ توزیع صحیح و کارآمد؛ ضریب فزاینده یا ضریب افزایش صادرات و واردات. (۱)

(پاورقی ۱. دکتر باقر قدیری، کلیات علم اقتصاد).

## در مورد بازار بورس و سهام توضیح دهید و حکم شرعی آن را بیان کنید.

## پرسش

در مورد بازار بورس و سهام توضیح دهید و حکم شرعی آن را بیان کنید.

## پاسخ

بورس سازمانی است برای خرید و فروش یا مبادله اوراق بهادار یا کالاها.

در جهان سرمایه داری، بورس یکی از وسایل مهم تسهیل تأمین سرمایه برای شرکت های صنعتی و بازرگانی است. در بورس کالا، اغلب معاملاتی که روی کالاها می شود، به صورت قول و وعده و تعهد است، زیرا غالباً کالای مورد معامله در دسترس خریدار نمی باشد. خریدار و فروشنده به وسیله دلال مخصوص، تعهداتی می کنند و چند روز بعد هر یک از طرفین معامله، به وسیله همان دلال، موضوع تعهد خود را به دیگری تسلیم می نماید.

در بعضی کشورها در یک بورس، انواع کالاها مورد معامله واقع می شود، ولی پاره ای کشورهای دیگر برای هر کالای قابل توجه، بورس مخصوصی دارند، مانند بورس پنبه، بورس حبوبات، بورس سهام و غیره (۱)

قبل از این که بازار بورس تشکیل شود، این گونه معاملات غالباً بین فروشنده ها و خریدارها در میدانی یا در پیاده رو خیابان ها انجام می شد، که به بازارچه سهام پیاده رو معروف شده بود. الان هم در خارج از ساختمان بورس و در اطراف آن دلالان معاملاتی می کنند. (۲)

در بازار بورس اگر معامله براساس معاملات اسلامی مانند خرید و فروش، نقد، نسیه، سلف، صرف، مضاربه، مشارکت، جعاله و اجاره صورت بگیرد. معاملات اشکال شرعی نخواهد داشت، ولی اگر بر اساس آنها نباشد، مجاز نخواهد بود.

پی نوشت ها:

۱ - دایره المعارف بزرگ فارسی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲ - همان، ص ۳۷۱.

## آیا در صدر اسلام مسئله مالیات مثل زمان فعلی بود؟

### پرسش

آیا در صدر اسلام مسئله مالیات مثل زمان فعلی بود؟

### پاسخ

مالیات های زمان فعلی با آن چه که در صدر اسلام وجود داشت، تا حدودی تفاوت دارد، توضیح مالیات های اسلامی را به صورت کلی می توان بر دو دسته تقسیم نمود:

۱ - مالیات های مستقیم؛ یعنی مالیات هایی که نسبت یا مقدار یا مورد وضع آن یا ترکیبی از این ها به نوعی مستقیماً از طرف شارع مشخصی معین گردیده است، مثل "خمس"، "زکات"، "خراج" و "جزیه".

۲ - مالیات های تبعی؛ یعنی مالیاتی که حاکم اسلامی می تواند در شرایط خاص وضع نماید و مورد یا مقدار، یا نسبت خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است. فقط تابع هزینه های ضروری دولت و امثال آن است. (۱)



در صدر اسلام به ویژه در زمان پیامبر (ص) به جهت نوپایی و کوچک بودن دولت اسلامی، مالیات‌ها محدود بود و در همان نوع اول مانند خمس غنایم، زکات طلا- و نقره، انعام (چارپایان) ثلاث (گوسفند و شتر و گاو) و غلات اربعه، فیء (انفال)، خراج، جزیه و فدیة بود.

اما بعد که به تدریج دولت اسلام توانمند می‌گردید و متناسب با آن هزینه‌ها و مخارج آن فزونی می‌گرفت، دولت‌ها یا حاکمان اسلامی به تناسب موقعیت‌ها به مالیات‌های قسم دوم رو آوردند. از جمله این که در زمان پیامبر (ص) امام علی (ع) از اسب‌های خاص مالیات می‌گرفتند.

مالیات‌هایی که امروزه در قوانین مدنی ایران وجود دارد، عمدتاً مالیات‌های نوع دوم است که در زمان پیامبر (ص) چندان مطرح نبود.

در مورد تحولات مالیاتی در اسلام به کتاب "بیت المال پیدایش و تحولات آن"، تألیف "خوله شاکر الدخیلی"، ترجمه سید محمد صادق عارف، مراجعه نمایید.

۱ - مقدمه ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام، س.م.ر. مدرسی، ص ۲۰ و ۲۱.

## به خمس و زکات نمی توان امر ملک را تمشیت داد و در شرع اسلام وضع مالیات ناقص است

### پرسش

به خمس و زکات نمی توان امر ملک را تمشیت داد و در شرع اسلام وضع مالیات ناقص است

### پاسخ

این اعتراض از نادانی برخاسته است زیرا که خراج چیز دیگر است و زکات چیز دیگر و هر یک مصرفی جداگانه دارد. زکوه صدقه است برای فقرا و قرض داران و در راه ماندگان و خیرات دیگر و هر کس می تواند پل و کاروانسرا بسازد و مهمان بپذیرد و از زکوه محسوب دارد. و اما خراج برای مصالح دولت است مانند: مشاخره قضاة و روسای کشور و لشکر و دبیران و مرزداران و برید و هر چه امام مصلحت داند و اینها نه خمس است و نه زکوه و هرگز ائمه علیهم السلام از شیعیان خود خراج طلب نمی کردند بلکه خراج را مردم بخلفا می پرداختند و خمس را به امام زکوه تفصیلی دارد. و در کتب فقه گویند خراج و حصه سلطان بر زکوه مقدم است یعنی اگر کسی در زمین خراجی گندم یا جو یا خرما یا مو داشته باشد باید اول خراج سلطان را بیرون کند و از مابقی اگر بحد نصاب رسد زکوه پردازد و اگر یکی از این چهار محصول نباشد مانند باغ میوه و سبزی و برنج و حبوب و خانه و کاروانسرا و دکاکین و مراتع در زمین خراجی باید خراج آنرا پردازد و زکوه ندارد و مقدار خراج بسته بنظر امام است هر چه مصلحت داند. شیخ مفید در رساله مقنعه فرماید: هر زمینی که بشمشیر گرفته شود امام می تواند بمردم آنجا یا غیر ایشان واگذاردهر چه صلاح بیند و قبول کننده

بتواند بپردازد نصف محصول یا ثلث یا ثلثین، و هرزمینی که مردم آن با امام صلح کنند بر مالکیت زمین، بهمان نحو که با امام صلح کردند خواهند بود و شرط امام بر همه مردم نافذ است و امت باید بدان راضی شوند و ائمه بعد از آن نمی توانند بر شرط او بیفزایند یا از آن بکاهند، و هر زمینی که مردمش بی جنگ تسلیم شوند یا از آنجا جلای وطن کنند آن زمین از انفال و مال امام است هر چه خواهد کند. و یونس بن ابراهیم از یحیی بن اشعث کندی از مصعب بن یزید انصاری روایت کرد که امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام عمل چهار روستای مدائن را بمن سپرد: بهقباذات، نهر شیر، نهر جویر، نهر ملک (کذا) و مرا فرمود بر هر بر هر جریب زمین غلیظ که کشتزار باشد یک درم و نیم و بر هر زمین میانه یک درم و بر زمین خفیف دو ثلث درم خراج نهم، و بر هر جریب موستان ده درم و بر هر جریب نخلستان و آنچه نخل و درختان دیگر آمیخته دارد هم ده درم و هر درخت خرما که دوراز ده است بحساب نیورم و برای راهگذر گذارم. انتهی بتلخیص. و علامه در منتهی فرماید: این زمین (یعنی عراق) بغلبه گرفته شد، عمر بن الخطاب آن را فتح کرد و سه تن بدانجا فرستاد: عمار یاسر برای نماز و ابن مسعود قاضی و والی بیت المال و عثمان بن حنیف بر مساحت زمین ۰۰۰۰ و عثمان زمین را مساحت

کرد در اندازه مساحت او خلاف است ساجی گوید سی و دو میلیون ( هزار هزار ) و ابو عبیده گوید سی و شش هزار هزار ( میلیون ) جریب برآمد و بر هر جریب موستان ۸ درم ، و بر درخت و یونجه ۶ درم و بر گندم ۹ درم ، و بر جو ۲ درم مقرر کرد ، و به عمر نوشت و عمر امضاء کرد . و روایت کنند که خراج عراق بعهد عمر ۱۶۰ میلیون درم بود و بزمان حجاج نقصان یافت تا هیجده میلیون و چون عمر بن عبدالعزیز خلیفه شد سال اول سی میلیون و سال دوم خلافتش به شصت میلیون رسید و گفت اگر زنده ماندم سال دیگر آنرا بمقدار زمان عمر رسانم اما همان سال بمرد انتھی . و شیخ در مبسوط با اندک اختلافی در الفاظ همین مطالب را آورده است . و در خراجیه محقق ثانی از قطب راوندی روایت کرده است که زمین از اقصی خراسان تا کرمان و خوزستان و همدان و قزوین و حوالی آن بشمشیر فتح شده است و آن را به مبسوط شیخ نسبت داده .

## مشخصات سرمایه داری چیست؟

### پرسش

مشخصات سرمایه داری چیست؟

### پاسخ

مشخصات سرمایه داری مجموعاً به قرار زیر است:

الف. مالکیت فردی (سوسیالیستها حتی مارکس بکلی با مالکیت فردی به طور مطلق مخالف نیستند).

ب. مالکیت موروثی (بعضی از سوسیالیستها با ارث به اولاد مخالف هستند).

ج. طبیعی بودن - نه ظالمانه بودن - اختلاف افراد در ثروت و مالکیت.

د. مالک شدن ثروت به وسیله ابزار تولید، به عبارت دیگر منفعت از طریق سرمایه.

ه. مالک شدن ثروت به وسیله استخدام نیروی طبقه کارگر و اجرت دادن به آنها و برقرار شدن نظام کارگر و کارفرما.

و. مالکیت به وسیله ربا، به اینکه سرمایه داری به سرمایه دار دیگری قرض ربوی بدهد و دومی به وسیله نظام کارگر و کارفرما تولید کند و سود سرمایه دار و اجرت کارگر را بدهد و ما بقی از خود او باشد. (ربای انتاجی)

ز. مشروع بودن تشکیل «تراست» و تشکیل «کارتل» و در نتیجه استثمار تولید کننده و مصرف کننده. از نظر اسلام تشکیل «تراست» قطعاً ممنوع است و تشکیل «کارتل» چون به منظور تضییق مضاربه و بازار سیاه از لحاظ فروشنده است ممنوع است.

ح. لازمه رژیم سرمایه داری این است که امور اقتصادی جامعه در بست در اختیار افراد معینی قرار بگیرد، نه تنها افرادی ثروت داشته باشند و افرادی نداشته باشند، بلکه افرادی قادر باشند اقتصاد اجتماع را به هر شکلی که بخواند در آورند، یعنی دیکتاتوری اقتصادی باشد، هر چه بخواهند از وسائل تجملی و مخرب و غیره اگر نفع خودشان باشد یا خیال کنند به نفع

اجتماع است تولید کننده ولی عامه مردم محکوم آنها باشند؛ سرنوشت اقتصادی اجتماعشان در اختیارشان باشد. این که همه افراد جامعه حق دارند که سرنوشت اقتصادی

اجتماع خود را در دست بگیرند همانطوری که حق دارند سرنوشت سیاسی اجتماع خود را در دست بگیرند، مطلب جداگانهای است از استثمار افراد و از اینکه تولیدات باید به نفع جامعه باشد نه به سود افراد.

ط. رژیم سرمایه‌داری مالکیت وسائل تولید، چه طبیعت و چه سرمایه را جایز می‌شمارد.

ی. جایز شمردن رباخواری

یا. هدف تولید، منافع افراد نه مصالح عموم.

یب. در سرمایه‌داری منعی برای قطع رابطه ثروت و کار نیست. به عبارت دیگر سود کار نکرده را چه به صورت ارث و چه به صورت ارزش اضافی و درآمد مدیریت کارخانه تچویز می‌کند.

یج. عملاً تعیین نرخ کارگر به دست کارفرماست.

ید. لازمه سرمایه‌داری این است که گروهی به قیمت بدبختی گروه دیگر خوشی داشته باشند.

یه. در رژیم سرمایه‌داری عملاً بردگی و غلامی در کار است، زیرا به قول فیلسین شاله:

منحصر شدن داریها به اشخاص معدودی در به کار واداشتن کارگران آزاد همان تأثیر را داشته است که شلاق در غلام. رنجبر که چیزی ندارد مجبور است فوراً مشغول کار شود والا از گرسنگی خواند مرد.... (سرمایه‌داری و سوسیالیسم ص ۳۵)

یو. تسلط بر سیاست و حاکمیت ملی

یز. جنگافروزی به خاطر استفاده

یح. رقابت و مسابقه برای پر کردن جیب خود.

**روابط اقتصادی چند نوع است؟**

**پرسش**

روابط اقتصادی چند نوع است؟

**پاسخ**

روابط اقتصادی دو نوع است: روابط تکوینی و طبیعی، و روابط اعتباری و قانونی (و به عبارت دیگر دو نوع اقتصاد داریم: اقتصاد طبیعی و اقتصاد برنامه‌ای). روابط طبیعی عبارت است از یک سلسله روابط علی و معلولی که خواه ناخواه در امور اقتصادی پیش می‌آید، مثل روابط مربوط به عرضه و تقاضا و بها در اقتصاد آزاد و مبادله‌ای: تورّم پول، افزایش و کاهش

قیمتها، بیکاری، بحران اقتصادی، سود، ضرر، مزد، مالیات، و امثال اینها. اما روابط اعتباری و قرار دادی عبارت است از قوانین مربوط به حقوق و مالکیت‌های شخصی یا اشتراکی .

## عوامل تولید کننده ثروت چند چیز است؟

### پرسش

عوامل تولید کننده ثروت چند چیز است؟

### پاسخ

عامل تولید کننده ثروت گاهی یک چیز و گاهی دو چیز و گاهی سه چیز می باشد؛ به این ترتیب:

الف. ثروتهایی که فقط طبیعت در تولید و ایجاد آنها دخالت دارد؛ مانند میوه های جنگلی، گل‌های صحرائی، گیاهان دارویی و علف هایی که به درد حیوانات اهلی می خورد.

ب. ثروتهایی که طبیعت به علاوه کار و کوشش انسان در ایجاد آنها دخالت داشته است، مانند درختی که به دست یک انسان کاشته می شود؛ تخم یک درخت دیگر یا قلمه یک درخت دیگر را در زمین می کارد و درخت می گردد. این درخت محصولی است از قوای طبیعت و به کوشش انسانی که قصد تولید داشته است. از این قبیل است دامداری، مرغداری و امثال اینها.

ج. ثروتهایی که (از) طبیعت به علاوه کار به علاوه سرمایه که خود محصولی از کار و طبیعت است به وجود می آید. از این قبیل است محصولات کشاورزی ماشینی حتی غیر ماشینی، و همچنین منسوجات، کفش، داروهای شیمیایی، قند، شکر، نان.

## آیا جزیه مالیات عادلانه ای است؟

### پرسش

آیا جزیه مالیات عادلانه ای است؟

### پاسخ

جزیه یک نوع کمک مالی است از طرف «اهل ذمه» به دولت اسلامی در برابر مسئولیتی که به منظور تأمین امنیت بر عهده می گیرد، پرداخت می گردد. «جزیه» مالیات دولتی است که از مسلمانان تحت عناوین مختلف: زکات، خمس، صدقات و غیره دریافت می شود و لذا افراد ناتوان، دیوانگان، کودکان و زنان از پرداخت جزیه معاف هستند، زیرا «جزیه» مانند مالیات بر درآمد است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«جرت السنه ان لا تؤخذ الجزیه من المعتوه ولا من المغلوب علی عقله» (وسائل الشیعہ، ۱۱، ابواب جہاد عدو، باب ۵۱، حدیث ۱/۱۰۰)

[سنت بر این جاری است کہ جزیه از افراد علیل و ناقص العقل دریافت نشود].

«جزیه اندازه ثابت و معینی ندارد، بسته بہ قدرت و امکانات «اہل ذمہ» است. از امام صادق علیہ السلام درباره اندازه «جزیه» سؤال شد، فرمود:

«ذلک الی الامام یاخذ من کل انسان منهم ماشاء علی قدر ماله و ما یطیق» (وسائل الشیعہ، ج ۱۱/۱۱۴)

[این بسته بہ نظر امام است. پیش از آنکہ میزان جزیه را تعیین کند، بہ وضع آنان رسیدگی می کند، تا میزان جزیه کاملاً عادلانہ تعیین گردد].

«جرجی زیدان» مورخ معروف مسیحی در کتاب «تاریخ تمدن اسلام» می نویسد: «رومیها ہر جا را کہ می گشودند، بر مردم آن نقاط مالیات مقرر می داشتند و میزان مالیات آنها خیلی بیشتر از جزیه مسلمانان بود. مثلاً ہنگامی کہ رومیان کشور «گل» (فرانسہ امروز) را تسخیر نمودند، برای ہر نفر سالانہ نہ تا پانزدہ لیرہ معین کردند کہ مقدار آن درست ہفت برابر جزیه مسلمانان می شد و این مالیات از تمام طبقات و ہمہ مردم بدو استثناء گرفته می شد و حتی غلامان زر خرید نیز از



دادن آن معاف نبودند».

از این حکم معلوم می شود، در اخذ «جزیه» نیز حال «اهل ذمه» مراعات شده است و این از کمال مدارا و مسالمت و عفو و گذشت مسلمانان حکایت می کند..

«محمد بن مسلم» می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: «اهل ذمه» چه چیز باید بدهند تا خون و مال آنان حفظ بشود؟

فرمود: «خراج» (اگر صاحب یا متصرف اراضی مزروعی باشد). و اگر از آنها «جزیه» (مالیات سرانه) اخذ شود، دیگر از بابت زمین خراج نمی پردازند و اگر از بابت زمین «خراج» و مالیات اراضی پردازند، از «جزیه» مالیات سرانه معاف می گردند» (وسائل الشیعه، ج ۱۱، حدیث ۳/۱۱۴-۱۱۵)

از این روایت معلوم می شود «اهل ذمه» یا «جزیه» و مالیات سرانه می پردازند، و یا «خراج» و مالیات اراضی. و لذا بر حکومت اسلامی جایز نیست از اقلیتهای مذهبی غیر از یکی از دو (جزیه یا خراج) مالیات دیگری اخذ نماید، چنانچه محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: از «اهل ذمه»، غیر از «جزیه» مالیات از اموال و چهارپایان آنها دریافت می شود؟ فرمود نه.

بنابراین مقدار «جزیه» در برابر مسئولیتهائی که حکومت اسلامی موظف به انجام آن است، بسیار ناچیز است. «اهل ذمه» با پرداخت مبلغی سالیانه، علاوه بر اینکه امنیت کامل خود را تأمین می کنند، از هرگونه وظیفه ای در مورد امور دفاعی و لشکری معاف هستند و همچنین مالیاتهای که بر طبق قانون اسلام، تحت عناوین مختلف، خود مسلمانان باید به حکومت اسلامی پردازند، به آنها تعلق نمی گیرد.

مسئولیت مسلمانان در برابر حکومت اسلامی به مراتب سخت تر و بیشتر از «اهل ذمه» است، زیرا مسلمانان موظف هستند به عنوان خمس، زکات، خراج و صدقات مبلغی به حکومت

بپردازند و در موقع لازم به خدمت سربازی حاضر شوند، در صورتی که اهل ذمه با پرداخت مبلغی ناچیز از تمام مزایای حکومت اسلامی استفاده می کنند و با مسلمانان در یک ردیف قرار می گیرند، در حالی که مسئولیت حکومت از نظر تأمین امنیت و ایجاد وسائل رفاه و آسایش عمومی نسبت به همه یکسان است.

## صندوق پول و بانک تجارت چیست؟

### پرسش

صندوق پول و بانک تجارت چیست؟

### پاسخ

صندوق بین المللی پولی، یکی از مؤسسات مالی زیر نظر سازمان ملل است. به نسبتی که کشورها در آن سرمایه گذاری بکنند و شرایط حرکت به سمت توسعه اقتصادی را مورد توجه قرار دهند، می توانند از آن وام دریافت کنند. و بهره بانکی خاص خود را دارد.

بانک جهانی یک مؤسسه مالی مستقلی است که بدون سپرده گذاری به میزان اعتبار اقتصادی جهانی کشورها و حرکت در جهت توسعه اقتصادی، وام در اختیار کشورها قرار می دهد و بهره بانکی آن متفاوت از صندوق بین المللی است.

بنابراین صحیح در سؤال باید این باشد که صندوق بین المللی پول و بانک جهانی چیست؟

در خصوص کلمه تجارت که در سؤال آمده است باید اشاره کنم که سازمانی نیز به نام سازمان تجارت جهانی (WTO) وجود دارد که هر کشوری به آن پیوندد قوانینی خاص گمرکی دارد که بیشتر به تسهیل در امر صادرات و واردات می پردازد در این سازمان کشورهایی که ضعیف هستند از نظر اقتصادی اگر بدون محاسبه وارد شوند بشدت ضربه خواهند خورد.

## راه های جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران چیست ؟

### پرسش

راه های جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران چیست ؟

### پاسخ

- جذب سرمایه گذاری خارجی تابع متغیرهای گوناگونی است . برای جذب آنها در درجه اول تعیین الگویی مناسب با مقتضیات و مصالح عالی نظام جمهوری اسلامی لازم است . برخی از موانع سرمایه گذاری های خارجی عبارتند از:

الف ) تبعیت برخی کشورها از سیاست های آمریکا،

ب) عدم ثبات کافی در سیاست های اقتصادی ایران و

ج) تضادهای فرهنگی .

طبیعی است برای جذب سرمایه های خارجی مبارزه با هر یک از موانع لازم است ، لیکن رفع برخی از موانع یا خارج از اراده ی ما است یا توفیق ما در آن اندک می باشد و یا مبتنی بر شرایطی است که برای ما چندان مطلوب نیست . آنچه بیش از همه از سوی ما قابل انجام است و باید بر آن جدیت ورزید، بند ((ب)) می باشد.

### لطفاً بفرمایید هنگام ورود به محل کسب خواندن چه آیاتی مناسب است

پرسش

لطفاً بفرمایید هنگام ورود به محل کسب خواندن چه آیاتی مناسب است

پاسخ

آداب کسب و تجارت یکی از مباحث مهم و شیرین کتاب های فقهی و حدیثی است خوب است که هر کاسبی دست کم یک دور این مبحث را مطالعه کند. معمولاً فقها و محدثین در ابتدای این مبحث حدیث معروف حضرت علی را خطاب به کاسب ها و تجار ذکر می کنند. حضرت در این حدیث سه بار می فرمایند: "تفقه سپس تجارت و تفقه سپس تجارت (الکافی شیخ کلینی ، ج ۵، ص ۱۵۰، دارالکتب الاسلامیه ) یعنی ابتدا آداب و احکام تجارت و کسب را یاد بگیرید و سپس به آن اقدام کنید تا مبادا در دام حرام و شبهات بیفتید. آیات و اذکاری که مناسب از پیش از ورود به محل کسب خواننده متعدد است در یکی از روایت ها حضرت امام صادق توصیه می کنند پیش از ورود به محل کسب این دعا را بخوانید: "اللهم انی اسألک من خیرها و خیر اهلها و اعوذبک من شرها و شر اهلها اللهم انی اعوذبک من ان اظلم او اظلم او ابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی علی" اللهم انی اعوذبک من شر ابلیس و جنوده و شر فسقه العرب و العجم و حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم خدایا من از تو بازار خوب و اهل خوب آن را می خواهم و از بازارش و اهل شر آن به تو پناه می برم و از این که ظلم کنم یا کسی به من ظلم کند یا تجاوز از حد کنم یا کسی به من ستم کند

به تو پناه می برم خدایا از شرّ ابلیس و لشکریان او شرّ فساق عرب و عجم به تو پناه می برم خداوند مرا کفایت می کند، هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او صاحب عرش بزرگ است" (وسایل الشیعه شیخ حرعاملی، ج ۱۷، ص ۴۰۸، مؤسسه آل البیت) در دعای دیگری در کتاب مستدرک نقل شده است هنگامی که خواستی وارد مغازه گردی سوره توحید را بیست و یک مرتبه می خوانی پس می گویی "اللهم یا واحد یا احد یا من لیس کمثله احد اسألک بفضل قل هو الله احد ان تبارک لی فیما رزقتنی و ان تکفینی شر کل احد". (مستدرک الوسایل محدث نوری ج ۱، ص ۵۷، مؤسسه آل البیت) در پایان بی مناسبت نیست که همه ما توصیه زیر از حضرت صادق را به گوش جان بسپریم آن حضرت در روایتی می فرماید: "چه می شود که بازرگانان بعد از این که به منزل برمی گردند بیش از خواب سوره ای از قرآن را تلاوت کنند تا با تلاوت هر آیه ای ده پاداش نصیبشان شده و ده گناه از آنان محو شود." (الکافی کلینی، ج ۲، ص ۶۱۱، دارالکتب الاسلامیه)

## اهمیت و ارزش کشاورزی را از دیدگاه قرآن بیان کنید؟

### پرسش

اهمیت و ارزش کشاورزی را از دیدگاه قرآن بیان کنید؟

### پاسخ

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است و یکی از اهرم های استقلال اقتصادی هر کشور است استقلال سیاسی نیز تا حد فراوانی به آن وابسته است از این رو، دین اسلام به کشاورزی اهمیت ف.....S.....[داده و برای آن ارزش بالایی برشمرده است

از آن جا که قرآن کریم برای .....بشر به کمال حقیقی و سعادت واقعی است آن چه در این هدف هدایت انسان لازم بوده بیان کرده است بدین جهت آیاتی که درباره کشاورزی و زراعت در قرآن وجود دارد، در راستای همان هدف است در چندین آیه به کشاورزی و زراعت اشاره شده است

"أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ مِ يَنْبِيعٍ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ مَفْتَرِغًا ه مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطًّا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (زمر، ۲۱) مگر ندیدی خدا از آسمان آبی فرو آورد، پس آن را به چشمه هایی که در [طبقات زیرین زمین است راه داد، آن گاه با آن کشتزاری را که رنگ های آن گوناگون است بیرون می آورد، سپس خشک می گردد، آن گاه آن را زرد می بینی سپس خاشاکش می گرداند. قطعاً در این [دگرگونی ها] برای صاحبان خرد عبرتی است"

"أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (سجده ۲۷) آیا ننگریسته اند که ما باران را به سوی زمین بایر می رانیم و با آن کشته ای را بر می آوریم که دام هایشان

و خودشان از آن می خورند؟ مگر نمی بینند؟

"أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَبًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ - (واقعه ۶۳۶۵) آیا آن چه را کشت می کنید ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را [بی یاری ما] زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت می کنیم اگر بخواهیم قطعاً خاشاکش می گردانیم پس در افسوس [و تعجب می افتید]."

از این آیات استفاده می شود که نزول باران و رویش گیاهان و درختان به دست خداست و کار کشاورز بذرافشانی و ایجاد زمینه رویش گیاه است پس باید کشاورز در کارش به خدا توکل داشته باشد، و این یکی از بالاترین ارزش های کشاورزی است

روایات فراوانی در اهمیت کشاورزی از پیامبر و امامان نقل شده است که برخی از آن ها چنین است

حضرت امیرالمؤمنین می فرماید: هر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور کند. (ر.ک علامه مجلسی، بحارالانوار، مؤسسه الوفا، بیروت ج ۱۰۰، ص ۶۵).

حضرت رسول اکرم می فرماید: وظیفه شماست که به تربیت گوسفند و کشاورزی پردازید که رفت و آمد هر دو خیر و برکت است (ر.ک همان ج ۶۱، ص ۱۲۰).

امام صادق می فرماید: هیچ عملی نزد خدا از زراعت محبوب تر نیست (ر.ک همان ج ۱۰۰، ص ۶۹).

و نیز آن حضرت می فرماید: کشاورزان گنج های مردمند. غذای پاکیزه را که خداوند ارزانی داشته است زراعت می کنند و آنان در روز قیامت برترین مقام را دارند و به خدا نزدیک ترند و آنان را به نام "مبارک ها" صدا می زنند.

ر.ک فروع کافی ثقه الاسلام کلینی ج ۵، ص ۲۶۱، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۱۶۲۱۶۵، دارالکتب الاسلامیه )

## **من و چند نفر از دوستان شروع به انجام تحقیقی با موضوع "تحقیق و بررسی آیات قرآنی در ارتباط با کشاورزی با استفاده از تفاسیر و کتاب های علمی مربوطه کرده ایم خوشحال می شدیم اگر شما در این رابطه ما را یاری کنید و همچنین پیشنهادی در ارتباط با چگونگی بهتر انجام**

### **پرسش**

من و چند نفر از دوستان شروع به انجام تحقیقی با موضوع "تحقیق و بررسی آیات قرآنی در ارتباط با کشاورزی با استفاده از تفاسیر و کتاب های علمی مربوطه کرده ایم خوشحال می شدیم اگر شما در این رابطه ما را یاری کنید و همچنین پیشنهادی در ارتباط با چگونگی بهتر انجام دادن این تحقیق ارایه دهید؟

### **پاسخ**

خرسندیم از این که جوانانی چون شما در راه تحقیق و نشر معارف قرآن کریم گام نهادهاید. به امید موفقیت شما و همه خادمان قرآن کریم

به طور کلی در تمام دین های الهی به موضوع زراعت فلاحت باغداری دامداری و نیز طبیعت توجه شده ولی به ویژه در اسلام و قرآن کریم که مکمل سیره گذشته ادیان و آخرین آن هاست برای این امر اهمیت قابل توجهی داده شده است

در قرآن کریم به طور مکرر و با جنبه اهمیت به عوامل مهم کشاورزی اشاره شده است هم چنین به توصیف و تعریف باغ و بوستان که از پدیده های کشاورزی می باشد، پرداخته شده است

در قرآن کریم افزون بر موضوع های یاد شده از بسیاری از گیاهان به ویژه از آن ها که مورد پرورش و کشت و کار قرار می گیرند نام برده می شود، چه گیاهانی که در وصف بهشت یاد شده است و چه آن ها که در روی زمین معمولی کشت می گردد. جالب آن است که بیشتر این گیاهان همان ها هستند که هم اکنون نیز به خوبی به کشت آنها مبادرت می شود و از اهمیت و واقعیت آن ها چندان کاسته نشده است

همین قدر یادآور می شود که

در قرآن مجید در حدود ۵۵۰ آیه وجود دارد که به نحوی با موضوع کشاورزی در ارتباط می باشد و این تعداد آیه شاید ۹۸ درصد کل آیات قرآنی را در بر می گیرد.

به هر حال موضوع یاد شده جای تحقیق دارد و می طلبد که خادمان و محققان قرآن کریم از آن غفلت نکنند.

پیشینه تحقیق متأسفانه در عین اهمیت این موضوع با امکاناتی که در اختیار ما بود، به کتاب یا مقاله مستقلی در زمینه یاد شده با ویژگی تطبیق آیات و تفاسیر با کتب و موضع های علمی کشاورزی دست نیافتیم جز این که موضوع "کشاورزی در قرآن را در برخی کتاب ها می توان دید. این کتاب ها را به چند بخش می توان تقسیم کرد:

۱. کتاب های تفسیری در بسیاری از تفاسیر در ذیل برخی آیات به موضوع زراعت و کشاورزی اشاره شده است برخی از این موضوع ها عبارتند از:

کشاورزان (قصه گفتگوی سلیمان غ با کشاورزان ، تفسیر کشف الاسرار، ذیل آیه ۱۷ نمل

اهمیت کشاورزی تفسیر المنیر، ذیل آیه ۲۶۱ سوره بقره تفسیر نمونه ذیل آیه ۵ سوره نحل

آداب زراعت تفسیر المنیر، ذیل آیه ۶۴ سوره واقعه

کیفیت لقاح در گیاهان تفسیر پرتوی از قرآن ذیل آیه ۳۷ آل عمران

زوجیت نباتات تفسیر الکاشف ذیل آیه ۳ رعد، تفسیر المیزان همان تفسیر نمونه ذیل آیه ۷ شعرا،

شگفتی های آفرینش گیاهان تفسیر کبیر فخر رازی ذیل آیه ۷ طه

کیفیت تلقیح درختان با باد، تفسیر مراغی ذیل آیه ۲۲ حجر،

اهمیت غذاهای

گیاهی تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۲ عبس (ر.ک فرهنگ موضوعی تفاسیر (بر اساس بیست دوره تفسیر قرآن از شیعه و اهل سنت مرکز فرهنگ و معارف قرآن مدخل "گیاهان ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم )

۲. کتاب های با عنوان اقتصاد در قرآن در ضمن برخی کتاب ها با عنوان یاد شده به موضوع کشاورزی نیز اشاره شده است از جمله

خطوط کلی اقتصادی در قرآن و روایات جعفر خوش نویس مترجم مهدی انصاری کتابخانه امیرالمؤمنین اراک

۳. کتاب های مستقل درباره کشاورزی و گیاهان در قرآن ۱. کشاورزی و دامداری در اسلام جعفر شیخ الاسلامی انتشارات اسلامی

۲. گیاهان در قرآن دکتر محمد اقتدار حسین ترجمه احمد نمائی بنیاد پژوهش های اسلامی (مشهد)؛

۳. النباتات فی القرآن الکریم جمال الدین حسین مهران مکتبه الانجلو مصریه

در ضمن کتاب های دیگری با عنوان زیر موجود است که شاید در تحقیق شما موثر باشد:

۱. تغذیه در قرآن دکتر محمد خوانساری انتشارات واقفی مشهد ۱۳۷۷؛

۲. التداوی بالاعشاب احمد مصطفی هدا للنشر و الطباعه ۱۹۹۹؛

۳. مع الطب فی القرآن محمد محمود عبدالله، الرشید، بیروت ۱۹۹۶؛

۴. الغذاء الشافی من القرآن دکتر موسی الخطیب دارالاحیل بیروت ۱۹۹۵؛

۵. عالج نفسک بالقرآن و الاعشاب محمد نبیه دارالبیان العربی

۶. الطب القرآنی محمد محمود عبدالله، دارالکتب العلمیه

در پایان چند نکته شایان توجه است

۱. به کارگیری ابزار علمی برای فهم معانی قرآنی



کاری بس دشوار و ظریف است زیرا علم ثبات ندارد و با پیشرفت زمان گسترش و دگرگونی پیدا می کند و چه بسا یک نظریه علمی چه رسد به فرضیه که روزگای حالت قطعیت به خود گرفته باشد، روزدیگر چون سرابی محو و نابود گردد. آری اگر دانشمندی با ابزار علمی که در اختیار دارد و قطعیت آن برایش روشن است توانست از برخی ابهامات قرآنی پرده بردارد، کاری پسندیده است مشروط بر آن که با کلمه "شاید" نظر خود را آغاز کند، تا اگر در آن نظریه علمی تحولی ایجاد گردد، به قرآن صدمه ای وارد نشود.

حاصل آن که هرگز نباید میان دیدگاه های استوار دین و فراورده های ناپایدار علم پیوند ناگسستنی ایجاد نمود.

۲. مطالعه کتاب های اعجاز علمی در قرآن و طبیعت در قرآن در غنا بخشیدن به تحقیق شما نقش مؤثری خواهد داشت

## **علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و... نمی شود؟**

### **پرسش**

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و... نمی شود؟

### **پاسخ**

هر چند تعطیلات بیش از اندازه را می توان یکی از عوامل موثر در عقب ماندگی رکود اقتصادی و صنعتی و... دانست . اما با بررسی دقیق می توان به این نتیجه دست یافت که وجود تعطیلات رسمی به این اندازه (مثلاً ۲۵ روز) نمی تواند عامل مهمی در وجود مشکلات و عقب ماندگی های جامعه تلقی شود به دلایل ذیل :

اولاً، در بسیاری از کشورهای پیشرفته ، تقریباً " مشابه این تعطیلات به صورت رسمی وجود دارد مثلاً" در آلمان در حدود ۱۹ روز تعطیل رسمی می باشد که در حدود ۷۶ درصد آن تعطیل مذهبی می باشد (حدود ۱۵ روز)، (فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۳۰۷) بنابراین نفس این مقدار تعطیلات نمی تواند مانع عمده ای در توسعه باشد.

ثانیا، اهمیت دادن به اعیاد مذهبی (مانند عید قربان ، فطر، غدیر خم و...) و عزاداری ، سالروز، رحلت یا شهادت بزرگان دین (مانند رحلت رسول اکرم (ص)، عاشورا و...) نقش بسیار زیادی در گسترش فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی دارد و خود از تعظیم شعائر بوده که در قرآن کریم خداوند بر آن توصیه فرموده است (حج ، آیه ۳۲) و ائمه معصومین (ع) نیز بر آن تأکید نموده اند. امام باقر(ع) در زمینه برپایی عزا برای امام حسین (ع) دستور می فرمایند: ((که برای امام حسین (ع) ندبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود دستور دهد که بر او بگریند و مراسم عزاداری برپا کنند))، (کامل الزیارات ، ص ۱۷۵). و

همچنین از ائمه اطهار(ع) وارد شده است که شیعیان ما در عزای ما محزون و در شادی ما شاد می باشند. برای این روزها در کتب روایی اعمال و آداب مخصوص وارد شده (مانند نماز در روزهای عید و..). که نشانگر اهتمام ائمه اطهار به این روزها می باشد، بنابراین اگر چه از لحاظ اقتصادی در روزهای تعطیل، جامعه در ظاهر پیشرفتی ندارد، ولی از لحاظ معنوی و فرهنگی تاثیر بسیاری در پیشرفت و ترقی جامعه دارد که غیرمستقیم می تواند اثرات آن به بخش های مادی جامعه از قبیل اقتصادی، صنعتی و... نیز سرایت کرده و باعث شکوفایی و پیشرفت آنها می شود. به عنوان نمونه بیشترین مشکل در بخش های اداری و دولتی ما نبود وجدان کاری می باشد که باعث ایجاد یک نظام اداری غیرکارآمد همراه با بازدهی خیلی پایین و سایر مشکلات شده است. در صورتی که دستگاه های فرهنگی و رسانه های عمومی بتوانند بر اثر آموزه هایی که در بزرگداشت مراسم مذهبی و... به افراد می آموزند، باعث تقویت ایمان، تقوا، تعهد و... افراد جامعه شوند، بسیاری از مشکلات اداری، اقتصادی و... جامعه حل خواهد شد و در تقویت انگیزه و میزان کارآیی نیروهای تولیدی و... بسیار موثر خواهد بود، لذا در کشورهای پیشرفته به نقش مذهب برای کارکرد بخش های دیگر جامعه و نهایتاً "نظام اجتماعی بسیار توجه می شود و بسیاری از روزهای مهم و اعیاد مذهبی خود را به صورت تعطیل رسمی درآورده اند، (فرامرزی رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۳۰۷).

ثالثاً، چرا وقتی سخن از کثرت تعطیلات می آید

بلافاصله تعطیلات مذهبی را نشانه رویم . مگر تعطیلات باستانی نوروزی را نمی توان کاهش داد. یکی از سیاست های دولت شهید رجایی همین مسائله بود, ولی متأسفانه حتی برای یک سال هم نشد که تعطیلات سیزده روز نوروزی را در مراکز آموزشی به ۵ روز تقلیل دهند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹